www.iran-archive.com

خبرنامه

شمارهٔ ۶۱ تا ۷۰

www.komala.org

خبرنامه

کومه له_سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

61

چهارشنبه 4 اردیبهشت 1381

www.komala.org

□□ اطلاعیه ی کومه له در پیوند با روز جهانی کارگر	
□□ اخبار شهرهای کردستان	
□□ اخبار کارگران ایران	
□□ موضع گیری اخیر کمیسیون حقوق بشر و ذکر چند نکته	سیامك حیدری
□□ بحران دمکراسی و انتخابات ریاست جمهوری فرانسه	م. رازی

www.iran-archive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com

چهارشنبه 4 اردیبهشت ماه 1381

اطلاعیه ی کومه له در پیوند با روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز همبستگي جهاني كارگران را با شكوه تر از هر سال برگزار كنيم!

اول ماه مه، روز همبستگي جهاني كارگران در راه است. بيش از صد سال است كه روز اول مه به روز اتحاد باشكوه و نمايش همبستگي بين المللي طبقه ي كارگر تبديل شده و قدرتمندترين جنبش و حركت كارگران در سراسر گيتي را تشكيل مي دهد. اين روز باشكوه اين سنت ديرينه. اين جنبش و حركت ارزشمند مزدبگيران و فروشندگان نيروي كار، يعني اكثريت عظيم جامعه ي بشري، را گرامي بداريم و با تمام توان را گسترش دهيم. در برگزاري سومين اول مه از سده ي جديد، شمار مزدبگيران و فروشندگان نيروي كار، از كارگران متخصصي كه چرخ هاي تكنولوژي و خدمات پيشرفته ي معاصر را مي گردانند و ثروت هاي نجومي خلق مي كنند گرفته تا آن اقشار كارگري كه در شرائط برده وار در بخش اعظم كشورهاي موسوم به جهان سوم به انباشتن ثروت براي خداوندان و امپراطوران سرمايه مشغولند، از هميشه بيشتر است. با اين وصف، موقعيت خود آفرينندگان ثروت هاي مادي و معنوي جهان رو به وخامت رفته است. در كشورهاي پيش رفته ي سرمايه داري، با ادامه ي تسلط سياست هاي دست راستي در دو دهه ي اخير، روند بازپس گيري دستاوردهاي مبارزاتي كارگران و دست آوردهاي رفاهي اين جوامع كه نتيجه ي مستقيم مبارزات كارگران بوده است، كماكان ادامه دارد و اخراج هاي پي در پي سالانه صدها هزار كارگر را به ارتش بيكاران مي افزايد. در اين جوامع حمله به معيشت كارگران و حمله به دست آوردهاي اقشار آسيب پذير مانند بيكاران، مادران تنها و سالمندان، توام با بيگانه ستيزي، به نخستين مواد پلاتفرم انتخاباتي جناح هاي سرمايه داري تبديل گشته است. در حاشيه و قلب زيباترين و باشكوه ترين پايتخت هاي جهان كه در آن ثروت و رفاه و پيشرفت و تكنولوژي به اوج خود رسيده است، هر چه بيشتر صحنه هاي بي رحمانه و رقت-انگيزي از محروميت و بي خانماني به چشم مي خورد.

در ديگر كشورهاي جهان، اكثريت عظيم توده هاي مردم، كارگران و زحمتكشان اسير رژيم هاي خودكامه سرمايه داري، استثمارگر و سركوبگري هستند كه فقط از طريق قدرت قهريه بر كرسي حاكميت به بقاي خود ادامه مي دهند. نيروي كار ارزان اين جوامع از سوي كمپاني ها و تراست هاي غول آسا با حرص و ولع سيري ناپذيري به تاراج برده مي شود، محيط زيست شان به اشغال داني زباله هاي اتمي تبديل شده و جنگ، اعتياد، فحشا و بيماري و عدم دسترسي به ابتدايي ترين امكانات زندگي هر روزه تعداد وسيع تري را به ورطه ي غير انساني ترين شرايط فرو مي برد.

در نتيجه ي حاكميت چنين مناسباتي، شمار مردماني كه در بيغوله ها و حاشيه ي بزرگترين شهرهاي جهان هم چون مردمان قرون دور دست زندگي مي كنند، شمار كودكان خياباني، كودكان كارگر و اسير در دام باندهاي مافيايي سكس و اعتياد، و در يك كلام شمار محكومان نظام سرمايه داري به يك زندگي بدوي سر به ميلياردها نفر زده است و اين روند با آهنگ سريع تري هم چنان ادامه دارد و هيچ گونه دورنماي اميدبخشي نيز تحت حاكميت اين نظام به چشم نمي خورد.

در كنار همه ي اين ها، سرمايه داري حتي از ايجاد يك رشد و رونق اقتصادي بادوام در اين دوره ناتوان بوده است. اكنون بيش از دو دهه است كه با وجود نوآوري هاي فني خيركننده، ركود و كسادي هاي پربيامد اقتصادي سرمايه داري جهاني را فراگرفته و بازارهاي مالي هر لحظه انتظار سقوط را مي كشند. بيكارسازي به جزء دايمي توليد سرمايه داري در كشورهاي توسعه يافته تبديل شده و فاصله ي بين كشورهاي فقير و غني مرتباً رو به افزايش داشته است. علاوه بر اين ها، گسترش نژادپرستي و بيگانه ستيزي، قدرت گيري جريانات دست راستي افراطي و شبه فاشيستي، افزايش خشونت هاي پليسي و افزايش جرايم، تبديل فساد مالي به يكي از پديديه هاي ثابت و غيرقابل حذف اكثريت دولت هاي بورژوايي و جهان، از دست رفتن مشروعيت دولت ها، سلطه ي هرچه بيشتر ماليه داران و بورس بازان بين المللي بر دولت ها و ناتواني پارلمان هاي كشورها در برقراري كنترل بر اين سلاطين بورس، پديده هاي همراه نظام سرمايه داري در پايان هزاره ي دوم و آغاز هزاره ي سوم را تشكيل مي دهد. جالب است كه تحت چنين شرايطي سياست گذاران و مدافعات ليبراليسم نو از پيروزي سرمايه داري صحبت كرده و ادعا مي كنند "آلترناتيو ديگري وجود ندارد".

در مقابل چنين شرايطي، طي سال هاي گذشته جنبش هاي ضدسرمايه داري، كه در تجمعات باشكوهي در امريكا، برزيل، ايتاليا، سويس و سوئد ابراز وجود كردند، نشان و گواه اين واقعيت بودند كه در اعماق جنب و وش هايي در جريان است كه چه بسا به تكان هاي بزرگ اجتماعي تبديل گردد. اعتصاب بيش از ده ميليون از كارگران و ديگر حقوق بگيران ايتاليا در هفته ي گذشته و اعتصابات بزرگ و كوچك ديگر در اغلب كشورها از نشانه هاي چنين جنب و جوشي است.

در ايران تحت حاكميت جمهوري اسلامي، فاصله ي فقر و ثروت ابعاد بي سابقه اي به خود گرفته است.

www.iran-archive.com

"عدل اسلامي" چيزي جز يك رژيم سرمايه داري هار و با پوششي مذهبي نبوده و تعرضي دائمي به معيشت و سفره ي كارگران و زحمتكشان و افزايش مداوم به خيل بيكاراني كه در خيابان هاي همه ي شهرها موج مي زنند, سياست نه چندان پنهان حكام اسلامي بوده است. برقراي چنين زندگي فلاكت باري را جمهوري اسلامي با تعرض دائمي به جنبش كارگري, اعدام هاي گسترده ي رهبران و فعالين كارگري و يا تبعيد آنان و اعمال يكي از كم نظيرترين سركوبگرهاي معاصر و درهم شكستن سازمان هاي چپ و انقلابي ممكن گردانيده است. گسترش ارتش گسترده ي بيكاران, افزايش هولناك كودكان خياباني, افزايش مداوم خريد و فروش زنان و دختران جوان, ابعاد فاجعه بار اعتياد, فحشا و ديگر مصائب اجتماعي نتيجه ي حاكميت چنين رژيمي بوده است. اما جنبش كارگري ايران و طبقه ي كارگر و توده هاي مردم زحمتكش پس از سالها سركوب, با توان ونيروي تازه اي دارد دوباره سربلند مي كند و جمهوري اسلامي را به مصاف مي طلبد. اعتصابات كارگري در بسياري از مراكز كارگري مدت هاست كه به روزنامه ها و ديگر رسانه هاي جمهوري اسلامي راه گشوده ا ست. بهانه هاي سركوبگري گذشته براي جمهوري اسلامي كارائي خود را از دست داده است و توان واقعي اين رژيم در سركوب حركات كارگري و اعتراضات توده اي نيز در مقابل افزايش مبارزه جويي توده ها سخت كاهش يافته است. علل ظاهر شدن " انتقادي" خانه ي كارگر, روزنامه ي كار و كارگر, علم كردن حزب اسلامي كار و نوعي دفاع از حق اعتصاب(اگر چه به روايت خود) را در اين واقعيت بايد جستجو كرد كه جنبش كارگري ايران ومبارزات طبقه ي كارگر به مراحلي گام نهاده است كه جمهوري ا سلامي ديگر نه مي تواند آن را ناديده بگيرد و نه صرفاً با توحش لجام گسيخته ي دهه ي شصت با آن مقابله كند. اين است كه "نفوذ" در مبارزات كارگري و به بيراهه بردن آن را از طريق ديگري در پيش گرفته است. اما واقعيت اين است كه مبارزه ي طبقه ي كارگر ايران و توده هاي مردم زحمتكش اجازه ي چنين شيادي هايي را به دارودسته هاي رژيم نداده و اجازه نخواهد داد كه پيكار آنان به وسيله اي براي تصفيه حساب هاي جناحي تبديل گردد. مبارزه براي ايجاد تشكل وسيع و سراسري و مستقل كارگران بايد در سرلوحه ي فعاليت هاي كارگران آگاه قرار بگيرد زيرا تنها به نيروي تشكل و اقدام جمعي است كه كارگران مي توانند خواست هاي برحق خود را پيگيري كرده و نيروي اجتماعي بزرگ خود را در جهت مصالح عمومي توده ي عظيم مردم زحمتكش به كار اندازند.

در كردستان زندگي توده هاي كارگر و زحمتكش در سطح به مراتب پايين تري قرار دارد. فقر و محروميت ابعاد گسترده اي به خود گرفته است. بيكاري در كردستان هر كارگر و هر جواني را در پنجه ي خود مي فشارد و با بي آيندگي مواجه مي سازد. كارگران مهاجر كرد كه در سرتاسر مراكز كارگري در ايران پراكنده اند و جزو بي حقوق ترين و محروم ترين بخشهاي كارگران به شمار مي آيند. كارگاه هاي كوچك در كردستان به وفور وجود دارد كه كارگرانش هم سنتاً و هم اخيراً قانوناً از دسترسي به ابتدايي ترين قانون كار دور نگه داشته شده اند. بخش قابل توجهي از كارگران در كرد ستان كارگران كشاورزي هستند كه بدون هيچ گونه نظارت و حمايت قانوني در شرايط سخت و جانكاهي بخشي از سال را ناچارند براي يك سالشان زحمت بكشند. بخش زيادي از كارگران كوره هاي آجرپزي را در سراسر ايران كارگران كرد تشكيل مي دهند كه كماكان يكي از سنتي ترين و شاق ترين شيوه هاي استثمار و بهره كشي در اين مراكز به حيات خود ادامه مي دهد. كارگران كردستان, چه به دليل وضعيت اقتصادي و چه به دليل محدوديت ها و سركوب گري هاي رژيم جمهوري اسلامي, از داشتن تشكل هاي كارگري, جز در سطح بسيار محدود و ناچيزي, محروم بوده اند.

به علاوه, جمهوري اسلامي از همان ابتدا با سياست تبعيض آميز به هرگونه راه اندازي پروژه هاي توليدي وعمراني در كرد ستان نگريسته و در اجراي همين سياست اكنون سال هاست كه جمهوري اسلامي پروژه هاي عمراني و تاسيسات توليدي را در كردستان به شدت محدود كرده است. عقب نگه داشتن كردستان از نظر اقتصادي و عمراني و توليدي, كه به نوبه ي خود معضل بيكاري را وخيم تر كرده, همراه با تداوم فقر و محروميت, مكمل لشكركشي جمهوري اسلامي در كردستان بوده است كه طي دو دهه ي گذشته اين جامعه را با شرايط دشواري روبرو ساخته است.

با تمام اين دشواري ها و تضييقات, مبارزات حق طلبانه ي كارگران در كردستان در فرصت هاي گوناگون قد علم كرده كرده و تلاش خستگي ناپذير آن ها براي ايجاد تشكل هاي مستقل ادامه يافته است. شركت كارگران در مبارزات توده اي كرد ستان و به دوش كشيدن بخش بزرگي از رنج و مصائب اين جامعه, كارگران كردستان را از هر لحاظ در تلاش و پيكار براي زدودن همه ي آثار بي عدالتي و سركوب به تكاپو انداخته است. در ميان كارگران ايران و در هر يك از مركز كارگري كه كارگران كردستان حضور دارند به عنوان عناصر ضدرژيم و سرسخت عليه جمهوري اسلامي و ياور هميشگي مبارزات كارگري شناخته شده ودر برملا ساختن جنايات رژيم در كردستان براي ديگر كارگران و مردم نقش افشاگرانه ي موثري داشته اند اول ماه مه فراخوان هميشگي براي همبستگي بين المللي كارگري است. اول ماه مه امسال فراخواني براي مقابله ي گسترده ي جهاني عليه تعرض آشكاري است كه عليه طبقه كارگر در سراسر جهان در جريان است. در ايران تحت حاكميت جمهوري اسلامي كه بحران اقتصادي و فلاكت و ورشكستگي مراكز توليدي همراه با جنگ جناح ها و انزواي روزافزون بين المللي اين رژيم و بالاخره اوج گيري مبارزات كارگري و توده اي, توانايي سركوب به شيوه ي گذشته را از اين رژيم گرفته است, اول ماه مه امسال بيش از هر زماني زمينه هاي مساعدي را براي حضورمستقلانه ي كارگران و تحريم و خنثي ساختن مراسم هاي كذايي دولتي و جناح هاي وابسته به آن فراهم ساخته است. تلاش براي ايجاد تشكل هاي مستقل

www.iran-archive.com

و فراگير هدف تخطي ناپذيرکارگران آگاه و پيشرو است و مراسم هاي اول ماه مه بايد از جمله به عرصه اي براي تقويت و گسترش اين تلاش تبديل شود. مبارزه براي ايجاد تشکل هاي کارگري, هرچند کوچک, و ايجاد پيوند و همبستگي بين بخش ها وتشکل هاي گوناگون کارگران, گام مهمي است که در کردستان بايد در سرلوحه ي فعاليت هاي کارگران آگاه قرار گيرد. اول ماه مه در کردستان بايد شاهد افزايش تلاش دراين راستا باشد.

زنده باد اول ماه مه

زنده باد سوسياليسم

کومه له _ سازمان انقلابي زحمتکشان کردستان ايران

چهارم اردیبهشت ماه 1381, 24آوريل 2002

***

1

چاپ کن! | صفحه اول!

www.iran-archive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com چهارشنبه 4 اردیبهشت ماه 1381

اخبار شهرهای کردستان

سردشت:

بنا به اخبار رسیده از شهر سردشت, رژیم اسلامي طي چند روز گذشته در منطقه ي آلان سردشت تجمع نموده و نيروي زيادي به آنجا گسيل داشته است. اين حركت رژيم باعث ناراحتي و مزاحمت براي مردم منطقه و برهم زدن آسايش و برهم خوردن نظم زندگي روزمره ي آنها گرديده است.

براساس اطلاعات مردم و گفته هاي خود نيروهاي رژيم, تحركات اخير نيروهاي رژيم و گسيل آنان به منطقه آلان به منظور تهديد احزاب سياسي كردستان عراق و حكومت اقليم كردستان و تحميل فشار بر مردم كردستان عراق مي باشد. اين اولين و آخرين باري نيست كه رژيم جمهوري اسلامي به منظور كسب امتياز از احزاب سياسي كرد و حكومت اقليم كردستان, به ايجاد آشوب و نا امن ساختن مرزهاي كردستان عراق اقدام مي نمايد.

* بنا به خبري كه از منطقه "زمزيران" سردشت به دستمان رسيده است. روز دوشنبه 26 م فروردين ماه نيروهاي سركوبگر رژيم به فرماندهي يكي از افسران انتظامي با نام سرهنگ اكبري از مهاباد حركت كرده و در گردنه "زمزيران" مستقر مي گردند. همزمان با آن نيز نيروهاي امنيتي شهر سردشت به اين محل گسيل مي شوند, بنا به همين خبر جمعيت كثيري از كاسبكاران مرزي كه قصد عبور از اين محل را داشته اند, از هر طرف مورد محاصره نيروهاي رژيم قرار مي گيرند, كاسبكاران كه خود را در محاصره نيروهاي رژيم مي بينند, به قصد اينكه دستگير نشوند, پاي به فرار مي گذارند و نيروهاي رژيم نيز با شليك گلوله آنها را مورد تعقيب قرار مي دهند, كه در نتيجه اين تيراندازي پسري بنام " ناصر " از ناحيه پا زخمي مي شود.

مهاباد:

بنا به اخبار رسيده از شهرستان مهاباد, يك جوان مهابادي به نام چيا كريمي روز چهارشنبه 4 ارديبهشت ماه سال جاري قرباني مواد مخدر شده و بر اثر مصرف مواد مخدر جانش را از دست داده است

***

www.iran-archive.com

چاپ کن! | صفحه اول!

اخبار کارگری در ایران

تهران:

* گروهي از كارگران شركت جامكو روز سه شنبه در اعتراض به رسيدگي نكردن به مشكلات اين واحد توليدي و دريافت نكردن حقوقشان به مدت يك سال, در مقابل وزارت صنايع در خيابان سميه تجمع كردند.

بنا به اخبار رسيده, يكي از نمايندگان كارگران گفت كه مديري كه از طرف وزارت صنايع انتخاب شده است, به دليل مشكلاتي كه پيش آمده است نتوانست كاري از پيش ببرد و به همين دليل اكنون كارخانه اعلام ورشكستگي كرده است. وي افزود كه اكنون وضعيت معيشتي و مالي كارگران آنها را به مرحله خطرناكي رسانده است.

* تعدادي از دانشجويان مراكز تربيت معلم روز سه شنبه مقابل وزارت آموزش و پرورش تحصن كردند.

اين دانشجويان كه براي مسائل رفاهي و خوابگاه معترض بودند, تعدادي از نمايندگان خود را براي مذاكره با مسئولان وزارتخانه به داخل ساختمان فرستادند. اين اولين بار نيست كه دانشجويان ايراني به مسائل رفاهي و امكانات خوابگاه خود اعتراض مي نمايند.

رشت:

بنا به اخبار منتشره گروهي از كارگران و كاركنان كارخانه چوكا از رفتن به سلف سرويس و گرفتن غذاي خود به مدت چهار روز سرباز زدند و دست به اعتصاب غذا زدند.

بنا به اين گزارش كارگران علت اين كار خود را مديريت ضعيف در كارخانه و كم كردن مزاياي خود اعلام كردند يكي از كارگران در اين رابطه مدعي شد, ضريب حقوقي در اين واحد توليدي به عده اي خاص تعلق مي گيرد و از زماني كه تامين اجتماعي كارخانه را خريداري كرده است, براي كم كردن هزينه ها, ضريب حقوقي, پاداش و بعضي از مزاياي كاركنان را كم كرده اند و مديريت سليقه اي عمل مي كند.

وي ادعا كرد, اين در حالي است كه هزينه هاي قسمت مديريت كارخانه همچنان بالا است و هر مديري چند دستگاه اتومبيل در اختيار دارد و اين قضيه بر روند توليد اثر گذارده و ميزان توليد به شدت در اين مدت كاهش يافته است.

شيراز:

جلسه پرسش و پاسخ اعضاي شوراي صنفي دانشجويان دانشگاه شيراز با دكتر صفوي معاون دانشجويي اين دانشگاه به دليل عدم پذيرش بندهاي قطعنامه شوراي صنفي از سوي معاونت دانشجوئي به تشنج كشيده شد.

بنا به اين گزارش اغلب دانشجويان معترض با ترك تالار در محوطه كوي ارم با نشستن بر روي زمين اعلام اعتصاب غذا كردند, با اين حال جلسه مذكور بدون حضور اعضاي صنفي و اغلب دانشجويان در تالار فجر كوي ارم ادامه داشت.

يكي از دانشجويان متحصن گفت: شايد آنان شير مسموم را بتوانند تشخيص دهند, ولي آيا مواد غذايي را آزمايش مي كنند كه بتوانند فاسد شدن آنرا تشخيص دهند؟

يكي از دختران دانشجوي عضو شوراي صنفي نيز با بلندگو در ميان دانشجويان متحصن گفت: براي نيل به هدفي جمع شده ايم و حتي اگر 3_4 ماه هم طول بكشد بايد تحمل كنيم.

گفتني است, دانشجويان با جمع كردن پول به تهيه نان و پنير براي دانشجويان متحصن كه بيش از 500 دانشجوي دختر و پسر هستند اقدام كردند. يكي اعضاي شوراي صنفي مركزي دانشجويان شيراز, در گفت وگو با خبرنگار ايسنا گفت: عواملي كه باعث شد شوراي صنفي مركزي بدون رسيدگي به نتيجه, جلسه پرسش و پاسخ را ترك كند اين بود كه دكتر صفوي از بد و ارجاع قضيه به ايشان در حكم وكيل مدافع مسئولان تغذيه قرار گرفته و در اطلاعيه هاي مختلف سعي كرده موضعي كاملاً غير منطقي در مقابل درخواستهاي اين شورا اتخاذ كند, و در جلسه پرسش و پاسخ امروز و فني شورا خواستار توضيح نحوه و برخورد قانوني با مسئولان ذيربط شد, باز هم سعي در طفره رفتن از خواسته دانشجويان را داشت و اعلام كرد كه در صورت اثبات تقصير مسئولان با آنها برخورد خواهيم كرد, حال آنكه اهمال و تحويل و توزيع گوشتهاي سلف سرويس گناهي نابخشودني بوده است و هر چند كه اين شورا حق تعقيب قضايي مسئولان را براي خود محفوظ مي داند, جهت روشن شدن موضع معاونت دانشجويي دانشگاه شيراز به علامت اعتراض جلسه را ترك گفتيم.

www.iranarchive.com

گفتني ا ست كه دانشجويان در ا ين تجمع خواستار استعفاي مديركل امور دانشجويي دانشگاه شيراز و رئيس اداره تغذيه و نيز آرادي مدير سلف سرويس مركزي بودند.

شاهرود:

شماري از كارگران فصلي تجمع كننده در محل كارخانه قند شاهرود مي گويند كه خواستار احقاق حقوق قانوني خود هستند, اين كارگران كه .

با پايان فعاليت چغندر, از اسفند سال گذشته بيكار شده اند, از هفته گذشته با تجمع هر روزه در محوطه اين كارخانه خوا ستار بازگشت به كار شده اند. يكي از اين كارگران اطلاق عنوان فصلي به اين كارگران را درست ندانست و گفت: ما كارگر فصلي نيستيم چرا كه به طور دايم ولي به صورت نامنظم در خدمت كارخانه هستيم و بايد به ما كارگر دايم نامنظم گفته شود. وي افزود: ما اكنون قادر به هيچگونه برنامه ريزي براي زندگي مان نيستيم و با توجه به نحوه كاري كه كارخانه قند و از ما مي خواهد ناچاريم همه وقتمان را به كارخانه اختصاص دهيم.

وي گفت كه تا سال 73 كارگران غير دا يم, فصلي محسوب مي شدند, چون بعد از پايان فصل چغندر مي توانستند تا فصل بعدي تبديل چغندر, دنبال كار خود بروند, اما از آن سال به بعد كه كارگر ناچار است هميشه براي فراخواني به كار آماده باشد. وضعيت فرق كرده است,

وي افزود: اكنون كارگر فصلي ناچار است, با توجه به شرايط متفاوت حاكم بر كارخانه, بين پنج, نه و يا حتي يازده ماه از سال را به كار بپردازد. مدير كارخانه قند شاهرود مي گويد كه اين روال هميشگي كارخانه بوده كه پس از پايان كار تبديل چغندر, كارگران فصلي را مرخص مي كرده و تنها زماني كه شكر خام در اختيار داشته مجدداً آنها را به كار فرا مي خوانده است.

به گفته وي از مجموع 377 نفر كارگر كارخانه قند شاهرود 102 نفر كارگر دايمي و 275 نفر فصلي هستند, از اين تعداد كارگران فصلي نيز 150 نفر تنها در فصل تبديل چغندر نيمه دوم سال كار مي كنند و 125 نفر نيز علاوه بر فصل چغندر در صورت تبديل شكر خام به شكر سفيد, در ساير ماه هاي سال نيز به كار گرفته مي شوند.

وي گفت: اين كارخانه طبق قانون كار عمل مي كند وي در عين حال مشكل كارگران فصلي را مربوط به پس از واگذاري كارگران فصلي با شروع فصل تحويل چغندر وارد كارخانه شده و با پايان تبديل چغندر از كارخانه خارج مي شدند.

مشهد:

بنا به خبرهاي رسيده, كارگران و كارمندان سازمان عمران شهرداري مشهد با گردهمائي در مقابل شوراي شهر, نسبت به عدم عقد مجدد قرار داد كار از طرف اين سازمان دست به اعتراض زدند.

بنا به همين خبر قرار است كه حداقل 300 نفر از كارگران و كارمندان شهرداري مشهد بعنوان تعديل نيرو از كار بيكار شوند. يكي از كارگران معترض اعلام دا شته است كه مطابق قرار داد شوراي شهر تنها مي تواند حداكثر دودرصد از نيروي كار را تقليل دهد. اين كارگر در ادامه سخنانش نيز افزوده است كه با وجود اينكه آباداني و پاكيزگي شهر بوسيله ما انجام مي گيرد اما نه از امكانات رفاهي برخورداريم و نه امنيت شغلي داريم, يكي از كارمندان نيز اعلام دا شته است كه شوراي شهر نماينده واقعي مردم نيست و ما آن را قبول نداريم, زندگي و وضعيت معيشتي كارگران شهرداري در سرتاسر ايران كه نقش مهمي را در حفظ محيط زيست شهرها ايفا مي كنند, بسيار نامناسب است و اين بخش از كارگران هميشه در معرض بيكار شدن مي باشند و در اكثر موارد آنها را به ديده كارگران فصلي مي نگرند.

***

چاپ كن! | صفحه اول!

www.iran-archive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com چهارشنبه 4 اردیبهشت ماه 1381

موضع گیری اخیر کمیسیون حقوق بشر و ذکر چند نکته

سیامك حیدری

اخیراً کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در یك اقدام غیر منتظره و ضعیف در نشست سالیانه ي خود, طرح اتحادیه ي اروپا و کشور انگلیس را در مورد کارنامه ي حقوق بشر و محکومیت جمهوري اسلامي ایران را رد کرد. این طرح با 20 راي مخالف در برابر 19 راي موافق به تصویب کمیسیون نرسید!

به نظر مي رسد این نشست به حدي غیر منتظره بود که حتي جمهوري اسلامي خود نیز آن را باور نمي کرد. در واقع از بدو روي کار آمدن جمهوري اسلامي تاکنون و طي دو دهه ي اخیر این اولین باري است که رژیم اسلامي ایران به خاطر نقض حقوق بشر مورد مواخذه قرار نمي گیرد و محکوم نمي گردد. این اقدام مثل سربرآوردن لوپن در فرانسه نگاهها را متوجه ي خود کرد و باعث موضع گیري کشورها و احزاب مختلف در جاي جاي جهان گردید.

ولي آیا در واقع و به راستي در کارنامه ي حقوق بشر جمهوري اسلامي تغییرات و تحولات مثبتي دیده شده است که کمیسیون مذکور را به این قناعت رسانیده باشد که از تصویب این طرح خودداري کند و یا معادلات دیگري دخیل بوده و باز حقوق بشر نیز مثل بسیاري از موارد دیگر در پشت پرده قرباني منفعت طلبي و ساخت و ساز و منافع اقتصادي قدرتها قرار میگیرد؟

جمهوري اسلامي از بدو روي کارآمدن به حذف و کنار گذاشتن مخالفین همت گماشت و تنها به امر بسنده نکرده و بسیاري از آنها را از دم تیغ گذراند. بعد از حذف احزاب گوناگون و سرکوب نمودن آنها و, این بار نوبت خود مردم بود که زهر چشمي بهشان نشان داده شود.

حمله ي وحشیانه ي جمهوري ا سلامي به کردستان و کشتار فعالین کارگري و سرکوب هر صداي اعتراضي, ترور شخصیت هاي سیاسي مخالف در جلو چشمان همین آقایان کمیسیون حقوق بشر در پایتختهاي اروپایي و در کردستان عراق و سایر نقاط دنیا همه و همه کارنامه اي سیاه و به غایت منفي است که در طول تاریخ ایران کمتر رژیمي توانسته است تا این حد در وحشي گري پیش برود.

جمهوري ا سلامي همواره با لجاجت به ماموران حقوق بشر اجازه ي ورود به ایران را داده و تنها در زیر فشار بین المللي راضي به این کار شده است, اما در این چند ساله ي اخیر حتي اجازه ي ورود موریس کاپیتورن را نیز به ایران نداده و مانع از ورود و تهیه ي گزار شي در مورد اوضاع داخلي و زندانها در ایران شده است. جمهوري اسلامي حتي براي یك بار هم که شده زیر بار نقض حقوق بشر در ایران نرفته و همواره آن را توطئه و دسیسه ي کشورهاي غربي و دشمنان اسلام قلمداد کرده است.

هنوز یك سال از روي کار آمدن کابینه ي "دولت اصلاحات"! نگذشته بود که قتل هاي زنجیره اي مانند یك شوك سیاسي جامعه ي ایران و افکار بین المللي را به لرزه درآورد. هنوز بعد از چهار سال از این رویداد وحشتناك, پرونده ي قتل هاي زنجیره اي پیگیري نمیشود. عاملین و آمرین هنوز در جنایات دست دارند وخود را براي جنایاتي دیگر آماده مي کنند, ولي در همان حال وکیل خانواده هاي قتل هاي زنجیره اي به زندان مي افتد.

مساله ي مهم دیگر برخورد رژیم به مطبوعات و رسانه هاي گروهي در ایران است. تقریباً مي شود ادعا کرد که در هیچ جاي دنیا به مانند ایران هجومي گسترده و پیگیر و مداوم روي روزنامه ها و روزنامه نگاران صورت نگرفته است و هیچگاه چنین فشاري را روزنامه نگاران احساس نکرده اند.

از تشکل هاي مستقل هیچ خبري نیست. بهتر بگویم در جمهوري اسلامي جایي براي تشکل هاي مستقل نیست. هیچ حزب مخالفي اجازه ي کار و فعالیت ندارد, حتي اگر این حزب مانند حزب ملت ایران و نهضت آزادي خواهان سرنگوني جمهوري ا سلامي نباشد. در جمهوري اسلامي تنها سفید و سیاه معنا مي یابد. هنوز اعدام یکي از کارهاي معمول و عادي در جمهوري ا سلامي ا ست. آیا هنوز اعدام در زندان هاي جمهوري اسلامي صورت نمي گیرد؟! خود رسانه هاي خبري ایران این اعدام ها را اعلام مي کنند. اعدام ها نه تنها کاهش نیافته است که رو به فزوني بوده است. تشکل هاي کارگري و صنفي نمي توانند ابراز وجود کنند. مگر سنگ سار زنان از قوانین جمهوري اسلامي حذف شده است و یا این کار دیگر صورت نمیگیرد که از جانب این کمیسیون محکوم نمي گردد.

با توجه به عمل بالا مي توان نتیجه گرفت که معادلات دیگري در کار بوده و جمهوري اسلامي بارهم براي سرپوش گذاشتن بر جنایات و کارنامه ي سیاهش باج میدهد و قراردادهاي پر سود با شرکتهاي خارجي مي بندد.

www.iran-archive.com

تجربه نشان داده است که کشورهاي غربي که مدعي وجود دمکراسي و دفاع از حقوق بشر هستند, در واقع بيشتر به دنبال منافع اقتصادي کشورشان هستند و هر جا منافع اقتصادي اقتضا کند دمکراسي را فداي آن مي کنند. لااقل چندين کشور اروپايي اين کارنامه ي منفي را با خود يدک مي کشند و از همين جمهوري اسلامي در برابر جنايات اخاذي کرده و لب فرو بسته اند.

اين بار نيز دمکراسي فداي سرمايه شد و اين بار نيز مدعيان حافظ دمکراسي آنرا به پشيزي ارج ننهادند.

***

4

چاپ کن | صفحه اول

www.iran-archive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com

چهارشنبه 4 اردیبهشت ماه 1381

بحران دمکراسی و انتخابات
ریاست جمهوری فرانسه:

م. رازی

یکشنبه ي 21 آوریل انتخابات ریاست جمهوري فرانسه با شرکت 16 کاندید برگزار شد. بنا به گزارش خبرگزاري ها ژان ماري لوپن رهبر جبهه ي ملي که يك حزب فاشيستي و ضد خارجي است با کسب 17 درصد آراي شرکت کنندگان در انتخابات مقام دوم را پس از ژاك شيراك رئيس جمهور کنوني فرانسه, بدست آورده است. بدين ترتيب ژان ماري لوپن و ژاك شيراك به دور دوم انتخابات و دور نهايي راه يافته اند و کانديد حزب سوسياليست, لوئن ژوسپن با کسب مقام سوم و 16% آرا در دور اول حذف گرديده است.

هم چنين گزارش ها حاکي است که تعداد شرکت کنندگان در انتخابات در سطح بسيار پاييني بوده و بيش از پنجاه و حتي شصت درصد مردم در انتخابات شرکت ننموده اند. نتيجه ي اين انتخابات شکست سختي بود براي حزب سوسياليست و هم چنين راه يافتن لوپن فاشيست به دور دوم انتخابات به قول روزنامه هاي فرانسوي يك شوك بزرگ سياسي بود. مطبوعات فرانسوي توصيفات فاجعه, زلزله سياسي و شوك را براي اين انتخابات به کار مي برند. شعار اصلي ژان ماري لوپن اخراج مهاجرين از فرانسه بوده است.

شرکت بسيار کم مردم در انتخابات, نشانه ي بي علاقگي و بي تفاوتي مردم فرانسه به نتيجه ي انتخابات است و در واقع به دست آوردن 17% آراي شرکت کنندگان از جانب لوپن يعني کمتر از ده درصد آراي فرانسويان واجد شرايط و داراي حق راي و در نتيجه هر کانديد به رياست جمهوري در فرانسه درست يا بد, در واقع راي حدود بيست و پنج درصد فرانسويان را به دست آورده است و همين.

مقدار راي کافي است تا يکي رئيس جمهور شود و يا حزبي سياسي تشکيل دولت دهد. يعني با راي اقليت مردم دولت ها و نهادهاي اداره ي امور حکومتي انتخاب مي شوند و تا چهار, پنج و در مواردي تا هفت سال نيز بر سر کار مي مانند.

اين يك تناقض واقعي است و در اکثر کشورهاي غربي نمايندگان پارلمان, دولت ها و نهادهاي حکومتي راي اکثريت را با وجود انتخابات آزاد و دمکراتيك, با خود ندارند و اکثريت مردم خود را در تقابل با آنها مي بينند.

اين بي علاقگي مردم, بويژه کارگران و اقشار پايين دست جامعه به اين دليل است که در دمکراسي بورژوايي محدوديت هايي وجود دارد که آنها قادر نيستند از کانال هاي دمکراسي به حقوق خود دست يابند. از طرف ديگر چرخش احزاب سوسال دمکرات اروپايي در طرف راست, موجب شده است تا مردم نسبت به انتخابات بي تفاوت شوند. در عين حال بايد بر اين نکته تاکيد نمود که احزاب راست و فرهنگي که آنها رواج مي دهند, تلاش دارند تا مردم را بي تفاوت نمايند. چون شرکت کم مردم, بويژه کارگران و اقشار تهيدست, در سيستم دمکراسي پارلماني به نفع آنها تمام خواهد شد و به آنها امکان مي دهد که با راي محدود و اقليت طرفداران خود به قدرت دست يابند. هم چنين اضافه کنيم محدوديت احزاب راديکال چپ و سوسياليست و نفوذ کم آنها عامل ديگري است که کارگران و تهيدستان جامعه نتوانند نمايندگان واقعي خود را به دست آورند. اين واقعيتي است که تبليغات و شرکت در انتخابات, لازمه اش هزينه هاي سنگيني است که بايد خرج شود, چون در دنياي سرمايه داري رسانه ها به طور کلي در اختيار صاحبان پول و ثروت است و بسياري از شبکه هاي تلويزيوني, روزنامه هاي کثيرالانتشار و راديوها خصوصي هستند. در نتيجه قدرت مالي فراوان در نتيجه ي انتخابات دارد.

***

چاپ کن! | صفحه اول!

www.iran-archive.com

خبرنامه

کومه له_سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

62

جمعه 13 اردیبهشت 1381 — www.komala.org

اول ماه مه امسال، گامی به پیش در جنبش کارگری

عمر ایلخانیزاده

بدون شك مراسم برگزاری اول مه امسال در سراسر ایران دارای ویژگیهای خاصی بود که لازم است با دقت به آنها توجه نمود. این ویژگی آنگاه اهمیت و جایگاهش برجسته میشود که حکایت از درك و آگاهی و رشد طبقاتی کارگران ایران دارد و به وضوح نمایان است که ویژگی کنونی در رشد جنبش و مبارزات کارگری این دوره و بخصوص در یکسال اخیر ریشه دارد. به جرات میتوان گفت که طبقه ی کارگر ایران در روز...

2

□□ اطلاعیه ی شماره یك دبیرخانه ی کومه له در مورد برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان	
□□ اطلاعیه ی شماره دو دبیرخانه ی کومه له در مورد برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان	
□□ سقز	
□□ مریوان	
□□ چند خبر کوتاه از کرمانشاه	
□□ اخبار کارگری از: یزد، تهران و کرج	
□□ هلند	
□□ مواضع موجود برسر مطبوعات کردی	آمانج عزیزکندی
□□ افغانستان در آستانه ی تشکیل ٔ لویی جرگه ٔ شورای محلی افغانها	سیامك حیدری

www.iran-archive.com

اخبار و گزارشات خود را با این شماره فاکس برای رادیو کومه له ارسال دارید: 005617605814

شماره تلفن نمایندگی کومه له در شهر سلیمانیه، کردستان عراق: 3124711

khabarnameh_komala@hotmail.com جمعه 13 اردیبهشت ماه 1381

اول ماه مه امسال، گامی به پیش در جنبش کارگری

عمر ایلخانیزاده

بدون شك مراسم برگزاري اول مه امسال در سراسر ايران داراي ويژگيهاي خاصي بود كه لازم است با دقت به آنها توجه نمود. اين ويژگي آنگاه اهميت و جايگاهش برجسته ميشود كه حكايت از درك و آگاهي و رشد طبقاتي كارگران ايران دارد و به وضوح نمايان است كه ويژگي كنوني در رشد جنبش و مبارزات كارگري اين دوره و بخصوص در يكسال اخير ريشه دارد. به جرات ميتوان گفت كه طبقه ي كارگر ايران در روز كارگر امسال توانست به شيوه هاي مختلف و در بعدي سراسري, اصلي ترين پيام خود را به گوش جمهوري اسلامي و سرمايه داران ايران برساند.

در همه ي مراسمها و در تجمعات كارگري بلا استثنا بر ضرورت تشكلهاي مستقل كارگري "خارج از دخالت دولت و كارفرما" و همچنين بر حق" اعتصاب حرفه اي" تاكيد نمودند. حتا در تجمعاتي نيز كه با اجازه ي دولت و با دخالت ارگانهاي حكومتي برگزار گرديدند, اين دو اصل مورد پشتيباني قرار گرفته و قطعنامه ي سراسري كارگران نيز بر اين اصول انگشت نهاد. در تجمع دهها هزار نفري كارگران در ميدان قزوين تهران, در راهپيمايي كارگران ا صفهان, در تجمع كارگران كرمانشاه و در تجمعات مردم و كارگران در ديگر نقاط كردستان شعارهاي "اعتصاب حرفه اي ايجاد بايد گردد, حقوق حقه ي ما ايفا بايد گردد" و " كارگر, كارگر, اتحاد, اتحاد" طنين انداز بود.

در كردستان مردم و كارگران عموماً مراسم فرمايشي دولتي را تحريم نموده و يا آن را به صحنه ي افشاگري ارگانهاي دولتي و بيان نظرات خود تبديل كردند. در مريوان, سنندج و شهرهاي ديگر مردم با وجوديكه نوعي حالت فوق العاده و حكومت نظامي برقرار شد و مردم و كارگران اجازه ي تجمع مستقل نيافتند, اما در سياحتگاههاي اطراف شهر و يا در محلات تجمع نموده و روز كارگر را جشن گرفتند و تراكت و شعارهاي انقلابي و شيريني پخش نموده و سرود همبستگي جهاني كارگران و ديگر سرودهاي انقلابي و كارگري را سردادند. در سقز در يك مراسم كه با اجازه ي رژيم برپا شده بود, سخنراني فرماندار به زهر مار برايش تبديل كردند و فضاي سالن گردهمايي را با سرودهاي انقلابي و شعارهاي كارگري به شوراخ موش براي فرماندار و يارانش مبدل ساختند. در كرمانشاه تعداد زيادي از كارزران در باشگاه ورزشي كارگران در سه راه حافظيه جمع شده و خواست تشكل مستقل كارگري و حق اعتصاب را با صداي رسا به همگان اعلام نموده و مبارزه براي كسب اين خواستها را در سرلوحه ي مبارزات آتي خود قرار دادند.

شعارها و عكس العمل كارگران در روز اول ماه مه بيانگر اعتماد به نفس جديدي در جنبش كارگري ا ست و هم اينكه سراسري شدن شعار تشكل مستقل و حق اعتصاب در واقع نشاندهنده رشد خودآگاهي طبقاتي و قدعلم نمودن يك اراده سراسري در جنبش كارگري است. كارگران ايران به كلي توهمي به بهبود وضع در چهارچوب جمهوري اسلامي ندارند و ديگر دست به دامان نهادها و كسان معيني نميشوند تا از آنها حمايت نمايد, ديگر خبري از كد آوردن از "رهبر" و ديگر الله ها نيست, بلكه خواستهاي خود را به زبان كارگري و بدون پيچيدن در لفافه اسلامي طرح ميكنند. اين آن ذهنيت با ارزشي است كه در طول سالها مبارزه و تجربه همه گير شده است.

تحريم مراسم دولتي در كردستان و پخش شعار و تراكت در سطح وسيعي در شهرها,

www.iran-archive.com

حتا چند روز پيش از روز كارگر و بالاخره مباحثات تجمعات گوناگون به مناسبت روز كارگر, نشانه و نمونه ي ديگري است بر صحت اين واقعيت كه جنبش كارگري از پشتيباني وسيع جوانان و مردم غير كارگر نيز برخوردار است و به همين دليل روز كارگر از جانب عموم ارج گزاري شده و گرامي است و اين خود در ارتباط با نقش و جايگاهي است كه طبقه كارگر و جريان سوسياليست امروزه در كردستان به دست آورده اند. همه ي اين نمونه ها حاكي ازيك تغيير توازن قوا و گامي به پيش در جنبش كارگري ايران و كردستان است و اين امر در جشنهاي روز كارگر امسال هم در شعارها و هم در طرح خواستهاي انكارناپذير و به جا ماندني تبلور يافت.

***

چاپ كن! صفحه اول! خبرنامه!

www.iran-archive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com

جمعه 13 اردیبهشت ماه 1381

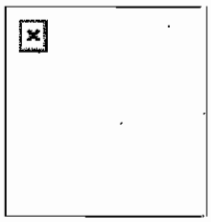

اطلاعیه ی شماره یک دبیرخانه ی کومه له در مورد برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان

در تمام شهرهاي كردستان, از چند روز پيش از اول اول ماه مه, ديوار و خيابان هاي شهرها با تراكت و شعارهايي جهت پيشوازي از اول مه تزئين شده بود و مردم خود را براي برگزاري مراسم اول ماه مه آماده مي نمودند.

از ديروز, يعني روز سه شنبه در اكثر شهرها نيروهاي نظامي رژيم به حالت آماده باش درآمده و به گشت زني شهرها پرداختند و اجازه ي راه پيمايي در اول ماه مه به كارگران داده نشد.

اينك خبر از شهر كردستان را به اطلاع مي رسانيم:

سنندج:

چند روز قبل از اول ماه مه, شعارها و تراكت هاي كومه له در اكثر محلات پخش شده و شعارنويسي وسيعي به خاطر گراميداشت روز جهاني كارگر در سطح شهر صورت گرفته بود. نيروهاي رژيم از ديروز سه شنبه در خيابان ها و محلات شهر توسط گشتي هاي موتور سوار, پياده و با ماشين, حالتي فوق العاده را ايجاد نمودند. مردم كه نه مي خواستند در مراسم نمايشي دولتي شركت كنند و نه اجازه ي راهپيمايي و مراسم مستقل داشتند, در نتيجه در بخشي از محلات شهر از جمله استانداري, بيست و پنج شهريور و ديگر محلات تجمع نموده و به رقص و شادي پرداخته و در اكثر محلات به پخش شيريني پرداختند و دسته دسته كارگران روز جهاني اول ماه مه را به هم تبريك مي گفتند و در مجموع شهر سنندج حالتي پرشور و انقلابي داشت و ياس و استيصال نيروهاي رژيم كاملاً هويدا بود.

سقز:

در شهر سقز از دو روز پيش, اطلاعيه و تراكت هاي فراواني در سطح شهر پخش گرديد و در سطح وسيعي از شهر شعارهاي كومه له به مناسبت اول ماه مه, روز جهاني كارگر آذين بند درو ديوارها و خيابان ها بود. از جمله ميتوان از محلات: "تپه مالان", "پردبران", محله ي 32 متري و اطراف بيمارستان تامين اجتماعي, نام برد.

كارگران و مردم خواستند كه مراسم مستقل برگزار نمايند كه از جانب نيروهاي رژيم و اطلاعات, به آنها اجازه داده نشد. اما در ساعت سه بعدازظهر اول ماه مه به سنديكاي نانواخانه ها اجازه داده شد كه با كنترل دولت در سالن " كاوه" شهر سقز جمع شوند. مردم و كارگران بلافا صله سالن كاوه را با پرچم ها و شعارهايي براي گراميداشت روز جهاني كارگر تزئين كردند.

ابتدا رئيس سنديكا ي نانوايان سخناني در مورد روز جهاني كارگر و اهميت آن, ايراد نمود و سپس فرماندار سقز به سخنراني پرداخت كه با بي توجهي جمعيت روبرو شد, پس از فرماندار يكي از كارگران اخراجي نانواخانه صحبت كرد و به سخنان فرماندار اعتراض نموده و گفت كه شما خود از جانب سرمايه داران صحبت مي كنيد, در صورتيكه روز كارگر, روز استثمارشدگان ا ست. سپس تيپ موسيقي زاگرس سرود اول ماه مه و چند سرود كومه له را اجرا نمود و عليرغم مخالفت هاي رژيم, در اثر پشتيباني مردم توانستند كار خود را پيش ببرند.

هنگامي كه سرود جمهوري اسلامي نواخته شد, به جز چند نفر معدود, كسي از جمعيت دوهزار نفري برنخاست ودر مقابل, مردم سرودهاي انقلابي در گراميداشت روز جهاني كارگر را تكرار نموده و به هنگام اجراي آنها به حالت احترام مي ايستادند.

در بخش ديگري از محلات شهر نيز مردم دسته دسته جمع شده و در تجمعات خود, اول ماه مه را به هم تبريك گفته و به بحث در اين باره مي پرداختند. رژيم قصد داشت مراسم سالن كاوه كه حدود دوهزار نفر در آن شركت داشتند را, تحت كنترل خود درآورد و اين مراسم, صرفاً يك مراسم فرمايشي باشد, اما جمعيت هوشيار اين شگرد رژيم را به ضد آنها تبديل نموده و فضاي مراسم را كاملاً به ضد رژيم تبديل نموده و به آن حالتي كارگري و مردمي دادند.

در اطلاعيه هاي بعدي اخبار ديگر شهرها را نيز به اطلاع مي رسانيم.

www.iran-archive.com

دبيرخانه ي كومه له_ سازمان انقلابي زحمتكشان كردستان ايران
2002/5/1

***

3

چاپ كن| صفحه اول| خبرنامه|

www.iran-archive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com

جمعه 13 اردیبهشت ماه 1381

اطلاعیه شماره دو دبیرخانه ی کومه له در مورد برگزاری مراسم اول ماه مه در شهرهای کردستان

سنندج:

پیرو اطلاعیه ي قبلي دبیرخا نه به اطلاع مي رسانیم که روز اول ماه مه برابر با 11 اردیبهشت, مردم مراسم دولتي را تحریم نموده و در آن شرکت ننموده اند, اما شمار زیادي از مردم روز جهاني کارگر در دامنه هاي کوه آبیدر و محلات دیگر شهر جمع شده و اول ماه مه را جشن گرفتند. در مراسم بزرگ کوه آبیدر تراکت و اعلامیه و شیریني پخش گردید و سرودهاي انقلابي براي همبستگي جهاني طبقه ي کارگر خوانده شد.

هم چنین در خیابان شاپور و اطراف, محله هاي بلوار کردستان, مردوخ, صفري, قطارچیان, چهارباغ, تازاوا, وکیل, بلوار خسروآباد و شهرك سعدي و قره یان, وسیعاً شعارنویسي شده و تراکت و اعلامیه هاي کومه له _سازمان انقلابي زحمتکشان کردستان ایران براي گرامیداشت روز کارگر, پخش گردیدند.

شعارها عبارت بودند از "پیروز باد اول ماه مه", "زنده باد همبستگي جهاني کارگران", "کارگران جهان متحد شوید" و "زنده باد سوسیالیسم".

مریوان:

از چند روز قبل به مناسبت اول ماه مه, روز جهاني کارگر, تراکت ها و اعلامیه هاي کومه له ي زحمتکشان کردستان ایران در اکثر محلات شهرستان مریوان به فراواني پخش شده بود.

روز اول مه مه نیز رژیم قصد داشت در مریوان مردم را به مراسم دولتي و کنترل شده بکشاند, که با تحریم مردم و کارگران روبرو شد. اما شمار زیادي به سیاحتگاههاي "زریبار", "قه لاخاني" و جنگل هاي اطراف دانشگاه پیام نور رفته و به دور هم گرد آمده و روز جهاني کارگر را در میان شادي و تبریك گویي به هم, جشن گرفتند. در این مراسم ها سرود انقلابي خوانده شد و تراکت و اعلامیه با آرم کومه له پخش گردید و مردم دسته دسته باهم به بحث میپرداختند. شعارها چه در سطح شهر و چه در خارج از شهر عبارت بودند از: "پیروز باد اول ماه مه", "کارگران جهان متحد شوید", "کارگران کردستان متشکل شوید".

هم چنین کارگران و مبارزین مریوان سه شنبه شب در بلندیهاي اطراف مریوان و از آن جمله: "قبرستان دارسیران", "قبر درویش", "گرده ره ش", "بلندي هاي تکیه و چهارباغ" و "تپه ترخان آباد" آتش روشن نمودند و بدین ترتیب جشن روز کارگر را به همه ي مردم شهر مریوان و اطراف اعلام نمودند.

در اطلاعیه هاي بعدي اخبار دیگر شهرهاي کردستان را به آگاهیتان مي رسانیم.

دبیرخانه ی کومه له_ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران
2002/5/2

***

چاپ کن! | صفحه اول! | خبرنامه!

www.iranarchive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com

جمعه 13 اردیبهشت ماه 1381

سقـز :

گزارشی از زندان شهرستان سقز:

زندان مرکزي شهرستان سقز با زيربنايي کم, زندانياني بسيار را درخود جاي داده است. اين زندان از دو قسمت تشکيل شده است. قسمت اول شامل ارگان هاي محافظ زندان مثل افسر نگهبان و محل سربازها, رياست و حراست و .. نکته ي حائز اهميت ا ين است که اين قسمت چندين برابر محيط زندگي زندانيان را اشغال نموده است و امکانات بسياري را در اختيار دارند.

زندان سقز شامل اين قسمتها مي باشد:

قرنطينه, براي کساني که معتاد شده اند و يا به بيماري ايدز و بيماريهاي واگير دار مبتلا هستند. لازم به ذکر است که اين قسمت از زندان به دليل عدم رعايت موارد بهداشتي نه تنها هيچ کمکي به سلامتي اين بيماران نمي کند که آنها را به بيماريهاي ديگر نيز مبتلا مي کند.

تک سلولي, براي کساني که در محيط زندان تنبيه و يا دچار درگيري مي شوند و براي اعمال سزايشان, آنها را در تک سلولي نگه مي دارند. دستشويي اين تک سلوليها در داخل خود سلولها مي باشد.

مواد مخدر به فراواني در زندان يافت مي شود. فرد زنداني که به اين زندان روي مي آورد با دنيايي از نابهنجاري روبه رو مي شود و زير فشارهاي سخت روحي و جسمي قرار مي گيرد. بندهاي 1و2 اين زندان انواع مجرمين را در خود جاي داده است, زنداني معتاد, دزد, قاتل و زندانيان سياسي همگي در اين 2 بند هستند.

ماموران حفاظت زندان در برابر خريد و فروش و مصرف مواد مخدر بي اعتنا بوده و نه تنها از آن جلوگيري نمي کنند, بلکه خود عامداً در پخش و توزيع آن در بين زندانيها دست دارند.

رسيدگي به کار پرونده هاي زندانيان و امور روزانه آنها بسيار به کندي پيش مي رود و در برابر رسيدگي به کار زندانيان از آنها رشوه درخواست مي کنند. بودجه اين زندان به جاي اينکه در امور رفاهي زندانيان صرف شود به جيب ماموربن و مسئولين زندان مي رود.

وضع خوراک و مواد غذايي بسيار بد است و زندانيان اغلب اوقات در گرسنگي به سر مي برند و براي سير کردن شکم خود ناچاراً بايد از فروشگاه غذا بخرند و اين هزينه ي زيادي روي دوش زندانيان مي گذارد. در زندان سقز هم چنين يک بند براي نوجوانان وجود دارد که شامل يک اتاق کوچک و يک سالن است. داراي 5 تخت سه طبقه است و تقريباً همبشه بين 15 تا 30 نفر در آن بند وجود دارد. غالب زندانيان اين بند از نوجوانان معتاد و بزهکار هستند. در زندان سقز يک بند هم براي نظاميان وجود دارد. غالب کساني که در اين بند به سر مي برند, به دليل گرفتن رشوه, دزدي, فساد و اعتياد به زندان افتاده اند. اين بند محدوديت هايي را که براي ساير بندهاي ديگر وجود دارد, ندارد و از امکانات بهتر و بيشتري برخوردارند.

***

چاپ کن! | صفحه اول! | خبرنامه!

www.iran-archive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com

جمعه 13 اردیبهشت ماه 1381

مـریـو ان :

*طبق اخبار رسیده از منطقه ي مرویان, شب 11 اردیبهشت ماه سال جاري, فردي به نام "طیب رحماني" به علـلي نامعلوم جان خود را از د ست داده و جسد وي نیز در جاده ي "دزلي" پیدا شده است. جسد وي را همان شب به بیمارستان انتقال مي دهند. تا رسیدن این خبر از جسد طیب رحماني در دست نیست.

*روز 4 اردیبهشت امسال کارگري به نام " امجد دادور" اهل روستاي "کال علیا" که در تهران مشغول کارگري بود, بر اثر برق گرفتي جان خود را از دست داده است و جسد وي را به مریوان منتقل کرده اند.

* بـه مناسبت فرارسیدن 1 مه ي, روز جهاني کارگر, روز 8 اردیبهشت ماه سال جاري تراکت و اعلامیه هاي کومه له در شهر مریوان پخش شده است. تراکت ها و اعلامیه هاي کومه له عمدتاً در این محله ها پخش گردیده است: محلـه ي چـراغي, محلـه ي کو نه دیو, محله ي استادیوم, محله ي توحید, محله ي چواریاغ, محله ي جنگلباني, محلـه ي پیـلاخي ها, میدان دینار فروشان تا چهارراه بایه وه, محله ي تکیه, دبیرستان دخترانه ي سمیه, محله ي محمدي, مدرسه ي ابتدایي چواریاغ.

ایـن کـار باعث شادي و شعف فراوان در بین مردم شهر مریوان شده است.*در تاریخ 9 اردیبهشت ماه امسال در نـوار مـرزي باشـماق, فـردي بـه نـام " سـالار خولـه عزه" مورد تهاجم نیروهاي سرکوبگر رژیم قرار گرفته و به شدت مجروح مي شود. وي را روانه ي بیمارستان مي کنند.

* همسـر خـادم روسـتاي " ترخان آباد 2" به علت فقر و بي بضاعتي اقدام به خودسوزي مي کند. وي را روانه ي بیمارستان شهرستان سنندج مي کنند که تاکنون خبري از وي در دست نیست.

* در تـاریخ 7 اردیبهشـت مـال جـاري, نیروهـاي رژیم در نوار مرزي "مرانه" به کاروانچیان حمله برده و به سوي آنها شـلیك مـي کننـد. در اثـر ا ین تـیراندازي نیروهـاي رژ یم, فردي از کاروانچیان به نام " بارزان" اهل روستاي "وله ژیر" زخمي مي شود. قابل ذکر است که نیروهاي رژیم همه ي اموال و دارایي کاروانچیان را به غارت برده اند.

*در تـاریخ چهـارم اردیبهـشت ماه کسي به نام "فایق خورشیدي" اهل روستاي "شاهسوار" به دلیل فقر و نداري راهـي کوهـستانهاي اطـراف مـي شود تـا بتوا نـد بـا جمـع آوري بعضي از گیاههاي خوراکي بهاري مقداري امکانات خـوراکي بـه دست آورد, اما در توه سوران در مکاني بنام "به رد ماله" از کوه سقوط کرده و در جا جانش را از دست میدهد. مردم روستا براي آوردن جنازه اش اقدام مي کنند, اما با مخالفت پاسگاه توه سوران روبرو مي شوند.

مـردم بـه پاسـگاه اعـتراض نمـوده و بـا مـاموران سـرکوبگر درگیر مي شوند و نهایتاً ماموران عقب نشیني نموده و مردم جنازه ي فایق خورشیدي را از کوه پایین آورده آن را دفن مي کنند.

مـا مـرگ کـاك فـایق را بـه خـانواده و بازماندگـانش و به مردم روستاي شاهسوار تسلیت گفته و خود را در غم آنها شریك میدانیم.

***

چاپ کن! | صفحه اول! | خبرنامه!

www.iran-archive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com جمعه 13 اردیبهشت ماه 1381

چند خبر کوتاه از کرمانشاه:

*سازمان آب و فاضلاب استان کرماشناه به بهانه ي درست کردن رودخانه در این شهر, 600 خانه را در خیابان "رودکي" و "شهرك معلم" ویران کرده است.

سازمان آب استان کرمانشاه, در ازاي ویران شدن هرکدام از این خانه ها, تنها 30هزار تومان بابت هر متر مکعب زیربنا پرداخت مي کند. این عده از مردم که خانه هایشان ویران شده است, تاکنون به استانداري و فرمانداري کرمانشاه مراجعه کرده اند, ولي تاکنون هیچ گونه جوابي دریافت نداشته اند.

*در تاریخ 28 فروردین امسال جوان نوزده ساله اي به نام " وحید منوچهري" با خوردن قرص خود کشي کرده است. همچنین فردي به نام " بهزاد شریفي " 28 ساله در مورخ 6فروردین امسال با تزریق مواد مخدر در کوههاي اطراف شهرك چمن خود کشي کرده است.

*زني به نام "رزیه حق خواه" که براي تامین زندگي خود و فرزندانش تن فروشي مي کرد در شهرك وکیل آقا یك روز قبل از چهارشنبه سوري دست به خود سوزي زده و در نتیجه جان خود را از دست مي دهد.

*فردي به نام " برزو کارته باز" با تزریق مواد مخدر در کوههاي اطراف شهرك چمن دست به خود کشي زده و جانش را از دست داده است. دو هفته پس از مرگ وي کسي حاضر به دفن جنازه او نیست و جسدش در سرد خانه ي کرمانشاه است.

*سپاه پاسداران در شهرهاي جوان رود, روانسر و کرمانشاه با درست کردن پایگاهاي از مردم براي عملیاتهاي شهادت طلبانه دعوت کرده است و به آموزش نظامي مشغول است. از جمله موارد آموزشي در این پایگاه آموزش ترور است.

*مجتمع شیمایي بیستون واقع در نزدیکي آبادي " زرین چیا " یکي از آبادیهاي روانسر و در نزدیکي جاده کرمانشاه_ روانسر قرار دارد به گفته ي اهالي, این مجتمع شیمیایي داراي دو طبقه زیر زمین و یك ساختمان چهار طبقه است. و به تولید مواد شیمیایي مشغول است. در این راستا یك نوجوان که مشغول جمع آوري گیاه خوراکي در آن حوالي بود در اثر خوردن گیاه این منطقه جان خود را از دست داده است و دو همراه وي نیز مسموم شده و به بیمارستان منتقل شده اند. به گفته ي اهالي اطراف, مقامات مختلف دولتي هر هفته از تهران براي بازدید این مجتمع سر مي زنند.

***

www.iran-archive.com

چاپ کن! | صفحه اول! | خبرنامه!

khabarnameh_komala@hotmail.com

جمعه 13 اردیبهشت ماه 1381

يـزد :

دانشـجويان دانشـگاه يزد, با برگزاري تجمعي خواستار رسيدگي به مسائل رفاهي و صنفي خود از جمله رعايت مسايل بهداشتي در ارائه غذاي دانشگاه شدند.

گـفتني اسـت دانشجويان پس از گرد آمدن در اطراف ساختمان معاونت دانشجويي دانشگاه با پخش كردن نان و پنير در بين دانشجويان به تجمع خود ادامه دادند.

بر اساس اين گزارش چندي بيش نيز دانشجويان دانشگاه يزد در اعتراض به مشكلات صنفي خود از جمله كيفيت پـايين غـذاي دانشـگاه بـه تجمع اعتراض آميز زدند كه پس از حضور مسئولان دانشگاه در بين دانشجويان كميته اي متشـكل از نمايندگان دانشجويان تشكيل و مسئول پيگيري اين مساله شد. اين كميته طي اطلاعيه اي يك هفتـه بـه مـسئولان دانشـگاه مهـلت داد تـا بـه وضعيت غذاي دانشگاه رسـيدگي شـود و نيز هشـدار داد در صـورت بـه پايـان رسـيدن ايـن مهـلت و عدم تحقق خواستهاي دانشجويان به عنـوان آخرين راه, روز يكشنبه 81/2/8 تجمعي با حضور رسانه هاي خبري برگزار خواهد كرد. واضـح اسـت كـه دانـشگاه به خواست دانشجويان و كميته مزبور وقعي ننهاده و دانشجويان بار ديگر به اعتراض و تجمع دست زده اند.

تهـران :

بـيش از صـد نفـر از كـارگران 6 كارخانـه نـان سنتي به دليل قطع سهميه آرد اين كارخانجات در مقابل ساختمان مركزي وزارت بازرگاني اجتماع كردند.

به گزارش خبرگزاري دانشجويان ايران در اين تجمع كه از ساعت 10 صبح روز يكشنبه 18 ارديبهشت آغاز شـده, كـارگران اظـهار داشـتند كـه 6 كارخانـه نـان سـنتي كـه بيش از سه هزار خانوار از طريق آنها امرار معاش مي كنند, بيش از يك ماه است كه هيچگونه فعاليتي ندارند.

يـكي از كارگران گفت كه وزارت بازرگاني سـهميه آرد كارخانجات ما را قطع كرده اسـت, در حالي كه اين كارخانه ها با سـهميه بالايي به شركتهاي تعاوني تحويل داده شده بود.

وي افـزود كـه وزارت بازرگـاني بـا پـخت نان سنتي مخالف است و مي گويد براي پخت اين نان بايد آرد 105 توماني دريافت كنيد, در اين صورت ما قادر به رقابت با نانواييهايي كه آرد 4 توماني دريافت مي كنند نخواهيم بود.

يـكي ديگـر از كـارگران بـا اشـاره به اينكه دادگـاه حكـم به رفع توقيف اين كارخانجات داده اسـت, گفت كه وزارت بازرگاني حتي با وجود راي دادگاه نيز حاضر به پرداخت سـهميه آرد اين كارخانجات نيسـت.

كـرج :

كارگران كارخانه جهان چيت كرج تحصن كردند:

كارگران معترض كارخانه "جهان چيت" كرج با مسدود كردن باند جنوبي خيابان بهشتي, موجب توقف خودروها از غرب به شرق كرج شدند.

بـر اسـاس گـزارش هـاي و ا صله, كـارگران معـترض دو سمت خيابان مقابل كارخانه (خيابان بهشتي) را به طور كـامل مسـدود كـردند. هـم زمان با اين تحصن, نيروهاي ويژه ضد شورش ناحيه انتظامي استان تهران با استقرار در محل هرگونه تحرك كارگران را تحت نظر و كنترل گرفتند.

يـكي از كـارگران ايـن كارخا نه نسـبت بـه حـقوق معو قه خـود اظهـار نارضايتي كرد و از مسئوولان خواست كه به موضوع اعتراض جنبه سياسي ندهند.

يـك زن كـارگر معـترض نيـز گـفت: در سـال گذشـته از فـروش آهـن آلات اسـقاطي موجـود در ايـن كارخانه بيش ازهشت ميليارد ريال عايد كارخانه شد. وي افزود: "اگر همين پول را به كارگران پرداخت مي كردند, امروز شاهد اين همه نابساماني در زندگي كارگران و نيز وضعيت ترافيكي شهر نبوديم."

***

چاپ کن! | صفحه اول! | خبرنامه!

www.iran-archive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com

جمعه 13 اردیبهشت ماه 1381

هلند :

اعتصاب کارگران شرکتهای ساختمانی در هلند همچنان ادامه دارد!

بیست و پنج روز است که اعتصاب کارگران ساختماني براي بدست آوردن خواسته هاي بر حق خود ادامه دارد. کارگران شرکتهاي ساختماني در روز 25 آوریل 2002 در اکثر نقاط هلند د ست به اعتصاب و راه پیمایي زدند و بعضي از اتوبانها و جاده هاي هلند از جمله اتوبان A20 در رتردام بر اثر راه پیمایي کارگران مسدود شد.

لازم به یاد آوري است کارفرمایان و صاحب شرکتها کوشش مي کنند با استخدام کارگران خارجي که اکثرا آنها از بلوك شرق هستند از طرف دفاتر کاریابي هاي موقت که در هلند نام "آوي زند بورو" به خود گرفته اند, اعتصاب کارگران را به شکست بکشاند. کارگران ساختماني در هلند علي رغم سیاست هاي کارفرمایان و دولت براي به شکست کشاندن اعتصاب آنها مصمم هستند تا به دست آوردن خواسته هایشان که عبارت است از مذاکره بي قید و شرط براي افزایش دست مزدهایشان به اعتصاب خود ادامه دهند. جالب توجه است که دستگاههاي تبلیغات هلند کارگران خارجي را کساني دانست که در مقابل دست مزدهاي شرم آوري که مي گیرند کارهاي هلندي ها را از آ نها مي ربایند و اتحادیه ي کارگران هلند که رهبري اعتصاب را به عهده دارد به جاي آن که کوشش کند آ نها را به صف اعتصاب ها بکشاند, در جواب گفت که آنها فقط براي پول این کار مي کنند و کارفرمایان نیز به آنها مي گویند که کارگران موقت خارجي نمي توانند رسمي بشوند و هر وقت کارفرمایان دلشان خواست به خیابان ها سرازیرشان مي کنند.

***

www.iran-archive.com

چاپ کن! | صفحه اول! | خبرنامه!

khabarnameh_komala@hotmail.com جمعه 13 اردیبهشت ماه 1381

موانع موجود بر سر راه مطبوعات کردی

آماتج

عزیزکندی

در دنياي مدرن امروزي, مطبوعات يكي از مهم ترين زمينه هاي روشنفكري و نشر افكار عمومي جامعه و قسمت اعظم بخش هاي سازماني و صنايع و هنري و اقتصادي و سياسي را خود گرفته است. مطبوعات اولين بلندگوي نشر افكار روشنفكري و نويسندگان بوده است. نويسندگان هم قافله سالار اين مهم, روزنامه نگاري, بوده اند. پيداست كه هر ملت و و جامعه اي, و بخصوص ملت هاي زير دست و ستمديده, كه بخواهد كه صدايش را به گوش ديگران برساند بايد به اين مهم دسترسي پيدا كند و در آن پيشرفت نمايد. مطبوعات بخصوص براي ملت هاي ستمديده وسيله ي بسيار خوبي است تا بدين سان صداي مظلوميت خود و روشنفكران و سياست مداران خود را از طريق گرافيك, تئاتر, شعر و ديگر موارد اجتماعي و سياسي را به گوش جهانيان برسانند.

104 سال پيش در قاهره پايتخت مصر از طرف خانواده ي "بدرخان" اولين روزنامه ي كردي زبان به نام " كردستان" انتشار يافت. مقداد بدرخان نقش موثري در انتشار اين روزنامه ايفا نمود و در سرمقاله ي ااين روزنامه به زباني ساده نوشت: " آنچه كه از دستمان برآمده انجام داده و و قسمت عمده ي روزنامه را هم به كردستان ارسال داشته و از همه ي دلسوزان (ادبيات كردي) تقاضاي همكاري داريم."

تولد اولين روزنامه ي كردي, تبلور سربرآوردن دوباره ي بدرخان ها بود در شام كه به باور دشمن آب بر آتش آن ريخته شده بود و خانواده ي بدرخان به قاهره تبعيد شده و از سرزمين خود دور انداخته شده بودند.

104 سال است كه مطبوعات كردي به راه افتاده و پيچ و خم هاي بسياري را طي كرده و فراز و نشيب هاي زيادي را پيموده و در هزاران زيرزمين نمناك شهرها خوابيده و هزاران بار خون مركب آن گشته و چرخ چاپ خانه اي را به گردش درآورده است و در مسير اين پيچ و خم ها سرانجام به جايي رهنمون شده كه امروزه دهها و صدها مجله و روزنامه و كتاب به اين زبان منتشر مي شود.

مطبوعات كردي چگونه به اين مرحله رسيد, به محققين و مورخين رجوع خواهيم كرد. اكنون مطبوعات و روزنامه نگاران كرد و بخصوص روزنامه نگاران كردستان ايران چگونه و در چه شرايطي به سر مي برند؟

گذشته از آن كه تاريخ مطبوعات كردي خيلي با تاريخ ملل همسايه دور نيست, ولي سرنوشتي كاملاً متفاوت با آنها دارد و اين هم به نوبه ي خود تاثيرات مهمي را روي روزنامه نگاران و نويسندگان گذاشته است.

بزرگترين ازمون نويسندگان و روشنفكران و روزنامه نگاران كردستان, در اين زمينه, روزنامه نگاري پرقدرت زبان فارسي است كه نزديك به 150 سال است كه ما شاهد رشد آن هستيم و فراز و نشيب هاي آن را مي شناسيم و اغلب شاعران و نوسيندگان و مترجمان كرد هم در اين مدت با اين جريان دمساز بوده و به اين زبان نوشته اند.

به نظر بزرگترين مانع بر سر راه رشد مطبوعات در كرد ستان ا يران, نبود سنديكاي روزنامه نگاران و يا مركز سراسري و عمومي نويسندگان ا ست كه تاكنون هم در هيچ كدام از قسمت هاي كردستان و يا حداقل يكي از قسمت هاي آن را به كلي تحت نفوذ خود درآورد, تاسيس نشده است. علل و عوامل تاسيس نشدن اين سنديكاها و يا مراكز فرهنگي بسيار است كه من در اين جا به چند مورد از علل اصلي آن در كردستان ايران اشاره مي كنم, نبود و به وجود نيامدن سنديكاي روزنامه نويسان رابطه ي مستقيم با اين مساله دارد:

اول: هيچ نويسنده اي در كردستان شرقي نمي تواند حرفه اي كار روزنامه نگاري را انجام دهد. چند روزنامه اي هم كه منتشر مي شوند دولتي و به يكي از جناح هاي دولتي وابسته هستند. اغلب نويسندگان و روزنامه نگاراني هم كه اهفت خان رستم را طي كرده و در يكي از اين روزنامه ها استخدام شده اند, غير رسمي و قراردادي هستند.

دوم: آن مجلات و روزنامه هايي هم كه تا حدودي مستقل هستند, تنها به همت و دلسوزي تعدادي از روشنفكران و نويسندگان و تعدادي معدود از خوانندگانش منتشر مي شوند. اغلب آنها از چند شماره بيشتر انتشار نمي يابند. مجلات منتشره در دانشگاهها از اين جمله اند. دانشجويان براي انتشار مجله و يا روزنامه اي به زبان كردي تحت فشار دائم هستند و حتي بايد از جيب خود نيز پولي بپردازند تا اجازه ي انتشار به دست بياورند.

سوم: تامين نكردن پشتوانه ي مالي براي انتشار اين روزنامه ها از طرف دولت, مطبوعات و نويسندگان را در حاشيه ي كار قرار داده است و آن را به كاري انفرادي تبديل كرده است. هيچ نويسنده و شاعري نمي تواند از اين راه امرار معاش كند.

چهارم: نويسندگان و ديگر د ست اندركاران امر روزنامه نگاري در كردستان ايران, بايد خون جگر بخورند و از خود مايه بگذارند و بايد تمام آثارشان را مجاني در اختيار خواننده قرار دهند, آن هم خواننده اي كه از خود مايه گذاشته و زبان مادري را كه در هيچ مدرسه اي رسماً تدريس نمي شود, اصول و قواعد آن را ياد گرفته است.

پنجم: به نظر نمي رسد كه در كردستان ايران هيچ روزنامه اي يافت شود كه براي كار نوشتن و ترجمه پولي به مترجم و يا نويسنده بپردازد. در حالي كه اين از جمله حقوق اوليه ي هر نويسنده اي است كه در برابر كاري كه

مي كند پولي دريافت دارد, اين كار(پرداخت پول) حتي در كردستان عراق هم اكنون كاري عادي است.

ششم: به غير از موارد بالا, فضاي سانسور و سركوب و نبود آزادي افكار و عقايد, بزرگترين مانع بر سر راه كار مطبوعات و نويسندگان كرد در كردستان ايران است. اين به عاملي براي ياس و دلسردي جوانان تبديل شده است و محتاطانه به اين كار اقدام مي كنند. البته احساس مسئوليت در برابر پر كردن اين خلاء, تا حدودي اين كاستي ها را پر كرده است, ولي مطمئناً در توسعه و گسترش كار مطبوعات كردي تاثير منفي گذاشته و مي گذارد.

اين نقاط ضعف و كمبودها, باعث شده كه اغلب نويسندگان و مترجمان كردستان ايران اغلب آثار خويش را در كردستان عراق و خارج از ايران منتشر كنند. اين كار باعث شده كه خوانندگان كمتري به آن دسترسي پيدا كنند.

پيش به سوي تاسيس سنديكاهاي عمومي و اتحاديه ي روزنامه نگاران و نويسندگان كردستان.

***

10

چاپ كن! | صفحه اول! | خبرنامه!

www.iran-archive.com

khabarnameh_komala@hotmail.com جمعه 13 اردیبهشت ماه 1381

افغانستان در آستانه ی تشکیل "لویی جرگه"
شورای محلی افغانها

سیامك حیدری

افغاستان در آستانه ي تحولي جدي قرار دارد. در واقع پس از فروپاشي حكومت اسلامي طالبان, اين دومين واقعه ي مهم افغانستان به شمار مي آيد.

در پنجم دسامبر سال 2001 در بن آلمان, تشكيل "لويي جرگه"س از طرف ظاهر شاه, شاه پيشين افغانستان, پيشنهاد شد. در اين كنفرانس كه زير نظر سازمان ملل و نماينده ي آن "اخضر ابراهيمي" برپا شد تنها 4 گروه از خيل گروههاي ريز و درشت افغاني قرار داشتند. لويي جرگه مامور است تا قانون اساسي كشور را تدوين كند و در واقع نقش يك پارلمان را بازي نمايد.

اما در آستانه ي تشكيل لويي جرگه ببينيم افغانستان بعد از طالبان در چه وضعيتي قرار دارد و تشكيل لويي جرگه تا چه حد مي تواند آينده مردم افغانستان و آسايش و امنيت آنها را تامين نمايد؟ گروههاي تشكيل دهند در افغانستان كدام ها هستند و داراي چه سوابقي مي باشند؟ زنان داراي چه جايگاه اجتماعي هستند؟

نبايد از نظر دور داشت كه برچيدن نظام "طالبان"ي در افغانستان خود يك گام مهم به جلو است و راه براي مردم افغانستان براي برداشتن گام هايي موثرتر باز گذاشت. اختاپوس طالبان طي چند سال حاكميت بر مردم افغانستان چنان اين كشور را دچار فقر و بدبختي و عقب ماندگي نمود كه آثار و عواقب آن تا سال ها باقي خواهد ماند. از معايب طالبان هر چه بنويسيم كم گفته ايم و جاي خود دارد كه در مورد سربرآوردن اين پديده ي شوم كنكاش بيشتري بشود.

صلح افغانستان بر پايه اي بسيار سست و شكننده استوار است و اين را خود مقامات افغاني و خارجي نيز اذعان مي كنند. بر سر راه تشكيل لويي جرگه و توان ادامه ي آن موانعي وجود دارد كه جاي خود دارد كه به آن توجه شود و بايد مردم افغانستان با هوشياري با آنها روبرو گردند, وگرنه دور باطل دو دهه ي پيش بار ديگر تكرار خواهد شد. افغانستان كشوري است جنگ زده و بعد از شكست شوروي در افغانستان, گروهها و احزاب مختلف بر سر قدرت, به جان هم افتاده و افغانستان را درگير يك جنگ فرسايشي و مردم آن را آواره و سرگردان نموده اند. به جاي توجه به پيشرفت و آباداني كشور هميشه منافع خود را در نظر گرفته و كشور را چندين سال به عقب برندند. افغانستان كشوري است عقب مانده, چه به لحاظ سياسي و چه به لحاظ اقتصادي و حتي براي رسيدن به رده ي كشورهاي در حال توسعه, نياز به راهي دشوار و طولاني دارد. مثل بسياري از جوامع شرقي هنوز پلوراليسم در آن جا نيفتاده, هنوز شخصيت ها و روساي قبايل هستند كه حكم مي رانند. توجه جدي به اين مساله حائز اهميت فراوان است كه افغانستان هنوز هم كشوري با فرهنگ قبيله اي است و قبايل و روساي قبايل در بسياري موارد حرف اول و آخر را مي زنند. احزاب سنتي افغانستان نيز داراي چنين سوءسوابقي هستند و هميشه به جاي اتكا به مردم به كشورهاي همسايه متكي بوده اند.

يكي از معاهدات كنفرانس بُن خلع سلاح قبايل و عشاير محلي و تشكيل ارتش ملي بود, ولي تاكنون هيچ كدام از اين قبايل حاضر نشده اند پا پيش بگذارند, چون به همديگر اعتماد ندارند. وجود و بقاي روابط و مناسبات فئودالي مانع از برپايي چنين سيستمي است. احزاب مختلف در افغانستان تقريباً همگي تمايلات شديدي به اسلام دارند و هنوز معلوم نيست كه در حكومت آينده ي افغانستان رابطه ي دين و دولت چگونه خواهد بود. زنان كه در طول تاريخ اين جنگ ها, يعني از سال 1978 تاكنون بيشترين درد ها و رنج ها را متحمل شده اند هميشه از سوي احزاب مختلف مورد آزار و اذيت و بي احترامي قرار گرفته اند و هيچ گاه حقوق آنها رعايت نشده است. در افغانستان تشكل هاي مستقل زنان به غير از "راوا" وجود ندارد كه آن هم در بيرون از افغانستان فعاليت مي كند. درك و آگاهي زنان افغاني به علت وجود سركوب و زير پا نهادن حقوق اوليه ي آنها و دخالت ندادنشان در امور سياسي و اجتماعي, به علاوه ي افكار و تمايلات شديد مردسالار در بين قبايل و احزاب اسلامي افغاني, در سطح نازلي قرار دارد. در احزاب كنوني افغانستان جايگاه زنان بسيار ضعيف است. در لويي جرگه قرار است تا حدودي اين كاستي برطرف شود, ولي صرفاً وجود چند زن در لويي جرگه به معناي پيشرفت و ترقي و استقلال زنان افغان نيست. اين امر ميسر نيست مگر زنان از گوشه ي خانه ها بيرون بيايند و در توليد اجتماعي سهيم شوند.

در آستانه ي تشكيل لويي جرگه هنوز طالبان و القاعده كاملاً سركوب نشده اند. طبق اخبار و گزارشات آنها در صدد تجديد سازماندهي خود هستند. سوال ديگر اين است كه آيا احزاب و هم چنين قبايل قدرتمند افغاني حاضر هستند سلاح هايشان را زمين بگذارند و در ارتش ملي شركت كنند؟ تجربه ي تاريخي اين احزاب و قبايل انسان را در برابر پاسخ مثبت به اين سوال مورد ترديد قرار مي دهد. اقتصاد افغانستان ويران و بي پايه است و هنوز روابط و مناسبات اقتصادي اين كشور به شيوه ي نظام فئودالي اداره مي شود. بخش صنعت, كشاورزي و حتي خدمات در اثر جنگ هاي مداوم نابود شده و ناامني و بي ثباتي كشور مانع از رشد اقتصادي اين كشور شده است. بخش كشاورزي هم مانند بقيه ي بخش هاي ديگر از بين رفته و در چند سال گذشته كشت خشخاش و ترياك آسان ترين و پردرآمد ترين راه براي كشاورزان بوده است. فقدان احزابي مستقل و به معني واقعي كلمه دمكرات و پايبند

www.iran-archive.com

به اصول دمکراسي و امروزي در افغانستان خود مزيد بر علت شده است. وجود يك حزب لائيك و مترقي مي تواند در آگاهي سياسي مردم, زنان و جوانان نقش اساسي داشته باشد. هنوز اين خلاء پر نشده است. مطبوعات آزاد كه يكي از اركان اصلي دمكراسي در هر كشوري هستند, در اين كشور هنوز پا نگرفته است. از جمله موارد ديگري كه در افغانستان امروزي جايش بسيار خالي است, آموزش و پرورش رايگان و علمي است كه بتواند نسل هاي آينده ي افغانستان را بار بياورد و پرورش دهد. هنوز كودكان افغاني در حجره ها و نزد ملاها و آخوندها درس مي خوانند و اين با هيچ معيار پيشرفته ي امروزي خوانايي ندارد. بازسازي آموزش و پروش در افغانستان بايد در صدر امور قرار بگيرد.

كشورهاي خارجي كه در افغانستان و در سركوب طالبان دست داشتند و اكنون در افغانستان مستقر هستند, بيشتر منافع ملي كشورشان را در نظر دارند و در پي تحكيم جاي پاي خود در اين كشور هستند.

در آستانه ي تشكيل لويي جرگه هنوز قبايل مختلف در ايالات مختلف افغانستان به همديگر حمله مي كنند و نمايندگان حكومت موقت را مورد يورش قرار مي دهند و گاهاً حتي ميان خود نمايندگان حكومت موقت بر سر قدرت, جنگ و درگيري وجود دارد. مردم هنوز امنيت جاني ندارند و كساني كه از كشورهاي همسايه به افغانستان باز مي گردند ترجيح مي دهند در شهرهاي بزرگ ساكن شوند و از رفتن به روستاها و ديگر شهرهاي دوردست خودداري مي كنند. دخالت كشورهاي همسايه و از آنجمله ايران يكي ديگر از مشكلات افغانستان است.

اين ها بخشي از موانع و مشكلاتي است كه بر سر راه مردم افغانستان و لويي جرگه, و احتمالاً تشكيل لويي جرگه وجود دارند و تا اين مشكلات حل نشوند, محال است پيشرفتي حاصل شود. افغانستان براي رسيدن به يك جامعه ي نرمال و امروزي و رسيدن به دمكراسي و پلوراليسم و اقتصادي نسبتاً پويا, راهي دراز پيش رو دارد و بايد فراز و نشيب هاي بسياري را بپيمايد. تنها بيداري و خودآگاهي مردم افغانستان است كه مي تواند آنها را از معضلات دو دهه بي سرانجامي نجات دهد. تجربه نشان داده است كه احزاب فعلي نمي توانند افغانستان را به راه درست و به سوي يك جامعه ي امروزي و مدرن رهنمون شوند. وقت آن رسيده كه كارگران و زحمتكشان و مردم افغانستان خود به ميدان بيايند تا بيش از اين بازيچه قرار نگيرند. زنان اگر مي خواهند از لاك دفاعي چندين ساله بيرون بيايند, هنگام آن رسيده است كه خودي نشان بدهند و تشكل هاي مستقل خود و روزنامه ها و نشريات خود را منتشر كنند و از اين راه بر خودآگاهي ديگر زنان افغان نيز بيفزايند. زنان حتي در همين لويي جرگه هم بايد خواست هاي خود را ارايه دهند و دوش به دوش ساير طيف هاي افغاني در بازسازي خود و افغانستان گام بردارند.

***

www.iran-archive.com

آدرس پست الكترونيكي (e-mail) كميته مركزي كومه له: komala1348@hotmail.com

شماره تلفن و فاكس نمايندگي كومه له در خارج كشور: tel:004622486146 و fax:004622413923

چاپ كن! | صفحه اول! | خبرنامه!

خبرنامه

کومه له_سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

۶۳

جمعه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۱

بیانیه ی پایانی
دومین نشست وسیع کمیته ی مرکزی کومه له

بدینوسیله به اطلاع عموم می رسانیم که دومین نشست وسیع (پلنوم) کمیته ی مرکزی کومه له ـ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، منتخب کنگره ی نهم در آخر ماه مارس برگزار شد و بعد از سه روز کار فشرده و بررسی مباحث مختلف تشکیلاتی و سیاسی و صدور قطعنامه های لازم در هر مورد به کار خود پایان داد.

لازم به یادآوری است که همزمان با برگزاری پلنوم، تهاجم نیروهای اسرائیل به سرزمینهای اشغالی و از جمله به مقر یاسر عرفات و بازداشت خانگی وی شروع شد. پلنوم به اتفاق آراء سیاستهای تجاوزکارانه ی دولت شارون و به ویژه این عمل دولت اسرائیل را محکوم کرد و حمایت سیاسی خود را از حق مردم فلسطین برای تشکیل دولت مستقل اعلام نمود و هم چنین بر لزوم به رسمیت شناختن حکومت خودگردان فلسطین و رهبر آن یاسر عرفات به عنوان دولت مشروع فلسطین تاکید کرد.

کمیته ی مرکزی کومه له در نشست اخیر خود تاثیر اوضاع سیاسی جهان بر ایران را مورد بحث و بررسی مفصل قرار داد. جهان یك ابرقدرتی که بر اساس وعده های نظریه پردازان لیبرال غرب می بایست آغاز ناپدید شدن همه ی شرارت ها، تجاوزگری ها، حمایت از رژیم های فاسد و دیکتاتور، یعنی سیاست هائی باشد که در شرایط جنگ سرد اجتناب ناپذیر می نمود، می رود تا به عریان ترین وجه سیمای واقعی خود را در برابر چشم همگان آشکار کند. توسعه طلبی نظامی، روی آوردن به سیاست های آشکار استعماری که از جنگ جهانی دوم به این طرف سابقه نداشته است، تقسیم کردن دولت ها به خیر و شر که در آن بزرگترین قدرت امپریالیستی و نظامی که دنیا تاکنون به خود ندیده است، به عنوان منبع اصلی خیر در دنیا قلمداد می شود و بنابراین جنگ افروزی آشکار و تهدید مخالفان به استفاده از سلاح اتمی، سیاست حمایت آشکار از متجاوز، بی اعتنایی مطلق به اصول دموکراتیك پذیرفته شده در دنیای متمدن، به کار بردن زبان متکبرانه و حقارت آمیز نسبت به دیگران که تنها در دوران اوج وشکوفایی قدرت های استعماری مشابه آن را می شد پیدا کرد، بی اعتنایی آشکار به افکار عمومی دنیا و حتی بی توجهی به قدرت های متحد خودی، این ها همه جنبه های مختلف چهره ای هستند که از جانب سخنگوی اول تنها ابرقدرت جهان به مردم دنیا نشان داده شدند.

از طرف دیگر بعضی از نیروها و جریانات مترقی به خصوص در کشورهای متروپل افشای سیاست های امپریالیستی غرب و در راس آن ایالات متحده را با نوعی حمایت ضمنی از دولت های سرکوبگر و دیکتاتورهای کشورهای مورد تهدید غرب و یا حداقل چشم پوشیدن از جنایات آن ها، همراه می کنند. نتیجه ی چنین موضعی نیز عقب گرد مخرب برای جنبش های آزادی بخش و کارگری به شعارهای امتحان پس داده ای است که تحت لوای تضاد اصلی با امپریالیسم، امپریالیسم دشمن اصلی و غیره، در عمل نیروهای انقلابی و جنبش های حق طلبانه را در کنار دشمن اصلی و خیل دیکتاتورها و طبقات حاکم کشورهای پیرامونی قرار می دهد.

یك موضع انقلابی ضمن تشخیص ماهیت و نیات واقعی امپریالیسم، نباید برای یك لحظه نیز مبارزه در داخل را فراموش کند و یا با اتخاذ مواضع دوپهلو بطور ضمنی هم شده در کنار رژیم های سرکوبگر قرار گیرد. تا آنجائیکه به ایران بر می گردد، سیاست آمریکا در طول دو دهه ی اخیر هیچ گاه تغییر حکومت و نظام سیاسی ایران..

⇐۲

در این شماره می خوانید:

* بیانیه ی پایانی دومین نشست وسیع کمیته مرکزی کومه له
* گزارش مراسم بزرگداشت اول ماه مه، در اردوگاه مرکزی کومه له
* اخبار شهرهای کردستان
*اخبار ایران و جهان

www.iran-archive.com

نبوده بلکه تغییر و اصلاح سیاست های این رژیم و متناسب کردن آن با نیازهای غرب را مدنظر داشته است و در رابطه با خود تغییر سیاست ها نیز هیچ گاه سرکوب ها و کشتارها و نقض آزادی ها و حقوق بشر مردم ایران به دست این رژیم جزو سیاست هائی که باید تغییر کند اعلام نشده و موضع دمکراسی و حقوق مردم مساله ای را در این ربطه تشکیل نمی داده است بلکه همواره احتمال دسترسی رژیم جمهوری اسلامی به سلاح های کشتار جمعی و مخالفت وی با پروسه ی صلح خاورمیانه به عنوان این موارد نام برده شده است. با وجود افزایش تنش بین رژیم جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در دوره ی اخیر، شواهد نشان می دهد که آمریکا در حال حاضرنیز کماکان این سیاست را دنبال کرده وفشارهای سیاسی و نظامی غیر مستقیم را با هدف تاثیر گذاشتن بر روندهای سیاسی در ایران در راستای اهداف استراتژیك خود مورد بهره برداری قرار می دهد.

تا آن جا که به عمل کرد رژیم جمهوری اسلامی برمی گردد، افزایش تنش بین ایران و آمریکا از طرف جناح محافظه کار رژیم عامدانه در جهت زمینه سازی ایران برای به راه انداختن یك سرکوب گسترده ی مردم، که از مدت ها پیش تمایل و نقشه ی آن را داشته اند، و به سکوت کشاندن جناح مخالف مورد استفاده قرارگرفته و حتی پیش از آن چه واقعاً هست بزرگ شده است. در حالی که از طرف دیگر می بینیم که علی رغم شعارها و لفاظی های ضد آمریکائی هردو جناح رژیم اسلامی برای به دست گرفتن ابتکار و انحصار مذاکره با آمریکا به شیوه ی توطئه گرانه ای با همدیگر مسابقه گذاشته اند.

کمیته ی مرکزی کومه له یك بار دیگر بر این اصل پای فشرد که تنها خط مشی صحیح به نفع توده های مردم و به نفع دموکراسی، اتکا به جنبش های توده ای اصیل و در پیش گرفتن یك سیاست مستقل انقلابی است که هم از هرگونه جناح بندی های رژیم و هم از استراتژی غرب مستقل باشد.

کمیته ی مرکزی کومه له اوضاع سیاسی ایران را نیز مورد بررسی قرار داد و بر نکات زیر مجدداً تاکید نمود:

کل نظام سیاسی ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری در چشم مردم ایران بی اعتبار شده و از حمایت مردمی از نظام، دیگر سخنی هم نمی تواند درمیان باشد. امید به بهتر شدن اوضاع و اصلاحات در درون نظام به رهبری جناح اصلاح طلب ودلتی نیز کم تر و کم تر شده است. جناح اصلاح طلب درون حکومت از یك طرف با نشان دادن ناتوانی روزافزون خود در مقابله با جناح رقیب، ضعف خود را هرچه بیشتر به نمایش گذاشته است و از طرف دیگر سرکردگان این جناح سیاست نزدیکی به جناح راست را از طریق تعدیل کردن و یا در بسیاری مواقع به فراموشی سپردن کامل بعضی از شعارهای خود در پیش گرفته و هدف حفظ اتحاد با جناح محافظه کار را بر تعدیل و اصلاح کردن کردن نظام اولویت بخشیده اند.

تا آنجائیکه به جبهه ی مردم برمی گردد، با وجود نارضایتی عمومی وسیع در میان مردم، فقر و فاقه ی شدید و غیر قابل تحمل که به توده های وسیع مردم کارکن و زحمتکش تحمیل شده است، با وجود حرکت های اعتراضی پراکنده به وسعت همه ی ایران، ما هنوز با یك جنبش قوی و متشکل و سازمان یافته ی مردمی که دارای اهداف سیاسی روشنی بوده و از یك رهبری منسجم برخوردار باشد، روبه رو نیستیم. جنبش کارگری ایران هنوز با مشکل پراکندگی و غیبت تقریبا مطلق ابزارهای سازمانی سنتی خود دست وپنجه نرم می کند که خود حاصل سرکوب مداوم این جنبش در قسمت اعظم تاریخ معاصر بوده است، و لذا تاکنون قادر نبوده است به جامعه ی ایران تحرك واقعی داده و ابتکار عمل را در جنبش توده ای به دست بگیرد. از طرف دیگر با وجود عدم حمایت مردمی، ابزارهای سرکوب رژیم هنوز دست نخورده در اختیار وی هستند تا هرگاه لازم باشد علیه مردم به کار گرفته شوند.

در متن چنین تعادلی است که جنبش توده ای برای مطالبات گوناگون در لحظه ی حاضر آن جنبش بالفل موجودی است که باید برآن تاثیر نهاد، آن را رادیکالیزه کرد و برای پیروزی آن مبارزه نمود. پیشروی و پیروزی هرکدام از این جنبش های مطالباتی و حق طلبانه در هر کدام از عرصه های مبارزه درخود به نفع بهبود در زندگی سیاسی ـ اقتصادی توده ی مردم بوده ودر عین حال با رادیکالیزه کردن کل جامعه آن را به مجرای جنبش نهایی برای سرنگونی جمهوری اسلامی سوق خواهد داد. با توجه به اینکه آن نظام سیاسی که خمینی بیش از دو دهه قبل آن را پایه گذاری کرد در میان مردم ایران شکست خورده و بی اعتبار شده است مسا له رفتن و یا حداقل تغییر رژیم درایران امری حتمی است و تنها زمان و چگونگی روندی که طی خواهد کرد می تواند مورد پرسش باشد.

مساله ی دموکراسی و آزادی های سیاسی مساله ی درجه اول انقلاب و یا هر تحول سیاسی ریشه دار بعدی در ایران خواهد بود. در این رابطه لیبرالیسم ایران، به غیر از بخش بسیار کوچکی از آن، چه به عنوان اپوزیسیون رسمی و چه به عنوان اصلاح طلب دولتی و غیردولتی، هنوز هم شدیداً به پیراهه های مذهبی آلوده بوده و یا آن چه که به عنوان لیبرالیسم در اورپا و غرب شناخته شده است بسیار متفاوت است. این لیبرالیسم، به ویژه در داخل، در اکثریت خود هنوز با شعار...

⇐۳

www.iran-archive.com

جدایی دین از دولت فاصله ی بسیار دارد. این لیبرالیسم گرچه تا حدودی از مدینه ی فاضله ی مذهبی اش سرخورده است، همان جریانی است که توده ی وسیع روشنفکر، تحصیل کرده و دانشجوی ایران را در سال های سلطنت و به خصوص در دوران متاخر آن تا زمان انقلاب پشت ایده ی حکومت مذهبی به صف کرده و بنابراین خدمت بزرگی به رژیم انحصارطلب آخوندی نمود و اکنون نیز با آراسته کردن خود به زیور ملی ـ مذهبی، چیزی را به جامعه ی ایران عرضه می کند که در واقع بیش از یك لیبرالیسم نیم بند و تقلبی نیست. این لیبرالیسم به هیچ وجه قادر نبوده و نخواهد بود که حکومت و قانون گزاری را در ایران کاملاً مذهب زادیی کند، برای آزادی زنان از قید اسارت کنونی گام های جدی بردارد، آزادی های سیاسی مورد درخواست کارگران و زحمتکشان را، که برای آنان در مبارزه ی روزانه شان علیه اجحافات سرمایه داری و برای امکان سازمانی یابی شان حیاتی است، برآورده سازد و وهائی اقلیت های ملی تحت ستم در ایران را تضمین کند.

تحقق این وظایف مهم، تاریخاً بر عهده ی طبقه ی کارگر و نیروهای اصیل سوسیالیستی می باشد. مشکل اساسی این است که کسی نمی تواند خارج از جنبش کنونی برای مطالبات اصلاحی این مهم را بر عهده گرفته و جنبش را به پیش ببرد. این وظیفه ای است که بر عهده ی هر جریان چپ و جدی قرار دارد که می خواهد بر روند زندگی واقعی در ایران تاثیر گذاشته و تنها منزه طلبی نظری و در برج عاج نشستن وی را قانع نمی کند. مساله ی مهم دیگر در تحول سیاسی آینده ی ایران از نظر جریان سوسیالیستی، گسترش و تقویت سازمان یابی طبقه ی کارگر است. این هدفی است که باید از هم اکنون و نیز در هر تحول کوچك وبزرگ، در هرباز شدن فضای سیاسی، در خلال هر فضائی که جنبش توده ای باز می کند، در سرلوحه ی کار قرار دارد و برای آن تلاش کرد. دست یابی کارگران به تشکل سراسری و نیرومند و مستقل خود، دست آورد بزرگی است که مهر خود را بر روی حیات و فعالیت جامعه ی کارگری ایران و ارتقاء موفقیت آن خواهد کوبید، دوره ی سیاسی آتی را از نظر کارگران به یك دوره ی موفق تبدیل خواهد نمود و نقطه ی اتکایی برای پیشرویهای بعدی خواهد شد. به علاوه تشکل های نیرومند و فراگیر و مستقل و مبارزه جوی کارگری مهم ترین پشتیبان و تکیه گاه دمکراسی در برابر هرگونه ارتجاع و استبدادی خواهند بود.

کمیته مرکزی در نشست خود بر وضعیت نابسامان چپ رادیکال و سوسیالیستی در ایران در شرایط حساس کنونی انگشت گذاشته و با توجه با این که تشکیل چنین احزابی در کوتاه مدت در چشم انداز نیست و بالاخره با در نظر گرفتن پراکندگی بسیار زیاد این چپ و نقش بسیار کمی که هم اکنون درعرصه ی سیاسی ـ فرهنگی ایران بازی می کند، بر این واقعیت تاکید کرد که لیبرالیسم نوپای ایرانی که هنوز بسیار آغشته به افکار مذهبی و نظریه های کهنه ی ضد دمکراتیك می باشد، با استفاده از موقعیت مناسبی که در جامعه ی ایران پیش آمده است، هم چون حامی و راهنمای اعتراضات مردم ظاهر شده و دستور گفتمان سیاسی ـ فرهنگی جامعه را تعیین می کند و در مقابل، چپ ایران به حاشیه رانده شده است.

در چنین وضعیتی قدم اساسی برای چپ ایران جمع کردن نیرو و هم سو کردن همه ی توان خود در قبال مسائل پیشاروی جامعه و از جمله مساله ی مربوط به سازمان یابی کارگران، دفاع از دمکراسی و بازی کردن نقشی با وزن مناسب خود در فضای سیاسی ـ فرهنگی جامعه ی ایران می باشد. کمیته مرکزی کومه له اعتقاد راسخ دارد که چپ ایران علی رغم اختلافات اساسی غیر قابل انکار در مسایل مهم پیشاروی سوسیالیسم چه در سطح جهانی و یا کشوری، آن قدر نقاط مشترك و تبیین های یکسان در مسایل مربوط به دمکراسی و رفاهی در جامعه دارد که بتواند براساس یك پلاتفرم حداقل جبهه ی وسیعی را برای اتحاد عمل و صف آرایی در مقابل کل بورژوازی ایران سازمان بدهد و راه را برای آماده سازی یك بستر مناسب برای شکوفایی ایده های چپ و سوسیالیستی در ایران هموار نماید. کمیته مرکزی کومه له به اتفاق آراء بر صدور فراخوانی در این موضوع به چپ ایران تاکید نمود.

پلنوم تا جایی که به عرضه ی فعالیت کومه له در کردستان برمی گردد یك بار دیگر برعزم راسخ خود برای تعمیق پیوند با کارگران و زحمتکشان وتلاش در راستای سیاست های نام برده و نیز در امر هدایت همه جانبه ی جنبش خلق کرد در مبارزات عادلانه اش تاکید کرد.

دومین نشست کمیته مرکزی کومه له منتخب کنگره ی نهم هم چنین بر اهمیت یکسان سازی شعارها و مطالبات مردم کردستان ایران، با هدف استحکام صفوف خلق کرد در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و هر حکومت مرکزی دیگری که به ستم ملی علیه آنها ادامه بدهد، تاکید کرد و در این رابطه قطعنامه ای تدوین و صادر نمود.

نشست کمیته ی مرکزی کومه له همچنین با مروری بر وضعیت کنونی حزب کمونیست ایران و تحولات اخیر این تشکیلات، و با تاکید بر شکست قطعی جریان مدعی فعالیت به نام کومه له در این حزب، یادآوری کرد که بی آینده گی حزب کمونیست ایران و بی ارتباطی آن با هرگونه جنبش اجتماعی و به...

۴←

www.iran-archive.com

ویژه جنبش کارگران در ایران وی را وادار می کند که برای انسجام درون تشکیلاتی هر چه بیشتر به شیوه ی غیر سیاسی و در درازمدت ناکارآ، متوسل شود که برد آن بسیار محدود خواهد بود. پلنوم همچنین با تاکید بر اینکه این جریان در دیدگاه ها و سیاست های خود از جمله در قبال مساله ی ملی در ایران و به خصوص در موضع گیری در مقابل جنبش مردم هرچه بیشتر به کمونیسم کارگری نزدیك شده ومی شود، به چپ ایران و همه ی دوستداران جنبش انقلابی کردستان هشدار داد.

تا آنجائیکه به خط مشی سیاسی کومه له و جهان بینی آن بر می گرد، پلنوم از همه ی اعضاء کمیته ی مرکزی در درجه ی اول و سپس همه ی کادرهای کومه له خواست که در اشاعه و ترویج سیاست های کومه له و خط سیاسی ـ فکری آن بیش از گذشته تلاش نمایند و به مخاطبان وسیع کومه له که در میان آنان بسیاری از نسل جدید وجود دارند که بخصوص در ایران به خاطر سرکوب شدید سیاسی به ادبیات کومه له دسترسی نداشته اند، این امکان را بدهند که خط فکری و سیاسی کومه له را در وهله ی اول از زبان خود رهبران کومه له بشنوند. نتیجه ی این فعالیت ها تربیت توده ی کادرها و پرورش یك نسل جدید آگاه هوادار سوسیالیسم و امر کارگران است که کومه له در هر گونه برآمد سیاسی در ایران به آنان نیاز حیاتی خواهد داشت. در این میان پلنوم به اعضای کومه له در هر نقطه ای که هستند فراخوان داد که، چه به طور فردی و چه به ویژه در جلسات عمومی اعضاء بحث و بررسی دیدگاه ها و مواضع کومه له را، که اساساً در مصوبات کنگره ی نهم آن موجود می باشد، اهمیت بیشتری داده و تسلط خود بر این نظرات و مواضع را افزایش دهند.

در مباحث تشکیلاتی، کمیته ی مرکزی در نشست خود از جمله به بررسی فعالیت های کومه له در خارج کشور پرداخت و به صدور یك سری قرارهای تشکیلاتی برای هماهنگی بیشتر بخش های مختلف فعالیت کومه له در خارج کشور مبادرت نمود. در بررسی انتقادی خود از فعالیت تشکیلات در این عرصه، ضمن ارج گذاشتن به تلاش همه ی رفقای تشکیلاتی در سطوح مختلف و هم چنین هواداران دلسوز کومه له و حمایت های وسیع آنان، بر بسیاری کمبودها و نقاط ضعف در این رابطه نیز انگشت گذاشت و بر لزوم اصلاح و بهبود آن ها تاکید کرد و اسنادی را در این رابطه به تصویب رسانید.

دبیرخانه ی کومه له ـ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران
دهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۱، ۳۰ آوریل ۲۰۰۲

اخبار شهرهای کردستان

بوکان:

* بنا به خبری که از شهرستان بوکان به دستمان رسیده است، برای استقبال از اول ماه مه، روز جهانی کارگر در این شهر تراکت و اعلامیه های کومه له به طرز چشم گیری پخش شده است.

جاهایی که شعار و تراکت کومه له در آنها پخش شده است عبارتند از: امیرآباد، چهارراه شهرداری، اطراف فلکه ی فرمانداری، میدان تجمع کارگران و دبیرستان و مدرسه های داخل شهر و روستاهای اطراف.

این کار تبلیغی وسیع باعث خوشحالی مردم زحمتکش و آزادیخواه شهرستان بوکان شده است.

*طبق اخبار رسیده از شهرستان بوکان، ستوان "خوش رو" فرمانده ی پاسگاه شماره ۳ بوکان، با نیروهای انتظامی تحت فرمان خود به تعقیب ودستگیری و مصادره ی اموال کاسبکاران فقیر و زحمتکش در جاده ی بوکان ـ میاندوآب پرداخته و کاسبکاران این منطقه را تحت فشار و اذیت قرار داده است.

نیروهای چپاول گر رژیم به بهانه ی مبارزه با قاچاق کالا به غارت اموال این زحمتکشان که منبع درآمدی جز این کار را ندارند، پرداخته و مزدوران رژیم با به تاراج بردن اموال و سرمایه ی اندك این قشر زحمتکش، به پر کردن جیب های خود می پردازند. این کار را نیروهای انتظامی به پیشه ی همیشگی خود تبدیل کرده اند و ثروت های فراوان از این راه اندوخته اند.

*بنا به خبری که از شهرستان بوکان به دستما رسیده است، دو هفته پیش فردی به نام " اسماعیل مهدوی" که شغل شیشه بری داشته است، به دلیل مشکلات روزمره اقدام به خودسوزی نموده است و متاسفانه بر اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست داده است.

ما مرگ کاك اسماعیل را به خانواده، دوستان و آشنایان وی تسلیت گفته و خود را شریك غم و ندوه آنان می دانیم.

کرمانشاه:

طبق خبری که از کرمانشاه به دستمان رسیده است، برای استقبال از اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در اغلب محلات و خیابان های این شهر، تراکت و اعلامیه های کومه له ـ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران به نحو چشم گیری پخش گردیده است است. همچنین در روز اول ماه مه تعداد زیادی از کارگران این شهر در سالن ورزشی کارگران در "سه راه حافظیه" تجمع کرده و این روز را گرامی داشته و به هم تبریك گفته اند و خواستار تاسیس تشکل های کارگری و حق اعتصاب برای کارگران شده و این را علناً در این تجمع اعلام کرده اند.

www.iran-archive.com

سردشت:

بنا به اخباررسیده از شهر سردشت، خانهای روستای "گلی" سردشت به فعالیت و جنب و جوش افتاده و قصد دارند که به کمك مراکز و ادارات دولتی زمین های کشاورزی تحت اختیار کشاورزان این منطقه را از آنان بازپس بگیرند.

* بنا به خبر دیگری که از منطقه ی سردشت به دستما رسیده است، چند روز پیش فردی به نام "طاهر ناظری"، اهل "ربط" در حالیکه قصد عبور از خط مرزی "کانی زرد" و ورود به کردستان عراق را داشت، روی مین افتاده و در نتیجه ی انفجار مین پایخود را از دست داده است.

لازم به ذکر است که خانواده ی طاهر ناظری از عمّال وابسته به رژیم جمهوری اسلامی هستند.

مریوان:

*بنا به اخبار رسیده ازشهرستان مریوان، شب هفدهم اردیبهشت ماه امسال تعدادی از افراد ناشناس به مسجد لیلاخی ها در شهر مریوان وارد شده و پس از جمع آوری کلیه ی قرآن ها و کتب مذهبی این شهر، آنها را به فاضلاب استادیوم شهر ریخته اند.

دست اندرکاران رژیم و اطلاعات، به منظور مخدوش ساختن اذهان عمومی نسبت به کومه له اعلام داشته اند که این کار بوسیله ی کومه له انجام گرفته است.

ما ضمن برشمردن نقش و تاریخ مذهب درجامعه، با اعمالی که منجر به جریحه دار شدن احساسات مردم گردد به شدت مخالف هستیم و آن را محکوم می کنیم، درضمن مطمئن هستیم که این نوع کارها تنها می تواند کار مزدوران و جاسوسان خود اطلاعات باشد.

* طبق اخبار رسیده از شهرستان مریوان، روز ۱۵ اردیبشهت ماه سال جاری مردم غیور روستای "خاو" در حمله ای شجاعانه به مدت ٤ ساعت پایگاه نیروهای رژیم را به تصرف خود درآوردند.

مردم خشمگین روستا، رئیس پاسگاه این روستا به نام سروان مظفریان را کتك کاری کردند، هم چنین در این حمله ی مردم به پاسگاه مذکور، ماشین های پاسگاه را درهم شکستند و خسارات زیادی به آنها وارد کردند. نیروهای رژیم در برابر اتحاد و یکدلی مردم ناچار به فرار شدند.

لازم به ذکر است که سروان مظفریان مدت ٦ ماه است که مشغول باج گیری از مردم این منطقه است و با راهزنی، اموال و دارایی مردم را مصادره کرده و تحویل دادگاه میدهد. به همین دلیل مردم تصمیم گرفتند که وی را تنبیه کنند تا درس عبرتی برای بقیه ی مزدوران باشد. مردم بعد از چهار ساعت، پاسگاه تصرف شده را ترك کردند.

اخبار شهرهای ایران

تهران:

*کارگران بازخرید شده ی شهرداری به نشانه ی اعتراض، صبح روز دوازدهم اردیبهشت با تجمع در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری خیابان "بهشت" محل شهرداری و شورای شهر تهران را مسدود کردند.

در روز جهانی کارگر، این افراد خواهان بازپس گرفتن مطالبات خود از شهرداری شدند. یکی از این کارگران با ۲۱ سال سابقه خدمت گفت که شهرداری حدود یك میلیون تومان به ما پرداخت و بازخریدمان کرد. یکی دیگر از کارگران نیز از وعده ی نماینده شهرداری برای پاسخگویی تا ۲۰ اردیبهشت خبر داد.

کارگران بازخرید شده شهرداری پیش از این نیز در سال ۸۰ بارها مقابل ساختمان شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران تجمع کرده بودند. این کارگران از عواقب امضاء تعهدنامه ی بازخرید اظهار بی اطلاعی کردند. هم چنین آنان مدعی هستند که توسط مسئولان شهرداری گمراه شده اند.

* بیش از دویست نفر از دانشجویان دانشکده ی مهندسی امیرکبیر، طی نامه ای به ریاست این دانشکده خواستار برخورد سریع با کارمندی که ضمن درگیری فیزیکی با یکی از دانشجویان، به دیگر داشنجویان نیز اهانت کرده است، شدند. آنها در این نامه به مدیریت دانشکده جهت اخراج این کارمند وابسته به حراست وقت داده اند. دانشجویان این دانشکده اعلام کرده اند که در صورت عدم برخورد قاطع با وی تا روز شنبه، اقدام به اعتصاب و تحصن می کنند. شورای صنفی دانشکده ی مهندسی شیمی دانشگاه امیرکبیر نیز طی بیانیه ای ضمن محکوم کردن این عمل و اهانت این کارمند به حریم دانشجو و دانشگاه، خواستار برخورد سریع مسئولان شده اند. عمل این کارمند وابسته به حراست دانشکده ی مهندسی شیمی، موجب اعتراض بسیاری از دانشجویان و اساتید این دانشکده شده است.

همین شنیده ها حاکی از آن است که دانشکده های دیگر نیز قرار است که طی نامه های جداگانه ای ضمن محکوم نمودن این اقدام کارمند وابسته به حراست، از اقدام دانشجویان دانشکده ی مهندسی شیمی حمایت خواهند کرد.

www.iran-archive.com

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران

تهران:

*جمعی از دانشجویان دانشکده ی اقتصاد دانشگاه تهران، در اعتراض به وضعیت غذای دانشکده تجمع کردند. این دانشجویان مدعی بودند در غذای یکی از دانشجویان سوزن سرنگ یافت شده است. دانشجویان در این مورد از دکتر عباسی نژاد رئیس دانشکده پاسخ خواستند. وی ابتدا می گوید که هیچ اتفاقی پیش نیامده و همه از این غذا خورده اند، اما پس از اعتراض های پیاپی دانشجویان، به آنها اظهار میدارد که حتماً یکی از خود دانشجویان این سوزن را درون غذا انداخته است. دو تن از نمایندگان دانشجویان سوزن سرنگ را برای آزمایش به خارج از دانشگاه بردند تا آزمایشهای اولیه بر روی آن انجام گیرد. رئیس دانشگاه حاضر به توضیح برای خبرنگاران نشد.

هم چنین جمعی از دانشجویان دانشکده ی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران در اعتراض به "کیفیت نامطلوب غذای نیمروزی" دست به تجمع زدند. دانشجویان مذکور با گرفتن غذا و چیدن آن در خیابان مقابل درب اصلی دانشگاه، خواهان پاسخگویی مسئولان در خصوص علت کیفیت پایین غذای نیمروزی دانشکده و مسمومیت تعدای از دانشجویان در چندی پیش شدند. هم چنین این دانشجویان در نامه ای به دکتر اکبری، معاونت سلامت وزارت بهداشت، وضعیت غذای روزانه ی دانشکده های حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز را بسیار نامطلوب و خارج از استاندارد دانستند. نویسندگان درپایان از مسئولان وزارت درمان و معاونت سلامت این وزارتخانه خواستند تا ضمن پیگیری مساله و اقدامات لازم جهت بازخواست از افراد مسئول، دستور مرکزی برای پیگیری نظارت مستمر و موثر در خصوص کیفیت غذاهای دانشگاه را ارائه دهند.

* ۱۷۶ نفر از نویسندگان و روشنفکران با انتشارنامه ای سرگشاده خطاب به ریاست قوه ی قضائیه نسبت به محکوم شدن ناصر زرافشان وکیل پرونده ی قتل های زنجیره ای اعتراض کردند. در این نامه خطاب به ریاست قوه ی قضائیه آمده است که هنوزداغ محمد مختاری ومحمد جعفر پوینده و ماجرای قتل های زنجیره ای خاطرمان را می آزارد که ناصر زرافشان به اتهام افشای اسرار دولتی و دیگر اتهامات از قبسیل نگاه داشتن سلاح در مکانی پررفت و آمد، از طریق شعبه ی ویژه ی سازمان قضایی نیروهای مسلح، که صلاحیت رسیدگی به امور غیرنظامیان را ندارد، محاکمه و به پنج سال زندان و پنجاه ضربه شلاق محکوم می شود!

در ادامه آمده است که آیا این از وظایف قانونی وکیل پرونده نیست که نقص تحقیقات را بیان کند؟ امضا کنندگان ضمن تقاضای رفع ابهام از چگونگی قتل های زنجیره ای، و دفاع از دوستان از دست رفته ی خود خواستار نقض فوری و بی قید وشرط حکم محکومیت آقای زرافشان شده اند.

یاسوج:

صبح روز یکشنبه این هفته، ۷۰ نفر از دانش آموزان دبیرستان غیرانتفاعی دخترانه ی یاسوج برای تفریح به منطقه ای به نام امامزاده "شاه حسن" واقع در "تنگه ی مهربان" در ۳ کیلومتری یاسوج رفتند. لحظاتی پس از رسیدن شاگردان به محل اردو، دو دختر نوجوان برای گرفتن عکس به نزدیکی رودخانه رفتند که ناگهان به داخل رودخانه سقوط کردند. در همین زمان یکی از رفقای این دو دختر که شاهد سقوط آنان به رودخانه بود، برای کمک به رفقایش، به داخل رودخانه می پرد.

ماموران هلال احمر که در نزدیکی اردو بودند به کمک آنها می شتابند و توانسته اند یکی از آنها را نجات دهند و تلاش برای نجات ۲ دختر دیگر بی نتیجه مانده است. پس از دقایقی جسد یکی دیگر از دختران بنام شهناز دهقان توسط ماموران نجات از رودخانه بیرون کشیده می شود. اما جسد دختری بنام پروین، که به کمک رفقایش شتافته بود، هنوز بدست نیامده است.

هلند:

ساعت ۲ نصف شب چهارشنبه ۲ ماه مه، به طور ناگهانی اتحادیه ی کارفرمایان در هلند CNVبا خواسته های کارگران که عبارت بود از افزایش دستمزد و پنج و نیم درصد بابت افزایش قیمت ها و تغییر قانون حق ایاب و ذهاب موافقت کرد. بدین ترتیب کارگران توانستند با اتحاد و اعتصاب یک پارچه ی خود کارفرمایان را در مقابل خود به زانو درآورند.

کارگران شرکت های ساختمانی در هلند از بیش از هفت هفته در حال اعتصاب برای به دست آوردن مطالبات برحق خود بودند. این اعتصاب کارگران ساختمانی بعد از جنگ جهانی دوم که ۹ دفعه کارگران ساختمانی دست به اعتصاب زده اند، در نوع خود بی سابقه بوده است و کارگران بعد از هفت هفته اعتصاب توانستند خواستهای خود را که به ترتیب افزایش دست مزد ۵/۵درصد غرامت بابت افزایش قیمت ها، دو دفعه پرداخت ۱۵۰ و ۲۵۰ یورو و تغییر قانون حق ایاب و ذهاب که یکی از اساس ترین خواست های کارگران بود و کارفرمایان کوشش می کردند که با تغییر آن موافقت نکنند، به اتحادیه ی کارفرمایان تحمیل کردند. در طول هفت هفته اعتصاب کارگران، کارفرمایان کوشش می کردند که وانمود کنند اعتصاب کارگران نمی تواند آنها را تسلیم کند، ولی درسی که کارفرمایان از کارگران آموختند ثابت کرد که سرمایه داران در مقابل اتحاد کارگران تاب مقاومت نخواهند داشت و کارگران خیلی راحت می توانند سرمایه داران را با اتحاد خود به زانو درآورند. آقای "کیس فان دونگین" یکی از مسئولین اتحادیه کارگران در سخنرانی خود خطاب به کارگران گفت: "رفقا ما با اتحاد خود چنان درسی را به کارفرمایان آموختیم که بدانند لشکر بعدی در راه است، کارفرمایان خوب می دانند که بدون ما کارگران هیچ نیستند".

www.iran-archive.com

ادامه ی مراسم اول ماه مه در...

و اعتیاد و، در کل شمار انسانهایی که در نظام سرمایه داری از همه چیز بی بهره و بدون آینده ای روشن به سر می برند و در ابتدایی ترین سطح زندگی به سر می برند، سر به میلیادرها نفر می زند و اینها هیچ افق روشنی را در سایه ی این نظام برای خود نمی بینند. در برابر چنین تغییراتی، در چند سال گذشته، جنبش ضد سرمایه داری، برای به دست آوردن حقوق انسانها و جنبش ضدیت با یغمای ثروت کشورهای فقیر به یکی از نشانه های بارز این عصر تبدیل شده است و ما شاهد چندین تظاهرات و راهپیمایی بزرگ همگانی در آمریکا، برزیل، ایتالیا، سوئیس و آلمان بوده ایم.

در ایران تحت حاکمیت نظام اسلامی، بیشتر از چهار میلیون بیکار در پی پیدا کردن کار سرگردان هستند. تضاد طبقاتی به نحو بی سابقه ای گسترش یافته است و، رژیم هار جمهوری اسلامی هر روزه به حقوق و دست آوردهای مردم بیشتر حمله می برد. تبعید، اعدام و کشتار وسیع فعالین کارگری، سرکوب هر سازمان صنفی مستقل و ممنوع کردن هر نوع تشکل کارگری و رادیکال، گسترش مداوم خریدو فروش زنان و دختران جوان، بالا رفتن درصد بی سابقه ی اعتیاد و فحشا و مشکلات اجتماعی دیگر، حاصل دو دهه حکمرانی جمهوری اسلامی است.

ولی جنبش کارگری با وجود نامتشکل بودن آن و سرکوب وسیع آن در این دو دهه، کم کم دوباره در حال سربرآوردن است و ضد جمهوری اسلامی ایستادگی کرده است و زبان اعتراض و خواست هایشان رادیکال تر و بدون واهمه تر شده است. تحصن و اعتراض هر روزه ی کارگران و حمایت مردم از خواست های کارگری، تا حدود زیادی به جمهوری اسلامی فشار آورده و توازن قوا به میزان زیادی به نفع مردم عوض شده است، علاوه بر این رکود ولی جنبش کارگری با وجود نامتشکل بودن آن و سرکوب وسیع آن در این دو دهه، کم کم دوباره در حال سربرآوردن است و ضد جمهوری اسلامی ایستادگی کرده است و زبان اعتراض و خواست هایشان رادیکال تر ... و بدون واهمه تر شده است. تحصن و اعتراض هر روزه ی کارگران و حمایت مردم از خواست های کارگری، تا حدود زیادی به جمهوری اسلامی فشار آورده و توازن قوا به میزان زیادی به نفع مردم عوض شده است، علاوه بر این رکود در مورد جنبش کارگری ایران برشمردیم، برای جنبش کارگری در کردستان حتی به میزان بیشتری صدق می کند. کارگران کردستان به علت ستم ملی و سیاست فاشیستی رژیم های دیکتاتور حاکم بر ایران، برای توسعه و آبادانی کردستان، به میزان بیشتری زیر فشار هستند. کارگر کرد جزء بی حقوق ترین طبقه ی کارگر در ایران است، سالیانه میلیونها کارگر، خانه و کاشانه ی خود را ول می کنند و برای پیدا کردن کار آواره ی دیگر شهرهای ایران می شوند و در سخت ترین قسمت ها کار می کنند تا بتوانند یک زندگی بخورنمیری داشته باشند. قسمت اعظم کارگران کردستان در کارگاهها و کارخانه های کوچک و یا در قسمت ساختمان سازی کار می کنند و از تمام حقوق و مزایای قانونی و امنیتی بی نصیب هستند. در کردستان تشکل صنفی کارگری وجود ندارد و اجازه ی تاسیس چنین تشکلی را به کارگران کردستان نمی دهند. تمام این واقعیات حالتی مهاجر و غیرمتشکل به کارگران کردستان بخشیده است، ولی به دلیل جنبشی انقلابی و موقعیت عینی این طبقه، میزان هوشیاری سیاسی کارگران کردستان بالاست و جمهوری اسلامی نتوانسته است به هیچ وجه آنها را فریب دهد.

در شرایطی که ایران و کردستان به سوی تغییرات سیاسی مهمی گام می نهد و حالا که ۱ مه را گرامی می داریم و به ضعف هایمان نگاه می کنیم، متوجه می شویم که مبارزه و گسترش تشکل های صنفی کارگران و شرکت همه جانبه ی طبقه ی کارگر در به سرانجام رساندن جنبش کردستان دو حلقه ی اصلی برای پیشبرد جنبش کارگری به شمار می آیند. کسانی که شرکت کارگران در جنبش همگانی را به بهانه های مختلف کم رنگ جلوه می دهند، در حقیقت خصلت های کردستان و جنبش آن را درک نمی کنند و طبقه ی کارگر را از رهبری کردن جنبش ملی ـ دمکراتیک دور نگاه می دارند و این میدان را برای کسان دیگری خالی می گذارند و این را نیز نیک می دانیم که این سیاست در دوره ای مشخص ضربات مهلکی را بر جریان سوسیالیستی و کارگری در کردستان وارد آورد و تکرار آن برای دفعه ی دیگر، طبقه ی کارگر را در شرایط دشواری قرار میدهد.

کومه له با تمام قوا برای به دست آوردن حقوق کارگران کردستان کوشش می کند و در همان حال هم تشکل و مبارزه برای راه اندازی و ایجاد تشکل های‌صنفی را، از اهم وظایف خود و کارگران کردستان می داند و از تمام امکانات موجود سود می جوید تا طبقه ی کارگر در این زمینه ها گام بردارد تا در پیشبرد مبارزه ی انقلابی در کردستان ظرفیت و توان بیشتر پیدا کنند. در همان حال اتحاد و همبستگی کارگران کردستان با بقیه ی نقاط ایران راهی است که می تواند قدرت مبارزین کارگری در کردستان و ایران را وسعت بخشد.

گرامی باد ۱ مه، روسز جهانی کارگر

زنده باد سوسیالیسم و در اهتزاز باد پرچم آزادی و برابری انسانها

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
Wednesday
10/05/2002
No.63

گزارشی ازبرگزاری مراسم اول ماه مه. روز جهانی کارگر. در اردوگاه مرکزی کومه له

روز اول ماه مه مراسم باشکوهی به مناسبت روز جهانی کارگر در اردوگاه مرکزی کومه له برگزار شد. در این مراسم حدود ۹۰۰ نفر از مردم شهر سلیمانیه و روستاهای اطراف و رفقای پیشمرگ حضور داشتند. ما سعی می کنیم خلاصه ای از این مراسم را به اطلاع خوانندگان عزیز برسانیم .

ابتدا مراسم با سرود انترناسیونال، سرود جهانی طبقه ی کارگر، آغاز شد، به دنبال، یك دقیقه سکوت به یاد رفقای جانباخته ی راه سوسیالیسم و آزادی و جنبش انقلابی کردستان اعلام شد، سپس رفیق انور محمدی عضو کمیته مرکزی کومه له به سخنرانی در مورد اول ماه مه پرداختند. بعد ازصحبت های رفیق انور محمدی، مراسم با آهنگ و اجرای سرودهای انقلابی و ترانه های محلی و رقص و پایکوبی ادامه پیدا کرد. هم چنین پیام های سازمان ها، احزاب و شخصیت های در بین مراسم قرائت گردید. آنچه در زیر می آید خلاصی است از ترجمه ی سخنان رفیق انور محمدی را به اطلاعتان می رسانیم:

" امروز در شرایطی مراسم اول ماه مه را گرامی میداریم که نظام سرمایه داری بیشترین فشارها را بر طبقه ی کارگر وارد آورده است و پدیده ی جهانی شدن چنان امکاناتی در اختیار این نظام گذاشته است که قصد دارد تمام دست آوردهای گذشته ی طبقه ی کارگر را از وی بازپس گیرد، ولی در همان حال ما شاهد گسترش و توسعه ی مبارزه ی کارگران در سراسر دنیا هستیم.

در بزرگترین و پیشرفته ترین پایتخت های اروپا، که در آن ثروت و پیشرفت های علمی و صنعتی به اوج خود رسیده است، ما شاهد صحنه های غم انگیز و بیرحمانه خیل انسان های بیکار هستیم، و بیکاری جان و زندگی انسان ها را تهدید می کند. در کشورهای جهان سوم که رژیم های سرکوب گر و دیکتاتور حکمرانی می کنند، نیروی کار ارزان و طبقه ی کارگر این ممالك از طرف مراکز صنعتی و غول های اقتصادی دنیا استثمار می شوند. ثروت و منابع طبیعی این کشورها به یغما می رود و جنگ، بیماری، فحشا، اعتیاد و عدم دسترسی به ساده ترین امکانات زندگی همه روزه شمار بیشتری از انسان ها را در مرداب مناسبات غیرانسانی نظام سرمایه داری فرو می برد. در حاشیه ی این شهرها صدها انسان مانند مردمان قرون وسطی به سر می برند. شمار کودکان خیابانی، کودکان کارگر و کودکان اسیر در تور باندهای مافیایی "سکس"

⇒ ۷

اخبار و گزارشات خود را با این شماره فاکس برای رادیو کومه له ارسال دارید
Fax:
001-5617605814

شماره تلفن نمایندگی کومه له در شهر سلیمانیه، کردستان عراق:
۳۱۲۴۷۱۱

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:
Postfach 800272
51002 Koln
Germany

با رادیو کومه له_ صدای کومه له همکاری کنید:
آدرس پست الکترونیکی(ای میل) رادیو کومه له:
Komala_ radio@hotmail.com

آدرس پست الکترونیکی(ای میل) کمیته‌ی مرکزی کومه‌له
Komala1348@hotmail.com

زنده باد سوسیالیسم

www.iran-archive.com

خبرنامه

کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

۶۴

جمعه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۱

دو قطعنامه از پلنوم دوم کومه‌له

درباره‌ی لزوم تشکیل یک جبهه‌ی وسیع اتحاد عمل برای سوسیالیسم در ایران

کمیته مرکزی کومه‌له در نشست خود وضعیت جریان چپ و سوسیالیستی در ایران را بر زمینه‌ی وضعیت اقتصادی و سیاسی عمومی ایران مورد بررسی قرار داد و نتایج زیر را اتخاذ نمود که به این وسیله به آگاهی همگان می‌رساند.

۱ـ کمیته مرکزی کومه‌له این واقعیت را مورد توجه قرار داد که در حالیکه جریان اسلامی در ایران اعتبار خود را در اذهان عمومی به نحو غیرقابل بازگشتی از دست داده است؛ جریان ملی گرائی لیبرال بیشترین نیرو را از فرسایش و فروریزی ایدئولوژیک جریان اسلام سیاسی کسب کرده است و روند سوسیالیستی در ایران با وجود زمینه‌های عینی و اجتماعی آن در موقعیت نامناسبی به سر می‌برد. جنبش سوسیالیستی در ایران هنوز از پایه و نفوذ اجتماعی لازم و متشکل در درون جنبش کارگری و در جامعه برخوردار نیست و گفتمان سوسیالیستی هنوز در حاشیه‌ی گفتمان غالب قرار دارد.

ـ در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی شکاف بین فقر و ثروت از همیشه بیشتر بوده و بی‌عدالتی‌های اجتماعی در آن بیداد می‌کند؛ زن ستیزی و آپارتاید جنسی؛ بیکاری و بی‌آیندگی جوانان؛ استبداد سیاسی؛ ستم گری ملی؛ ارتجاع فرهنگی و فساد مالی و اداری جامعه‌ی ایران را در خود می‌فشارد و توده‌های عظیم مردم ایران را به ستوه آورده است. به علاوه؛ جنبش کارگری ایران پس از دو دهه سرکوب و تضییقات شدید؛ نیاز دارد که از تضعیف حاکمیت و افزایش تحرک سیاسی در جامعه استفاده کرده و در جهت سازمان یابی ⇐۲

درباره‌ی نزدیکی هر چه بیشتر رهبری حزب کمونیست ایران با جریان کمونیسم کارگری

کمیته‌ی مرکزی کومه‌له منتخب کنگره‌ی نهم در پلنوم دوم خود موقعیت کنونی حزب کمونیست ایران؛ تداوم دشمنی کورکورانه‌ی آنها با کومه‌له و نزدیکی و هم گرایی هر چه بیشتر آن با جریان موسوم به کمونیسم کارگری را مورد بررسی قرار داده و بر روی نکات زیر تاکید نمود که آگاهی از آن را برای اطلاع عموم ضروری می‌داند.

۱ـ اکنون دیگر برای همگان روشن است که حزب کمونیست ایران هیچ واقعیت اجتماعی خارجی را نمایندگی نمی‌کند؛ با هیچ بخشی از پیشروان و یا توده‌های کارگری ایران پیوند ندارد چه برسد به نمایندگی و یا هدایت کردن آنها؛ و به طور کلی هیچ پیوند و رابطه‌ای با هیچ حرکت و جنبش اجتماعی و سیاسی سراسری ایران ندارد و این را خود رهبران این حزب رسماً و کتباً اعتراف کرده‌اند. این ـــــ ⇐۳

در این شماره می‌خوانید

- قطعنامه‌های پلنوم دوم کومه‌له
- خود کرده را تدبیر نیست؛ جوابی به بارزان حسن پور
- به یاد ۹ مبارز شهرستان مهاباد
- خوابهای آشفته‌ی وزیر بازرگانی
- اخبار شهرهای ایران و کردستان
- فراخوان پشتیبانی از کودکان بی‌سرپرست

زنده باد سوسیالیسم

www.iran-archive.com

ادامه‌ی دربارهٔ لزوم تشکیل

سراسری و طرح وسیع خواست‌های خود و تبدیل شدن به نمایندهٔ خواست‌های عادلانه‌ی اجتماعی گام بردارد. در چنین شرایطی ضرورت یک آلترناتیو سوسیالیستی و رادیکال؛ آلترناتیوی که دست به ریشه‌ی این معضلات برده و پاسخ‌هایی در جهت منافع توده‌های عظیم محروم و تحت ستم بدهد؛ از همیشه بیشتر احساس می‌شود؛ درحالیکه متاسفانه جای آن خالی است.

۲- در سطح جهانی؛ گرچه تداوم تسلط جریان راست و نئولیبرالی بر جهان فشار بر جهان بینی و پراتیک رادیکال و سوسیالیستی را کماکان سنگین نگاه داشته است؛ اما سقوط شوروی نه فقط پایان سوسیالیسم نبوده و نیست؛ بلکه بیش از پیش ضرورت یک جنبش سوسیالیستی مستقل و نوین را ایجاب کرده است. به علاوه؛ سرمایه‌داری جهانی و سیاست حاکم بر آن در دورهٔ کنونی هیچ آیندهٔ روشنی برای کشورهای موسوم به جهان سوم ندارد و برنامه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هیچ برون رفتی از فقر؛ رکود و بی‌عدالتی را نشان نمی‌دهد و گسترش زاغه‌نشینی‌ها در کنار انباشت ثروت افسانه‌ای عده‌ای قلیل تنها چشم‌اندازی است که نئولیبرالیسم در این گونه کشورها قادر به ارائه‌ی آن بوده است. بنابراین حاکمیت احتمالی لیبرالیسم در ایران نیز نخواهد توانست مسایل و مشکلات اساسی اقتصادی و اجتماعی را حل کرده و برعکس پس از یک دورهٔ شور و شوق موجب سرخوردگی‌ها و توهم‌زدایی‌های وسیع در میان توده‌های محروم خواهد شد و این پدیده می‌تواند رونق سوسیالیست و عدالت‌طلب اجتماعی را از زمینه‌ی وسیع برخوردار سازد.

۳- کمیتهٔ مرکزی بار دیگر بر ضرورت شکل دادن به یک قطب یا جبههٔ وسیع سوسیالیستی در ایران و آمادگی کومه‌له برای مشارکت در چنین تلاشی تاکید نمود. ما بارها بر ضرورت تشکیل یک قطب یا جبههٔ چپ و سوسیالیستی در ایران انگشت گذاشته ایم و کمیتهٔ مرکزی کومه‌له لازم می‌داند که یک بار دیگر در این مورد به نیروها؛ شخصیت‌ها و فعالین چپ و سوسیالیست در ایران و در خارج کشور پیشنهاد دهد که تلاش‌های خود را در این رابطه شدت بخشند. کومه‌له؛ با سابقه‌ی سیاسی و پایه‌ی اجتماعی وسیع خود؛ می‌تواند نقش موثری در چنین اتحاد عملی داشته باشد. ما آمادگی خود را برای تبادل نظر و همکاری با شخصیت‌ها و فعالان و نیز گروههای چپ و سوسیالیست به منظور زمینه‌سازی و نهایتاً شکل دادن به چنین پروژه‌ای اعلام می‌کنیم.

۴- ما بر این باوریم که چنین اتحادی باید وسیع و فراگیر بوده و محدود به تعدادی معین از گروههای چپ و یا یک طیف معین نباشد. این جبهه یا اتحاد عمل را نباید با یک حزب مخلوط نمود و نباید موانع مصنوعی برای مشارکت و همکاری همه‌ی نیروها و عناصر چپ و سوسیالیست ایجاد کرد. این یک اتحاد عمل است و تنوع فکری از خصوصیات و ملزومات آن است. احزاب و سازمان‌ها ضمن استقلال خود و حفظ سیاست‌ها و فعالیت‌های مستقل‌شان در این جبهه مشارکت می‌نمایند. این پروژه باید به ویژه از همان ابتدای کار عناصر و شخصیت‌ها و فعالان منفرد کارگری و چپ را؛ که چه بسا از مجموع تشکل‌های سیاسی چپ کم‌تر نباشند؛ مدنظر قرار داده و سهیم نماید و در این جبههٔ وسیع مکان مناسب را برای آن‌ها در نظر بگیرد.

اتحاد عمل برای سوسیالیسم جبههٔ وسیع و فراگیری است که باید قطب چپ و سوسیالیست و پیشرو و کارگری را به طور کلی در مقابل قطب راست و محافظه‌کار و بورژوایی جامعه نمایندگی کرده و تقویت نماید؛ بنابراین این جبهه یا اتحاد عمل باید پلاتفرم ساده و قابل اتخاذ؛ قابل اشتراک و توده‌گیری داشته باشد.

اتحاد عمل برای سوسیالیسم باید معطوف به داخل ایران و مسائل گریبانگیر آن باشد و به مهم‌ترین معضلات کنونی جامعه‌ی ایران و در راس آن‌ها مسائل مربوط به دمکراسی توجه ویژه‌ای مبذول دارد و جبههٔ سوسیالیستی را پیشتاز پیگیر دمکراسی معرفی کرده و در راس جنبش‌ها و مطالبات دمکراتیک قرار دهد. این قطب سوسیالیستی باید تلاش نماید از طرق گوناگون و از جمله ایجاد و یا استفاده از رسانه‌ها توجه جامعه‌ی کارگری و کل جامعه‌ی ایران را جلب کرده و روایت خود را از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و سیاسی را وارد دستور مباحث جامعه کرده و به این نحو به تقویت و تجهیز یک بستر عمومی مساعد به نفع طبقه‌ی کارگر و سوسیالیسم و عدالت اجتماعی و دمکراسی یاری رساند.

اتحاد عمل برای سوسیالیسم باید توجه ویژه‌ای به برقراری رابطه با نسل جدید کارگران و روشنفکران مبارز داخل کشور مبذول دارد. واقعیت این است که طی دو دههٔ اخیر شکاف فکری و زبانی و عاطفی بزرگی میان فعالین نسل گذشته‌ی چپ؛ به ویژه آن بخشی که از ایران خارج شده‌اند؛ با این نسل جدید وجود دارد. این دو تجربه‌های متفاوتی را از سر گذرانده‌اند و با ادبیات متفاوتی پرورش یافته‌اند بدون فائق آمدن بر این شکاف و برقراری رابطه و تفاهم واقعی و یافتن زبان مشترک با این جریان رادیکال و مبارز که بار مبارزه‌ی کنونی را در ایران به دوش دارد؛ چپ موجود در خارج کشور نخواهد توانست ارتباط خود را با مبارزه‌ی

۶

www.iran-archive.com

ادامه‌ی درباره‌ی نزدیکی هرچه بیشتر ...

حزب فاقد هرگونه آینده‌ی سیاسی بوده و روزنه‌ی امیدی هم برای تحول روبه پیش و تغییر وضعیت آن موجود نیست. رهبری کنونی حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان این حزب نه توانایی و کیفیت نظری و سیاسی برای جلوگیری از این افول و به حاشیه رفتن این جریان را داراست و نه زمینه‌ی اجتماعی مساعدی برای این امر وجود دارد.

دیگر نباید تردیدی برای کسی باقی مانده باشد که پافشاری بر حفظ نام بی مسما و قالب تشکیلاتی بی محتوای این حزب نه فقط از هیچ ضرورت سیاسی ناشی نمی شود بلکه بر عکس اکنون تنها مانند یک سنگر تشکیلاتی برای مقاومت در برابر ضرورت های سیاسی عمل می کند. به عبارت دیگر؛ حفظ حزب کمونیست ایران تنها منافع تشکیلاتی و سکتاریستی گردانندگان آن را منعکس می کند و کارکردی جز محافظت و قرنطینه کردن صفوف آنها در مقابل گرایش پیوستن به کومه‌له ندارد.

اعلام نتائج نظرخواهی درون تشکیلاتی در حزب کمونیست ایران در قبال حفظ و یا کنار گذاشتن نام و قالب تشکیلاتی این حزب؛ رسمیت دادن به شکست آن گرایشی بود که ادعا می کرد خواهان کنار گذاشتن این قالب بود. افراد ذینفوذ این گرایش خود آن قدر در دشمنی کور با کومه‌له پیش رفته بودند که حتی حاضر نشدند عقایدی را که ادعا می کنند ابراز دارند و به این ترتیب توده‌ی تشکیلاتی این گرایش را فریب و مورد بهره برداری قرار داده و به نفع حزب کمونیست ایران خنثی و تضعیف کردند و در عمل به نیروی ذخیره‌ی خط رسمی حزب کمونیست ایران تبدیل نمودند.

۲ - در مقابله با چنین وضعیتی است که رهبری حکا و سازمان کردستان آن در دوره‌ی اخیر انگیزه و نیاز هر چه بیشتری به طرف نزدیکی و هم گرائی با جریان موسوم به کمونیسم کارگری پیدا کرده است. ما بارها در مورد بی خطی نظری و سیاسی حاکم بر رهبری حزب کمونیست ایران و در مورد سست بودن و ناکافی بودن مرزبندی های تئوریک؛ سیاسی و روشی آن با جریان موسوم به کمونیسم کارگری و درغلتیدن ناگزیر خط رسمی حزب کمونیست ایران به طرف اتخاذ نظرات و مواضع کمونیسم کارگری صحبت کرده و افکار عمومی را مطلع کرده بودیم. به عنوان نمونه؛ اکنون دیدگاه و مواضع کمونیسم کارگری و رهبری حزب کمونیست ایران در مورد مسباله‌ی ملی و جنبش کردستان تقریباً به طور کامل بر هم انطباق دارد. این نزدیکی و هم گرائی با کمونیسم کارگری؛ همان گونه که قبلاً پیش بینی کرده بودیم؛ گسترش و تعمیق یافته و هر روز جدی تر می شود.

در واقع رهبری حزب کمونیست ایران عامدانه و به طور اعلام نشده ای پروژه‌ی نزدیکی با جریان کمونیسم کارگری را تشویق کرده و از پیش می برد و به همین منظور در حال خنثی کردن گام به گام قضاوت های منفی توده‌ی تشکیلاتی خودشان در مقابل کمونیسم کارگری و زمینه سازی برای توجیه این نزدیکی می باشد. به ویژه رهبری حزب کمونیست ایران به تغییر و تحولات آتی در حزب کمونیست کارگری ایران چشم دوخته و در فکر نزدیکی و ائتلاف عملی بیشتری با این جریان است. این در حالی است که جریان موسوم به کمونیسم کارگری مدت هاست که بی اعتبار و از میان جنبش کردستان طرد شده و دشمنی کور آن با جنبش انقلابی خلق کُرد بر همه عیان و آشکار شده است. در مقابل؛ طبیعی است که این جریان نیز در صدد باشند از را تاثیر گذاری بر روی رهبری حزب کمونیست ایران و نزدیکی و همکاری با آن بار دیگر جای پا در کردستان باز کنند و از این طریق برای توطئه گری و دشمنی خود نقطه‌ی اتکای جدیدی پیدا نمایند.

پروژه‌ی هم گرائی مورد بحث از یک طرف درجه‌ی بی خطی نظری و بی ثباتی سیاسی رهبری حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن را نشان می دهد و از طرف دیگر بیان گر عمق درغلتیدن آنها به سمت مسیری است که نهایتاً جز گُسست از جریان سوسیالیستی در ایران و پشت کردن به جنبش انقلابی کردستان نتیجه‌ای نخواهد داشت. ما قبلاً نیز نسبت به عواقب زیان بار سیاست رهبری حزب کمونیست ایران مبنی بر نزدیکی با جریان کمونیسم کارگری و هم سوئی و ائتلاف ناگفته‌ی آنها در ضدیت با کومه‌له هشدار داده بودیم. این ائتلاف اعلام نشده و بیش از پیش دارد جامه‌ی عمل می پوشد و ما لازم می دانیم یک بار دیگر توجه‌ی نیروهای چپ و سوسیالیست ایران و همه‌ی مبارزان و دوستداران جنبش کردستان را به این امر جلب کنیم.

۳ - در ماه های اخیر بار دیگر نشان داده شد که رهبری حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن برای خنثی کردن تاثیر مثبت فعالیت های اخیر کومه‌له بر صفوف خودی؛ توسل مجدد به افترا و نفرت پراکنی و پناه بردن به پیچ پیچ ها و روابط محفلی را از وارد شدن در میدان بحث و دیالوگ سیاسی روش کارسازتر و امتحان پس داده تری یافته است. تداوم و توسل رهبری حزب کمونیست ایران به این گونه تبلیغات زهرآگین در عین حال که بیان گر فقر نظری و ناتوانی سیاسی در برخورد به مسائل واقعی پیشاروی جنبش است؛ تلاشی است برای پنهان کردن ناکامی های خود از دیده ها و واکنشی تدافعی در قبال پیشروی های کومه‌له می باشد و خاصیتی جز تحریک تشکیلاتی برای نگاه داشتن انسجام صفوف این حزب و بستن گوش آنها در مقابل بحث های سیاسی انتقادی ندارد. طبیعی است که عمر تاثیر گذاری این روش ها بسیار کوتاه است و با هر بار استفاده کوتاه تر هم می شود و هیچ گاه نخواهد توانست ناکامی سیاسی در صحنه‌ی واقعی جامعه را جبران کند.

---

www.iran-archive.com

اخبار شهرهای کردستان

مریوان

بنا به خبر که از شهر مریوان به دستمان رسیده است، روز یکشنبه گذشته مزدوران اداره آگاهی و مامورین نهی از منکر شهرستان مریوان به یک مغازه فروش نوار کاست، یورش برده و صاحب مغازه، به نام منصور فتاحی را به جرم خرید و فروش فیلمهای کردی بازداشت و همراه خود به آگاهی برده اند که متعاقباً صاحب مغازه را به قید ضمانت آزادی می کنند تا هنگامیکه پرونده و به اصطلاح مدارک جرم به دادگاه ارجاع گردد.

بنا به خبر دیگر که از شهر مریوان به دستمان رسیده است، مدتی است که چند تن از خود فروشان مزدور شهرداری به نامهای عه به چالی سوز، خوله ره شه دیی، ئه حا قاله، ئه حا شارانه یی، غریب شارانه یی به کمک نیروهای انتظامی رژیم فشار شدیدی بر دستفروشان شهر مریوان وارد آورده و آنان را مورد اذیت و آزار قرار می دهند همچنین افراد مذکور، با حمایت و پشتیبانی ارگانهای رژیم مشغول تخریب و ویران نمودن خانه ی مردم زحمتکش هستند که با هزاران محنت و بدبختی و قرض خانه های خود را ساخته اند، و خلاصه اینکه این گروه مزدور و خود فروش رژیم از هیچ عمل ضد مردمی و خیانتکارانه ی کوتاهی نمی کنند.

بنا به خبر دیگری که از مریوان به دستمان رسیده است، مدت چند روز است که مزدوران جمهوری اسلامی در مرز باشماق به جان مردم کاسبکار و زحمتکش مرزی افتاده و اقدام به اذیت و آزار مردم و مبادرت به مصادره وسایل اموال آنان می کنند این اعمال ضدانسانی رژیم با سرپرستی و فرماندهی یکی از افسران مزدور رژیم به نام ستوان محمدی انجام می گیرد.

بنا به خبر دیگری که از مریوان به دستمان رسیده است، فعالین کومه له، دهم اردیبهشت ماه، شب هنگام در روستای سیف علیا بطور وسیعی با پخش اعلامیه ها و تراکت های کومه له به کار تبلیغی پرداخته اند.

مکانهای که کار تبلیغی در آنجا گرفته است عبارتند از شعبه شرکت نفت، دبیرستان خیام، مدرسه راهنمایی ۲۲ بهمن، شرکت تعاون روستای، دفتر مخابرات، ایستگاه ماشینهای روستا و به طور کلی کلیه تیرهای برق مخابرات.

بنا به گزارشی که به دستمان رسیده است، روز سه شنبه گذشته ۳۵ تن از افرادی که در جریان برپایی مراسمهای نوروزی در مریوان دستگیر شده و متعاقباً آزادی گردید بودند مجدداً به دادگاه انقلاب مریوان احضار شدند، تاکنون نیز همچنان بلاتکلیف هستند لازم به ذکر است که تاکنون از سرنوشت این افراد، هیچگونه اطلاعی در دست نیست.

مدتی است که یکی از مزدوران رژیم به نام مجید محمد بیگ کیکنی در روستاهای این منطقه قصد جمع آوری مردم و ثبت نام و پیوستن آنان به بسیج را دارد این مزدوران رژیم در روستای بیلو که قرار است زمینهای آن در طرح ساخت شهرک صنعتی قرار بگیرد به مردم می گوید که اگر شما به بسیج بپیوندید ما نخواهیم گذاشت که زمینهای شما شامل طرح شهرک سازی گردد و اگر طرح شهرک سازی زمینهای شما را هم در بر بگیرد، ما مکانهای ساخته شده را به خود شما واگذار خواهیم کرد.

نیروهای انتظامی رژیم در مورخه ۲۰ اردیبهشت ماه جاری به روستای بایوا رفته و با بلدوزر خانه فردی به نام حسن کهنه پوشی را تخریب و پس از اذیت و آزار فراوان او را همراه خود به پاسگاه به رده ره شه برده اند و به او اعلام داشته اند که باید به فرمانداری مریوان تعهد دهد که در آن محل خانه نمی سازد.

روستای بایوا از جمله روستاهای ست که در زمان خود رژیم جمهوری اسلامی با توسل به زور آن را خالی از سکنه نمودند و اکنون نیز به مردم این روستا اجازه بازگشت به این محل را نمی دهند تخریب خانه حسن کهنه پوشی نیز در راستای ادامه این سیاست ضدانقلابی رژیم است.

بوکان

یک هفته پیش در زیر پل تازه پارک ساحلی بوکان جسد مردی پیدا شده که چند روز قبل از کشف جسد کشته شده است دست های وی بسته شده و صورتش در اثر ضربات کبود شده بود جسد متعفن شده بود مقتول بین ۳۵ تا ۴۰ سال سن داشته و تا رسیدن این خبر هویت وی شناسایی نشده است.

در جاده روستاهای قازلیان و محمود آباد، در موقع شب پیکانی به رنگ سفید بدون شماره با چهار سرنشین مسلح دست به آزار و اذیت کاروانچیان و کسانی که با ماشین از آن جاده عبور می کردند زدند و به زور اسلحه جیبهایشان را خالی، پولهایشان را گرفتند.

در آن موقع ماشین نیسانی به طرف آنها می آید و راننده ی نیسان متوجه آنها می شود و بر می گردد مردان مسلح هم به تعقیب او پرداختند و راننده ی نیسان را می گیرند و او را به شدت کتک کاری می کنند و دستش را می شکنند و او را بیهوش می کنند و پولهایش را می دزدند و فرار می کنند نیروی اطلاعات شهر بوکان مانع می شود تا راننده نیسان را در بیمارستان بوکان بستری کنند و او را مستقیماً به بیمارستان ارومیه تحویل می دهند و به گفته شاهدان عینی این جریان، اطلاعات و نیروهای رژیم عامل این گردنه گیری و تاراج مردم بوده اند.

www.iran-archive.com

سردشت

"بنا به خبری که از شهر سرشت به دستمان رسیده است"، در این شهر نیز همانند دیگر شهرهای کردستان، مردم به استقبال روز جهانی کارگر رفته و علی رغم این که رژیم مانع تجمع بود، اما مردم دسته دسته و در مراسم های غیر رسمی این روز را گرامی داشتند.

"رفقا و دوستداران کومه له" سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران در شهر سردشت و شهرک ربط وسیعاً به تبلیغ اول ماه مه، روز جهانی کارگر پرداخته و در سردشت در محلات بیمارستان، گرده سور، محله ی گورستان عمومی و فرهنگیان و هم چنین در خیابان های خمینی، کمربندی و فرمانداری به پخش تراکت و اعلامیه های اول ماه مه پرداخته و بر دیوارها شعارهای پیروز باد اول ماه مه و پایدار باد همبستگی جهانی کارگران و کارگران جهان متحد شوید را نوشته بودند که مورد استقبال مردم قرار گرفت.

"در شهر ربط نیز وسیعاً تراکت و اعلامیه های کومه له برای گرامیداشت روز جهانی کارگر پخش گردید و مردم و جوانان این روز را به هم تبریک می گفتند.

"بنا به خبری دیگر، یاز شهر سردشت، روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه نیروهای رژیم به کسبه و باربران مرزی "کانی زرد" حمله ور شده و تعداد زیادی از را دستگیر می کنند و اموال آنها را به تاراج می برند" حتی قاطر و الاغ کاروانجیان را نیز به زور از آنها گرفته اند" این عمل رژیم موجب نارضایتی شدید مردم سردشت و اطراف شده است" اینچندمین بار است که اطلاعات" و نیروهای مزدور رژیم به کاروانچیان و باربرانی که از طریق مبادله در مرزها، زندگی را می گذرانند، حمله ور می شود و دار و ندار آنها را غارت مینماید.

اخبار دیگر شهرهای ایران

تهران

فاجعه ی بهداشتی در پایتخت

دو سال پیش نامه ای با طبقه بندی خیلی محرمانه از استانداری وقت تهران به امضا سید محمدرضا آیت اللهی در مورد آلودگی آب تهران و شهرستانهای اطراف به یکی از وزراتخانه ها ارسال شد که در آن وی اشاره دارد که "۶۵ ساکنان تهران و اطراف در معرض خطر جدی قرار دارند" هیاتی برای بررسی این امر تشکیل شد.

"علت آلودگی آب سد لکیان هم پادگان لشکرک واقع در شمال شرق تهران که یکی از بزرگترین پادگان های مناطق تهران می باشد" براساس این نامه، تمام فاضلاب این پادگان و فضولات آن با حجم ۲۵۰ متر مکعب در ساعت و یا به عبارت دیگر با حجم ۶۰۰۰ متر مکعب در شبانه روز از کانال های مربوطه وارد مخزن های این سد می شود، سالانه چیزی حدود یک میلیون متر مکعب فضولات این پادگان وارد حوضچه های دریاچه ی لکیان می شود که در حالت حداکثر این حجم بر ۲۰ میلیون متر مکعب می رسد، یعنی حداکثر ۲۰ میلیون متر مکعب آب آلوده" هم چنین طبق این نامه، این آب عیناً و به همین صورت به خورد مردم تهران داده می شود، منتها سازمان آب مقداری کلر بدان اضافه می کند و گاهی اوقات طبق گزارش های خیلی محرمانه وزارت بهداشت شدت آلودگی ها به حداعلی می رسد که در چنین مواردی با اضافه کردن مقدار بیشتری کلر، که چندین برابر استاندارد آن است، آن را پنهان می کنند" طبق گزارش وزارت بهداشت و درمان تقریباً ۹۵ "ساکنان تهران در مناطق شرقی تهران آلوده به انواع کرمها و انگل ها هستند.

کرج

"کارگران چهان چیت کرج چند روز پیش با تجمع در مقابل فرمانداری این شهر خواستار پرداخت حقوق معوقه ی خود شدند" تجمع کنندگان ضمن مسدود کردن خیابان فرمانداری شعارهایی علیه بنیاد مستضعفان سردادند" چند تن از کارگران تجمع کنند دربارهی علت تجمع خود گفتند که طی پیگیرهایی که در ماههای گذشته انجام داده ایم با قول مساعد مسئولان قرار بر این شد که حقوق دو ماه از چهار ماه معوقه ی آن را پرداخت نمایند که این امر هنوز محقق نشده است و فرمانداری این کار را از حیطه ی مسئولیت خود خارج میداند، اما ما خواستار پرداخت حقوق معوقه ی خود و ادامه ی کار کارخانه هستیم.

"یکی دیگر از کارگران گفت که یکی از مشکلات کارخانه ی جهان چیت تعویض مدیران این کارخانه است که در مدت زمانهای کوتاه انجام می شود و ما نمی دانیم اگر این مدیران برای اجرای مدیریت مناسب نیستند چرا آنها را به عنوان مدیران این بخش انتخاب می کنند" کارگران تجمع کنندهٔ خواستار پاسخ صریح تری در خصوص پرداخت حقوق معوقه ی خود شدند.

"مساله ی عدم پرداخت حقوق معوقه در کارخانجات دولتی یکی از مشکلات مهم کارگران است" هم چنین سوء استفاده ی مدیران و اختلاس یکی از عوامل ورشکست شدن این کارخانجات و عدم پرداخت دستمزد کارگران است" امروز مدیریت کارخانه ها و موسسات دولتی به مثابه ی دیاست پاسگاههای ژاندرمری قدیم است و در واقع پُستی هستند برای اختلاس و دزدی و حتی مدیران با پارتی بازی و پرداخت رشوه این پست ها را به دست می آورند" علت تعویض زود به زود مدیران هم دقیقاً در این نکته نهفته است.

www.iran-archive.com

اصفهان

روز ۲۴ اردیبهشت ماه امسال کارگری به نام محمد علی محمودی ۲۵ ساله اهل یکی از شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری کارگر شرکت پیمانکاری اختر برق اصفهان زمانی که بر روی دکل برق فشارقوی در رشته کوه البرز مرکزی در مجاورت جاده ی کوهستانی روستای وردیج در حال انجام کار بود دچار برق گرفتگی شد و در دم جان سپرد. ما جانباختن این کارگر را به خانواده و دوستان و همکارانش صمیمانه تسلیت می گوییم.

تهران

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس علی رضا نوری گفته است که حوزه ی مسائل اجتماعی در دهه ی آینده بارزترین مشکلات و بحران ها را نشان خواهند داد؟ چرا که ما در این حوزه مشلات حل نشده ی زیادی داریم.

علی وضا نوری برای نشان دادن بحران های اجتماعی تصریح کرد که جمعیت جوان جامعه نرخ بیکاری میزان برخی آسیب های اجتماعی نظیر اعتیاد و وجود بیماریهای رفتاری مانند ایدز حجم پرونده های موجود در دادگاهها نرخ خودکشی و دیگر کشی طلاق نرخ بزهکاری کودکان فراری افزایش سن ازدواج و همگی تصاویری از وضعیت آشفتگی یا بحران اجتماعی در حال پدیدار شدن هستند.

اینها واقعیاتی است که اکنون سران رژیم جمهوری اسلامی نیز نمی توانند آنها را انکار نمایند رشد اعتیاد فحشا بیکاری و طلاق تا روپود جامعه ی ایران را در هم تنیده و بیانگر وضعیت به شدت بحرانی این جامعه است هم چنین در این جامعه شکاف فقر و ثروت به نسبت بسیار زیادی رشد نموده و سیاست رژیم اسلامی گسترش فساد در جامعه ثروت اندوزی از طریق رانت خواری چپاول و حمایت آشکار و مستقیم از سرمایه داران است.

همه ی ما شاهدیم که روزی نیست رئیس فلان بخش دولتی فلان آخوند و یا آقازاده با سوء استفاده از موقعیت خود نفت قاچاق بفروشد کالای بدون کمرگ وارد می کنند و یا قراردادهای سودآور با شرکتهای دولتی می بندند و یا آشکارا به اختلاس می پردازند همه ی این واقعیتها به طور کلی اقتصاد ایران را با بحران روبرو ساخته و فشار پلیسی و خفقان جمهوری اسلامی به اضافه ی بحران اقتصادی قشر وسیعی از جوانان و مردم تهیدست را در دام بحرانهای اجتماعی گرفتار نموده است.

اخبار بین المللی

آلمان

طبق گزارشات اعتصاب کارگران اگ متال که دو هفته است ادامه دارد شهرهای بزرگی همچون برلین و کلن را نیز در برگرفته است لازم به ذکر است که بیش از صد هزار کارگر صنعتی در این اعتصاب شرکت دارند و خواستار افزایش ۴ درصد بر میزان دستمزدهایشان هستند پیشاپیش و در ابتدا کارگران اتومبیل سازی دست به اعتصاب زدند و متعاقب با آن و در حال حاضر حدود هشتاد کارخانه در این اعتصاب شرکت دارند این حرکت عمومی موجب وارد آوردن لطمات سنگینی بر پیکره ی سرمایه داری و بخش صنعتی آلمان گردیده است.

البته لازم به ذکر است که اتحادیه کارفرمایان تاکنون حاضر به افزایش دستمزدها نگردیده اند این اولین و آخرین اعتصاب کارگری در اروپا نبوده و نیست این اعتصاب در شش سال قبل بی سابقه بوده است مدتی است که کارگران در تمامی مناطق جهان بر علیه هجوم جهانی سرمایه داری به دستاوردهای کارگران به مقاومت پرداخته و احتمال می رود که موج اعتراضات و اعتصابات کارگران در اروپا رو به افزایش باشد.

* * *

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

www.iran-archive.com

خوابهای آشفته ی مشاور وزیر بازرگانی

نوید مهرآور

در هفته نامه "باختر" که در کرمانشاه تحت عنوان باختر روزنامه مردم کرمانشاه مطلبی به قلم محمد رئوف قادری مشاور وزیر بازرگانی و به اصطلاح نماینده دوره پنجم مجلس شورای اسلامی تحت نام "قوم کرد در تنهایی" منتشر شد؛ که آقای قادری به اصطلاح با دیدی انتقادی به تبیین نقش و تاثیر احزاب در "جامعه ی مدنی" ایران پرداخته؛ که گویا در این جامعه مدنی کردها خواستار حقوق مذهبی و دینی خود هستند و عدم موفقیت کُردها و اهل سنت را در متفرق بودنشان می بینند؛ فراخوان داده که دست به دست هم بدهند و برای ایجاد یک تشکل سیاسی اقدام نمایند" اگر چه آقای نویسنده تلاش داشته به رویکردهای گوناگون خود ملت کرد را که برای ایشان و سایر عالی جنابان همفکرش قوم کرد است مقصر نشان دهد؛ اما فراخوان جناب مشاور وزیر خود؛ جای تامل است" اولاً این نمی تواند تنها نظر آقای قادری باشد؛ زیرا سیاستی کلان آنرا رهبری می کند؛ می کوشد تا مسئله ی کرد را تحت عنوان های شیعه و سنی و "" به انحراف بکشاند" هر چند که مردم کردستان اعم از شیعه و سنی و "" نیک می دانند که این سیاست؛ بیشتر از دو دهه است از طرف سران رژیم اسلامی دنبال می شود" می دانند که آنها" می کوشند بی حقوقی مردم مقیم استانهای کردنشین غرب کشور را تحت نام مذهب در ابهام نگه دارند و مردم کُرد را به جان همدیگر بیندازند تا به راحتی در رابطه با حقوق ملت کرد سرباز زنند"

"آری" هم چنانکه گفتیم مسله ملی کرد را می خواهند رنگ و بوی مذهبی بدهند و مساله را به سنی و شیعه تبدیل کنند؛ تا از این طریق در میان خود مردم کردستان نیز تفرقه بیندازند" از جانب دیگر فراخوان برای تشکل فرمایشی؛ یکی از آرزوهای دیرینه ی سران جمهوری اسلامی است که تا حال چندین تلاش شکست خورده را تجربه میکنند" آنها می دانند که احزاب سیاسی کرد در میان مردم پایگاه مردمی دارند و مدتهاست در صدد ند تا با ایجاد یک حزب فرمایشی و سرسپرده در کردستان؛ مبارزات مردم کردستان را به بیراهه ببرند" فراخوان آقای محمد رئوف قادری هم در راستای این توطئه ی ضد انقلابی بر علیه مردم کردستان و لکه دار نمودن چهره ی مبارزات عادلانه ی مردم کردستان برای رفع ستم ملی است"

"دوماً" در آن جامعه غیر مدنی و متصلب که آقای نویسنده مداح آن است با آن فرماسیون فاشیستی کدام "شکل سیاسی ملت کرد می تواند" از حقوقشان دفاع کند؛ کلاً هم چنانکه گفتیم باید وابسته به رژیم باشد" در جامعه ای که مردم زیر برق سرنیزه رفت و آمد داشته باشند و خواستهایشان با جوخه ی اعدام پاسخ گیرد؛ مدنیت کجاست؛ مردم کرد در فرایند مبارزه شان" برای جامعه ای برابر و انسانی و حق تعیین سرنوشت ملی خویش عزیزانشان را از دست داده اند" مداحان جامعه مدنی در حاکمیت ایران؛ بیشتر از دو دهه است تلاش دارند کردستان را به تاریکستان تبدیل نمایند" اما توده های کارگران و زحمتکش مردم آزاده در دفاع از خود به مصاف با پاسداران جهل و سرمایه رفته اند و کردستان را برای اشغالگران گورستان کردند؛ پس این نشانه ی عدم اتحاد و بی خطی مردم کرد نیست؛ بلکه نشان دهنده ی هوشیاری و مقاومت و مبارزه ی آنها و حاکی از وحشی گری حکومت اسلامی است" این بار هم خوابهای آشفته مشاور وزیر بازرگانی و اربابانش که مسبب به راه انداختن جنگ مذهبی در کردستان عراق و ایران بوده و هستند؛ به بطلان رو می یابد" زیرا مردم کردستان و به ویژه کارگران به منافع خود آگاهند؛ حزب خود را خواهند یافت و شب یلدای "توده های کارگر و زحمتکش کرد را به صبح صادق خواهند رساند و مثل همیشه الغای قدر قدرتی حکومت در کردستان و محکوم نمودن جنایتهای جمهوری اسلامی را خواستار هستند و هیچگاه از این خواستها چشم پوشی نخواهند کرد"

* * *

ادامه ی درباره ی لزوم تشکیل" "

زنده ی اجتماعی برقرار کند و طبیعتاً نمی تواند در امر اثرگذاری بر اذهان نسل جدید مبارزان هم نقشی بازی کند"

"کمیته ی مرکزی کومه له ضمن ارج گذاری برای تلاش های تاکنونی که در جهت نزدیکی و وحدت نیروهای چپ صورت گرفته است؛ اما یکی از محدودیت ها و کمبودهای اصلی این تلاش ها را؛ صرف نظر از نیتی که داشتند؛ در ضعف پایه ی اجتماعی این تجمعات و در این واقعیت می داند که هیچ گاه نتوانستند از محدوده ی گروههای موجود چپ و یا طیف معینی خارج شده و با مخاطبان وسیع در جامعه ارتباط برقرار کنند؛ هیچ گاه در بیرون خود؛ در جامعه ی کارگری و سیاسی و روشنفکری نفوذ و ریشه ای کسب نکرده و با جنبش های اجتماعی پیوند نیافتند" اتحاد عمل برای سوسیالیسم باید وجهه ی اصلی فعالیت خود را ایجاد پیوند با جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی و تاثیر گذاری بر آنها قرار داده و ترکیب و تلاقی و سیاست ها و روش ها و زبان خود را متناسب با چنین روی کردی انتخاب نماید"

www.iran-archive.com

به یاد ۵۹ مبارز شهرستان مهاباد

موسی دانشفر

رفقا، مردم مبارز و آزادی خواه کردستان،

روز ۲۶ اردیبهشت سالروز اعدام شدن ۵۹ نفر انسان آزادی خواه و انقلابی است که مغزشان با گلوله ی مرتجعین اسلامی و اشغالگران کردستان از هم پاشید و قلبشان از تپش باز ایستاد. رژیم اشغالگر اسلامی، اولین روزهای بعد از فتوای جهاد خمینی، در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ و بعد از حکم بنی صدر، نخست وزیر وقت، برای محکم کردن بند پوتین هایشان تا سرکوب کامل قیام مردم کردستان، با سلطه و اشغال همه جانبه ی کردستان، با میلیتاریزه کردن و محاصره ی کامل با همکاری نیروهای حلقه به گوش و جیره خوار سرکوب آنچنانی را آغاز کرد که در قرن بیستم تنها نعداد انگشت شماری از چنین قتل و عام هایی به خود دیده است. همگام با محاصره ی نظامی کردستان و فرستادن هزاران پاسدار به این خطه، مبارزین و انقلابیون آن چنان حماسه ای آفریدند که به سرود هزاران کودک کرد تبدیل شد. خلخالی هم با اختیار تام از سوی خمینی برای پیاده کردن احکام اسلامی روانه ی مناطق اشغالی شد و صدها نفر از فرزندان مبارز این دیار را در شهرهای سنندج، سقز، مریوان، دیواندره، کامیاران، بوکان، مهاباد، سردشت، نقده، بانه و ارومیه و دهها شهر و شهرک دیگر، بدون محاکمه و تنها به جرم کرد بودن و با انتخاب تسبیح دست خلخالی تیرباران نمودند. تقریباً همه روزه دهها نفر از مردم زحمتکش و آزادی خواه، تنها به جرم گردن ننهادن به احکام اسلامی منتشره از سوی رژیم، در پادگان ها، خیابان ها و در روستاها به جوخه ی اعدام سپرده می شدند. مردم آزادی خواه کردستان به جرم درخواست حق تعیین سرنوشت خویش در قارنی، قلاتان، اندرقاش و دیگر روستاهای برچسب ضد انقلاب خوردند و قتل و عام شدند. خمینی ریختن خون آنها را حلال کرد و چهره ی فاشیستی و ضد انسانی خود را با تجاوز به زنان و دختران قبل از اعدام در زندان ها نشان داد. در ادامه ی اعدامهای دسته جمعی مردم ستمدیده و استثمار شده ی کرد، روز ۲۶ اردیبهشت سال ۶۲، پنجاه و نه نفر از فرزندان عزیز و زحمتکش در شهرستان مهاباد، در اوج بی شرمی جمهوری اسلامی ایران، دسته جمعی اعدام شدند. بعد از شنیدن خبر دلخراش مردم شهر در ساعت ۱۰ صبح با تعطیل کردن

مغازه ها و بازار، به سوی مغازه ها و بازار، به سوی زندان و پادگان و قبرستان شهر رفتند. ابر ماتم بر شهر سایه افکنده بود. خواهران، مادران، پدران، برادران و کودکان صدها زندانی و دوستان و طرفداران ایشان با دریایی از اشک و کینه به خیابان ها ریختند. رژیم جمهوری اسلامی با نیروهای بسیاری که از شهرهای میاندوآب و ارومیه آورده بود، شهر را به محاصره درآورد و هلی کوپترها بر فراز آسمان شهر مانور می دادند، پاسداران جهل و جنایت همراه با جیره خواران و خائنین محلی به کتک کاری، آزار و اذیت و دستگیری مردم پرداختند، شیشه ی مغازه ها را شکستند، اموال دست فروشان را به خیابان ها ریختند. اما نتوانستند روحیه ی مردم را تضعیف کنند. هیات امنای شهر که از چندین مزدور و سرمایه دار شهر تشکیل شده بود و برای اعدام این ۵۹ نفر چراغ سبز نشان داده بودند، نتوانستند در برابر اتحاد مردم دوام بیاورند. امام جمعه ی خائن مرتب دستور باز کردن مغازه ها و بازار را به مردم میداد و حمید رضا جلایی پور فرماندار جنایت کار نیروهای نظامی و اصلاح طلب امروزی در رادیو و تلویزیون مردم را تهدید و ارعاب می کرد. نیروهای جمهوری اسلامی در اوج توحش به مردمی که برای اطلاع از وضع عزیزانشان جلو پادگان سپاه جمع شده بودند، حمله کردند. مردم نسبت به رژیم سرشار از کین و نفرت بودند. همه ی مردم شهر خود را صاحب تعزیه می دانستند. تا یک هفته بازار و مغازه ها تعطیل شدند.

کومه له در اولین ساعات بعد از نشر خبر این ۵۹ مبارز به خانواده ی این عزیزان و مردم مبارز شهر تسلیت گفت، حمایت خود را از این خانواده ها اعلام کرد و با محکوم کردن این جنایت از مردم شهر دعوت کرد که محکم در برابر نیروهای غاصب مقاومت کنند.

در این جا به یاد همه ی عزیزانی که اعدام شدند و به یاد این ۵۹ عزیز از دست رفته، ما طیف کومه له با آنها تجدید عهد می کنیم که تا به دست آوردن آرزوهای این عزیزان و هزاران انسان مبارز دیگر، یک لحظه هم مبارزه باز نمی ایستیم و گام پس نمی گذاریم.

www.iran-archive.com

می‌شود که ما در جریان بازسازی کومه‌له عده‌ای بیشتر از دوستان و طرفداران خود را نیز از دست داده‌ایم" نمی‌دانم این آقای بزرگوار" این آمار و ارقام را از کجا به دست آورده است" باز هم یادآوری می‌کنم که آقای حسن پور زمان آن گذشته" است که با اتهامات واهی و بدون ارائه‌ی دلیل و مدرک قابل قبول اذهان عمومی را به انحراف بکشید" میدانید کسانی که امروز روز به روز بر تعداد و دامنه‌ی فعالیتشان در دفاع از کومه‌له و این خط سیاسی افزوده میشود؟ با خواندن این سطور به کنه ناراستگویی و هتاکی شما بیشتر از پیش پی میبرند و قطعاً دفاعشان از کومه‌له را شدت می‌بخشند؟ اما شما هدفتان آرام نمودن صف درهم پاشیده و پراکنده‌ی حزب کمونیست است و بس" لطفاً به خود بیایید و فکر دیگری به حال روحیه نگهداری نیرویتان بنمایید" باور کنید این شگردها کارساز نیست که هیچ؛ بلکه از سر ندانم کاری است و پشیمانی به دنبال دارد" در این جا این را اضافه کنم که سیاست دو پهلو را اتفاقاً خود رهبران حزب کمونیست ایران پیش می‌برند و هم اکنون نیز دارند پیش می‌برند؛ برای نمونه در حالی که در کردستان به شدت از حزب کمونیست ایران دفاع می‌کردند؛ در خارج از کشور نزد طیف وسیع کومه‌له به طور غیررسمی اعلام می‌کردند که ما هم کومه‌له هستیم و حزب کمونیست ایران را کنار خواهیم گذاشت" ولی این سیاست شان نیز با شکست مواجه شد" •

"بارزان حسن پور در قسمت آخر نوشته‌اش به سیاست‌های "راست" کومه‌له اشاره می‌کند؛ بدون این که به خواننده‌اش بگوید که این سیاست‌های "راست" کدام‌ها هستند؛ و با حالتی قیم مابانه از جانب کارگران؛ •

جوانان و "روشنفکران کردستان مدعی است که استفاده از نام کومه‌له ممنوع است و آینده‌ای "مبهم" و بدون افق" را برای کومه‌له رقم می‌زند" یقیناً بارزان حسن پور در موقعیت رهبری سازمان کردستان حزب کمونیست ایران تنها چارچوب اردوگاه بی رونق خودشان را می‌بینند و بس" افرادی مثل بارزان حسن پور از جنبش و مردم دور افتاده و بریده‌اند" والا • •

کیست نداند که بازسازی کومه‌له با خود؛ چه در داخل کردستان و چه در خارج از کشور؛ موجی از تحرک و بیداری سیاسی را به همراه آورد و کاری کرد که حتی رهبری خفته‌ی حزب کمونیست را نیز ناچار به تحرک لاک پشت واری کرد" یقیناً امسال" کومه‌له قدرتمندتر و تواناتر در صحنه‌ی سیاسی کردستان ظاهر خواهد شد و بگذار حزب بارزان حسن پور و حزب "برادر بزرگتر" بر مرگ سیاسی همدیگر مرثیه بخوانند" بی گمان و متاسفانه حزب کمونیست ایران هر روز بیشتر به "کمونیسم کارگری" نزدیک" می‌شود" در افتادن به دام کمونیسم کارگری و روی دست ماندن حزبی مرده و یا نیمه جان و عدم صراحت سیاسی در برابر مواضع گوناگون روز؛ عدم یک رهبری آگاه به مسائل روز و دارای خط مشی سیاسی و درک اصولی از موقعیت‌ها؛ از جمله معضلاتی است که حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان این حزب با آن روبروست و همه‌ی این کمپلکس را خود ساخته‌اید؛ چرا به ما می‌تپید و پرخاش میکنید؟ خودتان را از شر این خیالات رها سازید" این تنها راه درستی است که پیش رو دارید" خود ساخته‌اید؛ چرا به ما می‌تپید و پرخاش میکنید؟ خودتان را از شر این خیالات رها سازید" این تنها راه درستی است که پیش رو دارید" • •

• • • •

هلند •

این خبر را رفیق کیوان ثنایی چند روز پیش برایمان از هلند ارسال کرده است که هم چنان که می‌دانید حزب راست رو سوسیال مسیحی در انتخابات به پیروزی رسید" •

پیم فورتاون ٤٥ ساله‌ی رهبر LPF لیست پیم فورتاون" روز دوشنبه ٦ می؛ کمی بعد از ترک استودیوی رادیوی ۳ هلند در محوطه‌ی پارک این رادیو در شهر" هیلورسم" هلند بوسیله‌ی یک مرد ۳۳ ساله که به نظر می‌رسد عضو یکی از گروههای تندرو طرفدار محیط زیست بود؛ هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد" پیم فورتاون یکی از چهره‌های شناخته شده‌ی صحنه‌ی" سیاست هلند بود که در مدت کوتاهی" توانست به علت نظرات دست راستی اش بویژه در مورد پناهندها و مذهب اسلام پیروزی‌های چشم گیری چه در انتخابات شهرداری‌ها و چه در نظرسنجی‌های مردمی برای انتخابات پارلمانی کسب کند؛ وی معتقد بود که مذهب اسلام یک مذهب ارتجاعی و هلند کشوری است که دیگر گنجایش پناهنده را ندارد؛ از حزب دست راستی" لیف بار" هلند برکنار شد که خود یکی از سازندگان و نفر اول این حزب بود؛ بعد از برکناری بلافاصله حزب LPF لیست پیم فورتاون" را تشکیل داد و با این اسم تبلیغات خود را شروع کرد؛ وی با انگشت گذاشتن روی مواردی نظیر بهداشت؛ امنیت و بیمه‌ی بیکاری توانست توجه زیادی را به خود جلب کند؛ او که خواهان بستن مرزهای هلند برای پناهجویان و بیرون آمدن هلند از اتحادیه‌ی اورپا بود؛ هم چنین برداشتن بیمه‌ی درمانی و خصوصی کردن آن بود؛ از دلایل موفقیت پیم فورتاون را می‌توان احزاب موجود در پارلمان در حل مشکلات جامعه هلند نام برد و او با انگشت گذاشتن روی این موارد کمپین تبلیغاتی خود را جلو می‌برد" نها دلیل موفقیت این حزب را می‌توان با نظرات راسیستی پیم در مورد پناهنده‌ها و اسلامیها اشاره کرد؛ علت رشد افرادی با نظرات پیم را می‌توان نبود احزاب رادیکال با داشتن برنامه‌ی منسجم برای حل مشکلات مردم و تامین رفاهی در جامعه نامید" ترور پیم فورتاون از نظر سیاسی یک عمل ضد دمکراسی و آزادی عقاید است که باید محکوم شود" از طرفی فرصتی برای احزاب راسیستی مهیا می‌شود که دست به اقدامات خشونتی علیه خارجیان و فعالان احزاب چپ و آزادی خواه بزنند" تنها را مبارزه با افرادی چون پیم فورتاون آگاهی و هوشیاری کارگران و مردم هلند است" ترور پیم فورتاون یک ترور سیاسی بود که در جامعه‌ی هلند تاثیر ناخوشایندی به جای گذاشته است" •

www.iran-archive.com

که شعار سرنگونی جمهوری اسلامی به معنای سرنگونی کل نظام است و تنها یک جناح و طیفی از آن را دربرنمی گیرد" موضع کومه له در جنبش انقلابی کردستان؟ که شما آن را با افتخار به بورژوا ناسیونالیست ها هدیه کرده بودید تا به خیال خودتان فقط به امر سازماندهی کارگران مشغول شوید و کومه له را از جنبش عمومی منزوی نمایید تا خود را از درگیر کردن با مشکلات این جامعه دور نگهدارید؟ هم بسیار شفاف است و این شمایید که باید در این زمینه از لاک دفاعی بیرون بیایید و لب بگشائید" کومه له در کنگره اش در مورد کار در میان کارگران کردستان؟ موقعیت کنونی زنان کردستان؟ بازپس گیری زمین ها؟ در مورد جنبش نوین فرهنگی در کردستان و ایران؟ در مورد اعتیاد و افتادن جوانان در دام این بلا و چندین سند مکتوب دیگر برنامه ها و تاکتیکهایش را به صراحت بیان نموده است" این ها فقط محض یادآوری به بارزان حسن پور و خوانندگان عزیز بود" حال آقای حسن پور" که شما کومه له را به غیر شفاف بودن برنامه هایش متهم می کنید؟ شما در این موارد چه دارید؟ لطفاً رو کنید تا مردم برنامه های "شفاف" شما را ببینند" بیرون آمدن کومه له از حزب کمونیست را کومه له در چندین مناسبت و در نوشته های مختلف تشریح کرده و در این بار به وفور توضیحات قانع لازم برای افکار عمومی داده است؟ خوانندگان عزیز را به افق سوسیالیسم شماره ۲ ارجاع می دهم" من در این جا چون منتقد ناموفق ما سخنان گذشته را تکرار کرده است و پنبه در گوش هایش فرو کرده؟ خلاصه ای از آن را در این جا می آورم" تجربه ی ناموفق حزب کمونیست" ایران و بی پایه بودن و دورافتادن از تحرکات اجتماعی درون جامعه ی ایران؟ در حاشیه قرار گرفتن و تنها نظاره گر بودن رویدادهای داخلی؟ تضعیف روزبروز کومه له در داخل این حزب و انفعال رهبری آن موقع کومه له به امید این که مردم ایران انقلاب کنند و آنها نیز از سابقه ی کومه له استفاده کرده و سهمی از قدرت را دارا شوند؟ تقدیم کردن جنبش ملی به احزاب سنتی و به طور کلی دور افتادن کومه له از جامعه و سکوت بخشی از رهبری آن موقع کومه له در مقابل کمونیسم کارگری و سکوت در برابر لجن پراکنی های آنها علیه کومه له؟ می رفت که کومه له را به یک حزب حاشیه ای و منزوی در کردستان تبدیل کند؟ اینها به اضافه ی "بند و بستهای ناسالم تشکیلاتی و ایجاد شرایط غیر دمکراتیک و کشاندن بحث های سیاسی به کانال های شخصی و پروراندن فالانژیسم در داخل تشکیلات و ایجاد کردن فضایی مسموم و بستن راه هرگونه بحث و تبادل نظر از زمره ی مواردی بوده و هست که کومه له را به درست به این قناعت رساند تا قالب حزب کمونیست را ترک نماید" کومه له هم چنان که هم در کنفرانس بازسازی کومه له و هم در کنگره ی نهم اعلام کرده است؟ همیشه حاضر حول مسایل گوناگون با این حزب و سازمان کردستانیش به بحث و مجادله ی سالم سیاسی بپردازد" ولی تنها جوابی که کومه له تاکنون از جانب هم قطاران بارزان حسن پور دریافت داشته است؟ توهین و اهانت و هتاکی بوده است و اخیراً بارزان اعلام میدارد که گویا دعوت به بحث سیاسی از سر ضعف بوده است" به راستی اهل حجت و مباحثه هستی" آقای حسن پور چرا حاضر نیستید با کومه له به بحث بنشینید" از چی می ترسید؟ نگاهی عمیق به نوشته ی بارزان حسن پور به خوبی روشن می سازد که این نوشته تنها می تواند مصرف درون تشکیلاتی داشته باشد و صرفاً برای نگهداری و فالانژپروری است در میان توده ی تشکیلاتشان" "

• توطیه ی • تشکیلاتی • و • افسانه ی • ناسیونالیسم •

آقای حسن پور به توطئه های تشکیلاتی اشاره می کند که گویا ما انجام داده ایم؟ نمی دانم رهبران حزب کمونیست ایران تا کی می خواهند به این بازی مسخره ادامه دهند و افکار عمومی را به بازی بگیرند" باز هم تکرار می کنم از چی می ترسید؟ مگر مدعی نیستید که ما توطئه گر بوده ایم؟ چرا تمام وقایع را به اطلاع افکار عمومی کردستان و چپ ایران نمی رسانید" من به عنوان" کسی که در حزب کمونیست فعالیت داشته و از نزدیک شاهد و ناظر بوده ام و اکنون در کومه له عضو هستم؟ از شما می خواهم که هر مدرکی که در دست دارید رو کنید تا تمام حقایق روشن شود در غیر این صورت یکبار برای همیشه مثل سایر مواضعتان؟ سکوت اختیار کنید" نکند در این مورد هم مثل سایر موارد" سکوت بخشی از سیاست" رهبریتان باشد" و شیوه ی شایعه پردازی را به حال خود مفید بدانید؟ آقای بارزان حسن پور باز هم در قسمتی دیگر به وارونه کردن واقعیات می پردازد و مدعی است که ما در هنگام جدایی از حزب کمونیست ایران نزد طیف وسیع کومه له به تبلیغات دو پهلو پرداخته ایم و مدعی است که نیرویی که ما در خارج از کشور جذب کرده ایم همگی ناسیونالیست و بعضاً ضد کمونیسم و در کمین کمونیسم نشسته بوده اند" در این قسمت ادبیات بارزان حسن پور بیشتر به ادبیات" حزب برادر" شباهت پیدا می کند" به نظر بارزان حسن پور نمی توان هم انسان و برابری خواه و یا کمونیست بود و هم به جنبش انقلابی کردستان خدمت نمود" آیا میدانید کسانی را ناسیونالیست و ضد کمونیسم میدانید که بسیار بیش از شخص شما نام و فعالیت پشت سر دارند؟ آن طیف کومه له که تو ناسیونالیست شان میخوانی؟ از سازندگان تاریخ جنبش سوسیالیستی در کردستان به حساب می آیند" بارزان حتی مدعی

ص ۹ •

www.iran-archive.com

میان مردم و کارگران کردستان بنامند و الی آخر" و "هیچ مرکز و بنیادی هم نیست که آمار و ارقامی؟ آن چنان که در دیگر کشورهای نسبتاً آزاد به هنگام انتخابات می بینیم؟ به مردم بدهد و واقعیت ها را نشان بدهد" چنین موقعیتی را رهبران حزب کمونیست ایران به خوبی درک کرده و از آن سوء استفاده می کنند" اما تا کی؟ مگر میشود حتا در چنین جوامعی هم تا سر فقط ادعا نمود؟ تازه کومه له دارای پایگاه اجتماعی است و توده های میلیونی به سرنوشت اش وابسته و علاقمند هستند و قطعاً به سادگی نمیتوان بر واژگونه نمودن راستیها سرمایه گذاری نمود و خاک در چشم مردم پاشاند" کس یا جریانی که چنین نماید به طور قطع قبل از همه از کومه له و پایگاه اجتماعی اش قرسنگها فاصله گرفته است" •

"اما ببینیم در این برهه ی زمانی چه نیازی بارزان حسن پور را واداشته است به تکرار مکررات بپردازد و نواهای ناهنجار دو سال پیش را؟ که تنها مورد استهزای آگاهان سیاسی و مردم کردستان بوده است؟ بار دیگر سر دهد؟ به نظرم در وهله ی اول نوشته ی بارزان حسن پور در بهترین حالت خود تنها یک واکنش تدافعی در برابر پروژه ی استقلال مجدد و بازسازی کومه له است که بی جایگاهی و بی پایگاه اجتماعی بودن حزبی را که خود در آن فعالیت نمودیم نشان داد و با شهامت و برای خلاصی جریان سیاسی سوسیالیستی از دام این چهارچوب خودساخته که هر روز با محتوا فاصله میگرفت و میرفت که کومه له را نیز با خود غرق نماید؟ ترک نمود" در وهله ی دوم روحیه دادن به نیروی خود داشت که گویا اسم نویسی از تایید کنندگان دور و نزدیک هم بر رویشان کارگر نبوده است و ضروری است گفته ها و ادعاهایی را که مدتی بود ترک نموده و خود نیز زیان آنرا در عمل متوجه شده بودند؟ بار دیگر علم کنند و یا کمپین هتاکی و فحاشی کمونیسم کارگری به کاک بارزان بار دیگر دل و جرات داده است تا در اینباره نیز قلم بر کاغذ براند و اصطلاحات و واژه های "کمونیسم کارگری" در مورد کومه له را به کار ببرد" •

• جاه طلبی و چرخش سیاسی •

"بارزان حسن پور در ابتدای نوشته اش باز هم گفته ی ساده لوحانه و قدیمی را تکرار می کند که "جاه طلبی تشکیلاتی" "چرخش سیاسی" و "توهم به خاتمی و اصلاح طلبی" باعث این انشعاب بوده است و خود در جواب پرسشی که مینماید؟ از زبان رهبران کومه له پاسخ هرگز ثبت شده و بر زبان جاری شده و ناموجودی را می دهد که گویا جدایی اخیر نتیجه ی هیچ کدام از رویدادهای سیاسی دوزمره و امروزی نبوده است" بارزان حسن پور به خود فشار می آورد که به خواننده اش القا کند که مخالفت با ادامه فعالیت در حزب کمونیست ایران؟ چرخش "به راست" و یعنی مخالفت با ایدئولوژی و مبانی فکری کمونیسم و چون کومه له با ماندن و تداوم فعالیت تحت نام "حزب کمونیست ایران" مخالف بوده است؟ پس به ضدیت با سوسیالیسم و کمونیسم درافتاده است" عجب استدلال محکمی" به راستی تنها یک دیدگاه خودمحوربین و فرقه ای از نوع آنچه سالها بر حزب کمونیست مسلط بود و اکنون نیز دارد باز در حکا جا باز میکند؟ می تواند اینچنین استدلال نماید" البته دور از انتظار نیست که جریانی که در خیالات خود حزب "طبقه ی کارگر است؟ خارج از آن چهارچوب را غیر کارگری و سوسیالیستی بداند" این شاخص بارز تفکر فرقه ای و غیر اجتماعی و سکتاریستی است" محض اطلاع مجدد و برای رودررو نمودن بارزان حسن پور با واقعیاتی که از آن ذله شده است و حتا در نوشته اش هم از دست آن کلافه است که "چرا کومه له خود را سوسیالیست و حزب کارگران کردستان مینامد؟ ایشان را به بیانیه ها و مصوبات کنفرانس بازسازی کومه و هم چنین قطعنامه و مصوبات کنگره ی نهم کومه له " سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران رجوع میدهم" برای نمونه در بیانیه ی کنفرانس بازسازی کومه له چنین آمده است" نقد ما از تجربه ی حزب کمونیست ایران؟ برخلاف آن چه گاه به عمد وانمود می شود؟ به معنای نفی ارزشهای کمونیستی و تلاشهای صادقانه ای نیست که در هفده سال گذشته" صورت گرفته است" •

"جدایی کومه له از حزب کمونیست ایران برخلاف ادعاهای بارزان حسن پور؟ پاسخ به نیازها و ضرورتی سیاسی و اجتماعی بود که میبایست جریان سوسیالیستی در کردستان به آنها جوابی درخور میداد و مسایل خرد و ریز تشکیلاتی به هیچ وجه نمی تواند در این قالب بگنجد و مدتها قبل از جدایی ما که در حزب کمونیست بودیم در مورد جایگاه این حزب بحث و مناقشه داشتیم" تنها کوته فکری سیاسی می تواند که به خیال خود و به قصد ایجاد توهم و دودلی در میان مردم کردستان و طیف وسیع کومه له؟ این شعار تهی و کهنه شده را پس از گذشت دو سال تکرار نماید" کارنامه ی سیاسی کومه له در این دو سال و مصوبات کنگره واضح تر از آن است که کسانی مثل بارزان حسن پور با یک ارزیابی افتراآمیز و شاخ و دم برید و بی پایه آن را نفی کنند" •

• توهم به خاتمی و اصلاحاتش •

"برای اینکه ثابت شود که ادعای نه چندان جدید" بارزان حسن پور در مورد توهم به خاتمی چقدر بی پایه و فرصت طلبانه است؟ جملاتی از بیانیه کنگره ی نهم کومه له ذکر میکنم" سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران شرط" توسعه ی مبارزه طبقاتی کارگران و توسعه ی سیاسی و روشنفکری جامعه ی ایران است" حتماً آقای حسن پور بعد از چندین سال کار سیاسی این نکته را می داند" ص ۱۰

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
Wednesday
17/5/2002
No: 64

خود کرده را تدبیر نیست

جوابی به نوشته ی بارزان حسن پور در "جهان امروز"

سیامک حیدری

بارزان حسن پور یکی از رهبران فعلی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران؛ در جهان امروز شماره ۸۳ مطلبی را به چاپ رسانده است که در آن به زعم خود انشعاب کومه له از حزب کمونیست ایران را مورد بررسی قرار داده است. قبل از هر چیز بگویم که اگر آقای حسن پور و یا هر شخص دیگری؛ در هر مقام و منصبی؛ بخواهد که دیگران وی را جدی بگیرند و با دیدی جدی به نوشته ی وی بنگرند باید بدون حب و بغض و به دور از قضاوت های شخصی به ارزیابی یک پدیده بپردازد. در ثانی برای مواردی که ادعا می کند مدارک و فاکت های عینی و مستدل ارائه دهد؛ من هیچ کدام اینها را در نوشته ی آقای حسن پور ندیدم. متاسفانه کینه و بغض غیر سیاسی علیه کومه له، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران آن چنان در ضمیر رهبران این حزب ریشه دوانده است که روز به روز آنها را از انصاف و وجدان سیاسی به شیوه ای دور میکند که حتا کنترل خود را از دست میدهند تا لااقل حفظ ظاهر نمایند و خودداران به مخالفت بپردازند. سراسر نوشته ی کاک بارزان سرشار از اتهام و افتراست و تنها کاری که بارزان حسن پور کرده؛ فعل و فاعل و جملات نوشته های جریان "کمونیسم کارگری" را عوض و یا آنها را پس و پیش کرده است. این نوشته به خوبی نشان داد که سران حزب کمونیست ایران روز به روز بیشتر زبان "کمونیسم کارگری" را حتی در پایین ترین سطح تحلیل و نوشته به عاریت میگیرند و نمی توانند به غیر از چهارچوب و دیدگاه "کمونیسم کارگری" فراتر و متفاوت تر از آنها بر زبان بیاورند.

احزاب؛ سازمان ها و شخصیت های مستقل؛ هر حزبی را از روی اسناد و مصوبات آن در کنگره ها و پلنوم هایش و یا رجوع به نشریات و رادیوهای آن؛ بررسی می کنند و موقعیت و جایگاه این حزب را و این که در کدام گروه بندی اجتماعی و صفبندی طبقاتی قرار دارد؛ ارزیابی می کنند. کاری که تاکنون بارزان حسن پور و بقیه ی رهبری حزب کمونیست از آن سر باز زده اند.

حقیقت اینست که چون ما در جامعه ای آزاد و دمکراتیک زندگی نمی کنیم و جامعه ی ما یک جامعه ی استبداد زده و بسته است؛ کسانی مثل بارزان حسن پور به راحتی می توانند اتهام ببندند؛ حزب کمونیست ایران را دارای "پایگاه اجتماعی" در ⇐ ۱۱

www.iran-archive.com

اخبار و گزارشات خود را با این شماره فاکس برای رادیو کومه له ارسال دارید.
Fax:
001-5617605814

شماره تلفن نمایندگی کومه له در شهر سلیمانیه، کردستان عراق:
۳۱۲۴۷۱۱

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:
Postfach 800272
51002 Koln
Germany

با رادیو کومه له "صدای کومه له" همکاری کنید.
آدرس پست الکترونیکی "ای میل" رادیو کومه له:
Komala_ radio@hotmail.com

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) کمیته ی مرکزی کومه له
Komala1348@hotmail.com

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران

خبرنامه

کومه له_سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

۶۵

جمعه ۳ خرداد ۱۳۸۱

پاکسازی کردستان از مین های کاشته شده خواست برحق مردم کردستان است

فرامرز سجیم

چند روز پیش به درخواست چند تن از نمایندگان استان کردستان، وزیر کشور در مجلس شورای اسلامی حضور یافت و به پرسش های آنان پاسخ گفت. این به اصطلاح نمایندگان مردم استان کردستان در مجلس از وزیر کشور انتقاد کردند که هنوز بعد از ۱۴ سال از خاتمه ی جنگ ایران و عراق، دولت نتوانسته و نخواسته است کردستان را از مین های کار گذاشته شده پاک کند. وزیر کشور در پاسخ به نمایندگان و انتقاداتشان گفت: " دولت با این بودجه ای که برای پاکسازی مین های کار گذاشته شده اختصاص می دهد حداقل ۴۰ تا ۴۵ سال دیگر طول می کشد تا کردستان از وجود این مین ها پاک شود".

قبل از هرچیز باید این نکته را یادآوری کرد که اگر نمایندگان در مجلس بحث پاکسازی کردستان از وجود مین ها را به میان می کشند و از وزیر کشور انتقاد می کنند، از روی دلسوزی برای مردم کردستان نیست. به میان آوردن چنین بحثی در مجلس از طرف نمایندگان استان کردستان هم چنان که گفتم نه از سر دلسوزی که زیر فشار افکار عمومی مردم کردستان است که هر روزه شاهد از دست دادن جان چندین نفر در نوارهای مرزی و دیگر مناطق کردستان هستند و دراثر انفجار مین پرپر می شوند و یا قسمتی از بدن خود را از دست می دهند و برای باقی عمر فلج می شوند و مجبورند زندگی را در کنج خانه شان به سر برند. دیگر کشتن کاروانچیان، مردم زحمتکش و کشاورزان در اثر انفجار مین به اخبار روز تبدیل شده اند. مردم کردستان همه ی این ها را می بینند و برایشان مایه ی تاسف و تاثر و خشم فراوان است.

پی بردن به آمار حقیقی مرگ افراد در اثر انفجار مین که سالیانه صدها نفر برآورد می شود، قلب هر انسان...

۲⇐

بنیادگرایی اسلامی جنگی نافرجام. سرنوشتی پرابهام

سیامک حیدری

این که بنیادگرایی از کجا، کی و چگونه سربرآورد بحثی جالب و بحث انگیز است که به نظرم بسیار هم ضروری است که در این مورد کنکاش بیشتری بشود و ریشه های سربرآوردن آن مورد تجزیه و تحلیل دقیق و درست قرار گیرد. اما نیت من در اینجا پرداختن به این مقوله نیست، بلکه می خواهم به این بحث بپردازم که بنیادگرایی اسلامی خود را درگیر یك جنگ از پیش باخته نموده است و سرنوشت این جریان و آینده اش هر روز بیشتر در پرده ابهام فرو می رود. آشکار است که بنیادگرایی اسلامی حرکتی ارتجاعی و مربوط به گذشته است و به طور کلی با دمکراسی و موازین انسانی فاصله ی پرنشدنی دارد. از نوع حکومت های خشن و سرکوبگر است و در مقابل هر آنچه اسم نوگرایی روی آن باشد، ایستادگی می کند. رابطه ی این نوع حکومت ها با مردمانشان رابطه ی حاکم و محکوم، رابطه ی خدا و بنده و صرفاً رابطه ای یك طرفه است. تحت نام مبارزه با فرهنگ غرب و فرهنگ غیردینی دیگر، هر نوع اعتراضی را در نطفه خفه می کنند و آن را به شدت سرکوب می نمایند. از این نوع ایدئولوژی، حکومت هایی استبدادی و...

۳⇐

در این شماره می خوانید:

- پاکسازی کردستان از مینهای کاشته شده خواست برحق مردم کردستان است
- فراخوان جهت اعتراض به تصمیم اخیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل
- بنیادگرایی اسلامی جنگی نافرجام، سرنوشتی پرابهام
- رهبران جمهوری اسلامی و یورش جدید به مردم و آزادیها
- اخبار کردستان و ایران
- اخبار بین المللی

www.iran-archive.com

شرافتمندی را می آزارد و جای تامل و تاسف است و این خود بر نفرت و کینه ی مردم کردستان از این رژیم می افزاید. اولین برداشت از سخنان وزیر کشور این است که مردم کردستان تا ۴۰ الی ۴۵ سال دیگر باید شاهد این صحنه های دلخراش باشند و در سوگ عزیزانشان به عزا بنشینند. جنگ ساختگی ایران و عراق به اندازه ی کافی مردم این دو کشور را در عزا و ماتم فرو برد. مردم کردستان دیگر طاقتشان به سر آمده است و به این رژیم فاسد اجازه نخواهند دادکه در برابر از دست دادن جان عزیزانشان بی تفاوت باشد. لازم به گفتن است که قسمت اعظم این مین ها را رژیم برای جلوگیری از تعرضات نیروی پیشمرگ کاشته است. اکنون که نیروی پیشمرگ به دلایل اوضاع خاص حاکم بر منطقه حضوری کمتر دارند، سران رژیم هنوز حاضر نیستند برای پاکسازی کردستان از وجود مینها وارد عمل شوند. اکنون وزیر کشور در کمال بی شرمی وعده ی چهل سال دیگر را برای پاکسازی مین ها به مردم می دهد.

اختصاص بودجه ی بسیار کم برای پاکسازی کردستان و آنهم در شرایطی که قسمت عمده ی این بودجه حیف و میل می شود و به جیب مسئولین مربوطه می رود، نشان می دهد که رژیم در برابر امنیت جانی مردم کردستان اهمیتی قایل نیست. اساس این رژیم بر پایه ی ارتجاع، خرافات، دزدی و غارت و کشتار مردم بنا شده است.

باید پرسید چگونه است که رژیم می تواند در کوتاهترین مدت، منابع طبیعی و معدنی کردستان را به یغما ببرد و امکانات زیادی را هم برای به یغما بردنش تامین کند، ولی باید ۴۵ سال طول بکشد تا کردستان، از مین های کار گذاشته شده پاک شود؟

چگونه است که برای برپایی کنفرانس سران کشورهای اسلامی میلیاردها تومان خرج می شود و یا صدها میلیون دلار صرف کارهای تروریستی به احزابی نظیر حزب الله و حماس و هم چنین سپاه پاسداران، بسیج و دیگر ارگانهای سرکوبگر هزینه می شود، ولی در برابر این مساله بی تفاوت بوده و بودجه اش کفاف نمیدهد؟ راستش از رژیم جمهوری اسلامی بیش از این هم توقعی نمی رود. در مملکتی که به جای تاسیس بیمارستان و درمانگاه و مدارس و دیگر مکانها و مراجع خدماتی، در هر گوشه آن پاسگاه، پادگان و مقرات نظامی برای سرکوب مردم دایر میشود و به جای گل و درخت، مین کاشته باشند دیگر چه انتظاری از چنین رژیمی می رود؟

پاکسازی مناطق کردنشین و نوارهای مرزی از وجود مین ها خواست برحق مردم کردستان است و سران رژیم موظفند به آن عمل نمایند. مردم بیشتر از این نمی توانند شاهد مرگ عزیزان و نان آوران خانه شان باشند. پاکسازی نکردن کردستان از مین های کار گذاشته شده و بی توجهی به این امر اعلان جنگ به مردم کردستان و توطئه گری آشکار جلادان رژیم است که بی گمان مردم کردستان این توطئه ها را خنثی می کنند و سرافراز و موفق می شوند و تنها نصیب رژیم شکست و شرم زاری خواهد بود. بی گمان اعتراض مردم به این مسئله برای یك لحظه هم متوقف نمی شود. کردستان به مردمانی تعلق دارد که در آن زندگی می کنند و باید برای این مردم دارای امنیت و مکانی آسوده باشد. کردستان را از وجود سرکوبگران و مین ها پاك کنید! این تحفه ی جمهوری اسلامی در کردستان عامل مرگ و ویرانی است.

* * *

ادامه ی بنیادگرایی اسلامی...

مشاهده می کنند که نه به گذشته تعلق دارند و نه آینده ای روشن را فراروی خود می بینند، طبیعی است که واکنش منفی نشان بدهند و همه ی بدبختی ها را از چشم مدرنیزاسیون و کشورهای غربی و فرهنگ و تمدن غرب ببینند. پس این فقر و بدبختی این مردمان و نبود احزابی مردمی که بتواند به پرسش های بی شمار این مردمان پاسخ درست، اصولی و اساسی بدهد، عامل این پشتیبانی محدود بود. اسلام گرایان بعد از ۱۱ سپتامبر از طرفی دیگر هم محدود شدند و آن هم کشورهایی بود که قبلاً آنها را چه به لحاظ مالی و چه به لحاظ تسلیحاتی و معنوی کمك می کردند، اما از آن تاریخ به بعد برای آن که در صفوف تروریست ها جای داده نشوند یا این رابطه را بسیار محدود کردند و یا گسستند. واقعیت این است که بنیادگرایان بعد از یازدهم سپتامبر قدرت مانور خود را هم نزد افکار عمومی و هم در برابر حکومت ها از دست دادند و به شدت محدود شدند. قطعاً بنیادگرایی اسلامی به طور کامل ریشه کن نخواهد شد؛ زیرا این عارضه خود معلول رشد ناموزون مناسبات تولیدی نظام سرمایه داری در کشورهای پیرامونی است. نباید از نظر دور داشت که هنوز هم بنیادگرایان مدعی هستند و در بعضی از جاها میدان داری می کنند. در پاکستان، در هند و کشمیر، در افغانستان و خاورمیانه و چند جای دیگر هم هنوز قدرت مانور خود را به کلی از دست نداده اند. راه اساسی و ریشه ای از میان برداشتن و خاتمه دادن به معضلی به نام بنیادگرایی اسلامی، بالا بردن سطح زندگی معیشتی و رفاهی مردمان کشورهای عقب مانده، رشد آگاهی سیاسی مردم، گسترش دمکراسی، توسعه ی نهادهای مردمی و حضور مردم در صحنه ی سیاست است. "جنگ علیه تروریسم" شاید در کوتاه مدت بتواند افراطیون اسلامی را به عقب براند و ساکت نماید، ولی چون با هدف رایج نمودن نوعی دیگر از زورگویی و استثمار صورت میگیرد قطعاً علاج ریشه ای و واقعی نیست.

www.iran-archive.com

توتالیتر سربرمی آورند. نمونه ی طالبان که در افغانستان بر مردم حکمروایی می کرد، گواه این مدعاست. بنیادگرایی اسلامی زاده ی نظام سرمایه داری و تناقضات درونی آن است. قبل از هر چیز باید این را ازنظر دور نداشت که بنیادگرایی اسلامی، در اصل حرکتی اعتراضی و واکنشی است. در مقابل، اسلامگرایان غلبه ی فرهنگ غرب و تسلط این فرهنگ بر جوامع اسلامی را علت اصلی عقب ماندگی این جوامع نتیجه می گیرند. بنیادگرایان اسلامی ایجاد یک جامعه ی اسلامی را شعار اصلی و محوری خود می دانند و می خواهند دولت را به عنوان مجری اصلی قوانین اسلام به کار گیرند و با دینی کردن دولت، قوانین شرعی را در جامعه پیاده کنند. آنها حکومت اسلامی را مجری دستورات خدا در روی زمین می دانند و در نظر آنها مردم فقط باید با این حکومت بیعت کنند و مطیع اوامر این حکومت دینی باشند. مردم تنها باید با آن حکومت بیعت کنند. ایران می تواند در این مورد نمونه ی بسیار واضح و برجسته ای باشد. ولایت فقیه در راس همه ی امور است و مردم فقط باید با وی بیعت کنند و اوامر ولی امر مسلمین را بدون کم و کاست اجرا نمایند، حتی در انتخاب وی هم هیچ نقشی ندارند. ذکر یک نکته اهمیت فراوان دارد و آن این است که قلمرو بنیادگرایی اسلامی در حیطه ی مسایل فرهنگی برجستگی و نمود پیدا می کند، بدین معنا که چون اسلام گرایی یک حرکت گذشته گراست و به هیچ وجه از لحاظ توضیح مسایل اقتصادی و حقوقی نمی تواند مسایل امروزی اقتصاد سرمایه داری را تشریح کند، به ناچار محکم به مسایل فرهنگی چسبیده است. فقط در این زمینه است که می تواند مسلمانان جهان را مورد خطاب قرار دهد و آنها را به عنوان امت اسلامی گردهم آورد و بدین ترتیب مرزهای بین مسلمانان را در کشورهای اسلامی از میان بردارد. بنیادگرایان اسلامی به جای اینکه اعتراضات خود را متوجه شیوه های تولیدی در جامعه بکنند، نوک حمله ی فشارهای خود را روی نهادهای مردمی، قوانین نوین امروزی، دمکراسی، مردم سالاری و فرهنگ نوگرایی قرار داده و در برابر هر آنچه رنگ و بوی پیشرفت و تمدن بدهد مقاومت می کنند و بدین سان به یک جریان ارتجاعی و واپسگرا تبدیل شده اند.

این مقدمه ای بود که به اقتضای آن به عینیات و بخشی از رویدادهای بعد از ۱۱ سپتامبر بپردازم. بی شک عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر یک عمل وقیح تروریستی بود که خاطره ی تلخ آن هر وجدان بیداری را آزار می دهد. عصامه بن لادن در سایه ی حکومت اسلامی طالبان در افغانستان، حمایت کشورهای همسایه نظیر پاکستان و عربستان سعودی از طالبان و تشکیلات القاعده، پاگرفت و رشد کرد، سکوت و میدان دادن کشورهای غربی و بویژه ایالات متحده ی آمریکا مزید بر علت شد. پایگاهها و اردوگاههای آموزشی این دو حزب در طول مدت این چند سال افرادی را به بار آورد و آموزشی را رواج داد که نتیجه ی آن عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر و از بین رفتن هزاران نفر شهروند بیگناه از کشورهای گوناگون در مرکز تجارت جهانی بود. تازه فاجعه به همین جا ختم نمی یابد؛ اکنون دیگر نزد احزاب و سازمان های تروریستی عملیات انتحاری به شیوه ای مرسوم و رایج تبدیل شده است که اتفاقاً جان شهروندان بیگناه را هدف قرار می دهد.

لازم است به این نکته نیز اشاره کنیم که بعد از این واقعه جهان چهره ی دیگری به خود گرفت و می توان گفت که این امر موجب شد تا یک چرخش سیاسی در جهان به نفع احزاب راست و افراطی در غرب شکل بگیرد و جامعه را به سوی ناسیونالیسم افراطی و حتی فاشیسم سوق دهد. احزاب چپ در این کشورها به نظر می رسد اگر موقتی هم باشد بازی را به حریف واگذار کرده اند. انتخابات اخیر در کشورهای فرانسه و هلند و سربرآوردن کسانی هم چون "لوپن" و "فورتاون" گواهی بر این مدعاست. احزاب راست افراطی تمام سعی و کوششان در این مدت این بوده که به تحریک افکار عمومی علیه خارجی ها ادامه دهند. در ایالات متحده ی آمریکا که حزب جمهوری خواه در قدرت بود و از موقعیت بسیار لرزان و ضعیفی برخوردار بود، بعد از رویداد یازدهم سپتامبر هم موقعیت خود ا بهبود بخشید و هم امکان پیدا کرد تا برای درازمدت منافع ایالات متحده را در آسیای میانه و هم چنین خاورمیانه مستحکم تر کند.

اسلام سیاسی که از دهه نود قرن بیستم مرتب در حال اوج بود و نیرو می گرفت،با حمله ی ۱۱ سپتامبر چهره ی عریان و خشن خود را به افکار عمومی نشان داد. نشان داد که برای رسیدن به قدرت تنها راهی که بلد است نه در پیش گرفتن روش های سیاسی بلکه ترور و کشتار و وحشی گری است و این راه را شرط رسیدن به قدرت می داند. وضع فعلی و افکار عمومی جهان این رویه را به شدت محکوم کرد و در برابر آن ایستاد. یعنی اسلام گرایان نشان دادند که نظم و اصول و روش های مسالمت جویانه و احترام به آزادی و دمکراسی نزد آنها جایگاهی ندارد. گرچه بعد از رویداد یازدهم سپتامبر ظاهراً چنین می نمود که مردمانی، هر چند محدود، به حمایت از بن لادن برخاستند، ولی این نیز اگر عمق مساله را بشکافیم نه حمایت از بن لادن که وقتی مردمان این کشورها می بینند که از این همه ثروت و منابع زیرزمینی، سهم آنها فقط فقر و بدبختی و جنگ و گریز است و از طرف دیگر وقتی...

⇒۴

www.iran-archive.com

اخبار کردستان

سنندج:

●بنا به خبری که از شهرستان سنندج به دستمان رسیده است، سه شنبه شب گذشته ۲٤ اردیبهشت ماه ساعت ۹/۳۰ شب حشمت صالحی معروف به " دایی گیلاس" که یکی از موادفروشان و عاملین مهم پخش مواد مخدر و گرفتار نمودن جوانان به دام اعتیاد بود ، مورد ضربات کارد و چاقو قرار گرفت و کشته شد. در همین خبر آمده است کشتن این عامل منفور درکوی "طوس نوذر" و توسط کسانی صورت گرفته است که قبلاً به وی هشدار داده بودند تا از کردار و رفتار مخرب و ناپسندش دست بردارد. این اقدام در نتیجه ی عصیانی است که مردم و جوانان از پخش مواد مخدر پیدا نموده اند و هشداری است به دیگر عاملین عمده ی پخش مواد مخدر که مستقیماً در ارتباط با اطلاعات و ارگان های سرکوبگر، این بلای جانکاه را در جامعه ی کردستان پخش می نمایند.

●بنا به خبری که از سنندج به دستمان رسیده است روز ۲۳ اردیبهشت ماه جاری کارگری به اسم "صدیق حاجی فرج نژماری" که همراه یك ماشین حمل دام به طرف قم حرکت می کرد، در فیض آباد سنندج بر اثر برخورد سیم برق به گردنش از ماشین به پایین پرتاب شده و به علت شدت جراحات و ضرب دیدگی جان می سپارد. ما در گذشت دردناك این کارگر را به خانواده و بستگانش تسلیت گفته و خود را شریك غم و اندوه آنان می دانیم.

کرمانشاه:

کارخانه ی موزاییك سازی و سنگ کوبی کرمانشاه که به " کارخانه ی موزائیك سازی ۹۲ حقیقی مشهور است۳۰ نفر کارگر در آن به صورت روزمزد کار می کنند. از این تعداد ۲۰ نفر به صورت کنتراتی و بقیه به شیوه ی پیمانکار، کار می کنند. این کارگران هیچکدام بیمه نشده اند و وقتی که اداره ی بیمه به این کارخانه مراجعه می کند، کارفرما آنها را وادار می کند که از محل کار دور شوند تا کسی آنها را نبیند و از این طریق از بیمه کردن کارگران سرباز می زند. کارفرما رفتار بسیار تند و زننده ای با این کارگران دارد و اغلب اوقات نصف مزد آنها را به عناوین مختلف نمی پردازد.

کارفرمایان از وجود بی کاری مفرط در این استان به خوبی آگاهند و از وضع سوءاستفاده می کنند و این وضعیت دست آنها را برای استثمار کارگران باز گذاشته است. کارگران مجبورند برای تامین زندگی خود و خانواده هایشان این وضعیت را تحمل کنند.

کامیاران:

هم چنین در مورد کار نانواخانه ها گزارشی به دستمان رسیده است که صاحبان نانواخانه ها سهمیه ی آرد این نانواخانه ها را به قیمت بالاتری در بازار آزاد به فروش می رسانند. این درحالی است که مردم در همچون وضعیتی باید نان را در بازار آزاد با قیمت بالاتری تهیه کنند. گزارش همچنین می افزاید که شورای آرد و نان شهر کامیاران در . این دزدی ها دست دارد .

روانسر:

روز هفدهم اردیبشهت ماه امسال فردی به نام رشید، اهل روستای " گُورِیَر" واقع در منطقه ی روانسر که برای کندن گیاهان خوراکی راهی کوههای اطراف شده بود ، از کوه پرت شده و متاسفانه جانش را از دست داده است.

ما مرگ کاك رشید را به خانواده و دوستان وی تسلیت می گوییم و خود را شریك غم آنها می دانیم.

بوکان:

● طبق اخبار رسیده از شهرستان بوکان در تاریخ ۲٦ اردیبهشت ماه امسال تعدادی از جانبازان ایران به شهر بوکان آمده بودند که در مسیر فرمانداری از طرف مقامات دولتی از آنها استقبال به عمل آمد. در همان لحظه چشمان آنها به شعار " زنده باد کومه له" و " مرگ بر خائنین محلی" افتاد که بر روی دیوار فرمانداری نوشته شده بود. این کار موجب خشم مقامات رژیم و مایه ی خوشحالی فراوان مردم گردید.

● شهرداری بوکان نسبت به محله های حاشیه ی شهر بوکان از جمله: مجبورآباد ، علی آباد ، کل تپه، منطقه ی سید شکره، کشتارگاه، زیباشهر(کلهرآباد) امیرآباد ، جاده حصار و محله ی عشایر بسیار بی توجه است و این محله ها از نظر بهداشت، امکانات رفاهی و تفریحی و نیز آب و فاضلاب در مضیقه هستند و همین امر موجبات خشم و نارضایتی شدید مردم بوکان را فراهم اورده است.

● آشپزخانه ی بیمارستان " قلی پور" بوکان به بخش خصوصی واگذار شده است. طبق این خبر در تاریخ ۱۳۸۱/۲/۳۰ این قسمت از بیمارستان به بخش خصوصی واگذار شد. مسئول شرکت، "محمد آریا پور" یکی از چهره های برجسته ی اطلاعات در بوکان می باشد و نامبرده غذا و خوراك نیروهای اطلاعات را برعهده دارد و بدون نگرانی به تغذیه ناکافی بیماران میپردازد و این امر نارضایتی شدید مردم بوکان را فراهم آورده است.

www.iran-archive.com

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

مریوان:

● شهرك جوجه سازی در ۵ کیلومتری شهر مریوان و در مسیر اصلی جاده مریوان_ سنندج میباشد. جمعیت این شهرك در حدود ۲ هزار خانوار میباشد که تمامی مردمان این شهرك از روستاهای دور افتاده منطقه اورمانات و روستاهای "برقلعه"، "بالك"، "درزیان" و قسمتی دیگر از روستاهای منطقه کوماسی می باشند خلاصه مردمان این شهرك همگی فقیر، تهی دست و بیکار هستند که شغل بیشتر آنها کارگری فصلی است که روانه ی شهرهای خارج از کردستان می شوند و هیچ گونه منابع دیگری ندارند. این شهرك از لحاظ امکانات محروم است. داخل شهرك خاکی است و هنوز آسفالت نشده است و مشکلاتی زیادی در تابستان و زمستان برای مردم ایجاد می کند. فاضلاب شهرك نیمه کاره باقی مانده است که از لحاظ بهداشتی جان مردم را تهدید می کند. آب آشامیدنی سالمی وجود ندارد. خط تلفن آن چون دیجیتالی نیست، مشکل می توان تماس برقرار کرد. گاهی نیم ساعت طول می کشد که با جایی تماس برقرار کرد، با وجود این همه مشکلات در داخل شهرك یك مرغداری وجود دارد که صاحب آن شخصی است "بنام حاجی محمد خوشنواز" است که از خانواده ی ثروتمندی است و چندین بار به اداره بهداشت و محیط زیست اعلام شده است که این مرغداری در داخل شهرك مشکلات بهداشتی فراوان می آفریند و در تابستان بوی گند آن تمام شهرك را فرا می گیرد و این موضوع را چندین بار به شورای شهرك اعلام کرده اند، ولی تا به حال هیچ گونه اقدامی انجام نشده است. گذشته از آن جاده اصلی مریوان_ سنندج از داخل شهرك می گذرد که هر روز مردم شاهد تصادف دلخراشی هستند. آشغال داخل شهرك به ندرت جمع آوری می شود و باعث انواع بیماریها برای ساکنان این شهرك می شود. با همه ی این مشکلات، دست اندارکاران اطلاعاتی دست ازسر مردم بر نمی دارند و به توزیع مواد مخدر مشغول هستند و جوانان این شهرك را به تباهی می کشانند.

● بنا به خبری دیگر که از مریوان به دستمان رسیده است، شب بیست و هفتم اردیبهشت ماه یکی از زحمتکشان کول بر مریوان در نوار مرزی "باشماق" و در اثر انفجار مین که توسط نیروهای رژیم کار گذاشته شده بود، یك پایش را از دست میدهد و به بیمارستان شهر سلیمانیه منتقل می شود. هم چنین در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه یکی دیگر از زحمتکشان کول بر مریوانی هدف تیراندازی ماموران مرزی قرار گرفته و به شدت زخمی می شود و تا رسیدن این خبر در بیمارستان بستری است.

● طبق گزارشات رسیده روز سه شنبه ی گذشته در محله ی "پمپ بنزین" شهرستان مریوان، ماشین نیروهای انتظامی یك ماشین پر از پارچه را متوقف نموده و چشم صاحب ماشین را می بندند، در همین حال مردم شهر مریوان به ماشین نیروی انتظامی حمله می کنند و شیشه های آنرا می شکنند و بار پارچه رانیز ازماشین پیاده می کنند و صاحبش را نیز نجات می دهند در این جریان زد و خوردهایی ما بین مردم و نیروهای انتظامی صورت می گیرد.

طبق همین خبر، نیروهای اطلاعاتی رژیم به روستاهای اطراف مریوان رفته و به مردم اعلام کرده اند که امسال کومه له به منطقه برمی گردند و مردم را تهدید کرده اند که به هیچ وجه نباید با نیروهای پیشمرگ همکاری بکنند. ولی این نوع تهدیدات و فشارها نه تنها باعث ترس و نگرانی مردم نشده است، بلکه آنها را به این نتیجه رسانده است که حال که کومه له جانی تازه گرفته و دوباره با قدرت در میدان مبارزه ی کردستان ظاهر شده است، آنها نیز باید علیه رژیم به مبارزه برخیزند و این تهدیدات و فشارها کار به جایی نمی برد. این خائنین محلی هستند که باید نگران موقعیت و مقام خود و هم چنین انتقام مردم باشند.

● روستای "نی" در ۵ کیلومتری مریوان واقع شده است و حدود ۵۰۰ خانوار در این روستا زندگی می کنند. منبع درآمد ساکنان این روستا هم چون سایر روستاهای منطقه از راه کشاورزی است که در فصل بهار به کشت برنج محلی و سبزیجات مشغول می شدند. ولی چند سالی است که به علت خشکسالی، کشاورزی این روستا از بین رفته و چاههای آب کشاورزی این روستا به داخل شهر مریوان لوله کشی شده اند و این کار مشکلات زیادی برای این مردم فراهم آورده است و چندین بار به فرمانداری مراجعه کرده اند ولی جوابی به مردم روستا نداده اند.

از لحاظ اسفالت و فاضلاب و لوله کشی وضع روستا نی مثل بقیه روستاها محروم است. مردمان این روستا اکثراً بی کار هستند. جهت معیشت خانواده به کار قاچاق مشغول هستند که هر روزه مورد اذیت و آزار ماموران رژیم قرار میگیرند و اسبهایشان را از بین می برند و وسایل آنها را غارت می کنند و چند نفری هستند که برای رژیم جاسوسی می کنند و با ماموران انتظامی همکاری کرده و کاروانچیان را غارت می نمایند.

● بنا به گزارشی که به دستمان رسیده، روز ۲۴ اردیبهشت ماه جاری ماموران رژیم اسلامی در مرز "باشماق" راه را بر کاروانچیان مسدود و مانع برگشت آنان به ایران می شوند. در جریان این ممانعت فردی به اسم "حیدر محمد سلیم" اهل روستای خیرآباد که قصد داشت از مسیر دیگری از مرز عبور کرده و به ایران باز گردد، در میدان مین افتاده و بر اثر انفجار مین یك پایش را از دست می دهد. این شخص زحمتکش که به شدت زخمی شده است هم اینك در بیمارستان شهر سلیمانیه بستری است.

لازم به ذکر است در همین روز یعنی تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه مزدوران رژیم ۴۰ نفر از "کول بران" را دستگیر و به پاسگاه "بایوه" برده و آنان را به مدت ۲۴ ساعت بازداشت می نمایند و سپس با گرفتن تعهد آنان را آزاد می نمایند.

www.iran-archive.com

اخبارمبارزات مردمی در ایران

تهران:

● بنا به خبری که به دستمان رسیده است، دویست نفر از کارگران بیکار شده ی شهرداری تهران روز دوشنبه در مقابل شورای شهر تجمع کردند.

نماینده ی این کارگران اخراجی درباره علت این اعتراض گفت:" ما دویست نفر از کارگران در سال ۷۴ به دستور کرباسچی اخراج شدیم و طی این مدت به مراکز مختلف و ارگانها شکایت کرده، اما جوابی نگرفته و هنوز بلاتکلیف هستیم. بارها به کارگران و عده ی اشتغال به کار تعاونی های شهرداری داده شده، اما هنوز اقدامی جدی در این مورد صورت نگرفته است.

● یك فعال جنبش دانشجویی گفت: می خواهند " منوچهر محمدی" را از طریق بیماری اعدام کنند. بنا به گزارشهای درون زندان که مورد تایید پدر وی نیز قرار گرفته است، منوچهر محمدی در وضعیت جسمانی بدی به سر می برد و احتمال بروز خطرات جدی برای وی وجود دارد. گسترش بیماری لثه ها در وی ممکن است به از دست دادن تمامی دندانهای او بیانجامد؛ هم چنین زخم معده نیز سلامتی او را مورد تهدید قرار داده است.

یك فعال جنبش دانشجویی که خواست ناشناس بماند در این باره گفت: آنها تلاش دارند منوچهر محمدی را از طریق بیماری اعدام کنند تا هم متهم به نقض حقوق بشر نشوند و هم از شر او خلاص شوند.

منوچهر محمدی از زندانیان قیام ۱۸ تیر دانشجویان درسال ۱۳۷۸ می باشد. جمهوری اسلامی وی و برادرش اکبر محمدی را از سال ۷۸ تاکنون برای ایجاد وحشت درمیان دانشجویان مورد انواع آزار و شکنجه قرار داده است. این دو از امضا توبه نامه خودداری کرده اند.

طبق یك گزارش غیررسمی، پس از قیام ۱۸ تیر کوی دانشگاه تهران جمهوری اسلامی قریب به ۲ هزار دانشجو را بازداشت کرد که از سرنوشت برخی از آنان هنوز اطلاعی در دست نیست.

ساری:

بنا به گزارش خبرگزاری ایناز اعتراضات مردمی به هنگام سفر محمد خاتمی به مازندران اوج گرفت. در خیابان و در مسیر حرکت خاتمی از فرودگاه تا ورزشگاه عده ای از مردم ناراضی با برافراشتن پلاکاردهایی نسبت به وضعیت خود اعتراض کردند. روی یکی از پلاکاردها نوشته شده بود: "آقای خاتمی کشاورزی ما نابود شد". مردم با هجوم به وسط خیابان راه را بر اتومبیل خاتمی بستند و اعتراضهای خود را بصورت شفاهی و یا با نوشته بیان داشتند. کارگران کارخانه "تخته سه لایی رجایی"، خیابان مسیر عبور خاتمی را بستند و به درگیری با ماموران پرداختند. آنها تصمیم داشتند در وسط خیابان آتش به راه بیاندازند که به شدت سرکوب شدند. کارگران به اتومبیل هایی که حاوی همراهان خاتمی بودند لگد زدند و با سنگ آنها را مورد حمله قرار دادند.

در عین حال عده ای به هو کردن خاتمی پرداختند. بلافاصله نیروهای امنیتی اتومبیل خاتمی را در محاصره خود گرفتند. یك شاهد در صحنه بیان داشته است که ماموران با وحشت تقاضای نیروهای کمکی و هلی کوپتر کرده اند. خاتمی به سختی توانست به ورزشگاه برسد و در آنجا نیز هزاران نفر شعارهایی مانند خاتمی خاتمی به فریاد ما برس مطرح شد، خاتمی از وحشت ادامه اعتراضات لحن صحبت خود را با شرایط تنظیم کرد و گفت که شهرهای شمال کشور مورد بی توجهی قرار گرفته اند و باید به آنها رسیدگی کرد. وی قول داد که در طول دیدارش در مازندران تحقیقی درباره مشکلات انجام دهد. عده ای در این هنگام خاتمی را هو کردند.

چندین نفر در این جریان بازداشت شده اند و از شهرهای اطراف ماموران امنیتی و انتظامی به ساری آورده شده اند. تلفن های همراه خبرنگاران در صحنه از کار افتاده شد تا نتوانند اخبار را سریعاً به دفاتر خبری خود ارسال کنند. خبرگزاریهای ایرنا و ایسنا از انعکاس اخبار اعتراضات مردم ساری خودداری کردند. این اعتراضات در حالی صورت گرفت که جاده بیست کیلومتری قدیم توسط نیروهای انتظامی و امنیتی اشغال شده بود. جو عمومی ساری تا زمان رسیدن این گزارش تشنج آمیز گزارش شده است و صدای شلیك گلوله نیز شنیده شده است. گفتنی است که خاتمی به دلایل امنیتی سفر خود را به مازندران به تاخیر انداخت.

اخبار بین المللی

آلمان:

طبق خبری که رفقای تشکیلات خارج از کشور کومه له از آلمان برایمان ارسال داشته اند، روز پنج شنبه ساعت ۵/۵ در شهر فرانکفورت به خاطر سفر جرج بوش به آلمان حدود ۱۵۰۰ نفر که عموماً از احزاب چپ و سندیکاهای کارگری بودند به مدت ۲ ساعت دست به تظاهرات زدند. شرکت کنندگان در این تظاهرات شعار می دادند: " با سلاح های آلمان در سراسر دنیا کشتار می کنند" و هم چنین شعار می دادند: " این تظاهرات چندان مورد علاقه ی " شرودر" نیست، ما هم به شروردر علاقه ای نداریم". تظاهرکنندگان هم چنین شعار می دادند " شرودر و بوش و تالبان هرکدام به شکلی آزادی را در سایر نقاط جهان به خطر میاندازند".

تظاهرات با سخنرانی چند تن از گروهها و احزاب مختلف آلمان در مرکز شهر ادامه پیدا کرد و تا ساعت ۷/۵ طول کشید که به علت ریزش باران در این شهر نسبت به سایر شهرهای دیگر مردم کمتری شرکت کرده بودند. در شهر برلن صدهزار نفر در این تظاهرات اعتراضی شرکت کرده اند. طبق همین خبر در اکثر شهرهای آلمان تظاهرات علیه سیاست های بوش به راه افتاده است.

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

www.iran-archive.com

فراخوان جهت اعتراض
به تصمیم اخیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (برگرفته از ایران امروز)

ریاست محترم کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد
خانم مری رابینسون

بیست سال است که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، رژیم جمهوری اسلامی ایران را مورد تقبیح قرار داده و در قطعنامه هایش عملکرد این رژیم در نقض حقوق بشر را محکوم می کند. اما این کمیسیون در قطعنامه اخیرش از محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی خودداری ورزیده است. و این در حالی است که بر طبق گزارش گزارشگر کمیسیون حقوق بشر و بر اساس قطعنامه ها، اطلاعیه ها و بیانیه های نهادهای ایرانی و جهانی دفاع از حقوق بشر، و عفو بین الملل، خبرنگاران بدون مرز و کانون های نویسندگان و اهل قلم، عملکرد جمهوری اسلامی در زمینه حقوق بشر در طی دو سال اخیر نه تنها بهبودی نشان نداده بلکه به مراتب فاجعه بارتر شده است.

در طی این مدت زندان های جمهوری اسلامی، صدها زندانی را به جرم داشتن عقیده سیاسی مخالف، بدون برخورداری از ابتدایی ترین حقوق قضایی و انسانی درخود جای داده است و در همین زمان نیز ده ها شخصیت سیاسی و دانشجویی، دستگیر شده و برای اعتراف تحت شکنجه قرار گرفته و جان برخی از آنان در خطر است.

در سال های۲۰۰۱و۲۰۰۲ آمار اعدام ها مجدداً بالا رفته و ده ها نفر را در ملاء عام به دار آویخته اند و به دستور حاکمان شرع افراد زیادی سنگسار شده، انگشتان دستشان قطع گردیده و یا شلاق خورده اند. قابل ذکر است که گزارش تعدادی از موارد فوق در روزنامه های حکومتی نیز منتشر گردیده است. در سال مورد بررسی، مسئله قتل های زنجیره ای نه تنها پیگیری نگردید، بلکه متهمان آن آزاد شده و درعوض وکیل خانواده های قربانیان تحت پیگرد قرار گرفت و در همین اثنا افراد دیگری به شیوهای مشابه ربوده شدند. در این سال از مطبوعات تعطیل شده توسط دستگاه قضایی نه تنها رفع توقیف نشد، بلکه چندین نشریه دیگر نیز توقیف گردیدند. گزارش خبرنگاران بدون مرز در این مورد گویای وخامت اوضاع مطبوعات در ایران است. علاوه بر این جمهوری اسلامی از سال ۲۰۰۱ تا کنون همچون گذشته تظاهرات مردم را با کشتن، زخمی کردن و دستگیری معترضین سرکوب کرده است. قابل ذکر است که در گزارش آقای موریس کاپیتورن به نمونه هایی از موارد فوق اشاره شده و مسلما دسترسی به اسنادی که توسط بسیاری از نهادهای مستقل حقوق بشر ارائه شده و بر اساس آن نقض حقوق بشر در ایران محکوم گردیده، برای ریاست و اعضای کمیسیون حقوق بشر کار مشکلی نیست!

قابل توجه است که تقریبا همزمان با اعلام نظر کمیسیون حقوق بشر، رژیم جمهوری اسلامی در حال سرکوب تظاهرات مردم شهر فردوس بود که طی آن مهدی تاچالی نوجوان ۱۴ ساله و هادی احمدی ۲۶ ساله کشته و تعداد زیادی دستگیر و زخمی گردیدند.

ما امضا کنندگان این نامه نمی توانیم از ابراز حیرت خوداری کنیم که چگونه کمیسیون حقوق بشر می تواند محتویات گزارش گزارشگرش را نادیده بگیرد، در حالی که سنگسار، قطع انگشتان، شلاق زدن و اعدام در ملاء عام و نقض سیستماتیك حقوق زنان و کودکان به حوادث روزمره ایران تبدیل شده است و همچنین نمی توانیم بی اعتمادی خود را نسبت به این موضع کتمان کنیم در حالی که روزنامه های حکومتی ۱۴ اعدام را تنها در فاصله ۱۴ تا ۲۲ ماه آوریل یعنی یك هفته قبل از اعلام نظر کمیسیون ثبت کرده اند. برای ما مایه بسی تاسف است که درست پس از اعلام نظر کمیسیون در روز ۲۴ آوریل مردی درشهر آبادن در ملاء عام حلق آویز شد و در ۲۵ آوریل در سه میدان تهران به طور همرهان ۶ نفر دار زده شدند. و به فاصله چند روز حکم سنگسار یك زن و اعدام ۹ نفر دیگر صادر شد و تازه اینها اطلاعات ثبت شده در روزنامه های حکومتی است.

ما امضا کنندگان این نامه ضمن محکوم کردن موضع اخیر کمیسیون حقوق بشر سازمان محترم خاطر نشان می کنیم که هر گونه مسامحه و چشم پوشی نسبت به نقض حقوق بشر در ایران می تواند دست حکومت ایران را در نقض بیشتر حقوق و آزادی های انسانی باز بگذارد و به مبارزات مردم ایران و ده ها نهاد و انجمن جهانی در دفاع از حقوق بشر در ایران لطمه بزند.

رونوشت به: دبیر کل سازمان ملل متحد آقای کوفی عنان

امضا کنندگان:

جامعه بین الملل حقوق بشر (لیگا)

تریبونال بین المللی

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران(برلین)

کانون پناهندگان سیاسی ایران ــ برلین

اتحاد چپ کارگری ایران

* * *

زنده باد سوسیالیسم

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
Fraiday
24/5/2002
No: 65

رهبران جمهوری اسلامی و یورش جدید به مردم و آزادیها

بنا به تصمیم روزهای اخیر قرار است که بازداشتگاه ۵۹ که بازداشتگاهی غیر رسمی و در اختیار سپاه پاسداران بود، به بازداشتگاهی رسمی جهت بازداشت و زندانی کردن مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی تبدیل شود. همچنین مدتی است که خبر گزاریهای عمومی، اغلب به پخش خبر اعدام افراد در گوشه و کنار ایران می پردازند، به عقیده ما این رویدادها نه تنها در رابطه با یکدیگر بوده، همچنین به شرایط سیاسی کنونی ایران نیز ارتباط دارد، بدون شك موج نارضایتی عمومی و گسترش بیکاری و بحران اقتصادی، جامعه ایران را روز به روز بیشتر بسوی انفجار سیاسی و اجتماعی سوق می دهند.

این واقعیت نه تنها از چشم زمامداران رژیم جمهوری اسلامی پوشیده نیست، بلکه هر کدام به گونه ای از این شرایط حساس و خطرناك بحث می کنند. چنانچه میدانیم مدت زیادی است که جناح محافظه کار رژیم خود را جهت یورش وسیع مهیا می سازد. تعطیلی روزنامه ها و نشریات بازداشت و زندانی نمودن دانشجویان و فعالین سیاسی و اینك نیز، رسمیت بخشیدن به بازداشتگاه ۵۹ و پیشنهاد مبنی بر اینکه وزارت اطلاعات نیز برای خود زندان داشته باشد و همچنین اعدامهای دسته جمعی و هر روزه در مناطق مختلف ایران همه و همه به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و عادی سازی دیکتاتوری و فشار هستند. جمهوری اسلامی هیچ افقی را در بهبود اوضاع اقتصادی پیش روی خود نمی بیند، مردم نسبت به رژیم بی اعتماد بود و مهمتر اینکه با از بین رفتن ترسشان به منظور دستیابی به خواستهایشان به اعتراض و تظاهرات می پردازند. آری واقعیات انکار ناپذیر بحران سیاسی و نارضایتی شدید مردم، جمهوری اسلامی را با گرداب بزرگ سیاسی مواجه ساخته و تلاشهای کنونی جهت افزایش فشار و دیکتاتوری، پاسخ رهبران جمهوری اسلامی در مواجهه با این شرایط است. اما قدر مسلم اینکه نه جمهوری اسلامی توان فشار و سرکوب گذشته را داراست و نه مردم هراس و وحشت گذشته را در دل دارند. به همین دلیل این سیاست رژیم شانس موفقیت ندارد و انتظار می رود با مقاومت و تقابل هر چه بیشتر مردم مواجه شود، موجب عمیق تر شدن و گسترش هر چه بیشتر بحران سیاسی در ایران گردد.

رهبران جمهوری اسلامی اعم از محافظه کاران و اصلاح طلبان نشان داده اند که تمامی تلاششان به منظور سرکوب جنبش های مردمی، به تحریف کشاندن این جنبشها بوده و اینك نیز که در این زمینه به موفقیتی دست نیافته اند، بار دیگر به فشار و زور و سرکوب روی آورده اند، اما زمان برای این گونه حرکات بسیار دیر است و اوضاع سیاسی تغییر یافته و مردم مصمم به مقابله و مبارزه با این رژیم هستند.

www.iran-archive.com

اخبار و گزارشات خود را با این شماره فاکس برای رادیو کومه له ارسال دارید
Fax:
001-5617605814

با رادیو کومه له_ صدای کومه له همکاری کنید:
آدرس پست الکترونیکی(ای میل) رادیو کومه له:
Komala_ radio@hotmail.com

شماره تلفن نمایندگی کومه له در شهر سلیمانیه، کردستان عراق:
۳۱۲٤۷۱۱

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:
Postfach 800272
51002 Koln
Germany

آدرس پست الکترونیکی(ای میل) کمیته‌ی مرکزی کومه‌له
Komala1348@hotmail.com

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران

خبرنامه

کومه له_سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

۶۶

جمعه ۱۰ خرداد ۱۳۸۱

هیچ نوع سوپاپی، اطمینان خاطر را برای جمهوری اسلامی فراهم نخواهد کرد.

نوید مهرآور

روز سه شنبه هفتم خرداد ۱۳۸۱ برابر با بیست و هفتم مه ۲۰۰۲ شروع ۲۲ امین سالگرد تاسیس مجلس شورای اسلامی در دوامین سال از دور ششم این مجلس با حضور تعدادی از نمایندگان و علی خامنه ای به مناسبت سالگرد تاسیس مجلس در یکی از حسینیه های تهران مراسمی تهدید آمیز اما با لحن موعظه و نصیحت برای به اصطلاح، اصلاح طلبان صورت گرفت.

در این مراسم ابتدا کروبی رئیس مجلس ششم گزارش کوتاهی ارائه داد و تصریح کرد که "نمایندگان مجلس پایبند به قانون اساسی هستند و تمام تلاششان برای اجرای این قانون است" اما گویا این اعلام وفاداری کروبی به قانون اساسی و از جانب اصلاح طلبان اسلامی خامنه ای را راضی ننموده و به دنبال خامنه ای نیز، بعد از مقدمه ای رو به نمایندگان گفت: "هر اصلی در قانون اساسی یك هدف است، برای هر هدف باید چاره ای باشد. شما با قانون گذاری می توانید هر کدام از راه ها را باز کنید، اما مسائل کشور فراتر از جناحها است که نه می شود همه ی آنها را مضر دانست و نه می شود بکلی آن را تایید کرد، زیرا مسایل اساسی کشور فراتر از این است". خامنه ای اضافه کرد که "طلبه ی استکبار برای تسخیر زمینه های اقتصاد، فرهنگ و سیاست می کوشد، اما فرهنگ افزون طلبی سرنوشت حقیقی کشور ما نیست". در واقع کروبی خواست از جانب مجلس به خامنه ای اطمینان خاطر بدهد ولی خامنه ای خواستهای مردم را به "طلبه ی استکبار" ربط داده و بلاخره بار دیگر فتوا داد که "مبارزه با این گرایشات بهترین عبادت است و این یکی از وظایف ماست، زیرا جهانی شدن اقتصاد مطرح است، حالا گفته یا ناگفته حرف از جهانی شدن فرهنگ و سیاست هم هست" خلاصه به نمایندگان و مجلس اصلاح طلبان هشدارداد که این اظهار ارادتها به قانون اساسی کافی نیست و...

ص۲

ترس از کومه له و توسل به دروغ و بهتان

فرامرز سجیم

درطول حاکمیت جمهوری اسلامی ثابت شده است که صداوسیما، یکی از فاسدترین و ارتجاعی ترین ارگان های این رژیم است که با تمام وجود در خدمت تبلیغ و ترویج سیاست های ارتجاعی و ضد انسانی جمهوری اسلامی است. صداوسیمای جمهوری اسلامی از بدو روی کار آمدن این رژیم تا به امروز با پخش فیلم و نمایش و دهها نوع تبلیغات دیگر و هرآنچه از دستش برآمده، به دشمنی آشکار با مبارزه ی حق طلبانه ی مردم کردستان و طبقه ی کارگر و زحمتکش برخاسته است.

صداوسیمای جمهوری اسلامی با تمام قوا کوشیده است که کومه له_ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان و نیز مردم سراسر ایران زشت و بدنام جلوه دهد و سیمایی درنده، ضدانسانی و وحشی از آن به مردم نشان بدهد و برای رسیدن به این نیت شوم از هیچ خدعه، نیرنگ و دروغ بافی و فریب کاریی کوتاهی نکرده است. خوشبختانه صداوسیما، به علت تنفر مردم از این سازمان، نتوانسته است در انجام این رسالت خویش موفق باشد و ذره ای از محبوبیت نیروی پیشمرگ کومه له در میان مردم بکاهد. شاید خیلی ها فیلم های "کانی مانگا"، "گذرگاه"، "حماسه ی دره ی شلیر"، "عملیات کرکوك" و بسیاری...

ص۲

در این شماره می خوانید:

- نگاهی به وضع اسفبار کودکان در سرزمین درد
- گروهی دیگر از جوانان انقلابی کردستان به صفوف نیروی پیشمرگ پیوستند
- اخبار کردستان
- اخبار دیگر مناطق ایران

www.iran-archive.com

ادامه ی هیچ نوع سوپاپی، طمینان...

"نباید با هیچ بهانه ای مجلس را تضعیف کرد". البته منظور خامنه ای از "مجلس" نمایندگان جناح محافظه کار در آنست. در این موعظه ی علی خامنه ای می توان چند هدف مشخص را دریافت.

نخست میخواهد به اصلاح طلبان اسلامی نشان می دهد که مسائل کشور به غیر از جناحهای حاکمی که درفرایند جنگ قدرت شکل گرفته اند طرف دیگری هم داردکه عبارت اند از توده های مردم، اعم از دانشجویان، روشنفکران، جنبش های برابری طلبی و از همه مهمتر کارگران و زحمتکشان ایران که در عرصه ی سرنوشت کشور حضور دارند و می خواهند سرنوشت خود را با دست و اراده ی خود رقم بزنند و اصل آن بر مبادی دمکراسی و آزادی انسانی و مبارزه با نابرابری استوار است. دوماً به مجلسی ها اخطار داد، سوپاپ اطمینانی که تحت عنوان جنبش دوم خرداد بر جامعه بسته شد و محمد خاتمی آنرا رهبری می کرد و در دوره ای علی اکبر هاشمی رفسنجانی و عده ای دیگر از عالیجنابان تلاش نمودند تا نقش سوپاپ اطمینان را بازی کنند و موفق نشدند. خامنه ای میخواهد بگوید که توده های مردم به عرصه آمده اند پس باید سوپاپ را تایم کرد، در اینجا مشخصاً مجلس را تهدید می کند و هشدار می دهد که سخن بیشتر از حد در مجلس زیاده روی است و این "مجلس را تضعیف می کند". یعنی اگر میخواهید بمانید خفه خون بگیرید. در قسمتی دیگر از سخنان خامنه ای آمده است که "شرط محکم کردن پایه های فرهنگی ما معتقد بودن به دین است و مردم نباید این فرهنگ غنی و دینی خود را تحقیر نمایند" این در حالی است مردم ایران روزانه در تلاشند تا از نظر فرهنگ با جوامع متمدن دنیا پیش بروند و سنت های ارتجاعی قرون وسطایی و اسلامی در ایران را نفرت می کنند. بطوری که لباس پوشیدن و حتی آرایش و مد های گوناگون مرتباً در حال تغییر است و توده ها و نسل جوان در تلاشند تا فرهنگ ماتم و سوگواری را همراه با حاکمیت ولایت فقیه به گور نهند. خامنه ای و سایر دست اندرکاران رژیم در ایران نیك می دانند که پایشان لب پله ی آخر است و عمر ننگین خود و حکومتشان به خط قرمز رسیده، تازه هیچ نوع سوپاپی، اطمینان خاطر را برای حاکمیت شان در ایران فراهم نخواهد کرد، نه ژستهای خاتمی و تهدید به استعفا موجب کسب اعتبار خواهد شد و نه تهدیدهای خامنه ای و محافظه کاران کارساز است. زیرا توفان ستمدیدگان، کارگران و زحمتکشان و ملت های تحت ستم علیه ولایت فقیه در راه است و عمامه و چادر فقیه و زینبی ها را درهم خواهد پیچید وکاخ استثمار، سانسور و بی عدالتی و دیکتاتوری را واژگون می کند و آنها را برای همیشه از ایران چند ملیتی و متنوع به زباله دان تاریخ می فرستند.

* * *

ادامه ی ترس از کومه له...

دیگر از فیلم های تهیه شده سینمایی دیگر از این نوع را در صداوسیمای جمهوری اسلامی دیده باشند و حتماً پی به این واقعیات برده اند که چگونه سعی می شود در این فیلم ها سیمایی غیرواقعی از نیروی پیشمرگ کومه له ارئه شود.

قریب به سه ماه است که کانال ۳ ایران سریالی را پخش می کرد به نام " قصه ی قرارگاه" که شبهای چهارشنبه پخش می شد و آخرین قسمت این سریال همین چند روز پیش پخش گردید (۱ خرداد). این سریال که در استان کهگیلویه و بویر احمد تهیه شده، در مورد جنگ ایران وعراق در منطقه ی کردستان است که در این سریال "قرارگاه" در پشت جبهه و مکان استراحت بسیجی هایی است که از خط مقدم بازمی گردند و هم چنین محل معالجه ی بیماران و زخمی های جنگی است.

قسمت هایی از این سریال بدین ترتیب است که نیروی پیشمرگ کومه له شب ها به این قرارگاه حمله می برند و هر بار حدود ۱۰ تا ۱۲ بسیجی را به شیوه ای بیرحمانه سر می برند و جنازه هایشان را مُثله میکنند. این صحنه نه یك بار که ۳ بار دراین فیلم تکرار می شود. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از تهیه ی این فیلم و فیلم هایی از این نوع دو هدف را تعقیب می کند.

اول این که به هر قیمتی که شده نگذارد ۸ سال جنگ با عراق، که به دروغ نام هشت سال دفاع مقدس بر آن گذشته است، از خاطره ی مردم زدوده شود و سعی می کند که احساسات مردم و بخصوص خانواده هایی که کسانشان را در این جنگ ارتجاعی از دست داده اند، تحریك کند و این احساسات را به نفع و در جهت مطامع خویش سوق دهد و به مردم تفهیم کند که مقصر جنگ ۸ ساله تنها دولت عراق و متحدانش بوده اند و جمهوری اسلامی در آن بی خطا بوده.

هدف دوم که به نظرم هدف اصلی در تهیه ی این گونه فیلم هاست اینست که محبوبیت کومه له و نیروی پیشمرگ کومه له را نزد مردم کمرنگ کند و حتی می کوشد که کومه له را بدنام نماید. جمهوری اسلامی این واقعیات را نیك میداند که نیروی پیشمرگ کومه له نزد مردم کردستان بسیار محبوب است و فعالیت مستقل و دوباره ی کومه له و وارد شدن به صحنه ی مبارزاتی کردستان، جو سیاسی و احساسات انقلابی مردم را به کلی دگرگون کرده است. این خود زنگ خطر بزرگی است برای سران جمهوری اسلامی و حاکمانشان در کردستان. در این جا پرسشی مطرح است که چرا رژیم اسلامی برای رسیدن به مقصود به چنین شیوه هایی دست زده است؟ رژیم فاسد جمهوری اسلامی در گذشته نیز برای بدنام کردن کومه له و نیروی پیشمرگ راههای بسیاری را در پیش گرفت. همه نقشه هایش در اثر هوشیاری مردم نقش بر آب شد. گاه به نام پیشمرگ کومه له راه را بر کاروانچیان سد.. ص۳

www.iran-archive.com

کرده و آنها را اذیت و آزار می دادند، مدتی به نام نیروی پیشمرگ کومه له به روستاها رفته و مردم را مورد شکنجه وآزار و اذیت قرار می دادند و آنها را جریمه می کردند. گروههای ضربت و خائنین محلی به نام پیشمرگ کومه له به راهزنی می پرداختند و در جاده ها و راهها باج گیری می کردند.

خلاصه به نام پیشمرگ کومه له و برای بدنام کردن این نیرو به انواع کارهای غیرانسانی و ناشایست دست زدند. ولی هربار تنها نصیب آنها از این سیاستهای توطئه گرانه، شکست و رسوایی بیشتر بود. مردم کردستان کومه له و نیروی پیشمرگ کومه له را به خوبی می شناسند. بارها پیشمرگ کومه له مهمان سفره ی فقیرانه ی آنها بوده، خانه ی آنها سنگر و جان پناه پیشمرگان کومه له بوده است. آیا مگر ممکن است که مردم کردستان این توطئه ها را درك نکنند؟! غیر از سیاست های واضح و آشکار کومه له که اغلب مردم ایران و کردستان از آن مطلعند، مشخصه ی دیگر کومه له، نیروی مسلح آن است. مشخصه ی این نیروی مسلح نیز، هم چنان که همه ی مردم کردستان از آن آگاهند، دفاع از کارگران و زحمتکشان، خستگی ناپذیری از مبارزه و مبارزه علیه هرنوع ظلم و ستم و بسیاری دیگر از کارهای شایسته و مثبت دیگر همانند انسان دوستی، رفتار انسانی با اسیران جنگی و حتی معالجه ی زخمی های دشمن زمانی که به دست نیروهای پیشمرگ افتاده اند.

بریدن سر انسانها و بی احترامی به جنازه ی کشته های جنگی، به شیوه ی سده های میانه، تنها و تنها در شان جلادان جمهوری اسلامی است و بس. هم چنان که تاریخ چند سال گذشته نشان داده است و مردم خود شاهد این مدعا هستند، این کردارها مشخصه ی نیروهای سرکوبگر رژیم است. کومه له همیشه این سیاست ها را محکوم کرده و علیه آن ایستاده است. نیروی پیشمرگ کومه له با این اعمال بیگانه است و حتی در بسیاری موارد خود قربانی این وحشی گری جلادان رژیم بوده است.

کشتار و اعدام و تیرباران هزاران انسان بی گناه و آزاده در تاریخ جنبش انقلابی خلق کرد، قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ به دستور خمینی و شکنجه ی زندانیان سیاسی، که وجدان هر انسان آزاده ای را می آزارد و بریدن سر، بریدن دست و انگشتان و گردن زدن زنان، سوزاندن اعضای بدن زندانیان سیاسی و شکنجه های وحشتناك روحی و احکامی از این قبیل، قسمتی از اعمال دستگاه قضایی جمهوری اسلامی علیه مردم ایران و کردستان بوده است. کوشش برای بدنام کردن کومه له و نیروی پیشمرگ کومه له، که دیروقتی است به جریانی اجتماعی محبوب در کردستان و اکنون روز به روز بر دامنه ی نفوذ و محبوبیتش افزوده میشود و مردم کردستان امیدها و آرزوهای خود را با این حزب تداعی می کنند، تلاشی بیهوده و امیدی عبث است که دیرزمانی است به بن بست رسیده و شکست خورده است. ادامه دادن به چنین سیاست هایی غیر از محبوبیت بیشتر کومه له در میان مردم کردستان و رسواتر شدن دشمنان خلق کرد، نتیجه ی دیگری برای عاملانش به بار نخواهد آورد.

* * *

اخبار شهرهای کردستان

سنندج:

● مردی که به خاطر اختلافات خانوادگی، همسرش، او و فرزندش را ترك کرده و به خانه ی پدرش رفته بود، پس از چند بار مراجعه به منزل پدرزنش و دعوت همسرش به زندگی مشترکشان، با ممانعت پدرزنش روبرو می شود و دست آخر روز شنبه ی گذشته (۲۸ اردیبهشت ماه با فرزندِ خود به خانه ی پدرزنش می رود و پس از دعوت مجدد همسرش به زندگی مشترکشان و مواجه شدن با خودداری او، به رویش اسلحه می کشد و شلیك می کند، سپس به طرف مادر زنش شلیك کرده و در نهایت نیز کله ی خود را هدف گلوله قرار می دهد، که خود و مادرزنش در دم جام می سپارند و زنش نیز صدمه می بیند و در حال حاضر در بیمارستان بعثت سنندج تحت مراقبت است.

● طبق خبر دیگری از سنندج، روز سه شنبه ۳۱ ام اردیبهشت ماه کارگر شانزده ساله ای به علت نبود وسایل ایمنی در محل کار، بر روی داربست از طبقه ی چهارم ساختمانی در محله ی " باغ ژاله" که در آنجا مشغول به کار بود سقوط می کند و جانش را از دست می دهد. ما ضمن تسلیت به خانواده ی این کارگر جوان ناامنی محیط کار را محکوم می کنیم و خواستاریم که کارگران، همه یکصدا خواهان تامین وسایل ایمنی کار از کارفرمایان باشند.

● طبق اخبار رسیده از شهرستان سنندج، ساعت ۷/۵ بعدازظهر روز چهارشنبه برابر با یکم خرداد، تعداد زیادی از جوانان این شهر در محله ی " حاجی آباد" دست به اعتراض زده اند. شرکت کنندگان در این تجمع اعتراضی، شعارهایی علیه سیاست های جمهوری اسلامی، بیکاری و همچنین اعتیاد در جامعه سر داده اند.

نیروهای جمهوری اسلامی و مزوران محلی در پایگاههای مقاومت بسیج حاجی آباد، گارد ضد شورش، یگانهای ویژه ی پاسداران و اطلاعات به تجمع کنندگان حمله کردند که با مقاومت جوانان روبرو شدند. در این درگیری نزدیك به ۳۰ نفر از جوانان این شهر دستگیر شده اند که تا به حال از سرنوشت آنها هیچ خبری در دست نیست.

● بنا به اخبار رسیده از سنندج، مدتی است که نیروهای انتظامی رژیم، فشار زیادی به دست فروشان این شهر وارد آورده اند. طبق هیمن خبر، نیروهای انتظامی و مزدوران ستاد رفع سد معبر شهرداری با گرفتن رشوه از مغازه داران، به اذیت و آزار و جمع آوری وسایل دست فروشان پرداخته اند. این کار سبب بیکاری و مشکلات معیشتی صدها دست فروش و خانواده هایشان گشته است.

www.iran-archive.com

مریوان:

● بنا به خبری که از مریوان به دستمان رسیده است، روز شنبه گذشته ۱۲ تن از اهالی کردستان عراق که به منظور کار وامرار معاش زن و فرزندانشان به کردستان ایران آمده تا از آنجابه دیگر شهرهای ایران بروند، در دروازه" شویشه" بوسیله نیروهای انتظامی رژیم دستگیر می شوند. فرمانده ی نیروهای انتظامی این افراد را سوار ماشین کرده تا آنان را به پاسگاه شویشه تحویل دهد، اما ماشین مذکور در میانه ی راه چپ شده و در اثر این حادثه یك نفر از کُردهای عراقی دستگیر شده در دم جام خود را از دست می دهد و دیگر سرنشینان ماشین نیز زخمی می شوند که آنها را به بیمارستان سنندج منتقل می کنند.

اما با نهایت تاسف یك تن دیگر از افراد دستگیر شده که به شدت زخمی شده بود در اثر جراحات وارده در شهر سنندج جان خود را از دست می دهد. ما به خانواده و بستگان قربانیان این حادثه تسلیت گفته و امید بهبود زخمیهای این حادثه را داریم.

● بنا به خبر دیگری که از مریوان به دستمان رسیده است، یکی از فرماندهان مزدور نیروهای انتظامی و مسئول مبارزه با قاچاق رژیم به نام سرهنگ "مصلی شیرازی" با اذیت و آزار کول برهای زحمتکش این منطقه به مصادره ی اموال آنان می پردازد. این گزارش حاکی از آن است که این فرمانده ی مزدور رژیم در روزهای اخیر، در روستاهای " سردوش، دره تفی و ناحیه مرزی بناوه سوته " با توقیف و مصادره ی ٤ دستگاه ماشین سواری و چند دستگاه تراکتور که با آنها برنج و پارچه بوده، موجب وارد آوردن فشار شدیدی بر کاسبکاران زحمتکش این منطقه گردیده است. این در حالی است که هفته ی گذشته نیز ۱۲ دستگاه مینی بوسِ خط مریوان به سنندج بوسیله این فرد توقیف شده است.

بنابه همین گزارش نیروهای رژیم به فرماندهی سرهنگ مصلی شیرازی در ادامه ی فشار بر زحمتکشان محروم این منطقه در روستای " دره تفی" راه را بر کاسبکاران می بندند که در این جریان ۳ اسب را که حامل بار بوده اند در کمین انداخته و آنها را مصادره می کنند، که صاحبان آنها موفق به فرار می شوند. این فرمانده ی مزدور رژیم از هیچ گونه جنایت و فشاری در حق مردم زحمتکش کوتاهی نکرده تا جائیکه چند روز قبل و در مرز " باشماق" ٦ اسب را که از کاروانچیان مصادره کرده بودند در مقابل چشم صاحبانشان کشتند.

● بنا به خبری دریافتی از مریوان، غروب جمعه سوم خرداد ماه جاری تراکتوری که از آبادی " جانوره" به روستای " ده بنیاد" بازمی گشت، در سه راه "مَیدولِ" ده بنیاد چپ شده و در نتیجه متاسفانه راننده ی تراکتور که ابراهیم فتحی نام داشت در دم جان خود را از دست داده است.

ما مرگ کاك ابراهیم را به خانواده و آشنایانش تسلیت می گوییم و خود را شریك غم و اندوه ایشان می دانیم.

● روز ۲۹ اردیبهشت ماه امسال، جوان شانزده ساله ای به نام " زانا" فرزند ابراهیم در مرز باشماق مریوان به کمین نیروهای انتظامی می افتد و به شدت زخمی می گردد. وی توسط مردم و کاروانچیان به بیمارستان شهر سلیمانیه انتقال داده شد، اما متاسفانه پس از دو روز به دلیل شدت جراحات وارده جان خود را از دست می دهد.

ما جانباختن این جوان زحمتکش را به خانواده اش تسلیت می گوییم و این عمل وحشیانه ی نیروهای جمهوری اسلامی را به شدت محکوم می کنیم.

مهاباد:

● بنا به خبری که از شهرستان مهاباد به دستمان رسیده است، مدتی پیش کاك ابوبکر غلامی راد مشهور به " ابومینه قیط" برادر رفیق جانباخته "صدیق پیاوه" اهل روستای گاپیس منطقه ی مهاباد به علت مریضی جانش را از دست داده است.

کاك ابوبکر از سال ۱۳٦۲ شمسی تا سال ۱۳٦۷ به دلیل فعالیت سیاسی توسط مزدوران جمهوری اسلامی زندانی شده بود. نامبرده کارگر کوره پزخانه ها بود و پنج فرزند از وی به جا مانده است.

ما مرگ ایشان را به خانواده و آشنایانش تسلیت میگوییم و خود را شریك غم و اندوه آنها میدانیم.

● روز ۲۹ اردیبهشت ماه سال جاری یك نفر جوان اهل روستای "سرچنار" مهاباد به نام کمال یوسفی که با موتورسیکلت از مزرعه به منزل بازمی گشت، در راه تصادف نموده و جان خود را از دست داده است.

ما مرگ این جوان را به خانواده و آشنایانش تسلیت می گوییم وخود را شریك غم و اندوه آنها می دانیم.

کامیاران:

●بنا به خبری که از شهر کامیاران به دستمان رسیده است، اوایل اردیبهشت ماه امسال زنی به اسم لیلا وفایی دختر حسن اهل کامیاران به علت اختلاف خانوادگی اقدام به خودسوزی کرده و در بیمارستان... ص۵

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

www.iran-archive.com

توحید شهرستان سنندج جانش را از دست داده است. لیلا دارای دختری دو ساله بوده است.

ما مرگ وی را به خانواده و هم چنین دوستانش تسلیت میگوییم.

● بنا به خبری دیگر که از کامیاران به دستمان رسیده است، جوانی ۲۵ ساله به اسم خسرو نعیمی که کارگر شرکت گازرسانی کامیاران بوده است، روز ۱۶ فروردین ماه به علت ریزش کانال لوله ی گاز بر سرش، جانش را از دست میدهد.

ما مرگ این کارگر را به خانواده و آشنایانش تسلیت می گوییم و خود را شریك غم و اندوه آنان می دانیم.

منطقه به ریله:

بنا به خبری که از منطقه "به ریله" به دستمان رسیده است، حدود ۵ سال است که مالك و صاحب زمینهای روستای " چاولکانی حاجی " با همکاری دستگاههای سرکوبگر رژیم اقدام به باز پس گیری زمینها از مردم زحمتکش کرده است . علی مرادی معروف به" علی حاجی " از خانهای قدیم این روستا است که با توسل به دروغ و فریب و پرداخت رشوه به نیروعای رژیم و دادگاه، ۱۱تن از مردم زحمتکش این منطقه را به زندان انداخته که هر کدام به تحمل ۷۵ ضربه شلاق محکوم شدند. و همچنین دادگاه این مردم محروم و زحمتکش را به پرخت ٤٢ میلیون تومان خسارت محکوم کرده است .

در آخرین نشستی که علی حاجی مالك قدیمی روستا به همراه توفیق مرادی و علی بام نشین که دو مهره بدنام از عوامل سرشناس رژیم هستند ، در تاریخ پانزدهم اردیبهشت ماه با مردم روستای چاولکان داشته اند ، روستائیان را مجبور ساخته اند که این یازده نفر باید یك میلون و پانصد هزار تومان چك و ۷ میلیو تومان سفته بپردازند و هیچ گونه ادعایی نیز در مورد زمینها ی غصب شده شان نداشته باشند. و از طرف رژیم آنها را تهدید کرده اند که اگر این موارد را عملی نکنند از سوی رژیم با آنها به شدت برخورد می شود و این بار با زندان و مشکلات عدیده ی قانونی دیگری مواجه خواهند شد. ما از مردم روستای " چاولکانی حاجی " می خواهیم که به هیچ وجه زیر بار این ظلم و احجاف نرفته و زمینهایشان را به خانهای قدیمی واگذار نکنند و متحد و منسجم در برابر این سیاست رژیم و مزدورانش ایستادگی کنند. این زمینها از دیدگاه کومه له متعلق به زحمتکشانی است که بر روی آن زمینها زحمت می کشند و قبلاً توسط کومه له در بین آنها تقسیم شده است . و هرگونه تغیری در این مورد مشروعیت ندارد . کومه له ، مردم زحمتکش و محروم را مالك اصلی این زمینها دانسته و هرگونه فشاری را از طرف خانها بر مردم دهقان این روستاها محکوم می کند. همچین به علی حاجی هشدار می دهیم که خود را با مردم و جنبش انقلابی کردستان روبرو نسازند و دست از چنین توطه ای بر دارند و بیش از این مردم زحمتکش را مورد آزار و اذیت قرار ندهند. هم چنین از همه مردم روستا های اطراف و شهرهای مریوان و دیواندره نیز می خواهیم که از زحتکشان چاولکان حاجی دفاع کنند .

بوکان:

●بنا به خبری که از شهرستان بوکان به دستمان رسیده است، روز یکشنبه چهارم خرداد ماه امسال ساعت ۵ بعدازظهر، تصادف چند ماشین در نزدیکی روستای "آختتر" واقع در جاده ی بوکان ـ مهاباد منجر به کشته شدن شخصی به نام سید علی ترابی، ۳۰ ساله اهل روستای " سیوه دین علیا" و زخمی شدن چند تن دیگر می شود که به بیمارستان شهرهای دیگر منتقل شده اند. خرابی وضعیت جاده ها و کمبود تابلوهای راهنمایی و رانندگی و دیگر موارد امنیتی که لازمه ی امنیت جاده ها می باشند، از عوامل اصلی ایجاد این گونه حوادث ناگوار در جاده ها می باشند.

ما مرگ سیدعلی ترابی را به خانواده و دوستانش تسلیت می گوییم.

● بنا به خبری دیگر از شهرستان بوکان، دوشنبه شب برابر با پنجم خردادماه امسال شخصی به نام رسول عزیز بیگی معروف به " رسول پوست فروش" در حیاط منزل شخصی خود به دار آویخته می شود. این شخص ۵۵الی ۶۰ سال سن داشته و تاکنون دلیل قتل او معلوم نشده است.

کرمانشاه:

روز سه شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه هنرمند سحر و زیبایی "کاك سهیل ایوانی" درگذشت . سهیل ایوانی در شهر کرمانشاه چشم به جهان گشود و در دهه ۶۰ کار خودرا در رشته موسیقی آغاز نمود و با استعدادی که داشت بسیار سریع در این زمینه رشد کرد ، و با کشیدن پنجه های زرین خود بر زهِ زنگ زده ی فولکور کردی بسیاری از مِلودیهای کردی مناطق "کلهر و کرمانشاه" را از نابودی نجات داد. سهیل ایوانی دیر به تهران رفت اما با رفتنش بسیار زود بعنوان هنرمندی بزرگ و پر آوازه شناخته شد. استاد سهیل علی رغم کار در زمینه مِلودیهای فولکور کردی در ارکست و موسیقی نو نیز کار می کرد و جای پنجه استاد در این زمینه ها نیز پیداست .

استاد سهیل ایوانی سرپرست آهنگسازان کُرد در تهران بود و کارها و خدمات مهمی را در حق موسیقی کردی انجام داده است .

بانهایت تاسف، این هنرمند عالیقدر ۳۱ ام اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ در شهر تهران بر اثر سکته قلبی درگذشت . ما مرگ نابهنگام کاك سهیل ایوانی را به جامعه هنرمندان و خانواده و بستگان او تسلیت گفته و خود را شریك غم و اندوه آنان میدانیم .

www.iran-archive.com

اخبار مبارزاتی و کارگری دیگر مناطق ایران

قم:

تحصن مجدد کارکنان دانشگاه فاطیمه قم به تعطیلی این دانشگاه منجر شد. این تحصن که از تاریخ یکم خردادماه جاری شروع شده بود، به دلیل برخی قول های مکرر مسئولان در جهت رفع و حل مشکلات موجود، روز پنج شنبه ی گذشته خاتمه یافت و تعدادی از کارکنان بر سر پست خود حاضر نشدند، اما به خاطر همکاری نکردن و انجام ندادن تعهدات، این تحصن از سر گرفته شد. هم چنین به دنبال تحصن کارکنان، استادان نیز دست به اعتصاب زدند و دانشگاه تعطیل شد. دکتر فرتوك زاده رئیس دانشگاه فاطمیه در پاسخ به دانشجویان گفت که دانشگاه مشکل مالی دارد که باید حل شود و مسلماً رفع این مسایل منوط به حل مشکلات مالی است.

کرج:

کارگران کارخانه جهان چیت کرج بار دیگر به دلیل نپرداختن حقوق و مزایا دوشنبه با اعتصاب جلوی کارخانه، خیابان را مسدود کردند.

کارگران این کارخانه که تحت پوشش بنیاد مستضعفان هستند پس از گذشت چند ماه هنوز حقوق معوقه خود را دریافت نکرده اند و علی رغم رایزنی های انجام شده با بنیاد مستضعفان، مدیر عامل سازمان صنایع نساجی بنیاد از شرکت در جمع کارگران خودداری کرده است. این در حالی است که کارگران این کارخانه هفته گذشته با تحصن دریکی از چهارراه های اصلی شهر کرج و حرکت به سوی فرمانداری کرج خواستار حل مشکلات خود شدند. بنا به گفته یکی از کارگران، پس از اعتصاب و پی گیری های متعدد فقط موفق به دریافت اصل حقوق خود در اسفند ماه سال گذشته شده اند. همچنین حقوق و مزایای آنها نیز در ماه های دی، بهمن سال گذشته، فروردین و اردیبهشت ماه سال جاری هنوز پرداخت نشده است. یکی دیگر از کارگران نیز اظهار داشت: کارخانه به دلیل پرداخت نکردن حقوق و فعالیت کارگران به حالت رکود درآمده است. کارگر دیگری گفت: همه افراد این کارخانه نیازمند کمك های مالی بوده و علی رغم اعتصاب های انجام شده هیچ کس حاضر به حل مشکل ما نیست.

بنا به گزارش جامعه آزاد: در پی درج خبر "اعتصاب کارگران" جهان چیت دبیر کمیسیون کارگری شهرستان کرج طی تماس تلفنی از تعلل سازمان صنایع و معادن بنیاد مستضعفان به عنوان عامل عمده این اعتصاب یادکرد. قاسم پور دبیر کمیسیون کارگری شورای تامین شهرستان کرج گفت:" کارخانه جهان چیت با دارابودن بیش از هزار کارگر، تحت پوشش سازمان صنایع و معادن جانبازان و مستضعفان کل کشور است که متاسفانه مسئولان بنیاد هیچ حمایتی از کارگران این کارخانه نکرده اند". وی افزود: " برخلاف وعده هایی که سهام دار اصلی و مدیر کارخانه سازمان صنایع و معادن بنیاد و رئیس حراست سازمان مبنی بر پرداخت حقوق کارگران داده است، تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه عملی نشده است. قاسم پور تاکید کرد: کارگران این کارخانه حدود ۳ ماه است حقوق معوقه دارند.

همدان:

دو تن از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان پس از اقدام به خودکشی، سریعاً به بیمارستان این شهر منتقل شده و از مرگ حتمی نجات می یابند. یحیی عباسی دانشجوی ورودی سال ۷۲ رشته ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان در آخرین روز ماه اردیبهشت با خوردن قرص اعصاب در خوابگاه دانشجویان اقدام به خودکشی کرد.

هم چنین سامان عبدی دانشجوی ورودی ۷۷ رشته ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان نیز در تاریخ سی ام اردیبهشت ماه جاری با زدن رگ خود در حمام دانشجویان اقدام به خودکشی کرد.

عبدالرحمن صریحی، مسئول و دبیر ستاد دانشجویان درباره ی این حادثه گفت که یك ماه پیش یحیی عباسی به خودکشی تهدید کرده بود که با دخالت مسئولان دانشگاه از این امر منصرف شد. این مقام آموزشی احتمال داد مشکلات آموزشی و نبود انگیزه برای ادامه ی تحصیل بر اقدام این دانشجو برای خودکشی موثر بوده است. این در حالی است که برخی دانشجویان هم خوابگاهی عباس کموزاتی، مشکلات مالی وی را علت اصلی اقدام به خودکشی عنوان می کنند و مسلماً حق با آنهاست و عبدالرحمن صریحی در این مورد دروغ می گوید .فشارهای روانی بر دانشجویان و نیز فشارهای مالی برای ادامه ی تحصیل از مشکلات مهم بخش زیادی از دانشجویان است.

تهران:

روز پنجشنبه نهم خرداد ماه کارگران شرکت " بافت آزادی" و خانواده هایشان در اعتراض به نامه شورای تامین استان تهران و به منظور بازگرداندن سهام به کارگران از سه شنبه هفته گذشته در این شرکت دست به تحصن زدند.

این کارگران با نصب پلاکاردهایی خواستار بازگشت سهام به کارگران و پاسخگویی وزیر کار وامور اجتماعی هستند. آنان... ص۷

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

www.iran-archive.com

ادامه ی اخبار ...

روز یك شنبه در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی نامه شورای تامین استان تهران برای جلوگیری از حضور مجدد کارگران اخراجی را خلاف قانون دانستند.

نماینده کارگران در بخش سهام کارگری این شرکت گفت: درسال ۷۸ برای دفاع از حقوق کارگران و آزادسازی سهام شرکت اقدام به برپایی شورای کارگران با تصویب دبیرکل خانه کارگر و وزارت کار کردیم. یونس شریف افزود: پس از مدتی شورای کارگران بدون هیچ دلیلی توسط اداره ی کل امور اجتماعی منحل شد و اعضای شورا و ۴۰۰ نفر از کارگران توسط هیات مدیره اخراج شدند. وی اظهار داشت : "با پیگیریهای کارگران این مشکل در شورای تامین استان تهران مطرح شد، ولی این شورا بدون هیچ توضیحی حکم اخراج کارگران را تایید کرد.

● بنا به خبر روزنامه های ایران و حکم دستگاه قضایی، " پرویز احمدی" مدیر عمل بانك رفاه کارگران تحت تعقیب قرار گرفته و حکم بازداشت وی صادر شده است. پرویز احمدی متهم به سوءاستفاده و اختلاس در بانك رفاه کارگران شده است. هرکس که این اخبار را می شنود، ناخودآگاه این سوال برایش مطرح می شود که کدام یك از مسئولان و مدیران جمهوری اسلامی به چپاول و دزدی مشغول نیستند؟ فساد و رشوه خواری تا چه سطحی در این رژیم رخنه کرده است؟ برای جواب به این سولات باید جریان اختلاس کلان "محسن رفیق دوست" را به یاد آورد. باید از تخلفات گمرکی فرزندان رفسنجانی و دیگر آقازاده ها و بستن قراردادهای تجاری پرسود با آنها یاد کرد. می توان پرونده ی شهرام جزایری را به یادآورد که از رئیس مجلس تا رئیس دفتر خامنه ای و بسیاری دیگر از سران جمهوری اسلامی، هرکدام صدها میلیون تومان رشوه از وی دریافت کرده بودند.

اگر به این موارد که تازه بخشی از حقایق افشا شده ی پشت پرده است، نگاهی بیندازیم جواب این خواهد بود که در بالاترین سطوح این رژیم هیچ کس نیست که دزد، رشوه خوار و چپاولگر نباشد. مدیران کارخانجات و موسسات دولتی و بانکی، روءسای ارگان های حکومتی و نظامی، همه و همه باج بگیر، سرمایه اندوز و غارتگرند. و فساد مالی و چپاولگری سرتاپای رژیم اسلامی را فراگرفته است.

حمله ی نیروهای بسیج به مردم و جوانان

به گزارش مطبوعات ایران، عملیات نیروهای انتظامی و بسیج در تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران برای کنترل کردن جوانان و جلوگیری از اقدامات خلاف شرع و اخلاق! شدت گرفته است. به گزارش خبرگزاری فرانسه از تهران، نیروهای بسیج که تنها در مقابل رهبری پاسخگو هستند، مجدداً در خیابان ها ظاهر شده اند و با متوقف کردن اتومبیل ها، با هر چه که از نظر آنها از ظواهر غرب و غرب گرایی است مبارزه می کنند.

این پدیده بار دیگر بساط امر به معروف و نهی از منکر را پهن میکند و یکی از ابزارهای رژیم برای مبارزه با جنبش و خواست جوانان است.

ادامه ی نگاهی به وضعیت اسفبار...

دست مایه ای چند صد تومانی سراسر شهر را درمی نوردند تا بلکه پولی پیدا کنند. شما تصورش را بکنید که آینده ی این کودکان و این جامعه به کجا خواهد کشید. بی گمان آینده ای روشن و خوشبخت در انتظار هیچ کدام نخواهد بود.

هر سال اجلاس ویژه ی سازمان ملل برای مساله ی کودکان برگزار می شود، این اجلاس هر سال نشست خود را برگزار می کند و آمار و ارقامی وحشتناك منتشر مینماید و بعضاً مفادی را امضا می کنند که دولتها هرگز زیر بار اجرای آن نمی روند و هیچ وقت به آن عمل نمی کنند و تنها برای فریب و حفظ ظاهر آنرا به امضا می رسانند و اما منافع آنها ایجاب می کند که همچنان میلیونها کودك در جهان بی سرپناه و آواره باشند و به کارهای سخت و طاقت فرسا کشیده شوند تا بتوانند از این راهها سود بیشتری به دست بیاورند.

یك چیز را باید در خاطر داشته باشیم و آن این است که بدون مبارزه ی واقعی با دنیای سرمایه داری و آلامش، صحبت از آسایش و رفاه کودکان رویایی بیش نیست.

زنده باد سوسیالیسم

www.iran-archive.com

گروهی دیگر از جوانان انقلابی کردستان به صفوف نیروی پیشمرگ کومه له پیوستند

عصر روز چهارشنبه گروهی دیگر از جوانان انقلابی کردستان در مراسمی باشکوه رسماً به صفوف نیروی پیشمرگ کومه له پیوستند.

مراسم با سرود " راه مبارزه" که با صدای هنرمند جانباخته رفیق " هه لو" خوانده شده بود ، شروع شد و به دنبال یك دقیقه سکوت به احترام تمامی جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و جنبش انقلابی کردستان اعلام گردید. به دنبال رفیق عبدالله آذربار مسئول آموزشگاه کومه له در این رابطه سخنانی ایراد کرد. مراسم با چند پیام تبریك به مناسبت وارد شدن این رفقا به صفوف نیروی پیشمرگ و اجرای سرود ترانه ادامه یافت و در انتها در میان شادی و خوشحالی شرکت کنندگان و رقص و پایکوبی مراسم پایان یافت.

آن چه در زیر می آید قسمتی از سخنان رفیق عبدالله آذربار در این مراسم است.

حضار محترم، رفقای پیشمرگ!

به این مراسم خوش آمدید.

بعد از جدایی کومه له از حزب کمونیست ایران، آموزشگاه کومه له امروز دهمین دوره ی آموزش سیاسی_ نظامی خود را بعد از یك دوره کار مداوم و خستگی ناپذیر، در دوره ای دو ماهه، با موفقیت پشت سر می گذارد. شما قسمتی از دریای خروشان مردمی هستید که سرانجام به این نتیجه رسیده اند نمی توانند زیر سایه ی شوم رژیم اسلامی زندگی کنند و برای تغییر این نظام پر از ناعدالتی و غیرانسانی که در آن کارگران و زحمتکشان با بیرحمی هرچه تمام تر استثمار می شوند و هر روز فاصله طبقاتی بیشتر می شود ، به دیگر ملت ها ، ستم ملی روا داشته می شود ،روشنفکران و دگراندیشان هر روز روانه ی زندان می شوند و سرنوشتی مبهم در انتظارشان است، جوانان هر روز افق را تاریك تر می بینند ، زنان هنوز هم قوانین ۱۴۰۰ سال قبل بر آنها تحمیل می شود و... به پا خاسته اند.

iran-archive.com

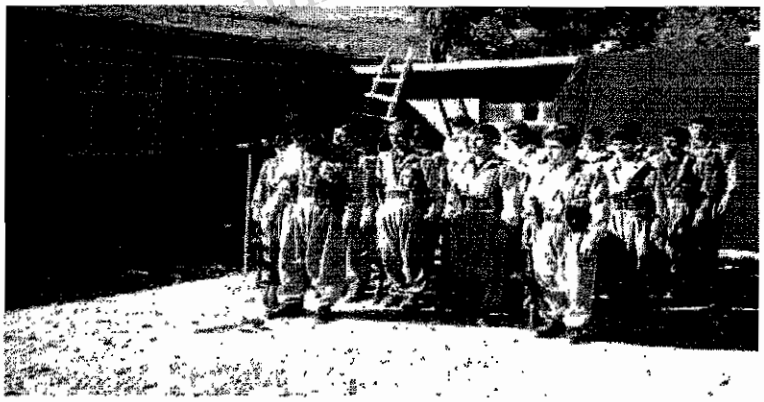

هم چنین رفیق عبدالله آذربار در قسمتی دیگر از سخنانش گفت: " رفقا! نیروی پیشمرگ کومه له نیروی هوشیار کارگران کردستان است که برای دفاع از دمکراسی، حقوق مردم و جانبازی، مقاومت در زندان ها و حفظ اسرار تشکیلاتی و پاکی و صداقت، مبارزه می کند. امروز روزی است که شما به افتخار بزرگی نایل آمده اید و در کنار آن هم مسئولیت بزرگی بر دوش شما می افتد ، امیدوار و خوش بین هستم که شما نیز بتوانید از عهده ی این مهم برآیید و مبارزی خستگی ناپذیر و باوفای راه نجات ستمدیدگان باشید!

رفیق عبدالله در قسمتی دیگر از سخنانش در مورد شهید سلیمان محمدی که این دوره به اسم وی نام گذاری شده بود ، گفت: " رفیق سلیمان محمدی، که ما و شما هم رهرو این راهیم، با اراده ای محکم و ایمان محکم و با اعتماد بنفس بالا گام در راه مبارزه نهاد. وی پیشمرگی فداکار و کادری باتجربه و یار و یاور محبوب کارگران و زحمتکشان و مبارزی آزموده و هم چنین کوهی از ترس و دلهره بود در دل دشمنانش.

دشمنان کارگران خیال می کردند که با مرگ وی، به اهداف شوم شان برسند و دست آوردها و زحمات وی را از جلو چشم کارگران و زحمتکشان پاك کنند.

راهی که رفیق سلیمان و دیگر رفقا نشانمان دادند ، اکنون دیگر برای ما شاهراهی است، حالا هم کارگران و زحمتکشان صدای سلیمان و ایوب و محمد حسن و دیگر چهره های محبوب در گوششان طنین انداز است.

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران

هر صد کودک ۳۰ تن دچار سوءتغذیه هستند.

این یك آمار کلی از وضعیت کودکان در سراسر جهان بود، بی شك اگر تك تك کشورها را مورد بررسی جدی تر قرار بدهیم و بخصوص کشورهای آفریقایی را نگاهی جدی تر بیندازیم وضعیت به مراتب اسفبارتر از اینهاست. شما یك بار دیگر این آمار را به دقت بخوانید و چند لحظه هم تامل کنید! آنگاه پی به عمق فاجعه خواهید برد. در اوج پیشرفت تکنولوژی، کار بردگی و آمارهایی که هرازگاهی منتشر می شود نشان می دهد که کودکان معصوم و بی گناه قربانی اصلی بازی بزرگان هستند. تعداد کسانی که مجبور به کار بردگی می شوند در سراسر جهان به مرز ۳۷ میلیون نفر می رسد و اغلب آنها هم کودکان هستند، از این تعداد میلیون ها دختری که در دیگر مکان ها به عنوان خدمتکار مشغول به کار هستند و مورد سوء استفاده و آزار جنسی قرار می گیرند، گزارش فعالان ضد بردگی می گوید که سالانه صدها پسر ٤ تا ۱۰ ساله از افغانستان و پاکستان با غل و زنجیر راهی امارات متحده می شوند تا در مسابقات خطرناك شتردوانی از آنها استفاده شود.

مسلماً وضعیت در ایران تحت حاکمیت آخوندهای مفت خور بهتر از این ها نیست. در ایران پس از انقلاب سال ۵۷ هر سال فاصله ی طبقاتی بیشتر از سال گذشته می شود. آمار کودکان خیابانی و کودکان فراری به نحو خطرناکی افزایش یافته است و می رود که در ایران به یك فاجعه ی ملی تبدیل شود. تنها در تهران بیش از بیست هزار کودك خیابانی زندگی می کنند و در سراسر ایران قریب به دو میلیون کودك تحت شرایط سخت و طاقت فرسایی مشغول به کار هستند. به علاوه در ایران هیچ سازمان، تشکل و یا سرپناهی نیست که این کودکان آواره را زیر پوشش خود بگیرد و یا از افزایش آنها جلوگیری نماید. شما تصور کنید بیست هزار کودك بدون هیچ گونه آموزش و پرورش و یا تربیتی و در دستان تورهای آماده به کار موادمخدر و قاچاق، چه آینده ای را پیش رو خواهند داشت؟ از این تعداد بی گمان تعداد زیادی بزهکار تحویل جامعه داده خواهد شد. هم چنان که گفتم نبود خوابگاه و مراکز نگهداری و تعلیم و تربیت و خدمات رایگان بهداشتی و درمانی این کودکان را در معرض بیماریهای خطرناکی هم چون ایدز قرار خواهد داد و بدون شك از طریق این ها شیوع پیدا خواهد کرد. کمبود فضای آموزشی در کشور و سایه افکندن فقر بر بسیاری از خانواده ها، به خصوص در مناطق محروم، عامل دیگری است که آینده ی کودکان در ایران را تهدید می کند.

به گفته ی یکی از مقامات جمهوری اسلامی، ایران در ده سال آینده با کمبود ۱۵٤ هزار کلاس درس مواجهه خواهد شد و برای تاسیس این تعداد کلاس درس به سه هزار و پانصد میلیارد تومان بودجه نیاز خواهد داشت که قطعاً با این همه چپاول و رشوه خواری و رانت خواری که در ایران و از طرف "بلندپایگان" دولتی به راه افتاده است بعید به نظر می رسد دولت توان هم چون کاری را داشته باشد.

به کردستان که نگاه می کنیم وضعیت از این هم بدتر است و ای کاش که یك آمار درست و حسابی در مورد وضعیت کودکان کردستان منتشر می شد. همه نیك می دانیم که کردستان یکی از محروم ترین مناطق ایران است و بالطبع مردمانش هم در سطح معیشتی پایینی قرار دارند، بیکاری در سطح بالاتری قرار دارد، وضعیت آموزش و پرورش در کردستان هم نسبت اکثر مناطق نامتوازن و نابرابر است. هم اکنون هم در روستاهای این خطه به مدارس راهنمایی و دبیرستان وجود ندارد و یا اگر وجود دارد بسیار محدود است، مثلاً چندین روستا مجبورند بچه هایشان را به یك روستایی که معمولا بخش و یا دهستان است، بفرستند. غالب خانواده ها به علت فقر و نداری از فرستادن بچه هایشان به مراحل بالاتر تحصیلی امتناع می ورزند زیرا پولی ندارند که در زمستان بچه هایشان را به مدرسه برسانند و یا نمیتوانند آنها را روانه ی شهرها کنند تا ادامه تحصیل دهند.

در شهرها و در زیرزمین های نمناك و مرطوب شما هزاران کودك را می توانید ببینید که با دستان کوچکشان و با پول کمی که دریافت می کنند برای کارفرمایان قالی بافی می کنند و تمام سرگرمی های دوران کودکی آنها این است، یعنی از همان آغاز کودکی آنها را از دنیای واقعیشان بُریده و آنها را با درد و رنج و حقایق تلخ زندگی آشنا می کنیم. آن کودك معصوم که در کوره پزخانه ها کار می کند تمام دنیای تخیلی وی را آیا می دانید که گِل و گردوخاك و خستگی و آفتاب سوختگی و سرخوردگی تشکیل می دهد؟ آیا می دانید که وجود این کودکان سرشار از عقده های حقارت می شود که وقتی سربرآورند می توانند زندگی یك انسان را برباد دهند و یا آن را به بیراهه ببرند؟

در کردستان هر سال با شروع تعطیلی مدارس و به علت نبود امکانات مالی خانواده ها، دسته دسته کودکان برای آن که بتوانند برای فصل تحصیلات حداقل نیمی از پول دوران یکساله ی تحصیلی شان را دربیاورند، تن نحیف شان را به کار می سپارند. در فصل تابستان کوچه ها سرشار از کودکانی است که هر یك با...

ص۷

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
Fraiday
31/5/2002
No: 66

نگاهی به وضع اسفبار کودکان در سرزمین درد

سیامک حیدری

به مناسبت روز جهانی کودک

دنیای کودکان دنیای پر رمز و رازی است. دنیای هیجانات، دنیای شور و احساس، ابتدای آشنایی با محیط دوروبر، با مادر و هم چنین با پدر. همه چیز تازگی دارد و کنجکاو به همه چیز.

دنیای صداقت، پاکی، عشق بی بازگشت، خنده های بی دریغ، گریه های زودگذر، دنیایی آبی به وسعت آسمان بدون هیچ کینه و بغضی، لحظه ها و صحنه های دنیای کودکانه را تشکیل می دهند.

اما دریغا که این دنیای واقعی بسیار کوچك و خیلی زودگذر است. در این جا من قصد ندارم که از زاویه ی روانشناختی به مساله بنگرم، بلکه سعی خواهم کرد که وضعیت کودکان را در دنیای کنونی به خواننده نشان دهم، سعی خواهم کرد بیشتر به عینیات تکیه کنم و آنچه در دنیای واقعی امروزی بر کودکان می رود را نشان بدهم. امروز کودکان در چه شرایطی به سر می برند؟ آیا دنیای باژگونه ی امروزی توانسته است دنیای پر از آرامش کودکان را آرام نگه دارد؟ تحقیقات نشان می دهد که دنیای تخیلی کودکان روزبه روز محدودتر می شود و در اثر دخالت رسانه ها این دنیای کودکانه حالتی تصنعی به خود می گیرد.

در دنیای پر از ثروت های افسانه ای امروز، کودکان نیز از بی عدالتی در امان نمانده اند و چه بسا خود از جمله اقشاری هستند که به بی رحمانه ترین شیوه ها مورد استثمار قرار گرفته اند. آمار رسانه های مختلف بین المللی در مورد وضعیت کودکان تکان دهنده است. طبق آمارهای منتشره ۲۵۰ میلیون کودك در کشورهای گوناگون جهان به دلیل فقر مجبور می شوند کار کنند. از هر صد کودك متولد شده در جهان تولد ٤٠ تن از آنها به ثبت نمی رسد، در حالی که بند هفتم کنواسیون جهانی حقوق کودکان می گوید: " کودك حق دارد که نام و مملکت خود را داشته باشد و باید این امکان را بیابد که مادر، پدر و یا سرپرست خویش را بشناسد و زیر چتر حمایت آنها بزرگ شود"! از هر صد کودك تنها ۱۷ کودك به مدرسه راه می یابند و فقط ۲٦ کودك در برابر انواع بیماریها واکسینه میشوند، از هر صد کودك در جهان تنها ۱۹ کودك آب سالم آشامیدنی در اختیار دارند، از...

ص۹

www.iran-archive.com

اخبار و گزارشات خود را با این شماره فاکس
برای رادیو کومه له ارسال دارید
Fax:
01-5617605814

شماره تلفن نمایندگی کومه له درشهر سلیمانیه. کردستان عراق:
۳۱۲۴۷۱۱

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:
Postfach 800272
51002 Koln
Germany

با رادیو کومه له_ صدای کومه له همکاری کنید:
آدرس پست الکترونیکی(ای میل) رادیو کومه له:
Komala_ radio@hotmail.com

آدرس پست الکترونیکی(ای میل) کمیته‌ی مرکزی کومه‌له
Komala1348@hotmail.com

خبرنامه

کومه له_سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

۶۷

جمعه ۱۷ خرداد ۱۳۸۱

خمینی ابرمرد جهالت و جنایت

ع. پشتیوان

کمتر کسی به اندازه خمینی بر تاریخ معاصر ایران تاثیر نهاده و آنرا تغییر داده است. او به طور واقعی رهبر ضد انقلاب اسلامی، بنیانگذار جمهوری اسلامی و حلقه ی واصل جناحهای مختلف این رژیم در دورانهای بحرانی این رژیم بود. سیزدهم خرداد ماه سالروز مرگ خمینی بود و همه ی گرایشات درون حاکمیت در جمهوری اسلامی از "رهبری داهیانه ی امام"، از "وفاداری به خط امام" و از ضرورت در نظر گرفتن و عمل کردن به "رهنمودهای امام راحل"؛ داد سخن دادند. شکی نیست که هنوز هم تفکر و شخصیت خمینی بر جمهوری اسلامی و دسته بندیهای درونی اش سایه افکنده است، او نه تنها در میان طرفداران اسلام سیاسی در ایران صاحب نفوذ است، بلکه در زمان حیاتش بر کل منطقه تاثیر نهاد و هم اکنون نیز به عنوان بنیانگذار اولین جمهوری اسلامی و به عنوان یکی از رهبران فکری این گرایش، مورد پشتیبانی جدی و یا مخالفت قرار میگیرد.

او توانست در یك دوره معین همه ی گرایشات راست در جامعه ی ایران را پشت سر خود و بر علیه انقلاب مردمی به خط نماید، بخشی از چپ را دنباله رو خود گرداند و ملی گرایان را اسلامیزه کند و این تنها خمینی بود که میتوانست در عین حال هرگاه بخواهد "توی دهان"شان بزند و بدون کوچکترین امتیازی به آنها به کارشان گیرد و سپس روانه ی زندان و شکنجه گاههایشان نماید و در اعدام کردنشان خم به ابرو نیاورد، بدون اینکه حتا به طور جدی حمایت آنها را از دست بدهد. آیا قدرت رهبری خمینی از کجا سرچشمه میگرفت؟ دلیل این همه حمایت از وی چی بود؟ در جواب به این پرسش ممکن است عوامل متعددی را در رمز قدرت وی بتوان بیان کرد، اما مهمترین عامل قاطعیت و ظرفیت بالایی بود که خمینی برای سرکوب انقلاب دارا بود...

ص۲

"شستن دیوار از شب و دشنام و دلهره"

آمانج عزیزکندی

منتقد مشهور "ریچاردز" می گوید: "به وضوح مشخص است که ارزش بی نظام از بین می رود زیرا در موقعیت هرج و مرج، دلگرمی و امیدهای مهم وپوچ نیز همسان سترگ می گردند"! همان معضل هرج و مرج است که کردستان را نیز قربانی خود کرده و صدها بار آن را در پیشگاه تاریخ سلاخی کرده است.

بیش از یك قرن است که از اختراع سینما می گذرد و این هنر، نقش مهمی در زمینه ی خود ایفا نموده و در جهان ستاره های بسیاری در این عرصه درخشیده اند و سینما، دوشادوش علم و تکنولوژی_ بیش از هر هنر دیگری_ پیشرفت کرده است.

در اینجا می خواهم به طور خلاصه بگویم که در طول حیات پر فراز و نشیب سینما، این هنر، هنوز به تمامی پا به حریم ما نگذاشته است یا بهتر است بگویم ما مجال آن را نداشته ایم که عمیقاً بدانیم سینما چیست؟ چشمان ما را بر سینما و واقعیات آن بسته اند، زیرا مجال فعالیت در این زمینه ی هنری را نداشته ایم. حاکمان و دولتمردان نیز مجموعه ای برنامه ی کلیشه ای و ابتدایی و شعاری را از همان آغاز فعالیت سینما و تلویزیون نمایش داده اند و حتا کودکان ما را نیز تا به امروز در مورد سینما و موسیقی به انحراف کشیده اند.

در زمان حکومت شاه که اولین سینماها در ایران...

ص۳

در این شماره می خوانید:

- خمینی ابرمرد جهالت و جنایت
- شستن دیوار از شب و دشنام و دلهره
- اخبار شهرهای کردستان
- اخبار دیگر مناطق ایران

www.iran-archive.com

او روشن بود و میدانست چی میخواهد و در اجای آنچه هدفش بود به غایت بیرحم و قصی القلب. برای نشان دادن گوشه ای از این ظرفیت بی انتها به یکی از سخنرانیهای وی متوسل می شویم. در سالروز تولد محمد، پیامبر مسلمانان در سال ۱۳۶۱ میگوید: "یوم الله واقعی روزی است که امیرالمومنین علیه السلام شمشیرش را کشید و خوارج را از اول تا به آخر درو کرد." و در ادامه خطاب به ملاها و مریدان میگوید: "شما آقایان.. چرا هی آیات رحمت را در قرآن میخوانید و آیات قتال را نمیخوانید؟ قرآن میگوید بکشید، بزنید، حبس کنید .... محراب یعنی مکان حرب، یعنی مکان جنگ، از محرابها باید جنگ پیدا شود. ... پیغمبر شمشیر دارد تا آدم بکشد. زندگی بشر را باید با قصاص تامین کرد، زیرا حیات توده زیر این قتل قصاص خوابیده است"

خمینی نزدیکترین همکارانش را از دم تیغ گذراند، دستور حمله به کردستان و قتل و عام مردم کرد را صادر نمود، جنگ ویرانگر ایران و عراق را راه انداخت و آنرا برکت الله نامید، دستور به لغو تشکلهای کارگری و سرکوب کارگران داد، وسیعترین بی حقوقی و تحقیر در مورد زنان را به قانون تبدیل نمود و آپارتاید کامل جنسی را در ایران سازمان داد، دستور بستن روزنامه ها و "بشکنید این قلمها" را اعلام نمود، گروههای فالانژ و حزب الله را او سازمان داد و از آنها حمایت کرد، سنگسار و شلاق زنی در ملاء عام را شخص او مرسوم نمود و .. و بالاخره به دستور مستقیم او بود که هزاران زندانی سیاسی را در حالیکه دوره محکومیتشان پایان گرفته و یا درحال اتمام بود، در درون سلولها و در زندانها به رگبار بستند. ضد انقلاب زخم خورده در آن دوره و برای شکست انقلاب به چنین کسی نیازمند بود. او سلاخ انقلاب و جنایتکاری بیرحم بود که از نظر وی ذات انسانی بر تبهکاری استوار بود. آری او قدرتمندترین و با اراده ترین مرد و اندیشمند جنایت و کشتار و رجعت به قهقرا بود. اگر مردان بزرگ و تاریخ سازان قدرت خود را مرهون ایده های رهایی بخش و انسانی هستند، مرتجعین و جلادان نامدار تاریخ نیز آوازه و نام خود را از تاریکیها و پلیدیهای تاریخ بشری به دست می آورند. خمینی از سنخ آن انسانهایی بود که نظراً و عملاً کشتن انسانیت را سرلوحه ی خود قرار میدهند، "زندگی بشر را باید با قصاص تامین کرد" این آرمان خمینی و جنبش اسلامیش بود.

ادامه ی شستن دیوار از...

بنا نهاده شدند و بعدها کردستان را نیز فرا گرفت از میان تمام فیلمهایی که روی پرده ی سینماها می رفتند یا در بازار عرضه می شدند، شاید نتوان ۱۰ فیلم با ارزش و هنری انتخاب کرد. همه ی فیلمهای آن دوران، به ویژه فیلمهای ایرانی، عموماً داستانی بی محتوا و ساده بودند که صحبت از عشقی مصنوعی و احمقانه می کرد که جوانان و نوجوانان را با آنها به انحراف می کشاندند و فریب می دادند، انگار که در کشور ایران هیچ دغدغه خاطر و موضوع و سوژه ای وجود نداشت به غیراز داستان عشق و زندگی مرفه و پر آسایش و یا تقلیدی درجه چندم از لوس آنجلس و چیزهایی از این قبیل!

فیلمهای خارجی ای که نمایش داده می شدند یا از نوع قهرمان بازی آمریکایی بودند یا فیلمهای رزمی و یا فیلمهای تك بعدی هندوستان که میتوان گفت کلیپ آواز هندی هستند تا فیلم سینمایی. البته منظورم این نیست که سینمای آن کشورها نازا و غیر هنری می باشند، بلکه می خواهم بگویم به فیلمهای هنری اجازه ی پخش یا نمایش نمی دادند وگرنه هند، زادگاه فیلمساز "ساتیا جیت رای" است.

در دهه ۵۰ تنها ۴۲۰ سینما در سراسر ایران وجود داشت، که ۵۹ سینما در تهران بود. با وجود این در شهر بزرگی چون تهران مردم برای ورود به سینما صف می بستند. در این سینماها بیش از ۹۰ درصد فیلمهای بنجل خارجی نمایش می شد و بسیار هم بی محتوا، غیر هنری و بازاری بودند. این سیاست سینمای ایران را با ناکامی و شکست مواجه نمود، بخصوص به تعطیل کشاندن کمپانیهای داخلی تازه پاگرفته و وارد نمودن بی رویه ی فیلمهای بنجل، فشاری جدی بود بر هنر سینمای تازه پاگرفته ایران. تنها در سال ۵۳ و یا ۵۴ حدود ۴۰۰ فیلم خارجی را به ایران وارد نمودند. مجموعه ی این فشارها موجب دلسردی و مانع رشد هنر سینما در ایران بود.

مناطق کرد نشین در آن زمان، حتی یکباز هم نتوانست در تولید آن فیلمهای بد نیز سهیم باشد، نه فقط نمی توانست بلکه بخشی از شهرهای این دیار فاقد سینما بودند. همه ی اینها بدان معنا نیست که در زمان حکومت شاه هیچ کدام از هنرمندان ایرانی برای سینما تلاش کافی نکرده اند، اما تبلیغ برای سینمای چرت، بی محتوا، مسخره و سکسی به حدی بود که کمتر کسی فیلمسازان و هنرمندان متعهد در این دیار را میشناخت. تمام فیلمهای آن دوره تجاری بودند نه هنری. اما بعدها دیدیم که چه استعدادهایی در سینمای ایران وجود داشت. همانها که می خواستند سینما را چون سینما و هنر و ابزار پرورش روحیات ...

ص۳

www.iran-archive.com

انسانی و آزادیخواهانه ببینند و بشناسانند، آری همانها بودند که هم اکنون نیز جوایز مهم جهانی را نصیب سینمای ایران می نمایند.

سینما در اوایل دهه ی ۶۰ و پس از سرنگونی رژیم شاه و انقلاب مردم ایران، همان حال و هوای قبلی را داشت منتها با تفاوتهایی جزیی، فیلم جنگ یا " دفاع مقدس" جای مسخره بازیها و سینمای درجه ۳ کاباره ها و کافه های دوران شاه را گرفت، اما با یك آزمون ساده تر و تکبر و محدودیت بیشتر وناسالم و ریاکارانه تر از گذشته. ورود فیلمهای خارجی نیز در زمان جمهوری اسلامی دستخوش تغییراتی جزئی قرار گرفتند. فیلمهای هنری در باتلاق سانسور فرو رفتند، فیلمهای رزمی همچنان ماند و فیلمهای قهرمان بازی آمریکایی جای خود را به فیلمهای جنایی و "پلیسی" دادند.

در فیلم های جنگ، دروغ های گویلزی نشان داده می شد. دروغی که واقعیت ها را وارونه میکرد و همه چیز در خدمت جنگ و کشاندن جوانان به کام مرگ در راهی به غایت ارتجاعی و غیر انسانی بود. بسیج کردن جوانان برای میدان های جنگ تبلیغاتی ضد انسانی بود و نه کاری هنری.

در مورد سینمای "دفاع مقدس" بسیار صحبت بسیار است. به همین خاطر من در مورد غیر هنری و فاقد ارزش بودن این فیملها صحبتی نمی کنم، فقط به توهینها و اتهاماتی اشاره میکنم که در طول این دو دهه در سینمای جمهوری اسلامی به مردم کردستان روا داشته شده و شخصیت کردها از جایگاه حقیقی خود به پایین ترین سطح ممکن نزول داده شد و عموماً این مهم بر جامعه ی ایران تاثیرات منفی برجای گذاشت، به ویژه بر ملیتهای دیگر. مردم کرد به عنوان عده ای قاتل، خیانتکار و قوم پرست، کوهی و موجودی عجیب و وحشی معرفی و شناسانده شده و میشود.

در سینمای "جنگ"، از کردها شخصیتی ابله و بی فرهنگ و به دور از انسانیت، فرصت طلب و خیانتکار تصویر میشد که مورد استفاده ابزاری قرار می گرفتند. در اکثر این فیلمها می بینیم که روی یك صخره سنگ یا در کوه و دره، تعدادی کرد با ظاهری کثیف و ژنده زندگی می کنندکه بیشتر به انسان های نخستین شباهت دارند. لباسی زشت پوشیده و خنجری بر کمر و تفنگی در دست دارند و مشغول شکار هستند و یا در سنگری موضع گرفته اند که علتش برای بیننده بسیار ناواضح است، وقتی هم ایفای نقش می کنند، یا نقش راهنما و مزدور لشکر ایران را بازی می کنند یا به مردم خود خیانت می کنند و با نیروی نظامی یکی از کشورهای مخالف، که کردستان را اشغال کرده اند، همدست می شوند و چهره ای خشن و خائنانه دارند و در روز عمل نیز هیچ قدرت یا مسئولیتی به آنها سپرده نمی شود. نه بلدند بخوانند و بنویسند، نه می توانند رانندگی کنند، نه آنقدر که در ظاهرشان دیده می شود جسور و یا جُربزه دارند. اگر هم بخواهند آنها را امروزین و متمدن نشان دهند، از کردستان راه می افتند تا در اماکن عمومی مثل بیمارستان، فرودگاه و مدرسه در تهران و شهرهای بزرگ ایران و خیلی جاهای دیگر، اقدام به تخریب و بمب گذاری، که کاری بسیار وقیح است، بنمایند. سینمای "جنگ" یك وجه و مشخصه ی اصلی اش نفرت پراکنی و ایجاد کینه نسبت به مردم کردستان است.

در بیشتر فیلم ها و سریال های مربوط به "دفاع مقدس"، اصلاً موقعیت و شخصیت منفی یا مثبت اصلی به بازیگران کرد داده نشده، بلکه به عنوان سیاهی لشکر و شخصیتی درجه ۳و ٤ بازی داده شده اند که مثل ابزاری برای دیگر بازیگران به اهداف خویش از آنان استفاده می شود. شخص کرد سرگرم یاغی گری، تفنگداری، راهزنی و کودنی خویش است و بسیجیان و پاسداران رحمت جنگ را برایش به ارمغان می برند و در لابلای صخره ها او را می یابند، انگار کردستان فاقد شهر و شهرنشینی باشد و فرهنگ به این منطقه روی نیاورده و انسانیت و روشنفکری در آن رشد نکرده است. خلاصه یك شونیسم کور بر فضای این فیلم ها حاکم است. انحرافات اجتماعی نیاز به کار اجتماعی دارد، به همین دلیل در آغاز، آن گفته ی "ریچاردز" را آورده ام، چون در مورد سینما فکر و ذهن ما به انحراف کشانده اند و در سایه رژیم جمهوری اسلامی دریچه ای چندان روشن هم وجود ندارد تا این انحرافها را بیابیم و اصلاح کنیم. بیننده ی کرد، جز این چیزی مشاهده نکرده و اگر هم کرده باشد، وقتی ارزش ها را نشناخته و منتقد و تحلیل گری وجود نداشته، بر چه اساس و معیاری نقطه قوت ها و ضعف های سینما را بشناسد؟ اما از نظر سیاسی و اجتماعی این مردم آن قدر هوشیار هستند که دروغهای فاحش و اهانتهای بطن این فیلمها را بشناسند و برای مرگ قهرمانان این فیلمها کف بزنند.

اما پس از دو دهه تولید چنین فیلم هایی، چرا فیلم سازان و کارگردانان وهنرمند ایران به کردستان روی آورده و بخشی از حقایق و تاریخ واقعی این سرزمین را ثبت می کنند؟ بهمن قبادی از کردستان ایران، با فیلم "زمانی برای مستی اسبها" و فیلم کوتاه "زندگی در مه" همه ی افتراها و بهتانهای شیادانه ای را که به مدت بیست سال از جانب سینمای "دفاع مقدس" به مردم کردستان بسته بودند، به نبرد طلبید...

ص۸

www.iran-archive.com

اخبار شهرهای کردستان

کرمانشاه:

دانشجویان خوابگاه اشرفی اصفهان دانشگاه رازی کرمانشاه در اعتراض به کیفیت غذا از ساعت ۷ شامگاه پنجم خرداد ماه جاری تا ساعت ۱۱ همان شب مقابل سلف سرویس دانشگاه تحصن کردند. جمعی از دانشجویان این دانشگاه علت این تحصن و اعتراض را بی کیفیت بودن غذا عنوان کرده و افزودند که چندین بار اعتراضات خود را در خصوص وضعیت غذا به لحاظ کمی و کیفی از طریق انجمن صنفی به مسئولان دانشگاه منتقل کرده ایم که متاسفانه هیچ گونه اقدامی در جهت رفع این مشکلات صورت نگرفته است. دانشجویان خاطرنشان کردند که ما خواستار بهبود تغذیه دانشگاه هستیم و از مسئولان دانشگاه می خواهیم پیمانکاران تهیه غذا را تعویض کنند؛ زیرا کار آنها فاقد کیفیت است.

اعتراض به غذا و بهداشت و مسکن به یکی از اعتراضات مهم صنفی دانشجویان تبدیل شده است. رژیم جمهوری اسلامی به اندازه ای بودجه ی تحصیلی و آموزش و پرورش در مدارس و دانشگاهها را پایین آورده است که شکایت از سردی کلاسها، تغذیه ی بسیار بد و کلاسهایی با جمعیت زیاد و فضای محدود چه در مدارس و چه در دانشگاهها بر روان و جسم دانشجویان و دانش آموزان فشار وارد می آورد، رژیمی که نتواند غذای سلف سرویس دانشگاه را تامین کند اما در مقابل در فکر تهیه ی موشکهای قاره پیما و انواع ماجراجوئیهای نظامی باشد طبیعی است که چنین رژیمی امکانات علمی و آموزشی را به تباهی می کشاند و آثار اقدامات شوم آن در آموزش نسلهای بعدی نیز ماندگار خواهد بود.

مهاباد:

• بنا به خبری که از مهاباد به دستمان رسیده است، روز سه شنبه ۲۵ اردیبهشت ماه گروهی از مزدوران رژیم موسوم به "سد معبر" مهاباد، با همکاری نیروهای انتظامی، از طرف شهردار و فرماندار دستور یافتند تا دستفروشهای این شهر را از محل کاسبی خود بیرون کنند و در صورت مقاومت این افراد زحمتکش، آنان را دستگیر کنند. به همین منظور همان روز دستفروشها را از محلهای کسبشان بیرون کردند. یک روز پس از آن شمار دیگری از دستفروشان در مقابل شهرداری مهاباد تجمع کرده و به این رفتار شهرداری اعتراض کردند. شهردار مهاباد در اثر شدت اعتراضات، ناچار شد تا با نماینده دستفروشان نشستی داشته باشد. دستفروشها از شهردار خواستند تا مکانی برای آنها تعیین کنند یا اینکه بگذارند تا در محلهای خود باقی بمانند. شهردار به آنها اعلام کرد که پس از مشاورت با فرماندار به آنها پاسخ خواهد داد اما تا رسیدن این خبر هیچ گونه پاسخی به دستفروشهای مهاباد داده نشده است.

مشکل دستفروشان در شهرها به یکی از مشکلات جدی تبدیل شده است، به ویژه که بیکاری فراوان سراسر شهرهای کردستان را فراگرفته است و رژیم هیچ گونه امکاناتی در اختیار بیکاران قرار نمیدهد و در نتیجه شمار زیادی از مردم ندار به دستفروشی روی آورده اند.

• بنا به خبری دیگر که از شهرستان مهاباد به دستمان رسیده است، "خسرو کُردپور" که یکی از زندانیان سیاسی است و در زندان شهر مهاباد زندانی است به منظور ابراز نارضایتی در قبال وضعیت نامناسب زندان و بی توجهی مسئولین در رفع و رجوع امور زندان و هم چنین وضعیت روحی نامناسب عموم زندانیان، از روز نهم خردادماه جاری دست به اعتصاب غذا زده و هم اکنون و علی رغم آنکه در بهداری زندان مهاباد بستری است هم چنان به اعتصاب خود ادامه می دهد.

بنا به همین خبر خانواده ی وی، نمایندگان مجلس و حتی خاتمی را نیز از این امر مطلع ساخته اند ولی با این حال هنوز هم هیچ اقدامی در این رابطه صورت نگرفته است. قابل ذکر است که خسرو کردپور که اهل شهرستان بوکان است، سال گذشته و در جریان حمله ی نیروهای رژیم علیه فعالان ملی- مذهبی، به جرم "فعالیت برضد امنیت ملی" از سوی دادگاه انقلاب شهر مهاباد به ۸ سال زندان محکوم شد که تاکنون در زندان مهاباد مشغول سپری کردن دوران محکومیتش می باشد. هم چنین لازم به ذکر است که در طول یک سال گذشته این دومین باری است که خسرو کردپور اقدام به اعتصاب غذای اعتراضی می نماید.

سنندج:

• گزارشی از سنندج به دستمان رسیده است، که در مورد کارخانه ی پفک و هم چنین سیم سازی این شهر می باشد.

طبق این خبر کارگران این کارخانه ها از ساعت ۷ صبح ... ص۵

www.iran-archive.com

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

تا ۵ بعدازظهر کار می کنند، کار در این کارخانه کنتراتی است و هم چنین دارای حق دست مشخص نیستند. کارفرمایان برای بسته بندی هر بسته پفك تنها ۷ تومان پرداخت می کنند. یك کارگر در روز تنها می تواند چیزی درحدود ۷۰۰ تومان دربیاورد. کارگران این کارخانه ها از سرویس های رفت و آمد بی بهره هستند و باید مواد خوراکی را از منزل با خود ببرند. کارفرمایان کارگران را بیمه نمی کنند و و اعتراض به این کار سبب اخراج کارگر از کارش می شود.

هم چنین کارخانه ی سیم سازی، کارگران را در بدترین شرایط کاری قرار می دهد و دست مزد این کارخانه نیز در سطح نازلی قرار دارد. آنها نیز از بیمه کردن کارگران خودداری می کنند. لازم به ذکر است که این کارخانه شبانه روزی کار می کند و بعضی از کارگران چند شیفت کار می کنند تا بتوانند زندگی خود را تامین کنند.

• گزارشی از شرکت "کیاپرواز" فرودگاه سنندج به دستما رسیده است که بدین شرح است. چندین شرکت برای فرودگاه سنندج کار می کنند، از جمله شرکت های "ساهاو"، "آسمان" و چند شرکت دیگر که قسمت اعظم این شرکت ها زیر نظر سپاه پاسداران، ارتش و یا دیگر ارگان های نظامی و انتظامی می باشد. دو مزدور رژیم به نام های سرهنگ پاسدار "مرادی" مسئول امنیت فرودگاه و "بهرامی مسئول حراست فرودگاه هستند، آنها کارمندان را ترغیب می کنند که برای آنها جاسوسی کنند و در قبال این عمل، پول اضافی پرداخت می کنند. حقوق کارمندان این فرودگاه در سطح نازلی قرار دارد و کارمندان باید از ساعت ٦ صبح تا ١ بعدازظهر و از ساعت ٣ بعدازظهر تا ٨ شب کار کنند. امنیت برای مسافرین کم است و در بسیاری از موارد به بهانه های گوناگون پروازها را به تاخیر می اندازند. بسیجی ها و عوامل رژیم به کارمندان کرد این فرودگاه اعتماد ندارند و علیه آنها جاسوسی می کنند. در این فرودگاه امکانات رفاهی کم است و بودجه ای که برای این کار در نظر گرفته می شود اغلب حیف و میل می شود. نرخ بلیط گران است و بخصوص در جشن ها گرانتر هم می شود، این در حالی است که نرخ بلیط برای بسیجی ها و عوامل رژیم نصف قیمت است.

سردشت:

• طبق خبری که به دستمان رسیده است مزدوران رژیم که بیشتر آنها پاسدار بوده اند، در سالروز آزادی خرمشهر خواسته اند برای کشته شدگان جنگ مراسمی برپا کنند و به این منظور به طرف گورستان به راه میافتند که با نزدیك شدن به گورستان با تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان سردشت روبرو می شوند که با شعارهای ضد رژیم و پرتاب سنگ و چوب راه را بر آنها سد کرده و به سرعت بر تعداد جوانان افزود می شود و شدت سنگ باران و شعارهای زیاد، مزدوران مجبور می کند که از گورستان خارج و تا وسط شهر در مقابل جوانان عقب نشینی کنند.

• طبق خبری دیگر از روستای "بیژوه" از منطقه سردشت، یك بیماری مسری شیوع پیدا کرده که تنها دختران به آن مبتلا می شوند و تا رسیدن این خبر بیش از سی تا چهل دختر دچار این بیماری شده اند. نوع بیماری بدین ترتیب است که ابتدا دست راست بیمار ورم می کند و بعداً خالهای سیاه رنگی در دست بیمار ظاهر می شود که از آن مایعاتی بدبو تراوش می کند. طبق همین خبر تا به حال چندین آزمایش از بیماران به عمل آمده اما نتیجه ای نداشته است، مردم از بی توجهی مقامات بهداشتی رژیم در معالجه و کنترل این بیماری به شدت ناراضی هستند. این وضع موجب وحشت و ناراحتی ساکنین روستای "بیژوه" شده است.

• بنا به خبری که از سردشت به دستمان رسیده است، روز سه شنبه هفتم خرداد نیروهای رژیم به دستور سرهنگ "موسی رضایی" یکی از فرماندهان مزدور نیروهای انتظامی به بلندیهای "زردکی" در منطقه آلان که محل رفت و آمد کاروانچیان سردشت است رفته و در آنجا وسایل و اموالی را که از کاروانچیان به جا مانده بود به آتش کشیده اند. این مزدوران در تعقیب کاروانچیان، مرز عراق را طی کرده و وارد خاك عراق شده اند و در آنجا نیز وسایل و اموال مردم کاسبکار و زحمتکش را به آتش کشیده اند.

بنا به هیمن خبر یکی دیگر از مزدوران رژیم به نام "ستوان کرمی" فرمانده یکی از پایگاههای رژیم در منطقه آلان سردشت مشغول آزار و اذیت مردم و باج گیری از کاروانچیان زحمتکش این منطقه می باشد و هر کاروانچی و کاسبکاری که به او رشوه نپردازد وسایل و اموالش را مصادره خواهد کرد.

• بنا به خبر دیگری که از منطقه "آلان" سردشت به دستمان رسیده است، بین مردم روستاهای "بیژوه"، "دیناران" و "بناوی" اختلافات و درگیریهایی بر سر چراگاههای کوهستانی "هومل و گرولان" در گرفته است. بنا به خبری که به دست ما رسید است، این درگیریها به حدی رسیده که موجب نگرانی است. در برانگیختن و گسترش این درگیریها چند مزدور رژیم دخیل بوده و این مزدوران رژیم موجب برانگیختن و گسترش اختلافات و درگیریهای بین مردم این روستاها شده اند.... ص۶

www.iran-archive.com

...کومه له از مردم روستاهای بیژوه، دینـاران و بنـاوی درخواست نموده است که اختلافات خود را به شیوه آرام و برادرانه حل و فصل نمایند و اجازه ندهند که جنایتکاران جمهوری اسلامی موجب تفرقه در میان مردم ایـن روستاها گردنـد. مـردم آلان و بـه ویـژه مـردم ایـن سه روستا دارای سابقه ی درخشان مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی هستند و به هیجوجه نباید به خاطر یك موضوع ساده و قابل حل موجب ایجاد دشمنی و تفرقه در میان همدیگر شوند، استفاده از چراگاههای کوهستانی مطابق عرف دیرینه و توافقات دهها ساله، باید صورت گیرد و به عده ای سودجو اجازه ندهند تا مناسبات تنظیم شده ی مبارزاتی را دچار خدشه کنند.

• خانه معلمان سردشت که از آغاز اشغال شهر توسط مـزدوران رژیم به بازداشتگاه موقت تبدیل شده بود از روز پنجم خرداد امسال از طرف رژیم رسماً به بازداشتگاه شهر تبدیل شده است و نام آن را از خانـه معلمان به بازداشتگاه تغییر داده اند. وضع این بازداشتگاه خراب و غیره بهداشتی است رژیم هیچ اهمیتی به آن نمی دهد. تبدیل خانه ی معلم به بازداشتگاه به بهترین نحوی کارکرد جمهوری اسلامی در کردستان را نشان میدهد.

• پاسداران رژیم، تعـدادی از بسـیجیان و عناصـر ضعیف و ترسـو در روستاهای منطقه را جمع نموده و بـا ۱۵ اتوبوس و بـا خرج دولت آنها را بعنوان زیارت بر سر قبر خمینی برده اند. این عمل رژیم با اعتراض مـردم، خصوصاً جوانان روبرو شده که هر کدام به شیوه ای در میـان جمعهای چند نفره اظهار داشته اند در حالیکه مردم از فقر و تنگدستی دارند می میرند این همه پول صرف چنـین کارهـای بیمعنـایی میشود و رژیـم تنهـا در فکر جاسـوس پـروری و پـر و بـال دادن بـه تعـداد محدود از وابسـتگان خـود در کردستان است.

بوکان:

گزارشـی از وضـعیت فـرش بـافی و مشـقات آن از شهرسـتان بوکـان بـه دستمان رسیده است که گزیده ای از آن بدین ترتیب می باشد:

فرش بافی یکی از کارهای سخت و طاقت فرساست که متاسفانه کودکان کار اصلی آن را انجام می دهند، بسیاری از خانواده ها به علت وضعیت معیشتی بدی که دارند مجبور می شوند فرزندان و کودکان خود را به این کـار بگمارند. زنـان نیز به علت حضور دایم در خانـه در ایـن کـار سـهیم هستند. بسیاری از خانواده ها به درازای عمرشان مجبور هستند ایـن کـار را ادامـه دهند.

بر سر راه قالی بافی در کردستان موانع و مشکلات فراوانی وجود دارد، کمی مواد اولیه ی این کار در کردستان خود معضلی است. ایـن کـار علی رغم مشکلات و مشقات زیـادش چندان سودی را هـم نصیب صـاحبان آن نمی کند و بخصوص در ایـن چند سال قیمت آن بسیار پـایین آمـده است. زنان و کودکانی که به این کار مشغول هستند بـه علت برخوردار نبـودن از وسـایل ایمنـی و مکـان بهداشـتی دائماً در معـرض بیماریهـا قـرار دارنـد. دست مزدها بسیار پایین است. نزدیك بـه یـك سـال طـول مـی کشـد تـا یـك فـرش تکمیـل شـده و وارد بـازار شـود، ولـی سـود آن بـه جیـب کارفرمایـان مـی رود؛ در حـالی کـه همـه ی کـار و رنـج آن را زنـانی و کودکـان متحمـل می شوند. دلالان و خرده فروشان آن را با قیمت پایینی خریداری کرده و با قیمت بالاتری به تاجران عمده و سرمایه داران می فروشند.

اخبار دیگر مناطق ایران

تهران:

• در ادامـه گسـترش فسـادهای مـالی و اداری مسـئولین رژیـم جمهـوری اسـلامی، اوایـل هفتـه جـاری بعضـی از روزنامـه هـا بـه نقـل از "علـی اکبـر موسـوی خوئینی" نماینـده مجلس خبـر داده بودند کـه شـهردار تهـران ۱۷ میلیارد تومان ثروت دارد و نامـه اموال خود را تسلیم رئیس قـوه قضاییه کرده است.

دزدی، اختلاس و رشوه خواری از جمله معضلاتی است کـه امـروزه نظـام اداری ایران را در برگرفته و عاملین اصلی این فساد و بی بند و باری مالی در ایران، مقامات طراز اول و مسئولین عالیرتبـه رژیم جمهوری اسـلامی هستند.

• بنـا بـه گـزارش خبـر گزاریهـای رسمی انفجار گـاز در یکی از محـلات جنوبی تهران و در ساختمانی که چند کارگاه کوچك در آن قرار داشت منجر به کشته شدن یـك نفر و زخمی شدن چهـار نفر دیگر شد. بخشی از ایـن ساختمان که نزدیك بازار بوده در اثر ایـن انفجار تخریب و انفجار دیگری که اندکی بعد در یك تعمیرگاه اتومبیل روی داد... ص۷

www.iran-archive.com

موجب زخمی شدن دو نفر شده است.

• بنا به گزارش خبر گزاریهای رسمی هفتاد تن از دانشجویان دختر و پسر دانشکده هنر دانشگاه آزاد اسلامی تهران که در "فومن" بصورت گروهی بازداشت شده بودند، طی یك نامه سرگشاده به وزیر کشور شکایت کردند. این دانشجویان که طی یك بازدید منطقه ای به اتهام اختلاف و روابط نامشروع بازداشت شده اند در نامه خود نوشته اند دانشجویانی که برای بازجوئی برده می شدند شاهد فحاشی و تهمت های ناروایی نظیر اتهام زنا بودند. قاضیان این پرونده دانشجویان را بصورت گروهی متهم به روابط نامشروع کرده و شماری از آنها را روانه زندان کرده اند.

برخورد سرکوبگرانه به جنبش دانشجویی به یکی از اهداف جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این رژیم که از اعتراضات مردمی و دانشجویی به تنگ آمده و علیرغم اجرای سیاست گزینش بر مبنای سیاسی در دانشگاهها و برقراری انواع صافیهای ایدئولوژیك، نتوانسته است محیط فرهنگی و آموزشی را ساکت و رام نماید، در نتیجه در جهت بدنام کردن جنبش دانشجویی و سرکوب آن گام نهاده است. اتهامات مقامات جمهوری اسلامی به دانشجویان دستگیر شده در فومن، بخشی از این توطیه ی آگاهانه علیه جنبش دانشجویی است.

خرم آباد:

بنا به خبرهای منتشره، شماری از جوانان و مردم خرم آباد به منظور ابراز نارضایتی نسبت به نپرداختن وام خوداشتغالی و عدم ایجاد شغل، در مقابل استانداری لرستان تجمع نمودند. شرکت کنندگان در این تجمع اعتراضی که روز یکشنبه صبح برگزار گردید اعلام داشتند که سالهای متمادیست که در مراکز و ارگانهای ایجاد شغل و دریافت وام، نام نویسی کرده اند، اما پس از گذشت چندین سال هنوز هم خبری از ایجاد شغل و پرداخت وام خوداشتغالی نیست و مسئولین مربوطه نیز به جای پاسخی مناسب و یا حل این مشکلات، خود را در این رابطه و در قبال این مسئله به بی خیالی زده اند.

شرکت کنندگان در این تجمع اعتراضی در ادامه سخنانشان همچنین گفتند: پیشتر نیز با تجمع و انتشار اعلامیه هایی مسئولین استان را در جریان گذشته بودیم که اگر به خواستهایمان پاسخ داده نشود و برای رفع این مشکلات اقدام نگردد، به تظاهرات و اعتصاب خواهیم پرداخت. قابل ذکر است که این تجمع اعتراضی بوسیله نیروهای سرکوبگر انتظامی مورد هجوم قرار گرفت و در این رابطه نیز شماری از مردم دستگیر شده اند.

اخبار بین المللی

کنفرانس فلسطین یا طرح شکست جنبش فلسطین

رهبر ایران به شرکت کنندگان در کنفرانس فلسطین که عبارت بودند از گروههای تندروی همچون "جهاد اسلامی" و "حزب الله لبنان"، توصیه کرده است که باید به عملیات مسلحانه "شهادت طلبانه" بر علیه اسرائیل ادامه دهند و مذاکره با این دولت را رد کنند. علی خامنه ای در پیام خود کنفرانس شرکت کنندگان را در حالی به اتخاذ یك استراتژی جدید دعوت می کرد که تحلیلش از استراتژی اسرائیل تکیه این کشور بر قدرت تجاوز و توسعه طلبی بود.

توصیه های رهبر ایران به گروههای تندرو اسلامی شرکت کننده در این کنفرانس موید ادعاهایی است که رژیم ایران را حامی تروریسم و دخالت در امور داخلی کشورها به منظور عدم استقرار امنیت در منطقه می داند. دخالتهای ایران در فلسطین نه از سر دلسوزی برای مردم فلسطین، بلکه برای زیر پا خالی کردن جنبش حق طلبانه ی مردم و درهم شکستن تجربه ی حکومت خودمختار و تقویت گروههای اسلامی در منطقه است و بس.

ساعات پخش رادیو صدای کومه له:

روز	ساعت	۱/۳۰
شب	ساعت	۹
صبح	ساعت	۷

بر روی سه طول موج کوتاه ردیف های:

۴۹متر برابر با ۶۸۱۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر با ۴۶۱۵ کیلوهرتز
۷۵ متر برابر با ۳۹۳۰ کیلوهرتز

زنده باد سوسیالیسم

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)

Fraiday
7/6/2002
No:67

ادامه ی شستن دیوار از...

و دروغین بودن آنها را افشا نمود.

فیلم هنری و شاعرانه و پر از پارادوکس "زمانی برای مستی اسبها" به جهانیان نشان داد اگر تاحال صدای ما به آنها نرسیده به خاطر خفقانی بوده که در ایران وجود دارد وگرنه سینماگران کرد میتوانند در سطح سینمای پیشرفته ی جهانی به پرواز درآیند. لازم است همینجا بگویم که این روند در کردستان مدیون " سلطان سینمای کرد" یلماز گونای است. نمونه دیگر فیلم کوتاه "فریاد" از رحیم ذبیحی است که به راستی یکی از کارهای بزرگ در شناساندن زندگی و موقعیت زنان کردستان است. یا فیلم "یواش گام بردار" هنرمند بزرگ تئاتر قطب الدین صادقی که مین گذاری در نواحی مرزی کردستان را به خوبی به نمایش در می آورد. یا فیلمساز بزرگ عباس کیارستمی، یکی از فیلمهایش را در کردستان تهیه نمود و سعی کرد تا تصویر سینمای "دفاع مقدس" را برهم زند.

" سمیرا مخلباف" عده ای مردم آواره در سرزمین خود و ناشناس و غریبه در میان ملك و اقوام خود را به تصویر کشیده و این ظلم و ستم تاریخی را که از مردم کردستان رفته بازگو می کند. آموزگاران مدرسه که تخته سیاه را بر کول نهاده و به دل کوه می زنند و باد را درمی نوردند تا الاقل برای سیر کردن شکم خودشان هم که شده سواد را بفروشند، اگر چه سمیرا گوشه گوشه ی دردهای این مردم و زیر و بم این هارمونی خاموش را نمی فهمد و درك نمی کند اما به کنه آن پی برده است که مردم کردستان در راه کاروان درس می خوانند و بعدها که یاد میگیرند تا اسم خود را بنویسند، سربازان سبزپوش پاسدار اسلام، آنها را به جرم بار قاچاق و کول بری برای پیداکردن چندرغازی، می کُشند؛ آن سربازان و پاسدارانی که در فیلم "دفاع مقدس" به مثابه ی پاکترین و نورانی ترین و مقدس ترین افراد مردم این سرزمین نشان داده می شوند، در اینجا چهره ی درنده و واقعیشان به روشنی برجسته میگردد.

هم چنین " فرهاد مهرانفر" و بسیاری دیگر از کارگردانان مشهور سینمای ایران، فیلم های " چریکه ی هورام"، " زندگی در مه"، "فریاد" و "آهسته گام بردار" را ساختند و بسیاری از این فیلم ها، زندگی واقعی و ظلم و ستم تاریخی و اشغال کردستان را هنرمندانه به جهانیان نشان دادند، در فستیوال های بین المللی درخشیدند و تاریخ سینما، آنها را در قلب خود نگه می دارد، و اما آنهایی که از هنر مانند ناودانی برای عبور گلاب بام خانه شان استفاده می کنند، قبل از فصل ناودان و باران، قحطی سراسر وجودشان را فرا میگیرد و هنر بر لبان ترك خورده شان می خندد! خرابکاریهای سینمای "دفاع مقدس" رسوا و شکست خورده در میدان افتاده است.

منابع: مجله ی دنیای سخن ش ۹۵

"زایه له" ش ٤

تاریخ نقد جدید جیمز تیت

www.iran-archive.com

اخبار و گزارشات خود را با این شماره فاکس برای رادیو کومه له ارسال دارید

Fax:
001-5617605814

شماره تلفن نمایندگی کومه له درشهر سلیمانیه. کردستان عراق:

۳۱۲۴۷۱۱

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:

Postfach 800272
51002 Koln
Germanv

با رادیو کومه له_ صدای کومه له همکاری کنید:

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) رادیو کومه له:
Komala_ radio@hotmail.com

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) کمیته ی مرکزی کومه له

Komala1348@hotmail.com

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران

خبرنامه

کومه له_سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۶۸

جمعه ۲۴ خرداد ۱۳۸۱

www.komala.org

پیروز باد ۳۱ خرداد، روز پیشمرگ کومه له

خجسته باد ۳۱ خرداد، روز پیشمرگ کومه له
گرامی باد خاطره ی رفیق سعید معینی

عمر ایلخانی زاده

۳۱ خرداد ماه سالروز جانباختن رفیق سعید معینی اولین پیشمرگ کومه له است. رفیق سعید معینی عضو کومه له و زندانی سیاسی پرآوازه ای که مقاومت و ایستادگی اش در زندان ساواک، زبانزد همگان بود. سعید جوان مورد احترام هم بندیهای مبارز و زندانیان سیاسی و یکی از سنبل های مقاومت در زیر شکنجه بود. فروتنی، تواضع و صمیمیت خاصش از وی محرمی رازدار برای مبارزان دربند و الگویی از روحیات انقلابی برای اسیران تحت شکنجه ساخته بود. شور وشوق زایدالوصف و صداقت انقلابی اش، سعید معینی را به رفیقی قابل اتکا در تشکیلات کومه له و همرزمی پایدار تبدیل نمود.

این خصوصیات برجسته و داشتن افتخار اولین پیشمرگ کومه له، کمیته ی مرکزی کومه له _سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران را بر آن داشت تا ۳۱ خرداد را به عنوان روز پیشمرگ کومه له تعیین نماید. این تصمیم هم نشانه ی ارج نهادن به آن سجایای انقلابی بود که در کردار و رفتار رفیق سعید معینی گرد آمده بودند و هم بیانگر توقع و انتظار کومه له از نیروی پیشمرگ و مبارزین مسلحش، بود.

اکنون که تقریباً ۲۳ سال از تشکیل و فعالیت نیروی پیشمرگ کومه له، این بازوی مسلح کارگران و زحمتکشان...

ص۲

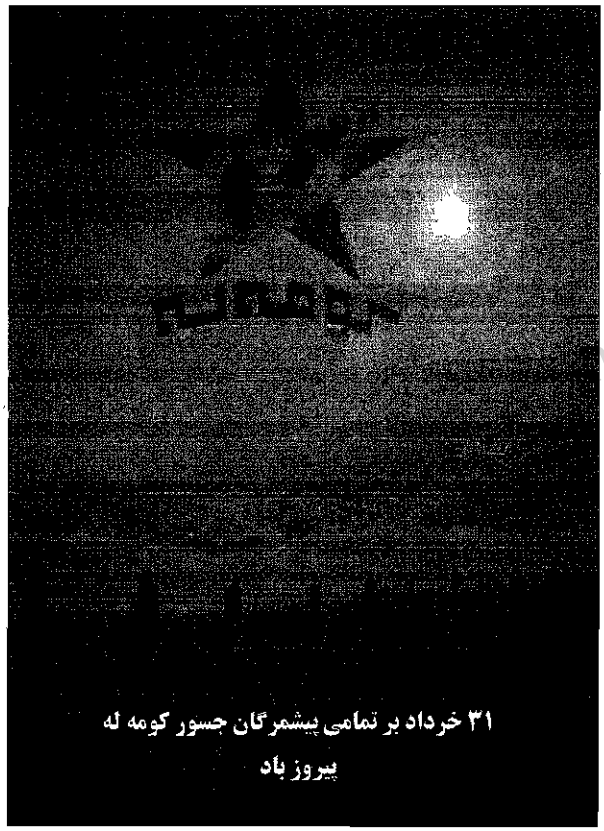

۳۱ خرداد بر تمامی پیشمرگان جسور کومه له پیروز باد

در این شماره می خوانید:

- گرامی باد ۳۱ خرداد، روز پیشمرگ کومه له
- شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی و مطالبات اساسی مردم
- پیروزی کارگران کوره پزخانه های مرند و اطراف
- اخبار شهرهای کردستان و دیگر مناطق ایران

ادامه ی خجسته باد ۳۱...

کردستان می گذرد ، به خوبی بر همگان روشن گردیده است که همقطاران سعید معینی در نیروی پیشمرگ کومه له با اراده و روحیه ی جمعی شان، هزاران سعید در دامن خود پروردند و ما دیدیم که چگونه در عملکرد این نیرو، سجایای انقلابی، سوسیالیستی و کارگریی که از سعید قهرمان ساخت، ارتقا داده شد و به بخشی جدایی ناپذیر از پتانسیل و توان یك جنبش توده ای و انقلابی تبدیل گردید. آری، نیروی پیشمرگ کومه له، هم جسارت، فداکاری و مقاومت سعید و سعیدها را در ابعادی اجتماعی گسترش داد و به عنوان یك واقعیت عینی و روزمره، به نمایش گذاشت و هم باور عمیق به مبارزه استثمار شدگان و ستمدیدگان و دفاع از منافع آنها را در دل هزاران مبارز سوسیالیست، پرورش داد و امید به رهایی و مبارزه برای آن را در قلب توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان کردستان، زنده و شعله ور نمود. همزمان نیروی پیشمرگ کومه له خود از این جنبش و مبارزاتش درس آموخت، در آن آبدیده گردید و آنچنان با زندگی مردم، درد و رنجها و شکست و پیروزیهایشان عجین شد و به آنچنان منبع لایزالی از روحیات و پتانسیل انقلابی دسترسی یافت که تاکنون هم رمز و راهنمای ایستادگی و سلامت و ماندگار شدن همه ی سجایای توده ای و سوسیالیستی این نیرو است.

ایستادگی و مبارزه ی قاطع و جسورانه بر علیه جمهوری اسلامی و برای رفع ستم ملی از مردم کردستان، دفاع پیگیر از حقوق کارگران و زحمتکشان ، زنان، جوانان و آزادیهای دمکراتیك، همه و همه به بخشی از هویت سیاسی و شناسنامه ی نیروی پیشمرگ کومه له تبدیل شده اند. ۳۱ خرداد و روز پیشمرگ کومه له نه تنها برای ما ، مبارزین و فعالین کومه له، بلکه برای میلیونها انسان شریف و آزاده، یادآور این آرمانهای انسانی و خاطره ی هزاران رزمنده ی انقلابی، پرشور و صمیمی است که در راه عشق به انسانیت، برابری، آزادی و دفاع از ستمدیدگان، حتی لحظه ای در فدا نمودن جانشان، تردید به دل راه ندادند و مرگ در رزمگاه ستمدیدگان را بر زنده و خاموش ماندن، هزار بار ترجیح دادند. روز پیشمرگ کومه له، یادآور این عشقهای والا و نیز زمان تجدید عهد برای ادامه ی راه این عزیزان است. روز ارج نهادن به همه ی کسانی است که صمیمانه در این نیرو فعالیت نموده و دوره ای از عمرشان را در آن گذرانده و موجبات شکل گیری و رشد آن را فراهم نموده اند.

* * *

پیروزی اعتصاب کارگران فصلی در کوره خانه ها

اعتصاب کارگران کوره های آجرپزی مرند و اطراف و موفقیت آن بدون شك پیروزی بزرگی است برای همه ی کارگران فصلی در کوره های آجرپزی. بخصوص این پیروزی دستاورد خوبی است برای کارگران کردستان که خانه و کاشانه ی خود را ترك نموده و به همراه خانواده عازم دوردست ترین نقاط ایران شداه ند تا لقمه ای نان به دست آورند، هم چنین شروع اعتصاب در کوره های تبریز ، سنخ، سردرود و اطلس بیانگر این واقعیت است که هوشیاری و اراده ی لازم در میان کارگران فصلی در کوره های آجرپزی برای دفاع از حق مسلم خود شکل گرفته است. ما شکی نداریم که کارگران در بقیه ی کوره های آجرپزی در دیگر نقاط نیز از این اقدام جسارت آمیز کارگران کوره های مرند پشتیبانی نموده و به سهم خود به دفاع از حق خود می پردازند.

ما توجه کارگران کوره های آجرپزی را به این نکته جلب می کنیم که تاکنون در بسیاری موارد کارفرما عقب نشینی نموده، اما پس از مدتی اولاً سعی کرده است تا در میان کارگران شکاف بیاندازد و ثانیاً به لطایف الحیل در صدد بوده است تا دستاورد معین کارگران را خنثی نماید و امتیازات به دست آمده از جانب کارگران را از آنها بازپس گیرد . لذا حفظ همبستگی و هوشیاری در این شرایط و تثبیت قطعی پیروزی کنونی تنها و تنها در نتیجه ی اتحاد و همبستگی کارگران امکان پذیر است . لذا نباید اجازه داد که همبستگی کنونی در هیچ شرایطی دچار خلل گردد .

ما پیروزی کارگران کوره های آجرپزی مرند را به همه کارگران کوره خانه ها و کارگران فصلی تبریك میگوییم و از همه ی رفقا و فعالان کومه له درمیان کارگران می خواهیم که باگسترش همبستگی در میان کارگران این پیروزی را تثبیت نمایند.

* * *

www.iran-archive.com

ادامه ی شورای نگهبان...

و فراقانونی برای دفاع از سلطه ی خویش استفاده می جوید، جناح اصلاح طلب در این دو دوره سیاست" آرام سازی از پایین" و " چانه زدن در بالا" را در پیش گرفته است. جناح خاتمی به خوبی نشان داد که هر جا و هر موقع که منافع و موقعیت نظام و ولایت فقیه اقتضا کند، همگام و هم دوش جناح محافظه کار پیش می رود. آنها نقش خود را که "سوپاپ اطمینان" است به خوبی بازی می کنند. برخلاف شعارهای عوام فریبانه ی آنها، مردم سالاری، دمکراسی، منافع ملی و... نه تنها در صدر برنامه های آنها نیست بلکه به طور واقعی هیچ جایگاهی هم در بینش آنهاندارد و " حفظ نظام و جمهوری اسلامی" برای این جناح هم در صدر امور است. مردم ناکارایی و ناتوانی این مجلس را آن هنگام دریافتند که مقام رهبری با یك نامه توانست ایشان را سرجای خود بنشاند و لایحه شان را توی آشغالدانی بریزد و آب از آب تکان نخورد. مجلس و اصلاح طلبان تاکنون نتوانسته اند به هیچ کدام از شعارهای خود جامه ی عمل بپوشند، برای نمونه در ارتباط با مطبوعات، حق تفتیش و تفحص در عرصه های تحت امر رهبری، منحل کردن دادگاه ویژه ی روحانیت، برچیدن حق نظارت استصوابی و تنش زدایی که خاتمی در سطح بین المللی، هیچ کاری از پیش نبرده اند.

در طول حیات مجلس ششم، مردم بیشتر به ماهیت اصلاح طلبان پی بردند، هم به ناتوانی های آنان در برابر محافظه کاران پی بردند و هم سیاست ها و ریاکاری های آنان را در برابر اقتدارگرایان مشاهده نمودند. لبیك خاتمی به رهبری و ولایت فقیه را دریافتند و بند و بست آنان را در این دوره بارها دیدند.

شورای نگهبان با ردش بر طرح ممنوعیت شکنجه، هم بر قوانین بین المللی حقوق بشر و هم حتی بر قانون اساسی و ادعاهایش در این مورد، خط بطلان کشید و افکار عمومی داخلی و خارجی را به هیچ انگاشت و نشان داد که قدرت و حفظ آن برای آنها ماوراء حقوق بشر و این حرفهاست. شورای مذکور طرح مجلس را در ۹ مورد دارای اشکال جدی دانست و آن را مغایر "موازین شرع" و" قوانین شرعی" دانست. این حربه ای است که سالها رژیم برای مقابله با هرگونه درخواستی آن را به کار برده است و مثل پتك بر سر این ملت فرود آورده است. شورای نگهبان با رد این طرح دو چیز را به خوبی به افکار عمومی داخلی و خارجی نشان داد و آن هم این بود که اولاً با وجود این که مجلس را از دست داده اند، باز هم آنها هستند که حرف اول و آخر را در ایران می زنند و اصلاح طلبان در برابرشان تنها کاری که توانسته اند از پیش ببرند گلایه و انتقاد بوده است!

دوماً کسانی که متوهم به اصلاحات و ایجاد فضای باز در ایران هستند دچار کج باوری شده اند، این رژیم در ماهیت خود هیچ تغییری نکرده است. جناح اصلاح طلب چه در این مورد اخیر و چه در موارد متعدد دیگرهرگز نخواسته که پای مردم به میدان کشیده شود، زیرا آن را نوعی بازی با آتش می داند که می تواند کلیت نظام را به خطراندازد و هم نمی خواهد خاطر رهبر را برنجاند. مردم را به هر مناسبتی به سکوت فرا می خوانند و در انتظار نگه میدارند.

اقدام شورای نگهبان بازتاب خارجی هم داشت و سازمان دیده بان حقوق بشر اقدام شورای نگهبان را خلاف موازین انسانی و دمکراسی دانست و آن را محکوم کرد. فیشر وزیر خارجه ی آلمان، ایران را به خاطر نقض حقوق بشر مورد انتقاد قرار داد و نارضایتی دولت متبوعش را اعلام نمود.

درعین حال رد این طرح نشانی دیگر از زدوبند جناحین است. طرح این لایحه از جانب مجلس اصلاح طلبان تنها به منظور اتخاذ ژستی سیاسی و به خاطر گرفتن امتیاز از حریف است و نه به خاطر آسایش و امنیت شهروندان و زندانیان و دیگر اقشارجامعه. خواهیم دید که اصلاح طلبان در این مورد هم چگونه کوتاه خواهند آمد و حاضر نخواهند بود که با تمامیت خواهان رودررو شوند.

اما جنبش اجتماعی بزرگی که اکنون به میدان آمده است و صدای نارضایتی خود را به صورت اعتصابات و نارضایتی ها و شورش های خیابانی به گوش سردمداران رژیم می رسانند، ساکت نخواهند نشست و فشار را بر کل هیات حاکمه بیشترخواهند کرد. سرنوشت هر طرح و لایحه ی قانونی که در راستای کاستن از اقتدار دستگاه ولایت فقیه بخواهد سیر کند، نه صرفاً با آرای نمایندگان مجلس و " چانه زنی" میان دولتمردان رژیم بلکه در نهایت در رویارویی فشار جنبش اجتماعی با کل نظام و دستگاه ولایت فقیه پاسخ خواهد گرفت.

* * *

ساعات پخش رادیو صدای کومه له:

روز	ساعت	۱/۳۰
شب	ساعت	۹
صبح	ساعت	۷

بر روی سه طول موج کوتاه ردیف های:

۴۹متر برابر با ۶۸۱۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر با ۴۶۱۵ کیلوهرتز
۷۵ متر برابر با ۳۹۳۰ کیلوهرتز

www.iran-archive.com

اخبار شهرهای کردستان

مریوان:

• بنا به خبری که از شهر مریوان به دستمان رسیده است، روز چهاردهم خردادماه جاری در جریان حادثه ی دلخراش تصادف در سه راه " برده رش" دو نفر به نام های آزاد و امید جان خود را از دست می دهند.

قابل ذکر است که رژیم حاضر به تحویل جنازه ها ، که در بیمارستان هستند، به خانواده هایشان نبوده و پول زیادی در قبال تحویل این جنازه ها خواستار شده اند.

• بنا به خبر دیگری که از شهرستان مریوان به دستمان رسیده است، شب سیزدهم خردادماه جاری، جمعی از کول بران که از ترس نیروهای رژیم قصد داشتند شبانه بوسیله ی تویوتا داخل شهر شوند، در میدان "ملا بیسارانی" با یك تیر برق تصادف نموده و کلیه ی نفرات سرنشین آن زخمی شده اند. قابل به ذکر است که حال ۳ تن از این کول بران که به بیمارستان شهر منتقل شده اند بسیار وخیم است.

برپایه ی همین خبر روز دهم خردادماه جاری، در جریان چپ شدن ماشینی در جاده ی پادگان "حسن آوله" فردی به نام غریب فرزند عبدالله نازنین و هم چنین یك کودك جان خود را از دست داده اند و دیگر سرنشینان آن به شدت زخمی شده اند.

سقز:

بنا به خبری که از شهر سقز به دستمان رسیده است، روز چهار شنبه هفته گذشته جوانی ۱۸ ساله به نام "علی پیشداد" با مصرف قرص دیازپام اقدام به خودکشی نموده که متاسفانه جان خود را از دست داده است.

متاسفانه امروزه درصد خودکشی جوانان به میزان ترسناکی افزایش یافته و روزانه شاهد خبر خودکشی جوانان بدلایل و طرق مختلف هستیم که دلیل اکثر این خودکشیها وضعیت نامناسب و فلاکت بار تحمیل شده بر جامعه می باشد.

ما از طریق کومله مرگ تاسفبار کاك علی پیشداد را به خانواده خویشاوندان وی تسلیت گفته و خود را شریك غم و اندوه آنان می دانیم.

سردشت:

• بنا به خبری که از شهر سردشت به دستمان رسیده است، جمعه هفدهم خرداد ماه جاری جوانی با نام حسن اهل شهر نقده در اثر غرق شدن در آبشار شلماش جان خود را از دست داده است.

بنا به همین خبر این جوان که سرباز بوده و تنها دو ماه از مدت سربازیش باقی مانده بود به منظور مرخصی و دیدار با خانواده اش به شهر نقده بازگشته بود و روز جمعه به قصد گردش و تفریح به آبشار شلماش در نزدیکی سردشت می رود که متاسفانه بعد ازظهر همان روز به هنگام شنا در آبشار مذکور غرق شده و جان خود را از دست می دهد. علی رغم تلاشهای مردم منطقه جسد حسن تا روز بعد پیدا نشد.

ما مرگ کاك حسن را به خانواده و خویشان وی تسلیت گفته و خود را شریك غم و اندوه آنان می دانیم.

• طبق آخرین خبر که از سردشت به دستمان رسیده است، در مورد بیماری زنان و دختران روستای " بیژوه" که در شماره های قبلی خبرنامه هم در مورد آنها اخباری پخش کردیم، رژیم اعلام کرده است که این بیماری بر اثر نوشتن با گچ روی تخته سیاه بوده است.

رژیم به این ترتیب می خواهد علت واقعی بیماری را از مردم پنهان کرده و تقصیر آن را بر گردن خود نیندازد. در اصل این بیماری بر اثر واکسیناسیون غلط از سوی بهداری بوده است.

• خبری دیگری از سردشت حاکی از آن است که روز دوشنبه فردی به نام "محمد امین عبدالله زیبن" اهل " ژاژوکه" که در چند کیلومتری سردشت قرار دارد به دست شخصی به نام " سلام مراغان" در مرزه سرشدت کشته می شود. علت این اقدام محمد امین را جاسوسی کردن محمد امین از "سلام" بوده است و وی به این خاطر بارها به زندان افتاده بود.

• روز سه شنبه ۲۱ خردادماه ۱۳۸۱ ساعات یك و نیم بعدازظهر دختر ۱۵ ساله ای به نام آرزو خضری که با دو برادر خود زندگی می کرده است در خانه ی خود خودکشی کرده است. آرزو پدر ندارد و مادرش هم ازدواج مجدد کرده است. گفته می شود که آرزو به خاطرمشکلات زندگی دست به خودکشی زده است.

• آخرین خبر از روستای بیژوه حاکی از آن است که وضع دختران... ص۵

www.iran-archive.com

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

مبتلا به بیماری ناشناخته رو به بهبود است. قابل ذکر است که شمار این بیماران به ۷۰ نفر رسیده است، خوشبختانه وضع آنها خوب است و بیماریشان علاج پذیر تشخیص داده شده است.

بوکان:

روز بیستم خردادماه جاری ساعت ۸/۴۵ دقیقه عصر، یکی از ماشین های شهرداری بوکان با یك دست فروش تصادف می کند. ماموران شهرداری به جای رسیدگی به وضع دست فروش که اتفاقاً یك پیرمرد هم بوده است، از ماشین پیاده شده و وی را کتك کاری می کنند. این کار غیرانسانی مامورین شهرداری، با اعتراض و نارضایتی مردم روبرو شده و مامورین از ترس پا به فرار می گذارند.

این اولین باری نیست که شهرداری بوکان به دست فروشان این شهر حمله می برد و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دهد.

اخبار دیگر مناطق ایران

تهران:

بیمارستان فارابی اعلام کرد که بیش از هفتاد درصد کارگران صنعتی کارگاهها به دلیل استفاده نکردن از ماسك جوشکاری و یا عینك های ایمنی دچار آسیب دیدگیهای ناشی از چشم می شوند.

براساس آخرین آمار منتشره از سوی بخش اورژانس بیمارستان فارابی، تعداد دوهزار و چهارصدو پنجاه و دو نفر از تاریخ ۱۱ خرداد ماه جاری به این درمانگاه مراجعه نموده و که ۷۰٪ از آنها مردان و ۳۰٪ را زنان تشکیل می دادند. براساس این گزارش ۹۰٪ از بیماران حادثه ای بر اثر عواملی هم چون پارگی های قرینه، اسکلرا، سوختگی هایی شیمیایی با مواد اسید و باز در کارگاههای تولید کننده ی مواد شوینده و در هنگام جوشکاری دچار آسیب دیدگی شده اند. لازم به ذکر است که بیش از ۷۰٪ مردان مراجعه کننده کارگران صنعتی هستند که بر اثر وارد شدن "پلیسه" به چشم و ۳۰٪ از زنان نیز بر اثر سوختگی های شیمیایی ناشی از مواد ظرفشویی(وایتکس و اسید) دچار آسیب شده اند. از این تعداد تنها ۵۰٪ از این موارد قابل ترمیم بوده و ۵۰٪ دیگر غیرقابل ترمیم هستند.

مرند:

کارگران کوره پزخانه های مرند و اطراف، که اکثریت آنها از کارگران فصلی و مهاجر هستند، از روز چهاردهم خردادماه اعلام اعتصاب نموده و به مدت یك هفته اعتصاب خود را تا کسب مطالباتشان ادامه دادند. درخواست های کارگران به قرار زیر بود:

افزایش دستمزد کارگران به میزان هر یکهزار آجر به قیمت دوهزارو چهارصد تومان، پوشش بیمه ی کارگری برای کارگران، پرداخت دستمزد به کارگران در زمان آماده نمودن و پاك کردن میدان کار، تامین مسکن مناسب برای کارگران به صورتی که دارای آب و برق و سرویس باشد و پرداخت هزینه ی رفت و آمد به شهر جهت خرید مایحتاج روزانه.

ابتدا دولت و کارفرمایان در مقابل این درخواست ها مقاومت نموده و حاضر به تامین مطالبات کارگران نبودند، اما همبستگی بالای کارگران و یکپارچگی در مقابل دسیسه های کارفرما و دولت، بالاخره آنها را وادار نمود که تمام درخواست های کارگران را بپذیرند. کارگران نیز پس از یك اعتصاب پیروزمندانه ی یك هفته ای در تاریخ بیست و یکم خردادماه به سر کار بازگشتند.

در تاریخ نوزدهم خردادماه و در حالی که هنوز اعتصاب در کوره های مرند و اطراف ادامه داشت، کارگران کوره پزخانه های تبریز در ترمینال تهران، سردورد، نسخ و اطلس در روبروی فرودگاه، اعتصاب سراسری خود را برای تامین همان خواست ها و مطالبات آغاز نموده اند و تا انتشار این خبر اعتصاب کارگران با همبستگی ادامه دارد و نماینده ی کارگران با کارفرمایان و نمایندگان اداره ی کار در حال مذاکره هستند.

اخبار بین المللی

ترکیه:

بنا به خبری که به دستمان رسیده است در تاریخ ۲۰۰۲/۵/۲۰ ، هیجده نفر پناهنده کرد ایرانی وعراقی که قصد خروج از مرز ترکیه به بلغارستان را داشته اند، در شب ۲۰۰۲/۵/۲۱ ساعت ۱ نصف شب در مرز بلغارستان به کمین نیروهای مرزی بلغارستان می افتند. در میان این ۱۸ نفر ۷ نفر دستگیر می شوند و بقیه به خاك ترکیه فرار می کنند. قابل ذکر است که ٤ نفر از این پناهنده ها ایرانی بوده اند.

بنا به همین خبر، افراد دستگیر شده به طرز فجیعی به وسیله مامورین مرزی شکنجه داده شده اند، بطوریکه دو روز آنها را در پاسگاه مرزی بلغارستان بازداشت کرده و به اذیت و آزار آنها پرداخته اند. این مامورین با سگهای درنده به جان دستگیرشدگان افتاده اند که متعاقباً این سگ های درنده به طرز فجیعی بدن پناهندگان را لت و پار کرده اند. وسایل آنها را به زور مصادره کرده اند و این دو روزی که در بازداشتگاه بوده اند، به آنها غذا نداده اند. به آنها قول داده بودند که به "صوفیه" فرستاده می شوند، اما از این کار سرباز زده اند. ۳ نفر از این پناهندگان در شهر وان ترکیه دوران پناهندگی سیاسی را سپری کرده اند که از طرف UNپرونده آنها بسته اعلام می گردد. اسامی این افراد به شرح زیر است:

ماشاالله افتخار، فرامرز رحمانی، عبدالله عزیزی، اهوان رمضانی و سمیر رزگار بختیار.

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
Fraiday
14/6/2002
No 68

شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی و مطالبات اساسی مردم

سامک حیدری

طی هفته ی جاری رد طرح ممنوعیت شکنجه از سوی شورای نگهبان به موضوع اصلی داخلی و خارجی تبدیل شد و همه ی نگاهها را متوجه ی خود ساخت. این کار از سوی شورای نگهبان گرچه تازگی نداشت و موارد بسیاری از این گونه را وتو کرده و خم به ابرو نیاورده بود، ولی آن چه که بیش از همه توجه افکار عمومی را به خود جلب کرد بی شرمی بی حدوحصر این شورا حتی در مورد حقوق بشر در این برهه ی زمانی خاص بود. این اولین باری است که یك نهاد و سازمان قدرتمند دولتی به این صراحت و آشکارا در مقابل دیدگان جهانیان بر زیر پا نهادن حقوق اولیه ی مردمی اصرار می ورزد و بر ضرورت شکنجه پای میفشارد.

گرچه در گذشته جمهوری اسلامی ایران بارها از سوی سازمان های بشر دوست و طرفدار حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته و بارها هم محکوم شده بود، ولی رژیم هیچ گاه زیر بار اعمال شکنجه در ایران نرفته و هربار آن را رد کرده و تحت نام توطئه ی استکبار و صهیونیسم به این گزارشات برخورد میکرد، اما این بار مجبور شد تا آشکارا اعتراف نماید که این رژیم دارای چه ظرفیت های بزرگی از ارتجاع و نقض قوانین انسانی است.

بعد از این که اقتدارگرایان مجلس ششم را از دست دادند، در فکر راه چاره برآمدند و سعی کردند تا جایی که می توانند در تضعیف آن بکوشند و این کار را هم کردند. این البته از پیش هم قابل پیش بینی بود، چون محافظه کاران دودستی به قدرت چسبیده و قوانین جمهوری اسلامی حافظ منافع آنان است و روشن بود که حاضر نیستند قدرت را بیهوده و به سادگی از دست بدهند. نزاع بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، جنگ بر سر قدرت است. در حالی که جناح تمامیت خواه از تمامی اهرم های قانونی...

ص ۳

اخبار و گزارشات خود را با این شماره فاکس برای رادیو کومه له ارسال دارید
Fax:
001-5617605814

شماره تلفن نمایندگی کومه له درشهر سلیمانیه، کردستان عراق:
۳۱۲۴۷۱۱

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور:
Postfach 800272
51002 Koln
Germany

با رادیو کومه له_ صدای کومه له همکاری کنید:
آدرس پست الکترونیکی (ای میل) رادیو کومه له:
Komala radio@hotmail.com

آدرس پست الکترونیکی (ای میل) کمیته ی مرکزی کومه له
Komala1348@hotmail.com

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران

www.iran-archive.com

خبرنامه

کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۶۹

جمعه ۳۱ خرداد ۱۳۸۱

www.komala.org

گزارشی از برگزاری مراسم ۳۱ خرداد، روز پیشمرگ کومه‌له، در اردوگاه مرکزی کومه‌له

متن سخنرانی رفیق جمیله رحیمی در روز پیشمرگ کومه‌له

روز جمعه ۳۱ خرداد ماه، به مناسبت ۳۱ خرداد روز پیشمرگ کومه‌له، مراسم باشکوهی در اردوگاه مرکزی کومه‌له برگزار گردید که بدین وسیله به اطلاع خوانندگان عزیز خبرنامه می‌رسانیم.

مراسم ابتدا با سرودی با صدای رفیق جانباخته "هه‌لو" شروع شد و به دنبال آن به احترام تمام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و جنبش انقلابی کردستان یک دقیقه سکوت اعلام گردید. رفیق جمیله رحیمی عضو کمیته مرکزی کومه‌له در اردوگاه مرکزی کومه‌له به مناسبت روز پیشمرگ کومه‌له به ایراد سخنانی پرداخت و مراسم با چندین سرود و ترانه و آواز ادامه یافت. قسمت دوم مراسم به پذیرایی از مهمانان و هم چنین رقص و آواز و پایکوبی اختصاص یافت.

رفیق جمیله رحیمی عضو کمیته‌ی مرکزی کومه‌له در اردوگاه مرکزی کومه‌له به مناسبت روز پیشمرگ کومه‌له که به زبان کردی ایراد نموده که ترجمه فارسی آن به قرار زیر است.

••

دوستان و مهمانان عزیز، رفقای پیشمرگ.

از طرف کمیته مرکزی و همه‌ی کادر و پیشمرگان کومه‌له، حضور شما را در مراسم گرامیداشت روز پیشمرگ کومه‌له خوش آمد می‌گویم. ۳۱ خرداد روز پیشمرگ کومه‌له و سالروز جانباختن رفیق سعید معینی خانه اولین پیشمرگ کومه‌له که در زندگی پیشمرگانه و در یک نبرد نابرابر در روستای دری از توابع ماوت کردستان عراق جانباخت. هنگامیکه نیروی پیشمرگ کومه‌له شروع به فعالیت علنی کرد و وارد میدان مبارزه‌ی مسلحانه در جنبش کردستان گردید به همین مناسبت کمیته‌ی مرکزی وقت کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران ۱۳ خرداد ماه را به عنوان روز پیشمرگ کومه‌له تعیین نمود.

اکنون مدت ۲۳ سال از مبارزه‌ی مسلحانه ص ۲

درود بر نیروی پیشمرگ کومه‌له.

۳۱ خرداد روز پیشمرگ کومه‌له، روز ارج نهادن به مبارزه‌ی زنان و مردانی است که سرسختانه در روزهای سیاه ارتجاع اسلامی بر علیه این رژیم و برای دفاع از آزادی و حقوق مردم کردستان جنگیدند. روز پیشمرگ کومه‌له یادآور فداکاریهای انقلابیون سوسیالیستی است که برای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان لحظه‌ای از جانبازی دریغ نورزیدند.

در ۳۱ خرداد ماه، مردم کردستان از مبارزات و آرمانهای نیروی پیشمرگ کومه‌له قدردانی می‌نمایند و پیشمرگان کومه‌له بار دیگر عهدوپیمان تجدید می‌کنند تا مصمم‌تر از پیش علیه هر نوع ظلم و ستم و بیداد به مبارزه برخیزند.

نیروی پیشمرگ کومه‌له برای اولین بار زنان کردستان را در ابعاد اجتماعی مسلح نمود و علیه سنت‌های کهن و تصور عقب‌مانده از زن ایستاد و صدها کادر زن از میان انقلابیون و زحمتکشان پرورش داد. پیشمرگ کومه‌له مبلغ و مروج مسلح ص ۳

در این شماره می‌خوانید:

- گزارشی از مراسم برگزاری روز پیشمرگ کومه‌له.
- اطلاعیه‌ی دبیرخانه‌ی کومه‌له در مورد استقبال مردم از روز پیشمرگ کومه‌له.
- دومین کنفرانس اعضای کومه‌له در سوئد.
- اخبار کردستان، ایران و جهان.

www.iran-archive.com

و رویارویی نیروی پیشمرگ کومه‌له با اشغالگران کردستان و جهت دفاع از حقوق و منافع مردم کردستان؛ می‌گذرد. پیشمرگ کومه‌له و اخلاق و رفتار انقلابی اش به سیمایی روشن و جدانشدنی از تاریخ جنبش انقلابی کردستان تبدیل گردیده است. اکنون در همه‌ی مناطق کردستان؛ مردم صدها خاطره‌ی شیرین از این زنان و مردان انقلابی تعریف می‌کنند که چه آسان و بدون ترس با دشمنان مبارزه کرده و در برخورد با مردم چگونه مهربان بودند و چه ساده و بی آلایش با کارگران و ستمدیدگان می‌آمیختند و به نیروی مورد اعتماد و اطمینان مردم کردستان تبدیل شدند.

ویژگی پیشمرگ کومه‌له استقامت و پایداری در برابر زورگویان و مبارزه‌ی پیگیر علیه جمهوری اسلامی برای دفاع از جنبش آزادیخواهانه‌ی کردستان است. این نیرو همواره روح افکار سوسیالیستی و رادیکال بوده و برای برابری و آزادی انسان مبارزه کرده است؛ نیروی پیشمرگ کومه‌له برای اولین بار نام زن و پیشمرگ را به هم پیوند داده و به نیروی پیشمرگ زنان کردستان تبدیل شد و نشان داد که زن در این میدان نیز چقدر کارآمد بوده و چگونه این زنان مبارز توانسته‌اند به نحو احسن از عهده‌ی سنگین ترین وظایف و مسئولیت ها برآیند و اهداف خود را پیش ببرند. مشارکت گسترده زنان در صفوف پیشمرگان کومه‌له نه تنها سیمای واقعی سیاسی زنان کردستان را به طور بارزی نشان داد؛ بلکه چهره‌ی سیاسی کردستان را هم دگرگون ساخت. این افتخاری است که تا همیشه برای کومه‌له و پیشمرگ کومه‌له باقی ماند و رمز پیشرفت و پیروزی های این نیرو است. یکی دیگر از خصوصیات بارز نیروی پیشمرگ کومه‌له؛ احترام نهادن به مردم و احساس مسئولیت کردن در قبال مردم و زندگی آنان است.

پیشمرگ کومه‌له برای آگاه کردن خود و هم برای بالا بردن سطح آگاهی سیاسی توده ها در کردستان نقش بارزی داشته و نشان داد که یک نیروی مسلح به افکار انقلابی؛ چگونه در مدت زمانی کوتاه می‌تواند در دل کارگران و زحمتکشان نفوذ کند و مایه‌ی امید و اطمینان آنان باشد. این واقعیات پیشمرگ کومه‌له را آبدیده کرده و به محبوب و دوستدار مردم کردستان تبدیل نموده و در قلب آنان جای داد. دشمنان و مخالفان این نیرو خیلی تلاش کردند و توطئه چیدند تا بتوانند این نیرو را از مردم جدا کنند؛ اما اکنون می‌بینیم که علی رغم این همه مشکلات و بسیاری حملات وحشیانه‌ی غاصبان کردستان؛ نیروی پیشمرگ کومه‌له توانسته است توطئه‌ی دشمنان خلق کرد و کومه‌له را خنثی کرده و خواب و خیالشان را برای نابودی این نیرو برهم بزند.

کارگران؛ زحمتکشان؛ مردم مبارز کردستان.

اکنون که رژیم جمهوری اسلامی در گرداب بحرانی چاره‌ناپذیر افتاده و ناامیدی سرتاپای این رژیم را در بر گرفته و در مقابل امید به رهایی و آزادی در دل مردم بیدار و آگاه زنده شده و نیروی مبارز و اعتراض مردم گسترده تر شده؛ بر همگان آشکار است که تحولی سیاسی در ایران و کردستان نیازی حتمی است و ضرورت آلترناتیوبی برای جایگزین کردن آن دارد. در این شرایط؛ نیرومند کردن نیروی پیشمرگ کومه‌له به مثابه‌ی نیرویی رادیکال؛ سوسیالیست و جنگاور وظیفه‌ای همگانی است. در همین جا از شما می‌خواهیم همانند همیشه در این مرحله نیز پشتیبان و حامی کومه‌له و پیشمرگانش باشید. این نیرو در آغوش محبت شما پا گرفته و چه بسیار که مهمان سفره‌ی فقیرانه‌ی شما بوده و اکنون نیز به شما دلگرم و امیدوار است. به شما اطمینان می‌دهیم که پیشمرگ کومه‌له فعال تر از قبل برای پیروزی جنبش آزادیخواهانه‌ی کردستان و به منظور دفاع از منافع کارگران و ستمدیدگان مبارزه می‌کند و همواره دژی مستحکم برای آزادی؛ رهایی و افکار سوسیالیستی در کردستان خواهد بود. درست است که شرایط نامساعد و توطئه‌ی دشمنان در دوره‌ای توانست خفقان سیاسی را در کردستان حاکم کرده و محدودیتی بر فعالیت پیشمرگان کومه‌له تحمیل کند؛ اما مبارزه و شکست ناپذیری شما مردم مبارز و آمادگی و کار بودن این نیرو؛ اکنون در راهی گام نهاده که میرود تا این مشکلات و موانع را برداشته و محدودیت ها را به حداقل برساند.

اکنون که کومه‌له با جدایی از حزب کمونیست ایران و پافشاری بر حقوق ملی مردم کردستان و ترویج سیاسی افکاری رادیکال توانسته بار دیگر جانی تازه بگیرد و به حزب مورد اطمینان شما تبدیل شود؛ کومه‌له ترویج و استحکام و آماده سازی نیروی پیشمرگ کومه‌له را وظیفه‌ی مهم و بی چون و چرای خود می‌داند و تا زمانی که اشغالگران کردستان با اسلحه و زور به خواست های سیاسی مردم پاسخ دهند و دیکتاتوری و استبداد حاکم باشد؛ کومه‌له مبارزه‌ی مسلحانه را همانند یکی از روش های مبارزه حفظ نموده و این عرصه را پشتیبان و یاور مبارز اجتماعی و سیاسی در انقلاب کردستان می‌داند و برای هر چه نیرومندتر کردن آن تلاش می‌کند.

جوانان مبارز و انقلابی کردستان.

نیروی پیشمرگ کومه‌له مکان مبارزه و تلاش و نیروی مدافع رادیکالیسم و نوگرایی است؛ نیروی دفاع از جوانان و حقوقشان است؛ به صفوف آن بپیوندید و آن را تقویت کنید.

ص ۳

www.iran-archive.com

ادامه‌ی سخنرانی رفیق جمیله رحیمی ...

خانواده عزیز جانباختگان کومه‌له ،

فرزندان شما و رفقای ما از رهروان بیهراس راه آزادی و انسانیت بودند ... آنها ستاره‌ی تابناک آسمان ستمدیدگان کردستانند ؛ بیایید با هم در روز پیشمرگ کومه‌له تجدید عهد نماییم که تا رسیدن به آرمانهای والایشان از پای نمی‌نشینیم ،

... رفقای پیشمرگ ،

... شما رهروان راه هزاران مبارز سوسیالیست هستید که روشنی بخش راه ما شدند ... رفقا ... در اوضاع سیاسی کنونی وظیفه‌ی خطیری بر عهده دارید و باید بتوانید در این دوره نیز نام و مشی پیشمرگ کومه‌له را همانند سابق پرآوازه و پرافتخار حفظ کنید ... دفاع از حقوق مردم ستمدید ؛ دفاع از آزادی زنان و مبارزه برای برابری زن و مرد در هر زمینه‌ای ؛ دوراندیشی ؛ مقاومت و مصمم بودن در مبارزه ؛ جسارت در برابر دشمنان و غمخوار و شریک درد مردم بودن ؛ حضور گرم و مداوم در مبارزه‌ی سیاسی و مردمی و سرانجام ایجاد روابطی رفیقانه در میان خودمان ؛ وظیفه‌ی بسیار مهم ما پیشمرگان کومه‌له است ... اطمینان خاطر داریم که در این راه از پشتیبانی و دلسوزی میلیونی مردم کردستان برخوردار یم ... مظلومان و ستمدیدگان این سرزمین تحقق یافتن هزاران آرزوی دست نیافته‌شان را در پیروزی و استحکام و صلابت ما می‌بینند ؛ ... ما نیز باید نشان دهیم که مبارزانی راستین برای تحقق تمامی این امید و آرزوها هستیم ،

... روز پیشمرگ کومه‌له بر شما و تمامی مردم کردستان مبارک باد ... سرفراز باد نیروی پیشمرگ کومه‌له ؛ سرنگون باد رژیم اشغالگر و مستبد جمهوری اسلامی ایران ،

• • •

ادامه‌ی زنده باد نیروی ... ،

است که از منافع مردم زحمتکش قاطعانه دفاع می‌نماید و در برابر زورگویی استثمارگران و ارتجاع اسلامی ... ایستادگی نموده و در عین حال وظیفه‌ی آگاه‌گری و پیوند با زندگی و مبارزه‌ی کارگران و زحمتکشان را از وظایف مهم و فراموش نشدنی خود می‌داند ،

نیروی پیشمرگ کومه‌له علی رغم توطئه گریهای ارتجاع محلی و تبلیغات دروغین بورژوازی کرد و لجن پراکنی‌های جمهوری اسلامی و مرتجعین ؛ توانست در قلب مردم کردستان عمیقاً جا باز کند و به نیروی مورد اعتماد و یار و یاور آنها تبدیل شود ،

گرامی باد ۳۱ خرداد روز پیشمرگ کومه‌له ،

اطلاعیه‌ی شماره یک دبیرخانه‌ی کومه‌له ، در مورد گرامیداشت ۳۱ خرداد روز پیشمرگ کومه‌له از جانب مردم کردستان ،

... ۳۱ خرداد ؛ روز پیشمرگ کومه‌له فرصتی بود تا بار دگر مردم کردستان مخالفت خود با جمهوری اسلامی و نیروهای اشغالگر در کردستان و علاقه به جنبش انقلابی و کومه‌له را نشان دهند ... علی رغم آماده باش رژیم در اکثر شهرهای کردستان از چند روز قبل از ۳۱ خرداد ؛ شهرهای کردستان شاهد استقبالی گرم از روز پیشمرگ کومه‌له بودند ،

... سنندج ،

از روز بیست و هفتم خرداد ما به طور مرتب ؛ جوانان و مبارزین شهر سنندج علامیه‌ها و تراکت‌های کومه‌له به مناسبت روز پیشمرگ کومه‌له را در سطح شهر پخش نمود و همه‌ی خیابان‌ها و مراکز عمومی مملو از شعارهایی در دفاع از کومه‌له و مرکز پخش اوراق تبلیغی بود ... در خیابان‌ها ؛ محلات ؛ پارکها و معابر عمومی شعار ... زنده باد نیروی پیشمرگ کومه‌له ... نیروی پیشمرگ کومه‌له بازوی مسلح کارگران و زحمتکشان کردستان ؛ به صفوف پیشمرگان کومه‌له بپیوندید ... و ... زنده باد سوسیالیسم ؛ به چشم می‌خورد ... روزهای پنج شنبه و جمعه ؛ سی ام و سی و یکم خرداد کوه آبیدر و پارک‌های اطراف آن مملو از جمعیتی بود که در میانشان اعلامیه و تراکت‌های کومه‌له پخش گردید و مردم در دستجات مختلف به بحث پرداخته و سرود می‌خواندند ... هم چنین بر روی قله‌ی کوه آبیدر در پنج شنبه شب آتش روشن گردید و نورانی بود ،

... کرمانشاه ،

... مبارزین کرماشنا نیز در ... شهرک پرواز ؛ شهرک چهارصدوچهار ؛ شهرک تکاور ؛ شهرک مسکن ؛ منطقه ... طاق بستان ؛ شهرک نوکان روبروی هوانیروز به طور وسیعی تراکت و نوشته‌های کومه‌له را به مناسبت ۳۱ خرداد پخش نمود ؛ به طوری که شور و شوق خاصی در میان مردم ایجاد نمود ... نیروهای انتظامی به حالت آماده باش درآمده و در پارک معلم ؛ شهرک دولت آباد و شهرک جلالیه به کنترل محلات و حتی در مواردی به بازدید ماشین‌ها می‌پرداختند ... این عمل نیروهای رژیم تاثیر چندانی روی فعالیت تبلیغی رفقای ما ؛ به مناسبت روز پیشمرگ کومه‌له ؛ نداشت ،

... سقز ،

مردم شهر سقز نیز وسیعاً از روز پیشمرگ کومه‌له استقبال نمودند ... از روز ۲۸ تا ۳۱ خرداد ما شهر سیمای دیگری به خود گرفته بود ... فعالیت تبلیغی گسترده‌ای در بازار شهر ؛ تمام خیابان‌های اصلی و محلات شهر صورت گرفت و تراکت و اعلامیه‌های پشتیبانی و دفاع از کومه‌له در سطح شهر وسیعاً پخش گردید و مردم روز ۳۱ خرداد را به هم تبریک می‌گفتند و عصر روز جمعه سی و یکم خرداد ما بر روی کوههای برده سور ... و ... ژاقل ... که مشرف بر شهر هستند ؛ آتش روشن گردید ... ،

دبیرخانه‌ی کومه‌له ... سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران ،

۱ ۴ ۰ ۱۳۸۱ برابر با ۲۲ ۶ ۲۰۰۲ ،

www.iranarchive.com

اخبار شهرهای کردستان

مریوان

براساس اخبار و گزارش های رسیده از شهرستان مریوان به مناسبت روز پیشمرگ کومه له تراکت و اعلامیه ی کومه له وسیعاً در این شهر پخش گردیده است.

مکان هایی که در آنها کار تبلیغی صورت گرفته است عبارتند از: چهارراه بیمارستان، خیابان کمربندی، دارسیران تا فلکه ی سپاه، محله ی خانقاه، تازآباد، محله ی بلچه سور، دارسیران، کونه دیو، محمدیه، محله ی طالقانی، جنگلبانی، دارسیران ۱ و ۲ و ۳، کوره ی موسوی، محله ی میانه ایها، پمپ بنزین قدیم، بیمارستان، کوچه ی گمرک، ترخان آباد، محله ی مردوخ و بلوار نوذر.

علاوه بر این جاها در این ادارات نیز کار تبلیغی صورت گرفته است: ادارات ی دارایی، ادارات ی آتش نشانی، ادارات ی کار، ادارات ی تعاونی، کمیته ی امداد، بهزیستی و ادارات ی فرهنگی، هنری.

هم چنین اعلامیه های کومه له در میان جوانانی که مشغول بازی فوتبال در کوچه ها و محلات بودند پخش شده و همین امر نیز موجب توزیع و پخش وسیع اعلامیه ها شده است. فعالین کومه له هم چنین در محلات زیر در میان مردم حاضر شده و اعلامیه ها و تراکت های کومه له را در اختیار مردم گذاشته اند. این محلات عبارتند از: چهارراه بایوا تا دارسیران، چهارراه اصلی تا فلکه ی قدیمی فرمانداری، چهارراه اصلی تا چهارراه شبرنگ، از شبرنگ تا ترمینال، از میدان شبرنگ تا فلکه ی سرباز و از فلکه ی سرباز تا آلی سور.

علاوه بر این ها دوستداران کومه له در این جاها به برافراشتن پرچم کومه له و کار تبلیغی وسیع به استقبال ۳۱ خرداد رفتند که عبارتند از: محله ی سردوش ها، محله ی چراغی، محله ی استادیوم و اطراف آن، میدان دینار، فروش ها، محله ی توحید، چهارباغ، محله ی لیلاخی ها و بارع پارک.

لازم به ذکر است که شب ۲۹ خرداد ماه جاری نیز در روستاهای بناو سوته، بیلو، سیف سفلی، روستای محمد و بر روی درب منازل و مغازه ها و ماشین های این روستاها تراکت های کومه له را چسبانیده اند و شعار زنده باد کومه له، زنده باد نیروی پیشمرگ کومه له، گرامی باد ۳۱ خرداد نوشته شده است.

گزارش رسیده هم چنین حاکی است که در جاده ی آسفالت مریوان ساوجی و در سه راه بیلو پرچم سرخ کومه له برافراشته شده و هم چنین بر روی جاده و بار رنگ سفید شعار زنده باد نیروی پیشمرگ کومه له و گرامی باد روز پیشمرگ کومه له نوشته شده بودند. در جاده ی مریوان باشماق تا سه را سیف سفلی پرچم سرخ کومه له را به اهتزاز درآورده و شعار زنده باد کومه له نوشته شده بودند.

بنا بر هیمن گزارش موج استقبال از روز پیشمرگ کومه له اکثر شهرها و روستاهای کردستان را فراگرفته و مردم در تدارک هرچه باشکوه تر برگزار نمودن این روز می باشند. قابل ذکر است که این کار تبلیغی وسیعی در حالی انجام گرفته است که نیروهای رژیم چند روزی است که در آماده باش کامل به سر می برند. اما علی رغم تدابیر امنیتی شدید امسال مردم باشکوه تر از هر سال دیگر به استقبال این روز رفته اند.

مدتی پیش ما خبری را منتشر کردیم که در آن به حمله ی افراد ناشناس به مساجد شهر مریوان و بی احترامی به کتب مذهبی و دور انداختن آنها توی فاضلاب ها اشاره کرده بودیم. از شهر مریوان خبر رسید که عاملین این کار ناپسند از طرف مردم شناسایی شده اند. طبق این خبر دو نفر به نام های محمد صالح مرادیان و مچه جولای ساوجی در این کار دست داشته اند که خود از عاملین اطلاعات مریوان هستند و اعتراف کرده اند که در قبال گرفتن پول و به منظور بدنام کردن کومه له دست به این کار زده اند.

بنا به خبر دیگری از شهرستان مریوان نیروهای رژیم در پاسگاه مرزی مرانه را را بر کاروانچیان بسته تعدادی از آنها را دستگیر نموده و وسایلشان را که پارچه بوده است به تاراج می برند و بابت هر راس اسب نیز پانزده هزار تومان از صاحبانشان پول می گیرند.

اخبار رسیده از مریوان حاکی از آن است که زنی به نام لیلا شریفی نژاد در محله ی موسوی این شهر در اثر فشارهای روحی و جسمی خانواده اش خود را آتش زده است. طبق این خبر ۹۰ از بدن لیلا متاسفانه دچار سوختگی شده و هم اکنون در بیمارستان شهر سنندج بستری و در بدترین وضعیت جسمی به سر می برد.

www.iran-archive.com

بوکان

بنا به خبری که از شهرستان بوکان به دستمان رسیده است، روز یکشنبه ۲۶ خرداد ماه جاری مصطفی یکی از عوامل شهرداری شهر بوکان و دارودسته‌ی مزدورش، دست فروشان این شهر را در محله‌ی مجبور آباد مورد یورش قرار داده‌اند که این کار آنها موجب برانگیختن خشم دست فروشان و اقدام به مقابله با مزدوران شهرداری شده است. در هنگام درگیری دستفروشان و مزدوران شهرداری، نیروهای سرکوبگر رژیم به حمایت از مزدوران شهرداری وارد عمل شده و به سرکوب مردم پرداخته‌اند.

لازم به ذکر است که روز دوشنبه ۳۰ تن از دستفروشان دستگیر شده‌اند که تا رسیدن این خبر آزاد نشده‌اند.

کرمانشاه

جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه در اعتراض به نبود فرصت کافی برای امتحانات پایان ترم این دانشگاه روز چهارشنبه ۲۲ خرداد ماه جاری در محل نمازخانه این دانشگاه واقع در باغ تی تحصن کردند.

این تحصن که ۹۰ دقیقه به طول انجامید در نهایت با وساطت بابک وثوقی فرمعاونت آموزشی این دانشگاه به آرامی پایان گرفت. گفتنی است دانشجویان معترض علت اعتراض خود را کمبود فرصت امتحانات پایان ترم ذکر کرده و اظهار داشتند که با وجود شروع امتحانات پایان ترم در اول تیرماه کلاس های درسی ترم جاری تا اواخر خرداد ماه به طول می انجامد که این امر موجب افت درسی دانشجویان خواهد شد.

بنا به خبر دیگری از شهرستان کرمانشاه، کارخانه‌ی نساجی غرب و فرش بیستون به بهانه‌ی رکود تولید و نداشتن بنیه‌ی مالی از پرداخت حقوق کارگران خودداری نموده است. کارگران این دو واحد تولیدی هنوز موفق به دریافت حقوق اردیبهشت ماه و پاداش سالیانه و عیدی خود نشده‌اند.

کامیاران

روز دوشنبه پاسگاه روستای گشکی واقع در منطقه‌ی کامیاران، کاروانچیانی را که قصد عبور از آن منطقه را داشته‌اند به رگبار می‌بندد که در اثر این تیراندازی یک نفر به نام احمد حکیمی مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و در نتیجه جانش را از دست می‌دهد. نیروهای رژیم جسد وی را به بیمارستان سینا در شهر کامیاران می‌برند. مردم کامیاران و اطراف برای تحویل گرفتن جنازه به بیمارستان این شهر رفته و در اطراف بیمارستان و میدان شافعی گردهم می‌آیند و علیه رژیم و نیروهایش شعار سر می‌دهند و بدین وسیله نفرت و بیزاری خود را از رژیم جمهوری اسلامی اعلام می‌دارند.

ما بدین مناسبت به خانواده‌ی کاک احمد حکیمی و دوستان و آشنایانش تسلیت می‌گوییم و خود را شریک غم و اندوه آنها می‌دانیم.

سنندج

طبق خبری که از شهرستان سنندج به دستمان رسیده است، نیروهای مزدور شهرداری این شهر ساعت ۵ ۴۰ بعدازظهر ۲۶ خرداد ماه جاری در خیابان سیروس به دستفروشان و کسبه‌ی این محله حمله ور می‌شوند. دستفروشان نیز با نیروهای مزدور رژیم به مقابله بر می‌خیزند و با آنها درگیر می‌شوند و دو نفر از آنها را به شدت کتک کاری می‌کنند و این نیروها را مجبور به فرار از آن محل می‌کنند.

قابل ذکر است که مدتی است نیروهای شهرداری ها در شهرداری ها به کسبه و دستفروشان حمله ور شده و وسایل و اموال آنها را به غارت می‌برند.

سقز

طبق خبری که از شهرستان سقز به دستمان رسیده است، در تاریخ ۲۶ خرداد ماه جاری پلیس ۱۱۰ این شهر در خیابان شهناز به تعقیب تویوتایی می‌پردازد که حامل بار و کالای قاچاق بوده در جریان این تعقیب و گریز، راننده که قصد داشته از دست ماموران بگریزد در خیابان مدرسه‌ی نمونه بر سرعت خود می‌افزاید و در اثر سرعت غیر مجاز به یک موتورسیکلت تصادف می‌کند. متاسفانه راننده‌ی موتورسیکلت پس از نیم ساعت جان خود را از دست می‌دهد. پس از این حادثه راننده‌ی ماشین قاچاق را در همین حوالی جا گذاشته و فرار می‌کند و پلیس نیز محل را ترک می‌نماید.

دیواندره

بنا به خبری دیگر از دیواندره، چند روز پیش کاک احمد سعیدی اهل روستای شیخ حیدر به دلیل بیماری درگذشته است. کاک احمد سعیدی که ۷۰ سال سن داشت، فردی خوشنام و مورد اعتماد مردم منطقه‌ی دیواندره بود. طبق همین خبر در روزهای اخیر کاک رستم نظری اهل روستای نسار نیز به دلیل عارضه‌ی قلبی درگذشته است. کاک رستم در قبال مشکلات مردم منطقه فردی متعهد و مورد اعتماد بود و به همین دلیل در میان مردم منطقه از محبوبیت خاصی برخوردار بود.

ما مرگ این دو عزیز از دست رفته را به خانواده و دوستان و آشنایان ایشان تسلیت می‌گوییم و خود را شریک غم و اندوه آنها می‌دانیم.

www.iran-archive.com

"بنا به خبری که از دیواندره به دستمان رسیده است، روز شانزدهم خرداد ماه جاری یک دستگاه تویوتا در جاده "حسین آباد" واژگون شده که متأسفانه در اثر این حادثه راننده ی تویوتا به نام "یدی" که اهل روستای "کول" از توابع دیواندره بوده است، جان خود را از دست می دهد."

"ما مرگ ناگوار کاک یدی را به خانواده و دوستانش تسلیت می گوییم و خود را شریک غم و اندوه ایشان می دانیم."

اخبار دیگر مناطق ایران

تهران

"در ادامه ی فسادهای مالی و اقتصادی در ایران، گزارشات منتشره حاکی از آغاز رسیدگی به ۴۰ پرونده ی فساد کلان مالی دیگر در ایران است. بنا به همین گزارش اکثر متهمان پرونده های جرایم اقتصادی از صاحبان قدرت و مسئولین دولتی و باندهای دارای نفوذ هستند. این گزارش حاکی از بکارگیری شیوه های پیچیده و حتی اطلاعاتی این متهمان به منظور دسترسی به امکانات مختلف تبلیغاتی جهت انحراف افکار عمومی می باشد."

تبریز

"بنا به خبری که از تبریز به برایمان ارسال شده است، اعتصاب کارگران کوره خانه ها در تبریز، سردرود، سنج و اطلس هم چنان ادامه دارد و کارگران نسبت به احقاق حقوق خود اصرار می ورزند."

کرمان

"گزارشاتی که اخیراً منتشر شده اند حاکی از گسترش بیماری ایدز در کرمان است. طبق این گزارشات تاکنون ۱۸۶ مورد بیماری ایدز از سوی مقامات پزشکی در این استان مورد تائید قرار گرفته است و برآوردها حاکی از آلودگی ۴ تا ۵ هزار نفر به ویروس ایدز در استان کرمان است."

"خبرگزاری رژیم ایران در تائید گسترش بیماری ایدز در کرمان اعلام داشت که در کرمان هم مثل سایر نقاط ایران اغلب بیماران مبتلا به ویروس ایدز معتادانی هستند که از سرنگ آلوده ی دیگران به منظور تزریق مواد مخدر استفاده می کنند."

اخبار بین المللی

آلمان

"روز دوشنبه ۲۷ خرداد ماه جاری، دوازده هزار نفر از کارگران ساختمانی در آلمان دست به اعتصاب زدند. از بیست سال پیش تاکنون این اولین بار است که کارگران ساختمانی آلمان اعتصاب کرده اند. این در حالی است که کارگران ساختمانی در آلمان روز شنبه ۲۵ خرداد ماه جاری با اکثریت آرا، رای به یک اعتصاب سراسری برای افزایش دستمزدهایشان داده بودند. کارفرمایان نیز درخواست های اتحادیه کارگران ساختمان یا "ای گ باو" را که خواستار افزایش ۵۰ درصدی حقوق نیروهای کار شاغل در این صنعت بودند رد کرده و گفته بودند که امسال فقط می توانند سطح دستمزدها را تا ۳ "و سال بعد" ۲ افزایش دهند. در حال حاضر این اعتصاب که به منظور افزایش دستمزدها انجام گرفته بیش از چهار صد پروژه ی ساختمانی در دست اجرا را شامل شده است. ولی رهبران اتحادیه های کارگری می گویند که اعتصاب در طی چند روز آینده به سراسر کشور کشانده خواهد شد. کارگران شرکت کنند در این گردهمایی بزرگ خواهان ۴۰ درصد افزایش حقوق برای ۹۰۰ هزار کارگر ساختمانی در سراسر کشور هستند."

"رهبران اتحادیه هم چنین خواهان آنند که حداقل دست مزدها در بخش شرقی آلمان نیز افزایش یابد. آنها می گویند که استخدام کارگران مهاجر با دستمزد پایین موجب شده است که بسیاری از کارگران آلمان کار خود را از دست بدهند."

www.iran-archive.com

دومین کنفرانس اعضای کومه‌له - تشکیلات سوئد

طی روزهای ۸ و ۹ ماه ژوئن کنفرانس اعضای کومه‌له در شهر استکهلم سوئد برگزار گردید. در این کنفرانس غیر از اعضای کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، چند نفر از شخصیت‌های سیاسی نیز به عنوان ناظر و مهمان حضور داشتند.

این کنفرانس بر اساس مصوبه‌ی کنفرانس پارسال که مدت یک سال را برای برگزار دومین کنفرانس تعیین کرده بود، برگزار گردید.

نکات برجسته‌ی مورد بحث کنفرانس بدین شرح بود.

۱. بحث در مورد اوضاع سیاسی ایران و کردستان.

۲. گزارشی از کار و فعالیت تشکل خارج از کشور کومه‌له.

۳. گزارشی از فعالیت تشکل سوئد.

٤. بحث و گفتگو در مورد چگونگی پیشبرد کار و فعالیت در نمایندگی سوئد و انتخاب دبیر این تشکیلات.

قابل ذکر است که رفقا عبدالله مهتدی و ابوبکر مدرسی از طرف دفتر سیاسی کومه‌له در این کنفرانس حضور داشتند.

بحث و گفتگوهای قسمت اول کنفرانس، در مورد اوضاع سیاسی ایران و کردستان در چارچوب بحث و گفتگوهای پلنوم دوم کمیته مرکزی کومه‌له بود.

در قسمت دوم این کنفرانس که به گزارشی از کار و فعالیت نمایندگی‌های خارج از کشور کومه‌له اختصاص داشت، مسئول مربوطه اشاره کرد که در تمام قسمت‌های خارج از کشور که نمایندگی‌های کومه‌له دوباره بازسازی شده است، تحرک و فعالیت چشمگیر سیاسی و تشکیلاتی داشته است. نمایندگی‌های کومه‌له بنیه‌دار و در جاهایی هم مثل سوئیس که قبلاً فعالیت آنچنانی نداشته‌ایم، نمایندگی کومه‌له تاسیس شده و شروع به کار و فعالیت نموده است و هم چنین در بعضی دیگر از کشورها سعی بر آن است که نمایندگی‌ها و تشکیلات کومه‌له هر چه سریعتر راه بیفتد. در قسمت سوم از بحث و دیالوگ این کنفرانس، نمایندگی تشکیلات کومه‌له در سوئد، گزارشی از کار و فعالیت این نمایندگی را، یعنی از کنفرانس اول تا کنفرانس دوم ارائه داد. وی اشاره کرد که این قسمت از تشکیلات کومه‌له نسبت به قبل فعال‌تر شده و توانسته است در این مدت آثار مثبت خود را روی جریانات سیاسی و کردهای مقیم سوئد داشته باشد.

در پایان کار این کنفرانس و بعد از بحث و دیالوگی مفصل، کنفرانس یک نفر را به عنوان دبیر تشکیلات سوئد و هم چنین یک نفر را به عنوان معاونت این نمایندگی برگزید. کنفرانس دستور داد که دبیر این تشکیلات در زودترین زمان ممکن نشستی را با اعضای کمیته‌ی دیگر شهرها تعیین کنند.

کنفرانس دوم اعضای سوئد غروب روز یک‌شنبه ۹ ژوئن به کار خود پایان داد.

* * *

ساعات پخش رادیو هفتگی کومه‌له

روز ساعت ۱۰:۳۰

شب ساعت ۹

صبح ساعت ۷

بر روی سه طول موج کوتاه رادیویی

۴۹ متر برابر به ۶۱۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر به ۴۶۱۵ کیلوهرتز

۷۵ متر برابر به ۳۹۳۰ کیلوهرتز

www.iran-archive.com

زنده باد سوسیالیسم

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
Fraiday
21/6/2002
No 69

زنده•باد•نیروی•پیشمرگ•کومه•له•

• اخبار•و•گزارشات•خود•را•به•این•شماره•فاکس•برای•رادیو•کومه•له•ارسال•دارید•

Fax:
001-5617605814

شماره•تلفن•نمایندگی•کومسه•لسه•در•شهر•سلیمانیه•کردستان•عراق•

۳۱۲۴۷۱۱

آدرس•صندوق•پستی•کومه•له•در•خارج•از•کشور••

Postfach 800272
51002 Koln
Germany

به•رادیو•کومه•له•صدای•کومه•له•همکاری•کنید••
آدرس•پست•الکترونیکی•ای•میل•رادیو•کومه•له••
•Komala_radio@hotmail.com

آدرس•پست•الکترونیکی•ای•میل•کمیته•ی•مرکزی•کومه•له
Komala1348@hotmail.com

سرنگون•باد•رژیم•جنایتکار•جمهوری•اسلامی•ایران

خبرنامه

کومه‌له سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۷۰

جمعه ۶ تیرماه ۱۳۸۱

www.komala.org

مواد مخدر تهدیدی برای جامعه‌ی جهانی

به مناسبت روز جهانی مبارزه با مواد مخدر

سیامک حیدری

امروزه اعتیاد در جهان همانند غولی نسل جوان و آینده‌ی بشریت را تهدید می‌کند و در حال حاضر به عنوان یکی از مهمترین انحرافات اجتماعی جامعه‌ی بشری را با خطر جدی روبرو کرده است. هم اکنون میلیون‌ها نفر در این کره‌ی خاکی در دام این بلای قرون اخیر دست و پا می‌زنند بدون این که بتوانند کاری مثبت انجام دهند. درست در حالی که عمر هزاران نفر در اثر ابتلا به مواد مخدر دارد از بین می‌رود، سوداگران بیشتر از پیش به این کار سوداگرانه دست می‌یازند و بازارهای زیادتری را تسخیر می‌کنند. متاسفانه هر روز بر تعداد قربانیان مواد مخدر افزوده می‌شود و عوارض آن که از هم پاشیدن زندگی هزاران خانواده، اختلالات شخصیتی و جسمی، اقتصادی و اجتماعی است، سلامت فرد و جامعه را به خطر انداخته است. نوجوانان تازه به دوران رسیده و کنجکاو به محیط دوروبر، اولین قربانیان این بلا و فرو رفتن در لجنزار آن هستند. شاید بسیاری از جوانان در اولین تماس فقط خواسته‌اند که طعم آن را بچشند و به اصطلاح اثرات لذت بخش آن را تجربه نمایند، اما در گردابی افتاده‌اند که بیرون آمدن از آن برایشان آسان نخواهد بود.

در طول تاریخ بشریت هیچ گاه تا این حد دست باندهای مافیایی باز نبوده است. کار تا جایی پیش می‌رود که اکنون این باندهای مافیایی حتی در دولت‌ها نفوذ کرده و بلند پایه ترین مقامات دولتی و حکومتی را جیره خوار خود می‌نمایند. حالا دیگر

ص ۴

مجلس و یورشی تازه به دختران کم سن و سال

ادریس شانشین

در روزهای اخیر مجلس شورای اسلامی ماده‌ی ۱۰۴۱ را در مورد ازدواج به تصویب رساند که طبق آن دختران در سن ۱۳ سالگی و پسران در سن ۱۵ سالگی خواهند توانست ازدواج کنند. در این مصوبه همچنین ازدواج دختران ۱۳ ساله و پسران ۱۵ ساله را منوط به رضایت خانواده دانسته و با تصریح بر حفظ مصلحت و تشخیص دادگاه صالحه ازدواج پسران و دختران در سنین پایین جایز شده است. قابل ذکر است که مجلس سال گذشته سن ازدواج را برای دختران از ۹ سال به ۱۵ سال و برای پسران از ۱۳ سال به ۱۸ سال افزایش داده بود که با مخالفت شورای نگهبان مواجه و به تصویب نرسیده بود.

آن چه واضح است این که قدر مسلم این اولین قانون از دست نخواهد بود و نیست که رژیم ارتجاعی اسلامی بر زنان و دختران اعمال می‌کند و آنان را وادار به ازدواج تحت شرایط روحی و جسمی نامناسب می‌کند. این قانون خود منشاء بسیاری از رفتارهای ناهنجار و فروریختن بیشتر هنجارها و تضییع حقوق آشکار زنان و دختران است. مجلس شورای اسلامی در سال ۷۹ نیز طرحی را

ص ۷

در این شماره می‌خوانید:

- مواد مخدر تهدیدی برای جامعه‌ی جهانی
- مجلس و یورشی تازه به دختران کم سن و سال
- اطلاعیه‌ی شماره ۲۹ دبیرخانه کومه‌له
- پیام تبریک رفقای کمیته‌ی کانادا به مناسبت ۳۱ خرداد
- اخبار شهرهای کردستان و ایران
- چرا سپتامبر جناح‌های رژیم به آمریکا

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد

www.iran-archive.com

کار خرید و فروش مواد مخدر به صورت بازرگانی و به صورت یکی از منابع سرشار درآمد درآمده است؛ مافیای هزار سری که تقریباً در تمامی نقاط جهان دست نامرئی آنها و جای پایشان را می توان دید کشت انواع مواد مخدر در جهان؛ هر ساله به جای این که سیر نزولی داشته باشد؛ سیر صعودی دارد سالیانه تنها در افغانستان چیزی در حدود ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ تن تریاک کشت می شود سالیانه در پاکستان ۷۰ تن هروئین و در حدود ۲۰۰ تن تریاک تولید می شود؛ ۶۰ بیماران و ناقلان بیماری ایدز در آسیای میانه را معتادین به مواد مخدر تشکیل می دهند

مواد مخدر همه ی جهان را درنوردیده و کمتر کشوری از آن مصون مانده است گرچه مواد مخدر اکثراً در کشورهای توسعه نیافته کشت و تولید می شود ولی با کمک باندهای پرقدرت و دارای سرمایه های مالی فراوان و شبکه های هزار لایه و تودرتو به دیگر کشورها و همچنین کشورهای پیشرفته ی صنعتی وارد می شود ولی چون اولاً این مواد مستقیماً در این کشورها کشت و تولید نمی شود و ثانیاً آنها از امکانات رفاهی؛ پزشکی و مددیاری بیشتری برخوردارند در نتیجه این کشورهای عقب مانده هستند که چوب اصلی این بلا را می خورند و هم اکنون می بینیم که اعتیاد و جلوگیری از آن سرمایه های هنگفتی را می طلبد که اکثر کشورهای فقیر توانایی اختصاص چنین بودجه ای را به این امر ندارند گروههای مافیایی در کلمبیا؛ در ایتالیا؛ در روسیه و دیگر کشورها آن چنان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند که هر کشوری را یارای مقابله با آنها نیست امروز رهبران سیاسی بعضی از کشورها؛ آن چنان با کارتل های مواد مخدر در هم تنیده اند که تنها زمانی حاضرند علیه مواد مخدر به مبارزه برخیزند که افکار عمومی آنها را به این کار مجبور نمایند کم نیستند دولت هایی که به سبب افشا شدنشان در مورد همکاری با مافیای مواد مخدر و گرفتن رشوه های کلان ساقط شده اند؛ این امر در کشورهایی نظیر ایتالیا؛ ترکیه و کلمبیا سابقه دار متاسفانه امسال علی رغم این که این بلای ویرانگر تلفات زیادی را گرفته و تقریباً به معضل تمامی کشورها تبدیل شده است و مستقیماً یکی از عوامل ابتلا به ایدز نیز هست؛ کشورها و رسانه های مختلف کمتر به این مهم اهمیت داده و نهایت بی توجهی را به آن نشان دادند

ایران نیز در سایه ی حاکمیت جمهوری اسلامی در امان نمانده و شاید بتوان ادعا کرد که ایران یکی از کشورهایی است که در بدترین وضعیت با این بحران روبروست؛ البته با ویژگیهای خاص خود در ایران گسترش مواد مخدر و سرریز آوردن آن در بسیاری از نقاط واقعاً قارچ گونه و غیر منتظره بود کمتر جایی را می توان سراغ داشت که مواد مخدر با این سرعت و رشد توانسته باشد در بین مردم پخش و همه گیر شود جمهوری اسلامی هر ساله برای منحرف کردن اذهان عمومی مقدار بسیار ناچیزی از این مواد ذخیره شده را به آتش می کشد و به این ترتیب میخواهد نشان بدهد که در راه مبارزه با مواد مخدر جدی و پیگیر است مغرضانه نخواهد بود اگر ادعا شود این سیاستی بود از پیش تعیین شده که سران حکومت اسلامی برای رویارویی با سیل خروشان مبارز جوانان و مردم ایران؛ آگاهانه به گسترش و پخش مواد مخدر دست زدند

هم اکنون در پارک ها و معابر و مکان های عمومی؛ خرده پاها و دلالان به آسانی و جلو چشمان متحیر مردم به خرید و فروش مواد مخدر مشغولند و ماموران انتظامی تنها زمانی دست به عملیاتی نمایشی علیه این افراد میزنند که آه و فغان مردم به آسمان بلند شده باشد و خشم و عصیان مردم را مشاهده نمایند؛ تازه این را باید در نظر داشته باشیم که به گفته ی اکثریت مردم این دلالان و سوداگران خود از عاملین و واسطه های اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی هستند و بعد از چند ساعت بازداشت دوباره سر کار خود حاضر می شوند تا چند سال قبل در بسیاری از شهرهای ایران؛ به استثنای شهرهای مرزهای شرق ایران؛ تنها افرادی معدود و انگشت نما در شهرها معتاد بودند اکنون در اثر سیاست های ضد مردمی مقامات رژیم اسلامی بیشتر خانواده ها شاهد مرگ تدریجی جوانان و عزیزانشان هستند و در عزای این مرگ تدریجی به سوگ نشسته اند تقریباً روزی نیست که جسد بی جان جوانانی که در اثر تزریق مواد مخدر جان خود را از دست داده اند؛ در خرابه ها و کوچه پس کوچه های شهرها پیدا نشود نگرانی عمیقی جامعه ی ایران را در خود گرفته است ضمناً از یاد نبریم که ایران یکی از کشورهایی است که در مسیر ترانزیت کارتل های مواد مخدر قرار گرفته و مواد تولید شده ی کشورهای آسیایی از راه ایران به روسیه و از آنجا به اروپا منتقل می شود در ایران به علت فقر؛ بیکاری و تورم؛ بی افقی اغلب جوانان ایران به اضافه ی نبود عوامل تفریحی و سرگرمیهای سالم و سازنده؛ نبود مکانهای ورزشی و فضای آموزشی لازم؛ همچنین نبود آموزش لازم در این مورد و مکانهای مددرسانی برای معتادان در اکثر شهرها؛ سرخوردگیهای نسل جوان از معضلات عدیده ای که دامنگیرشان شده است و نیاموختن مهارت های اجتماعی و آموزش و پرورشی؛ را برای رواج و افتادن آنها در دام مواد مخدر آسان نموده است به گفته ی مقامات رژیم ۸۳ معتادان در شش ماه نخست سال ۱۳۸۰ را افراد بی سواد و ۷۰ از کسانی

ص ۳

www.iranarchive.com

که مبتلا به ایدز شده اند از مصرف کنندگان مواد مخدر هستند و همچنان که گفتم رژیم نه تنها برای از بین بردن و یا کاهش عوامل ذکر شده کاری نمی کند بلکه با تخصیص بودجه به امور نظامی و کاهش بودجه های رفاهی عملاً جوانان را غیر مستقیم و از یک کانال نامرئی به دامن مواد مخدر هدایت می کند دست داشتن عوامل اطلاعات رژیم در امر خرید و فروش مواد مخدر چه در داخل کشور و چه در امور بین المللی از دیگر کانال های است هنوز هیچ تحقیق موثق و آکادمیک و علمی به مردم ارائه نشده است که علل گسترش و رواج مواد مخدر در میان جوانان را به خوبی نشان بدهد و یا اگر هم انجام گرفته است مانند بسیاری دیگر از موارد جزو اسناد طبقه بندی شده و محرمانه است •

رژیم این کار را در مناطقی که جنبشی زنده در آنجا علیه رژیم در جریان است با شدت بیشتری انجام می دهد در کردستان که تا همین چند سال پیش یکی از استان های نمونه ی کشور از لحاظ درصد کم معتادین بود اکنون به لحاظ تعداد معتادین و ارزانی مواد مخدر در صدر استان های کشور قرار دارد و اسناد موثقی موجود است که مستقیماً کار پخش و توزیع مواد مخدر را خود اطلاعات برعهده گرفته است در کردستان تمام مواردی را که در بالا برشمردم با چند برابر شدت و حدت وجود دارد و برای مثال بیکاری بیداد می کند و یا بهتر است بگویم که ستم ملی در سرمایه گذاری و انواع طرحهای عمرانی نیز به خوبی عیان است وسایل تفریحی نسبت به دیگر مناطق ایران در سطح نازلی قرار دارد و مکان های آموزشی و تفریحی مانند ورزشگاهها و سینما قابل مقایسه با سایر جاهای ایران نیست همه ی اینها باضافه ی سرکوب و نبود هیچ گونه آزادی اعم از فردی و جمعی در این خطه و سرکوب هر حرکتی مردمی جانب رژیم و از طرف دیگر دسترسی آسان جوانان به مواد مخدر با قیمتی کمتر از پول یک پاکت سیگار جوانان کردستان را در معرض خطر جدی قرار داده است •

کردستان از دیگر مناطق ایران غیر صنعتی تر است و میزان بالای بیکاری در استانهای کردنشین از جمله دلایلی است که توانست مواد مخدر در آن و با نظارت مستقیم حکومت گسترش یابد حکومت که از دست جوانان کردستان و احزابش ضرباتی جبران ناپذیر نوش جان نموده است برای مقابله با این نیروی سرزنده و مقاوم دست به حیله ای بسیار غیر انسانی زده و با پخش مواد مخدر جوانان زیادی را در کام مرگ و مواد مخدر فرو برده است •

راه رهایی و نیفتادن در دام مواد مخدر شرکت گسترده و وسیع جوانان در گروهها و محافل سالم ورزشی و مطالعاتی و هم چنین هسته های سیاسی و افشا کردن سیاست های رژیم از طریق این هسته ها و گروهها و پرداختن به کار و امور فکری است جوانان باید دارای این اعتماد بنفس قوی باشند و این را نیک درک کنند که همگی در برابر دو دشمن قرار دارند که یکی معلول دیگری است و آن هم جمهوری اسلامی و مواد مخدر هستند که باید سعی کنند از نزدیکی به هر کدام از این دو خودداری کنند گرچه در کشوری به لحاظ کمبود امکانات تخصصی و بعضی دیگر از امکانات زندگی میکنیم و در مضیقه هستیم اما هوشیاری و مراقبت های دوستان و رفیقان از همدیگر و سرگرم شدن به کارهای ذکر شده می تواند حداقل در کاهش مبتلایان به مواد مخدر موثر واقع شود کمپین رادیو کومه له در این مدت اثرات مثبت و مشهودی بر کاهش مصرف مواد مخدر داشته است و جوانان بیشتری به سیاست و مبارزه ی سیاسی علاقمند شده اند و همین خود بیانگر اینست که ما می توانیم با همبستگی و هوشیاری این نیرنگ جمهوری اسلامی را خنثی نماییم هیچ گاه معتادان را از خود نرانید و آنها را با آغوش باز بپذیرید و سعی کنید که بتوانید آنها را به لحاظ روحی و جسمی تقویت کنید •

* * *

اخبار شهرهای کردستان •

بوکان ••

طبق اخبار رسیده از شهر بوکان به طور گسترده ای تراکت و اعلامیه های کومه له به مناسبت گرامیداشت روز پیشمرگ کومه له پخش شده و در اکثر خیابان های اصلی شهر شعار زنده باد کومه له و زنده باد نیروی پیشمرگ کومه له مشهود بود در این مکان ها فعالین کومه له دست به کار تبلیغی زده اند •

محله های مجبورآباد ؛ علی آباد ؛ سه راه خاوران ؛ سیلو ؛ نیروگاه برق ؛ کلهرآباد ؛ فرهنگیان ؛ مجبورآباد ؛ دروازه قبران ؛ اطراف بیمارستان قدیم ؛ ابوذر ؛ جاده حصار ؛ پارک ساحلی ؛ کل تپه ؛ اطراف سینما ؛ آموزش و پرورش و اطراف آن ؛ چهارم آبان ؛ فرهنگیان تازه ؛ سه راه شهامت ؛ کشتارگاه ؛ آموزش و پرورش و امیرآباد تازه و قدیم هم چنین در خیابان های همین ؛ خیابان سقز ؛ بلوار کردستان ؛ کمربندی ؛ خیابان قدیمی و چهارراه حقیقی کار تبلیغی گسترده ای صورت گرفته بود •

روز جمعه ۳۱ خردادماه ؛ در قسمتی از کوههای اطراف شهر و از جمله در کوه معروف ناله شکینه آتش روشن کرده بودند طبق همین خبر در روستای ترجان نیز کار تبلیغی صورت گرفته است و مردم در این روز به ابراز شادی و خوشحالی پرداخته و این روز را به همدیگر تبریک گفته اند و

www.iran-archive.com

مزدوران مستقر در پایگاه ترجان به سوی تجمع مردم تیراندازی نموده اند؛ اما آسیبی به مردم وارد نشد.

کامیاران

براساس اخبار رسیده از شهر کامیاران و روانسر؛ در این مناطق نیز فعالین کومه‌له به مناسبت گرامیداشت روز ۳۱ خرداد؛ به کار تبلیغی وسیعی دست زده و با پخش تراکت و اعلامیه‌های کومه‌له در داخل شهرهای کامیاران و روانسر و اکثر روستاهای این مناطق؛ این روز را گرامی داشته‌اند.

بنا به همین خبر؛ مردم روستاهای پشته؛ الکه کون و ماراب این روز را به طور شایسته‌ای گرامی داشته و از آن استقبال کرده‌اند. ساعت ۱۰ جمعه شب ۳۱ خرداد ما؛ هم‌زمان با برافروخته شدن آتش بر قله‌ی کوچکه رش ماراب؛ در داخل روستا نیز تراکت‌ها و اعلامیه‌های کومه‌له پخش شده و تابلوها و دیوارهای بیشتر اماکن روستا با شعارهای کومه‌له مزین گشته بود. بر روی دیوارهای مخابرات؛ خانه‌ی بهداشت؛ نانوایی؛ مدرسه‌ی ابتدایی و مسجد روستا شعارهای کومه‌له به چشم می‌خورد که این شعارها عبارت بودند از:

گرامی باد ۳۱ خرداد؛ روز پیشمرگ کومه‌له؛ زنده باد آزادی و برابری؛ در اهتزاز باد پرچم سرخ کومه‌له؛ مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد کومه‌له؛ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران؛ در روستای پشته نیز علاوه بر شعارهایی در دفاع از کومه‌له؛ ستاره‌ی سرخ کومه‌له دیوار برخی از ساختمان‌های این روستا را مزین ساخته بود. گزارش‌ها حاکی که نیروهای سرکوبگر اطلاعات کامیاران و نیروهای پاسگاه گشکی؛ نیروهای زیادی را به روستای ماراب گسیل داشته؛ این روستا را محاصره کرده و به آزار و اذیت مردم پرداخته‌اند و از شعارها فیلم برداری نموده‌اند. مردم در این مورد تحت فشار و بازجویی قرار دارند.

بنا به همین گزارش؛ در داخل شهر روانسر و اطراف نیز به مناسبت روز پیشمرگ کومه‌له مردم به ابراز شادی و خوشحالی پرداخته‌اند و فرارسیدن این روز را به همدیگر تبریک گفته‌اند.

مهاباد

در شهر مهاباد نیز از روز سی ام خرداد ما؛ شهر حال و هوای دیگری داشت و مشخص بود که مردم خود را برای روز پیشمرگ کومه‌له آماده می‌کنند. تراکت و اعلامیه‌های کومه‌له در هر کوی و برزن به چشم می‌خورد. شعارهای زنده باد نیروی پیشمرگ کومه‌له و زنده باد کومه‌له در بسیاری از محله‌ها به چشم می‌خورد. نقاطی که کار تبلیغی در آنها صورت گرفته بود عبارت بودند از: پشت ترمینال و اطراف تپه قاضی؛ دانشگاه مهاباد و اطراف آن؛ صداو سیما؛ باغ میکائیل و اطراف فرمانداری. هم‌چنین در بسیاری از روستاها؛ مدرسه‌ها و جاده‌های اصلی؛ تراکت و شعار کومه‌له به مناسبت استقبال از روز پیشمرگ کومه‌له نوشته و پخش شده بود.

بنا به گزارشی که از شهرستان مهاباد به دستمان رسیده است؛ زنی به نام پری سیما لاهوتی که چند ماه پیش ناپدید شده بود؛ جنازه‌اش در سد مهاباد پیدا شده است. پری سیما در اثر فشارهای زندگی اقدام به خودکشی کرده بود.

سردشت

شهر سردشت نیز به مناسبت روز پیشمرگ کومه‌له و استقبال از این روز؛ حال و هوای دیگری به خود گرفته بود. در تمامی خیابان‌های اصلی شهر و اطراف؛ بیمارستان این شهر؛ آشان؛ اطراف مسجد جامع سرچاو؛ کانی مری؛ کمربندی؛ پارک شهر و سرقبران تراکت و اعلامیه‌ها و شعارهای کومه‌له دیده می‌شد. رژیم نیروهای زیادی را روانه داخل شهر و هم‌چنین اطراف شهر کرده بود تا به خیال خود جلو کار تبلیغی را بگیرد؛ ولی خوشبختانه از این کار طرفی نبست.

هم‌چنین در مناطق ربط و آلان نیز کار تبلیغی صورت گرفته است.

مریوان

خوانندگان عزیز ما در شماره‌ی قبل خبرنامه خبری را از مریوان چاپ کردیم که در آن از خودسوزی یک زن به نام سهیلا خبر دادیم و گفتیم که ایشان در بیمارستان شهر سنندج بستری است.

براساس تازه‌ترین خبر که دریافت کرده‌ایم؛ متاسفانه با خبر شدیم که سهیلا در اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست داده است. ما مرگ سهیلا را به خانواده و دوستان ایشان تسلیت می‌گوئیم و خود را شریک غم آنها می‌دانیم.

بنا به خبری که از منطقه‌ی مریوان به دستمان رسیده است: روز یکم تیرماه جاری نیروهای انتظامی رژیم در ادامه‌ی اذیت و آزار کاروانچیان و زحمتکشان این منطقه؛ روی پل جشنی آباد را بر کاروانچیان بسته و آنان را هدف تیراندازی قرار داده‌اند. طبق همین گزارش ص ۵

www.iran-archive.com

در جریان تیراندازی نیروهای رژیم به سوی کاروانچیان، شخصی به نام علی مروارید مورد اصابت پنج گلوله قرار گرفته است. متاسفانه حال وی بسیار وخیم است و هم اینک در بیمارستان مریوان بستری و تحت مراقبت‌های ویژه‌ی پزشکی قرار دارد.

اخبار دیگر مناطق ایران

تهران

بنا به گزارش‌های انتشار یافته از سوی پزشکی قانونی ایران، آمار خودکشی در ایران محرمانه بوده و این آمار تنها از طریق معاونت قوه قضاییه می‌تواند در اختیار مطبوعات قرار گیرد.

این گزارش هم چنین حاکی از آن است که هر هفته ۱۲ تا ۲۰ جسد ناشناس در تهران کشف که تنها برخی از آنها شناسایی می‌شوند. و هم چنین روزانه بین ۲۰ تا ۳۰ نفر افراد مشکوک به مصرف مشروبات الکلی از سوی نیروی انتظامی برای آزمایش به سازمان پزشکی قانونی فرستاده می‌شوند.

پنج عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، منتخب علامه بعدازظهر چهارشنبه ۵ تیرماه جاری با درخواست آزادی دانشجویان زندانی و عدم سنخیت و تناسب بین میزان جرم و محکومیت افراد در روند بررسی این دادگاه در مقابل ساختمان قوه‌ی قضائیه تحصن کردند. به گزارش خبرگزاری ایسنا این افراد عبارتند از: سعید رضوی فقیه، عبدالله مومنی، مهدی امینی‌زاده و داور نظری اردبیلی. پس از ساعتی رایزنی با یکدیگر، در مقابل درب اصلی قوه‌ی قضائیه تحصن کردند و نامه‌ای خطاب به ریاست جمهوری نوشته‌اند. آنان در این نامه علاوه بر طرح تقاضای آزادی دانشجویان زندانی سیاسی و درخواست آزادی هرچه سریع‌تر آن‌ها، از روز چهارشنبه در مقابل دفتر قوه‌ی قضائیه به تحصن همراه با اعتصاب دست زده‌اند.

یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، زمان پایان دادن به این تحصن را رسیدن به نتیجه‌ی مشخص اعلام کرد و گفت که اگر به این نتیجه برسیم که بستر آزادی دانشجویان سیاسی فراهم می‌شود، به تحصن و اعتصاب غذای خود پایان می‌دهیم.

بنا به آخرین خبر، تعداد متحصنین به شش نفر رسیده است و خواهان آزادی دانشجویان دستگیر شده در جریان سرکوب دانشجویی و در زمان حمله به کوی دانشگاه هستند.

شیراز

جمعی از استادان و مربیان دانشگاه شیراز در اعتراض به مشکل مسکن خود در مقابل ساختمان استانداری فارس تجمع کردند. عبدالله شاه‌حسنی مدیر کل دفتر سیاسی و انتظامی استانداری فارس در جمع معترضین گفت که تعاونی مسکن دانشگاه شیراز حدود شش سال قبل متقاضی واگذاری اراضی پشت ملا بود ولی به دلایل فنی و مشکلاتی که وجود داشت دستگاههای ذیربط با واگذاری این اراضی و تغییر کاربردی آنها موافقت نکردند. وی با اشاره به مشکلات واگذاری زمین و وجود متقاضیان زیاد در سطح استان گفت که علی رغم این مشکلات مقرر شد که حدود یک هکتار از اراضی یاد شده تغییر کاربردی داده شود و به صورت آپارتمانی درآید؛ ولی این مساله مورد قبول برخی از استادان واقع نشده است و دست به تجمع زده‌اند.

مشهد

نشریه‌ی دانشجویی را «نو» ما لغو شد. مهندس ابراهیمی مدیر فرهنگی دانشگاه فردوسی مشهد در گفت و گویی اظهار داشت که این نشریه به شکایت مدیریت فرهنگی دانشگاه فردوسی و به استناد بند چهار ماده‌ی ۶ نشریات دانشجویی، برای مدتی مجوز خود دانشجویی، برای مدتی مجوز خود را از دست داده است. علت توقیف این نشریه نیز همانند سایر نشریات توقیف شده، هتک حرمت مدیریت فرهنگی و ذکر موارد خلاف واقع در این نشریه عنوان شده است.

قابل ذکر است که نشریه‌ی را «نو» در شماره‌ی پیشین خود در مطلبی با عنوان دانشجو، سرباز فرهنگی انتقاداتی را نسبت به مدیریت و سیستم فرهنگی دانشگاه وارد کرده بود.

میاندوآب

طبق اخبار رسیده از کارخانه قند میاندوآب، به مناسبت روز پیشمرگ کومه‌له در این کارخانه کار تبلیغی انجام شده است و تراکت‌ها و اطلاعیه‌های کومه‌له در میان کارگران پخش شده است.

به صفوف نیروی پیشمرگ کومه‌له بپیوندید

www.iran-archive.com

اطلاعیه‌ی شماره دو
دبیرخانه‌ی کومه‌له در مورد گرامیداشت ۳۱ خرداد روز پیشمرگ کومه‌له از جانب مردم کردستان

هم چنانکه در اطلاعیه‌ی پیشین به آگاهی رساندیم، آکسیون گرامیداشت ۳۱ خرداد، روز پیشمرگ کومه‌له در کردستان در سطح سراسری و به صورت گسترده‌ای پیش برده شد.

شهرهای مریوان، بوکان، سردشت، کامیاران و مهاباد نیز روزهای قبل از سی و یکم خرداد حال و هوای دیگری داشت. تراکت و نوشته های پشتیبانی از پیشمرگان کومه‌له در سطح شهر و روستاها پخش گردید و جوانان در سطح وسیعی به شعارنویسی برای ارج نهادن از کومه‌له و پیشمرگانش پرداخته و شعار "زنده باد سوسیالیسم" و "زنده باد جنبش انقلابی کردستان" آذین بند اماکن عمومی و خیابان های شهر بود.

در بخشی از محلات در مریوان و کامیاران، مردم پرچم سرخ کومه‌له را بر سه راهها و اطراف نصب نموده بودند.

در بوکان علاوه بر کار تبلیغی وسیع در شهر، بر بلندیهای اطراف آتش روشن نمودند و در مهاباد تراکت کومه‌له در میان مردم دست به دست می گشت.

مزدوران جمهوری اسلامی خشمگین از چنین پیشوازیی از روز پیشمرگ کومه‌له، در مواردی به اذیت و آزار مردم پرداخته اند. در مریوان به روستاهای نژمار و سرنژمار ریخته و مردم را کتک کاری نموده اند. در مراب کامیاران روستا را محاصره نموده و به اذیت و آزار مردم پرداخته اند و از تراکت ها و پرچم سرخ بر روی کوههای اطراف فیلم برداری نموده اند.

•

•

•

دبیرخانه‌ی کومه‌له "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران"

۲۰۰۲۰۶۲۳ برابر با ۱۳۸۱/۴/۲ •

خجسته باد روز پیشمرگ کومه‌له

"نیروی پیشمرگ کومه‌له، این بازوی مقاومت خلق کرد، فداکاری و مقاومت را در ابعادی اجتماعی گسترش داد و به عنوان یک واقعیت عینی و روزمره به نمایش گذاشته و باور عمیق آنها به مبارزه‌ی استثمار شدگان و ستمدیدگان و دفاع از منافع آنها را در دل هزاران مبارز سوسیالیست پرورش داد و امید به رهایی و مبارزه برای آن را در قلب توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان کردستان زنده و شعله ور نمود" ایستادگی و مبارزه‌ی قاطع و جسورانه علیه رژیم های سرکوبگر از جمله جمهوری اسلامی و مبارزه برای رفع ستم ملی از مردم کردستان، دفاع پیگیر از حقوق کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و آزادی های دمکراتیک، همه و همه بخشی از هویت سیاسی و شناسنامه‌ی نیروی پیشمرگ کومه‌له است.

در این راه هزاران پیشمرگ جان خود را فدای این اهداف کرده اند، که اولین آنها رفیق سعید معینی، اولین پیشمرگ "کومه‌له است که در سال ۱۳۵۷ در نبردی با سربازان رژیم عراق در روستای دری کردستان عراق جانباخت". به همین مناسبت کومه‌له "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران"، ۳۱ خرداد را به عنوان روز پیشمرگ کومه‌له تعیین کرده است تا به این وسیله به فداکاری این فرزندان خلق کرد، چه آنهایی که در این راه جان باخته اند و چه آنهایی که حالا در سنگر کومه‌له مبارزه می کنند، ارجی نهاده باشد. "این روز نه تنها برای مبارزین و فعالین کومه‌له بلکه برای میلیونها انسان شریف و آزاده یادآور این آرمانهای انسانی و خاطره‌ی هزاران رزمنده‌ی انقلابی، پرشور و صمیمی است که در راه عشق به انسانیت، برابری، آزادی و دفاع از ستمدیدگان لحظه‌ای در فداکاری جانشان تردیدی به دل راه ندادند". روز پیشمرگ کومه‌له، یادآور فداکاریهای این رزمندگان است و همچنین زمان تجدید عهد برای ادامه‌ی راه این عزیزان است. "روز ارج نهادن به همه‌ی کسانی است که صمیمانه در این نیرو فعالیت نموده و دوره‌ای از عمرشان را در آن گذرانده اند و موجبات شکل گیری و رشد آن را فراهم نموده اند".

•

•

کومه‌له "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران"

کمیته‌ی کانادا •

www.iran-archive.com

ادامه‌ی مجلس و یورشی تازه...

به تصویب رساند و به شورای نگهبان ارسال داشت که سن ازدواج برای دختران ۹ سال تعیین شده بود؛ که با اعتراض و نارضایتی نمایندگان زن حاضر در مجلس شورای اسلامی؛ شورای نگهبان مجبور شد این لایحه رد کند؛ اما در روزهای اخیر قانونی از همان دست و حتی ارتجاعی‌تر از طرف مجلس به تصویب رسید و به مرحله‌ی اجرا گذاشته شد. سن ۱۳ سالگی از جمله دوره‌های حساس زندگی کودکان است که فرد با گذراندن دوره‌ی کودکی پای در مرحله‌ی نوجوانی؛ که هنگامه‌ی رشد و شکوفایی فکری و جسمی است؛ می‌گذارد. مجلس شورای اسلامی با طرح و تصویب چنین قانونی موجبات آشفتگی فکری و روحی دخترانی را فراهم می‌آورد که هنوز دنیای کودکی و نوجوانی را پشت سر نگذاشته و در فکر بازی و جست و خیزهای کودکانه هستند. رژیم جمهوری اسلامی با عقلیت اسلامی و ارتجاعی‌اش قانونی را به مرحله‌ی اجرا گذاشته است که دارای تاثیرات مستقیم منفی جسمی و روحی بر این دختران بوده و در تضاد با علوم پزشکی متداول است. ازدواج دختران در سنین کم موجب برهم خوردن سیستم جسمی آنان شده و از رشد عادی دختران جلوگیری می‌کند.

گذشته از این‌ها آیا دختران و پسران با ازدواج در سنین پایین خواهند توانست به طور مستقل در مورد آینده‌ی زندگی مشترکشان تصمیم بگیرند؟ و آیا دختران ۱۳ ساله و پسران ۱۵ ساله می‌توانند مسئولیت سنگین فرزندانشان را؛ در حالی که خود هنوز بچه هستند؛ عهده‌دار شوند و فرزندانی شایسته و بهنجار را تحویل جامعه دهند. این قانون هم به مانند بسیاری دیگر از قوانین زن‌ستیز رژیم زنان ستمدیده را در مرداب خود غرق خواهد کرد.

جالب این جاست که این پدران و مادران طبق قانون نمی‌توانند تا چند سال بعد از ازدواجشان نیز در سرنوشت جامعه دخیل شوند و حتی از دادن رای محروم هستند. چوم سنی که رد ایران بتوان به پای صندوق‌های رای رفت ۱۶ سالگی است. این هم یکی دیگر از قوانین متضاد در جمهوری اسلامی است که اتفاقاً نمونه‌اش کم نیست. این قانون تنها در راستای پیش بردن سیاست‌های ضدانسانی این رژیم است. این قوانین که مبتنی بر شرع اسلامی است کاملاً با علوم و زندگی مدرن امروزی در تضاد است و دختران و زنان را منزوی و از کاروان ترقی و پیشرفت بیشتر از اینها هم دور می‌سازد. دختران و پسران مبارز و آزادیخواه مصوبه‌ی اخیر مجلس شورای اسلامی؛ که در دست اصلاح طلبان هم قرار دارد؛ نشان داد که جناحین رژیم در اصول هیچ فرقی با هم ندارند و سلامت فکری و جسمی شما را مورد تهدید جدی قرار می‌دهند. نگذارید که بیش از این‌ها دام بندگی شما را بگسترانند. با مبارزه‌ی خود تمامی قوانین قرون وسطایی این رژیم را به زباله‌دان تاریخ بریزید و کلیت سیستم و حاکمیت را به زیر بکشید. این گونه قوانین را با فرهنگ عالی خود زیر پا بگذارید و نشان بدهید که فرهنگ شما غنی‌تر از این است که چند ملای مفت‌خور برای زندگی آینده‌ی شما طرح‌های شوم بکشند و دوران طلایی کودکیتان را برباد دهند.

...

ساعات پخش

رادیو دهنگی کومه‌له

روز ساعت ۱۰:۳۰

شب ساعت ۹

صبح ساعت ۷

بر روی سه طول موج کوتاه ر...

۴۹ متر برابر با ۶۸۱۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر با ۴۶۱۵ کیلوهرتز

۷۵ متر برابر با ۳۹۳۰ کیلوهرتز

با رادیو کومه‌له - صدای کومه‌له همکاری کنید.

آدرس پست الکترونیکی - ای میل - رادیو کومه‌له

Komala_ radio@hotmail.com

آدرس پست الکترونیکی - ای میل - کمیته‌ی مرکزی کومه‌له

Komala1348@hotmail.com

زنده باد سوسیالیسم

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
Fraiday
28/6/2002
No. 70

چراغ سبز جناح های رژیم به آمریکا

هوشیار محمودی

"مناقشات و درگیری های لفظی میان ایران و آمریکا" از پس از قیام ۵۷ و طی حاکمیت رژیم اسلامی، پروسه های متعددی به خود دید که تغییرات آن در هر مرحله عیان و بر کسی پوشیده نیست. این رژیم یکی از دست آویزهایش برای عوامفریبی اتخاذ ژست ضد آمریکایی بوده و هست. اما پس از عملیات ۱۱ سپتامبر، تغییراتی بر مناسبات ایران و آمریکا حادث شده است. آمریکا همکاری ایران با القاعده و طالبان و حمایت این رژیم از گروههای تروریستی را علناً اعلام نموده و از این مساله به عنوان عامل فشاری علیه رژیم ایران و به منظور تاثیر گذاری بر جناح های داخلی آن ایجاد نموده است.

به طور واقعی هم این فشارها بر هر دو جناح رژیم موثر بوده است. از یک طرف نمایندگان اصلاح طلب در مجلس خواهان رابطه با آمریکا شدند و از سوی دیگر جناح محافظه کار به تکاپو افتاده تا اگر هم سازشی با آمریکا صورت می گیرد تحت نظر و در رابطه با جناح خودش باشد. در مجموع رقابت بین جناح ها بر سر رابطه با آمریکا و چگونگی این رابطه کاملاً آشکار و روشن است. این پیروان خط امام و این رهروان راه خمینی در پشت جار و جنجال ضد آمریکایی شان، در تلاشند تا گوی سبقت را در برقراری رابطه از جناح رقیب بربایند. هر دو جناح حاضرند منافع مردم و کشور ایران را قربانی کنند و با آمریکا بسازند، اما به شرطی که آمریکا تضمینی به آنها بدهد. رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، اگر دیروز علیه آمریکا داد سخن می داد، امروز اعلام می دارد ما قصد ماجراجویی با آمریکا را نداریم و حاضریم با آمریکا ارتباط برقرار کنیم، مشروط بر این که آمریکا هم سطح کشورهای دیگر گردد. نمونه ی این همکاری هم مساله ی افغانستان است که آمریکا از ایران ممنون بوده است. آری شیطان بزرگ دیروز دعوت به همکاری می شود، چرا؟ چون این رژیم و همه ی جناح هایش دیگر در میان مردم اعتباری ندارند، مردم توهمی به این رژیم ندارند. موقعیت این رژیم آن چنان متزلزل شده است که حاضرند در مقابل آمریکا هم به زانو درآیند. در عین حال در تلاشند رابطه ی خود را با فراطیون اسلامی حفظ کنند. هر کس که اظهارات چند ماه گذشته ی سران رژیم را شنیده و خوانده باشد، متوجه خواهد شد که به طور آشکاری دچار گیج سری گردیده اند. خواهد فهمید که اظهارات ضد آمریکایی آنها، ذره ای مترقیانه نیست، بلکه کاملاً ارتجاعی است. دعوت اخیر رفسنجانی هم از آمریکا در راستای همان سیاست ارتجاعی و به منظور سرکوب مردم است. سکوت خامنه ای در مورد اظهارات رفسنجانی، نشانه ی رضایت خاطر وی برای انجام معامله با آمریکاست. در عین حال دولت آمریکا هم بارها نشان داده است که ظرفیت سازش و بندوبست با ارتجاعی ترین محافل سیاسی را برای حفظ منافع خود دارا است. آمریکا علیه انقلاب حتی ممکن است با ارتجاع اسلامی هم بسازد. اما واقعیت این است که احتمال امکان این معامله کاهش یافته است، چون هم رژیم ایران از پایگاه مردمی برخوردار نیست و هم آمریکا اگر در چنین معامله ای وارد شود، جز رسوایی و بدنامی بیشتر نصیبی نخواهد برد. بن بست اسلام سیاسی با دادن چراغ سبز به آمریکا هم قابل حل نیست.

• • •

• اخبار و گزارشات خود را با این شماره
• فاکس برای رادیو کومه له ارسال دارید.
Fax:
001-5617605814

شماره تلفن نمایندگی کومه له در شهر سلیمانیه کردستان عراق.
•
۳۱۲۴۷۱۱

آدرس صندوق پستی کومه له در خارج از کشور
Postfach 800272
51002 Koln
Germany

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران

www.iran-archive.com